حیاتِ حکیم الامت مولانا اشرف علی تھانویؒ کے درخشاں

پہلو (علمی آثار و

تجدیدی مساعی) منتخب: مقالات و مضامین

موكافرت بل تمادو

with the same

فرهاكيان من المعالم ال

حكيم الأمته يضرموكنا إنترف على تعانوي

ير مان مردور ميد والملت الأرعمية

حكيم الامن حفرت تضافوي التنظيم التي متيات وافعات ادافتيا مات كمايشنين



احكام القرآن تحانوي تيناللة : ايك تعار في مطالعه

والم جنداتها في

ا دَا مِ الرَّآنِ (قَانُونِ) . في وتصوصيات - ﴿ 1 ﴾--, re-t "NE

ا حكام القرآن (تقانويٌّ) منج وخصوصيات دُاكِزِي معدصد لِي *

احكام القرآن مفتى عبدالشكورتر مذى - تعارف ومنج

محمر عبدالله چنيوني •

مان القرآن مصنف عليم الامت مولانا اشرف على تفانويٌ كالك تحقق جائزه

روفير واكثر ملاح الدين الى الله

هر ونظر___اسلام آباد

تعارف و تبمره کت ام كاب : حفرت عليم الاست، عدد لمت مولانا الرف على قبانويٌّ كم على اورعملي

436234

مولانااشرف على

ملفوظ حكيم الاست

تهانوي

مضامین کے نام رکھنا 41 - فرماما میں ملفوظات کے نام بھی رکھ دستا ہوں جانے جھوٹاساہی وخره بواورفتوى بويا كيدغرض جوسفهون ابمر بوباسي اش كانام ركه ديتا

بول كداس س اس كاهاصل كرتاسهل بوتا بي سفالاً الرجيب كما ومنكانا سل حوالدد عين أسال مولى ب الركس اومعنمون من اس عوالد كى خرورت بوتوسولت بوق ہے.

سفرنامه لاېور و لکهنئو

ص نمبر 1**79**

avin i

حكيم الأمته يضر مطينا اشرف على تعانوي

ندرستان تاراستان تاراستان تاراستان که کران سیفرارا و میزین نظر تاریخ می اک تعدید این امریخ به میزاد تاریخ الایا میزاد این ایران که دولان برای امروکان برای ایران از سال این از سال این از ایران از ایران

د فذات بعد ما بيده المريد و المدادي و بالام مودف بالدوات الموافق المنظمة المريد المريد المريد المريد المريد الم « مدادي قد بالمريد و المريد و المريد و المريد و بال كاستان فران المريد أن الدوا المساعب الموافق بسير . به والمدت نام المتوجب على ماسب المادي في تريز و يحد كاميد المدتى المديد بينا ابن أمير و الانتهام و المريد الم

ا آماست آنا کی دورول کندواد شیافان کے ساون که سروانام سدنده کا دورون کی این تاقع ایک فراند الاقوال کن جعید میران در در کافر کرد کرد کرد کا نشار سرونام سیده این که تری ایداد حاضر شوش کال سدنش کماند کرد نشاه میران آنگ تنده ای می شغیل دوران بدورون کرد کی بیشتر فران کی شیار کرد کرد کرد کرد کرد کرد کرد کرد نشاه میران آنگ تند .

در الشريعية المساولية الما المساولية المساولية المساولية المساولية المساولية المساولية المساولية المساولية الم إلى المساولية المسا المساولية ا

مدنت عكم اوست كي والدوماجدومي اكب صاحب أنبيت إلى في تفيس -

Si y sicu معنرت مكم الاست كم مامول ميري احداد كلي صاحبً إكب زبروست عال دقال زرگ تقده برايني وقت ك تعذاب

و مانظ قدم رحتى ما حب إلى بي ك مشوره عصد أو وكي تظرف وك. بدل مادم على يرف الدلكان عراب ما يى كاليار سراد ريك ماسك لمادت مي داخل بوكة منهون في لا درياست كالشكر كافتر ودويق انتداك مى أوصرت عكيراوست كومسا كورخائق مين ان ساختلات نفا كمران كامذية مشق برطال قال تدريقا عكيراوست ميدان ك اتفارت آگ برسی می جنا بنان کارشوطرت اقدال فراوانق زاا ب ع

ساق ترامتى سے كيا مال موا موكا بد جسية نو شديد من الله تعلق مع الله كار

حرب الدر عاب على الل ورم كالدى وال الشار واز ادر عامر والسيدال في مراد شاه فيادا عربوي

يك نليد ناس كريد اورما فلا خوم رتفاه احب سي ضوح اللق ركف سيد حرت اقدى كم يد اللي المقال شاب الدين وزع شاه الكاني من الداد ومن شورع مقام ميون كم مادو مقرت

يَّتُ مِدَوالعَتْ ثَانَى قَدْس بِرَهُ يَشْعُ مِدال الدِين صَائِم في الدَّشِينَ فرجالدِين كَيْ تَكريبي كالمين يوسك بين الودهزت فريانتاه ينظر مال كالى د ب ادر سلفت غراف يرك زوال وجليرتها و كالت كن يار جندشان وعدك كافرون كوز كما العدام أو ل يتداوم عفراغت بالرجاواكر في معرون و ك ك الل ككيدكون الشي بنال بزركان وشت ك آك زاؤك المه ت وكالمرتبال كويت الدراك عالم كانين راب كا ادر مير ليد دفات وين وفي بوت ريد موض أن يحب ودة في شادة عمر عاض والدرايات ا

تأكيرا ونهازنا ستد الباعة واراثيرم استرامها

ولاؤت اور محلوب بعد المراب كويل ماك نفور بين أكماء بي عالى خالدان مي جان وات است و المست او زيد فقاق حرت الدَّي كم دالدروي ك دور زوند وري ال كالإيلام و كالوسون بسيال وقد وي نادي م و ورا هياسة أنجوراكني ذاكرت مشوره سيامي وواكمال متى ترقابي ضواعي مأرسيدان كالغربروم كالوشاس صاحر كوسني قرووت براناته بول الدونون ما قدافهم وفتى مات إلى ق و ويل كار ويرى اللك والمان من ريت ين معانف مات الدواد للاس ولا و والى كالماري مع المري المري المري المري والمرية و موالى من ما يكو يكون المريدة الدولياء بالكومات الور طلب عدوال والمسال عادال الدخال والمال الدخال المالية بالمالية المالية ا ور ين الميد كالمروب والام وخل والم و كالمار كالمري المري المري المريد ماند دادي ين كوش في ادر زارا. ول في السيد ب المنظامي فقاء مروفاء الفار الدِّيس كود وك ون كالدر تدويل ك الس الا المراقب الى مكالد

در رسالان مرك مرك مراح كالدود وي وكالدور والما والدين ما عيد والله ٥٠٠ ري الثان سائلة محرد رشرك ون مع صادق كالدوع كما ترجوه فا موك.

وي مورث كادات كالمورى من مدت كالمورة بالأرام لا موري دورت والدول كالمدود وكالدول

منافعتان المساور المس

ای تا ۱۳۰۰ بری بی کام میرکی امتفاده بیجایی کامیدهای چی دلت بدا نیستگی ادر تیم دهافت می مشکر برواند. داده و تیمش می اکارشود که این بدند مشکران افزوی می دخت به ... این حشن کی آگ تو میژند بیگی می ادر حضریت کداستای های می تا موصل میسیده است دامیدند بزدگری میسید شاچه نزوی مانش

المناصرية من طرقة أي المن يكن المناصرية عن المنافرة عن المنافرة المناصرية في المستون بالمنافدة عن المنافرة المن منام المنافزة المنافرة المنافزة ا

سنزت مود المرابع من مود المتساق الما بشارات موشوع مديدة الامراك البدائد كالا بريس بامن وما تكسيره بها سب مرجع الواق سعالام بالمستقد كما بهم تقادم من اكرسنت موادمات المراسات سعون كي انتداق كاليور ادوالم مي المرسد كل م بإشير الدس كي إنتاق كنابيء الموس واموج حاصب سعر جميع موادب الاس كمام الرست وتند بروون بيم كونتي أحاث

این طریق بر مداند. می نام را با است می کارد بازی آن آن با برای با میرده می کید از بست بی در داند بسید می این ادارای بردند به شدگی بود. می بی می کار توجه به است که از این افزار شده ای انداز می می کارد برای بازی بردند از برای مدیسته اداره برای مدیس می افزارت که دارد برای مدید را در این افزارت می افزارش می این می داد.

ی با پیشته از دو بیشته با برای میشود به این میشود به میشود با در او هستان میدند داده به به با بیشته با پیشته م می با پیشته از دو بیشته برای با برای با برای با بیشته خود به میشود با بیشته به میشود به بیشته با بیشته با بیشت می این با می میشود بیشته با بیشته بیشته بیشته بیشته با بیشته با بیشته بیشته بیشته بیشته بیشته با بیشته بیشت

میان به بیده میزند می ده وضیعه موهبی تدوی بر فیان که این پیشاه در تر بری کرد بیزان دیده که نظر نیسان که آن که میران می میشود برای بری بیزان ایسان با بیدان با بیدان بیدان بیدان میده میآلیان که در میگری بیدان بیدان بیدان م میران این که بیدان می میران می میران میران بیدان بیدان می میران داد این از این در این دادان میران می بازی می

المستوانيين معاصدة الموسدة بين وقت هذا مري إن ساكن الموسدة بين مواجئة بين متلاي وقد في الموافقة الموسدة الموافقة الموسدة الموسدة الموافقة الموسدة الموافقة الموافقة

Brown Sunday of the Control

من ما درده کار منتب ما منت را تری کام به این این شدخت ایست می دود آن ایک می تواند ایک می تران به در آنگ هری آمند و به مین با در این بر بر این این این می این می تران کار و این ما در این این از ماده این برختی که در بست و این این که در آن بر این این می تواند این که در کلی کمی تیم کار کام و آنگاری این می تواند این که این که این ک

ا مجالات را در آن با در استان اموان به این با بین با در این با بین در آن با بین بین در آن این بین در آن بین اس رای در است که داد از در استان با در استان بین این بین در استان با در این بین در استان بین بین بین در استان بین در استان در در از در این در استان در این می در استان بین این در استان بین در استان بین در استان بین در استان در در استان در استان در استان در استان در استان در این در استان در

سونت فی شور جدید از میراند از استان به این اموال میراند کا تصدیده و مول باقری کارگری نوید سده او اداما که سه پ هندس برگری نظار بازی نوید که امداد از درگ انتقار داند کا موت استان با که بازی امداد از مالا ادامان ادارای و می معدم از مقارد بازید با میراند که ماری از ماری از موت این اماری از موت از ماری از موت از مالا میراند و از ماری معدم از مقارد بازید از میراند از ماری از ماری از موت از میراند از موت از میراند از موت از موت از میراند از موت

می اتباده بدارس می اتباده بدارد داده این کاراندم دیدای در ندار به اس این مات با مقاد ما تازندی ورس میروس میروس میرود افغامید برای میرود با نداز برای میرود با نداز برای مود برای در این می می ایسان کردایشدید میرود افغامید برای میرود برای این میرود برای این میرود برای اور میرود برای اور و با میرود برای میرود برای میرود

ی آنان کے موب پر بردی گرشتہ و دی گئیں ہے۔ جن ای بہتر کے کو کسروان دادارت والدی کا کسان کے کارک برداندا واقعی شعب ہے۔ بھی میکار و دیے اس سال بھی مسلس میں ایس کسیسی نازے وہ میں دور بردیں میں شول میاورت میں معاقدہ تعقیقات اور افقار کے ماہرے کے مطالع

گرفتیار که و گزورش که سدست تعربه جا آبان ترج درس تحیل با بر کیم سه شود تند اس کا صدورت که سید بازد. که کا چود ای شد خدب را درجه است او در افداد میرک ایازت سے مغرضت همی در دید با بوار برجان کشریب سه آنگ فرجی سے تیک بست میدودل مک مدرست درسیوس آب کے کا وفضو کا تعربود کیک و

نرگوان منظ میکن میت مدود ان که مارسه در سمی برای که کار دفته کا کنرو برگیار. او حرود به تدمیری حضایه و دلام که کی موت ، و حرواها حدث مانسه کان به کوحند با کافرند نیز را با برا بسیکی تند چارشینه برای امراکین هدرست عنوشت اقد می که خوانیت به مال کار براسم کرد ما ای دود خون می مدرست یم چند می کار

ار نے کی تواہش کی معزے دا چر تکداس تھم مے جدوں کو شرفانا ہما زاور دیے تی تیرے دی کے فاون سمجے ہے۔ اس میں ایکن

white the

ر و الله يقال من جمل به الله يقط الله يعتقد المساولة الله يقال أن التنظيم أن المساولة الله يقد المساولة الله ا والله يقد الله يقد أن أو الأول أن الله يقد الله يقال ال والله يقد الله يقد ا والله يقد الله يقد ا والله يقد الله يقد ا

در المراحية في المستوان المراحية المواقع المواقع أكاراً به سعاة أدفاق في المواقع المعانية بعد معدداً المراح المراحية في المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المداعة المواقع المواقع الم المراح المراحية في المواقع الم المواقع والمراحة في المواقع المواق

المساوية المساوية المساوية على المساوية المساوي

۱۳۴۳ مین برداشت. کرس ا دو متعلق کرد چند مواکست دون تا توزه میش که اون گی بری سده او اس ایری بردادی برداشت عنوب از واست های ویس که بردایی فرد بردایی تو توزود مت فردست کی امیاب دعوت از تشکی های به از کنودندگی دوست در در

ان با المساوية المسا والمساوية المساوية ا وتأوي المساوية المساوية

مرد گانی عصر کی فورت میں اس مرت اللہ من اور اللہ من من منا اللہ مناس مقیدت ادرب من الرائے عام مرد کا اللہ مناس مرد گانی عصر کی فورت میں اس جرد کا مناس مناس من مناس اللہ اللہ من الروز الرائے اللہ مناس اللہ مناس اللہ مناس ا

المان و المحالية على الموافق المداري على مان الموافق الموافق المدارية الموافق المدارية الموافق الموافقة الموافقة

المصنعة البالي في من بعضلهم معزت القرق البيدوت كاما الدين المستقد في الديم الله من والوقود اللعد والماست كاروارات

لياب ع "تن در گرفت يافز" جاني حزب مانامني الدي سامنيه له دى دامتر مدرزه و بندا كماملة أو مين فركيد ب تفراه في في كاس قدرات

الموجهة التي التي يقد الما يقد الموجهة القالية الموجهة الموجةة الموجهة الموجةة الموجة

toobaa-elibrary.blogspot.com marta har

wis

ي كدوكات كرسى والدُمان وميد الانت در كاس فازير عمادة من شار مات احرى اكر مشور وزرگ موت بى خودان بدگ فاعزت ساكى بار دانات فرانى وايسان عالم مرے سورت جارے متے اورسون مام عرب سے رائیر - داست من ایک بل روونوں کی فات بوئی مون ساوت الزر كارونك الك مويل مي وقديد وركوب الدكن كالقذار وهزت كالم عاكرونا أو وبان الحول عاكرك " حزت وا و الوصاحث منا ذي في واكيد جدعا لم الدومون ما إلى الما والنَّما حب مكرير تعان نف الأكبن ي الريب معزت كو وكيما تنا آوزا تا ويرب فيدروالا مركا مينا تورياف وكولاكري مواروانا وسقب ماحب قدس رة في توويد درو ويدك مدس اقل ه هرت مای صاحب کے فلید در شید ادر هزت کے استادی ایے شاگر در توب دکھانی ، آپ کے زبار کالب ملی ہی اس معزت الله مرف ندر فرادا خاله خدا ك تسر جال ترما و على بس ترى تري عيد " يسيب " تاندر برو كويد ديد كويد لا حزب موانا وشياح لكوي ب ی عدمت کی در فاست کی تی اس میدی تومیات آپ کے سامت شیخ ہی کاسلاک دیاتے دے اور دا فق مزت کو آپ مے بڑی عب وقب من روات على مير ف السامان فاروا فن بزرگ كان منين وكما اودوك كسامة لامرى ميتبت اشدال ب اور معادرت دا الدكتوري كاسا فق فرات ال وال موجنا مي فلات اوب ساموم مرتاب " قيام خلا مجون ك وقت عنزت معافق ك واط وطائل كامال كرميت وقر مرة الدوليا كرف من ميب كم يه الرب أورى فوق ال وقت مى جب كوالدالا دے والے میں وہاں میں مونے گھیں می فنان نے اپنے اس مرب بندہ کی آروزی پری کردکھائی۔ اورغرب می ہو ماگزا کی شیخ المسند ما الدوس صاحب = أع كا برسان والف ب. معزت رسطيدا مرككوي كا عليف ماس ادبيان ولي ندسزت مودة لوقاتم مات عن شارد خاص عند ما معدت عامة وقع اورايف شارد كاس وعداحتام والتي تع كومرا إفضل كمال اوصعدن منتر وت معنوات عن مل كرة على شيخ الداد عوت من وياس اخلات داف بيء ده عالم الشادب ربين بدارول ب نائده اخار من الدين الدين الدين وركت را الها وآب في الدواء النوس والدين كالي كالتي رق وم كوي اليا ي ويدرالات فارداد واضع ووالفائونس تباق محمدًا مول مين وكي كرموا مول يوركون على أن بير ويك ويركون ا دائد الدين احتراض دشكايت كي بات بدان دورك اكيد اور بزرك مود الطيل احد مدانوري الدين ويعزت محسلوي على رواك فليذا كم الدواري من إي فقرآب فق معرت تقالى كالمناق فرات في المراش عالى وقت عام وقت عام ے وقت ان کونبری دی الله کی مواحظ کے شلق بروائے و کھتے تنے "ان کے بیان می ومواد مواعظ اللی و کھے تک کی گون می مثری きょうけいいはかりはとってった。

ہے توان جذر ندگوں کا ایک ایک ایک تذکرہ مواج معلی شرت کے درخشہ وستارے ہیں۔ ان کے علاوہ ادراکا بروقت شنی ممانا عمد المراح وي مودتا وخرصات وزع مي مود افليل باشا صاحب كي قدس مرة اورو يحرجيد ورز كان وي عدد تأتي دي بي اورهزت ے کے معدن ورام کا بن مان مبدول کراہے ، اور وہ حزت کے علم و اندی سے شار ہوئے ہیں — اِل ج ہی يہ توليت

د تان كريه و د المت نعليان يوت يوسن يُوسَن يُشكر

ر ما ما در از دوت مك اين عب دور ب رواد كراند رب وي دوي كريز خوري و روزت بر حق كر مود آرائيال ما فارد الميساء تغلب الشادعوت والارشيدا فرصاف كأوي كورست وابتا تشوليت الفراوية المراح المراب كالرامك المستكار

الاكالرت لا قدا

عدما في الم يلك في شق في عال كردا على إلى إنتها ميل الما معار تقري من الفرى المعام يا الربيت الدام عينت عن الشاعة عراست شاس جاكي موق كرميت كي در فواست كردي معزت قدس مرة في دران تغير من الروان مي اوراتك وزياريا كن خلا اخرت بي يزيل هيدون حريث برابر يروش بأز إ اورجب ١٢٩٩ ه بي عويت مروزًا تكري حارو ت

وقود سى دريستى الرب والموحزت ماى احداد المصاحب قدى مرة كالمدت من وليدك الراسي موالا و ولاول كالما كرين وجائد ووال عوقائي كارا وخازرا وعاسري وكرمون عالياما سيطول مي ودي سيت وفال السي وقت مية واللت كي فريد سال كالتي -

معنیت تعید اللت واجی بدا جی: و کے مخارک الرب الع قدس مرہ کے کامنوک مکونت امتیارکی جی . لکن ب مرب لى أكل على بالىب أو زال ومكان كارا مراب مجابات الأميات بين وعادت بالقرطرت عامي ما حيث فروس عد مما و مجون كا ويرشيه والأعلى ومجوياتا والمحوالب على محافظ ومنت قدس والمساقة بسيك والدمامة وكما عيما عمالا الرع كالأواورب

1512160000 والله المسائلة من بسياكم إداللت طالب على لذك تم والكان بين اثنا عن الام من مودف من المرابع بيدا بوك والنبيل كيد وبكروا مترب المعالع ، هوزت دال البينة والديام وكا معيت جي زيارت وين مترافين ك يدود ارتباق عرا

كاينالم عاكرب كى والآل فراب ك والداج عدر ك كاولا: (ك وزراك الف م چ توزيد ارات راكر الشدي و ليستى إلى بي باك ادم ي جوز راكر بشاؤ في كستى إلى

الى مدند والمتقاق كم منارسيني معزت عالى منا حب فيازماس كا بخيرة مدر مراسب توش مداوروت ا يب كافت مدروادك وداران وروايك ترري التريين وجاد على حزت والكالد الدين مفارق الدا الوحرت ماي هاست في رئائ الاحراض والماك ودكي الاست مقرمة الدوقة بينواد و كالمات كالديا الماكات مي آل بارفرلينين سندارة وكرست ومن مندمستان ويدائد ووران تام ندمغار مناسا والدراري بال كالتزار واوب الر ويوفاك رياده والمتوك والمع الواجات الدمي والتاريث الشاشية بريع بالقريق بالمعالي كمنت شق والقاب

يداسون كفودوات في المركفية في يعرمونارى بنس كون -جناني أو صحبت من المدائن وتبطي يد مود في مدت ماي ماديك كم توريد المرافع بدا الما والمرافع المرافع بالمرافع المرافع ال

سله ال كامنت وأن ي رام مووت وين وقدال اومشول الريم والروس بطرون كوماله بنايا ودير الدول ك ول من وال كا

کو بوجینا اوردانات کا دوندانار درگ زیاعه و این جریجه به درخوسی کونیزی . این مه میت افز مینان مرکزی در مذب شنخ فاری مها میت می درد ند ند این میدادان که دون قالم کا - از موجد در اندامه مرکزی این میزان می دادنا به شاره میشوین موزی کا این شدید میام او دوم شدنی دکاماتیا

ره با منظر منظر منظر و منظر المرافق المنظم المنظر المنظم المنظم في منظم المنظم و المنظم المنظم المنظم المنظم و المنظم ا

واشتلاه مي حس ترك تعلق عصع فريا إنتها أب معرضها تعكين "فرداس كدّرك المشررة وعدر يعين الدومية في الديافي

وت كرك كرمورت كور اللت الماع مين يورس وول ات آت.

toobaa-elibrary.blogspot.com بيريشد من المصادرة المستورة المستورة

وليسي الورسيسيم وهون | فيهم كيوب وشاير بهمشق كما يتون وي مل موكان تام ركا هامدن از قال ع ين نوب بون وراي شده مشق من كان ما وزنال مجار شد ماشقان دائيست علي مجتمعا

مِثْقَ می سازه دندال میان مشب د عاشقان دانسیت طلب تجیندا مِثْقَ النِّقُ مَاکسته دارد ونزار حشق عاشق ماکسته موارخوا مِثْنَ سازه درد دیستی عاشت سازه در سر که مانشدا

رشق ساده در در دخت الشوت بم مسترد در در مرسط ماشقال رشق منطق ست مرحشاق را مهار بدایستی بم قادا سبط دختون زیردی

كونيوريس في المارية من المارية من المارية الم

المساولة ال

به موده و موده باید از این موده این به ادار که دارد کار با که آدامش رخیب با بدوا : اگری داند برا برای سند. و مؤکله با اثری مربز بینیچ چه ای کس موت به طاق بخته ادامه کاران به که داری داند بین اوار برگزد ب شدن ! این آندن و پیرون شدنی واژاک این از نام بی و تروی بر سن فرستا ، این بین بدر اماد موکز این بود با نام کار و باشد در ساکای میشد کار

والطاخي موكروين فقدان يبغي عظراس فاليمال بي ميسلت عامدكا يدنيال ادرات سيد ونون يكينيت اصفواب رصى مل كي ديري الداويل صاحب كا مودي من مضاور وصوت ف سترى يديري كرف مين برمستاكي جون جول دواكي

وب اضالت والشات عدد كزرف الا والي يوديذ اليفيض باكال قدى رقى كالمدمت بير يجوايا اوراس مي يرمي وفق كي كم ات استوار شريري اداوي صاحب عدى جاره وي كه ديكن عاص كي زيوا مب يوادين الكال قدى رؤ كاندت يريسياة وت ما ي ما دب كي كوك انرتزايت المات كي ابريق آت ادراد بارودات كوسوال أن بي الله بوكات كلّ ملي موكا بر ل قائق دود بول كياكرون" اس يرج صاحب والفيذ ك كي تق امنول في وحن كياكومنوت مي مليدي ما في دالاس الربيدي كرمعارت مسالم مردر وقدان ويفرا واسان كواكر اورواياكان عكنا مب كمانان يفادم زنده يكونكي دوميعك ت رج ما كرت موجب بيصاحب مندونتان بين اورهفرت عمده الملت كوان كالأفرد آف كالقاع في توشيّا قد عين دوبري كدفت ك كريخ به من ف داد امرينها اورنان بام مي - اس عرار بها س كامال فود مزت اقدى يول بان زبات بن " قبل فلر م ن الدون الدينام الما من فقى الداملوم ما بعد ديكة بوئة وركى في بوئة كالمك جوازى مواديثة موت ية رون الأكار كدور وعزاك نعت عري روان روكي داوور باك والبرطي صاف قاياس وي مثرق وكيفيت ص مي ولكى وادرية الن الن الن العادق فالعميل رتبك للبرطوق كابد وموسك في خدمت بي ماعزي سي تبل المراعاء شراب كا

بركدازي النركر وازفلق ومشت كرو

دفتر فق مجدد اللَّت كوتفالت عدوضت شروع من الدون عدن اس من ثرق موق على ميان كل كان ويصير عبرب مقام ايت ورودرماددد اس وقديس عني دواشة خلام ك وحزي في عند المائيك الركبي لا نورت ول رواشة موحاة الموالل لا تناه مون مي حاكم ميني ما نا" مهامها حد محمسة بريمان في كفائقا و امدادية تعانه مون وكان موف "كما ق معي دوار ومركن منايا ك يكن كا في ك واغية وكرويده وكور ي بدرق قر قر رقى جاسكن من وين مندا داد فرات كام بيد العاقا الدون مدرس ما لى ات کو خاب مومل منی اس سلف سیط تنواد ب وست بداری حاصل کی معران ماروی استان است بدودان کودرس اول بنایا سف برائے ام مرتب تی قبل فران اس طرح اور عن ترقیب مدر کو برارے کے نقشان وجرے سے تاتے ہوئے اورا بل کا خورے کم المام في الاورك الزمو الالده من وي وي وي وي الدين الزري على مقاد مون الرموسيني أمل كا وواب الماء مر والداب ومون تفرلف سائلة مامد سوكراب ما فاقتر وكالكرة قامرى والفل بوقا ادراب باستعديد وموكرار وأآبادكري

ليروقت آب كعال من و عادكتا مول اورخيال ديتائية ومكوب الا دريع بمعالياه) ادم مدمة كانورك مالات وقدا و فرا درياف وريات رب اور جايات دين دب اور كان ورو وك تعق كالمال ند - بھوجب و کھا کہ درسے کی مثنیان شیک تھیک نئے رحل دی دے اوراب اظمار عزم سے اس میں فعل کا افراث مندن

أزتيل وقال مدرس ملاي لأرفت كيد مين نز خدرت معشوق ي كز" اللا يُورُ ولي و فرى ووري كالمدر كالحل كالمورة كاند وكا يل قام و الاراي من معدة وريدة والدول

ليد مرت دار است ك عرص بدر الدون ما يوامزت داي ما وبد ستان ك قيام أن وك به زي باي ديل منات روستان کو اور چر دالبلت کور کھو بس کا مقریع زویک تام آب کا نقاند میون می فرد ری ب ای تشمیل و برد کی درست میں باس م مست گرانداد كافرد كاست مى است دارى فرارى كى دارد در ما يا د تا دارد در دا فرد سايد در دارد

103234W

فاتا في مستقل قام كفانه محول المستقر عبالك المسترس مدرت وي فاعلى علىداللت لادورون والبيدورة والزمائ ال مراك رون ماي ماعت كي توت او دون من حاص ماعت واود المنيخ الرك شادت ورمات كم الله عن ما يريكي في برامت

ورى دونى مولى دونى دون والمدين والمراجع المن والدون والما وركان والمناسية في المراجعة والمواجعة ستان مرف دروارشداد تقوی کا توجه بی متوی نواندر تن شغل بی بهط می کامنا کمی جود رست عیشت باشد در مجو طلائے مراق تال بولات معتران ما مل واحدار مراق تقداد کو می ای ملک من واحد کے معاقات کی مائی مراب ك كان ورس داك ي الد قد فرور يا مودال زين ال يدوي بمها موند الداخ ي ما عيدي بين من تفاعد كونتوروك يف من بدوك في تين مقام وفالزكر عداد الدين والحروش ول عدائف كرست كالدارك بدون کا دری می موت مرود در در ان کا مینی مران در مید م المك يك والمند الك تعرف على كاورود بوا يس كاما من بندالفائل في موافقة مثلة من والع وك الريادي في مات وال ميك الى مرتبال وديستدود ديا فرموا كالعزب واداي الدكى بى يدين بوك ديان كاس كافراك الك كالوري تسف كارتاؤه وست عند "كاب وكان صاحب عن آن وال كابس ال وقت عرى موق بندوق في ، بدبادمريد ي من آنا مقال ال سال ال ر ندائے ہے مترا کے مرب ایال وجودے و ناکویال کر دور کی تکوین فرنون و جان سے بھی جزئر ہیں، وہ میں جا جی سند ہیں اس

مان دار ایس ست من من عدار او مکتاب او رس من دا من مناه مول اس سے سالدا سال من محق خواصی ممکن مندس " مات دُوع ادرما فق ما ما دو و شكى وكود بقول مون الدر الدو الديد من و وكرا ومات في آما فالدر دد طواسکرد می دورکر آزادر دو دهد و در بین کوش مند و کر کوشتان کار با جنام کردید تن آن کومی و باکور در کار در ای ایس ایستان

م شي بالدارات والكان مناولت يواري والمالك الماسان بالمدارين الم عاجم در عادمان

و من سنت كن كن بن ما عنا الدابين شديد مات ي كر داوج و صحبت بدن ك موت أحيات برمزار و روترس و يا تداسس المان ب ر دو الله كارت در الكورس وق موار ورا الكب ارشاد حزت مود الكومي قدى مروا كالدست من من كرمات ومن كردات مر يا القات ذكيا عات يعمد اللت منا زمون ترايي عن النين اوهلو الكرد باورد ويوال من عد الفال كيب إمن

مى جال كمار نق عب كاليك شد وور عدال المنظم كالمعدول من منايت من ما وكروارو

مخالفين المقانى

wind

عير دوى وصل صاحب كلوى الله قاضان عين أسف من عديد في معالي ووع كي مكر صاحب فالدود وكاك سيار كريده - دروسي ودخا من كاحدى يوم فوار فيب كادركين و نقاء علم وصت في فالقاء جدوا مقراري كي كي عالى يذوق ع كوال كسفاداى عادمت باغداى دوران مى مزت كلي عدار طفرت ادداي مالت ين والف ديد موت كلي والداري الدنتطب الشائعة والدومون (بال بل والمراجدوي دية ديك وظارت كرون القات ذكرة مامة ي ما فاعلم الدي من اليفيض إكال وعي الداوال عدامة وزيار جاسيايا والحرف أب كقب كالمات ميت اليهب ويقام مؤت ورجاعي الي ميت وائن كنير كي يبت كين ان كافل وبالب وولك عن باي في فقر ماك يوكي الدوالم ئالكد عرددات مورى كالروائد عب دن موائل كال توكان الداركة بالدال المراكد والماركة مديد عيد دور مراحي والمراج مراح والمراج والمراج المراج والمراج والمراع والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراج والمراع لهى جد فقروما كاب الشامال ترق لوائد مون الديا اليدسال كدية فلديدة عادى والمعديث في مات من من يا شارالا فل في مركز داس اكب سال وورس مزيت فيدالل يرور ماستقدين أني اس كا اخارة است ما كايا ما مكانب كالك مرتب كوربيك إنا الني بيا يون كانسل كمريس ووال كار دوات يور - ووسائي وسائب ومتات ويات آب ف كلي بين يا توسوس يوره المستعدى الني والعن كوش التي ورا ال وقت في أسن وولافد من الداللت الداول إداك الدر عادى المسال مي والماء ومراع المعادم الين فلينعيت كوز وف كي بدر وين ليدي من ال وقت مك القود فرس يا وك مك ودمان الداده كا دخوران دفت كالزرى بول الم الله في جانت بيل الى "بَعَن الشريع ليدكس قدرا عن دوي الميدا الد ال مينيت" قريك ليكنا وزوال اورتى يذرح الن "مامل مواموكا اوركيا" رسوغ " وتلك ميترانا موكا كونك وعادت ماريت -الاسل معزت موداليات كو وه مرتبعطام امي كوم عيديت العالميري عالم بعري وان معنت بدي ادر مرافلند كي ب- ويل ين

તા મહિલા કે પાકર કે માત્ર કે માત્ર કે પ્રાથમિક કે પ્રા પ્રાથમિક કે પ્રા પ્રાથમિક કે પ્

ايك طفوة وري ب واس معرت الدري كمقام عديث كالدارة بوسكات.

محدد المكن مسترقيل من المداكم التصافية بويصاف العربية بالمؤافع فروح بنيا تناسعت أفي أقد ما المن المي المناسعة في المواجعة المستوجعة من المناسعة المناسعة المناسعة المستوجعة المنابعة المناسعة المناسعة ال المن يوكن المنافق في عمل أن المستوجعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة المناسعة ا المناسعة المناسعة

مهاون الاتان

را و کارگر و کار برده امریکا دست برای کاردان و عالیت با نکستان بسید به شدند از آن با بدون به این کار خدا ما داده است نشون به جه داده سند او ترست سکام بور ای مدون به این اداده کارگر داده این کاردان شده سنده با در شد - چه و جه داده با کاردان کاردان و این بدون به می می می این داد برای با بدون به این می داد برای می داد. - چه و جه داد با شده با می داد با در داد با در این می می داد با در این با می داد با در این کاردان می در این می

در المساورة المساورة

هنام من ومتنفي خواست فردا وابن هنام هنام به بازده بهی آنا و دهای چه مهی درن بازد بیشند بازنده به در این می داد وی بازار به من به بازاری این بازار این همای بازد بازار بازند من و به داده در بازار بازار بازار بازار بازار با وی بازار به من به بازاری وی بازاری بازاری

ourse. مده الثرب والمعارق حفرت مواق عبداليان ماسب ندوى مابق يروفيه فلسف اسلام جامد عمّاتيه معزت الدس كريد منزوت واستار من طرح حزت مجدد العدة الن كادومين عاد القالب ك وان فين كارو دوار يقاسي

こと いうとっこういいいいいいいといいしい

الى معادت بردكاروست عد بخضوملات بخشيده

ضطاوقات وتنظري (المنات في المنافية ال دوالكدا كيسبيد ومن جي زندكي فلم وضيالا برزن وزير كن عددكم واست كي مودار شان كا دومون بي ست في زيد وأب تعديق زندگي درويلي وزرگي الدائي وزيش كوكوريات دي كاكويلي والصيحي بوت بر ادراي المرت مي ليكومسلوان وين العالى بوغير من كا حكول غادوس كاكد وباعل الخورت عاد طائد المات عز التلك عوران عن مكن ال عصنقاس عسواكيكاماك

ع ري حق وه الشن با پرگريست ليتكافران اصلى رفد كى عند خودكور احت مير اسكن من وفيار - اي مع منون من استفاده والدو على مد ين عن كى زيت المعن الي محت دو آناني مرقرار دو مكتي يداس كي افاديت واسي يك مالقاء الداويرس ال زير العوان كوجن ك ما خارس المودور نقات والرومى الأمليوس وعظ والمال منين كاماله

ور المعنون ك وفات ال فرح ب موت في مع يد والعبد الدينة موت عن الك كالآنات إيدالالن عا يحى ترندنى المورها تصنيف وتاليت ويزه كريد نتى سع البتراسي والضاعي كروالد وبيا إلاقات كراباب تروضي وفات كان بر ووسي كاكن وزي مرورت وي بوج ان عد ماز ظر مل بالإشاق ادر الله كاوت تفاوراس يركن ومثل وخاد ماد ودر والمعدوا عند على مدار ورك عام جدر وق مح جن بي مرحم مرات ما الماست جنت رسكة تقاديم معدنا زعتاركى عد من سق مق وأن ك يدم الإبرا إنامة ما فالركز مك في مازادر تشاق كل الورك يد صل عاكد وي من أويال يشريس ك المديالة إنها مقاط كر وال ويدياس كون كرف كاليا تعلق وقت عايل الدم وو صوى براياية عزودكدور الين ماها ككر كروير مقربي الكووب أساق الدينا بالفيان الكاليت من استولك

والمعاديدة وعي العول حالا كن تحض واحدت ماحب عالقاء ل مدت وكرت وكان ال عمراه الورد التي ال عدامة رے ، فودلینے کام میں مشول ، ب اور ورز سیسے کو اپ امرو دمشاعل میں آدا ور کے . ويكريث محداد فرتعيم وأفته أواب عدداهت ادر عدارب سب جوارت كوك آت فق الدر والك كوار بالبعيور كال اقت منا يع بون كامكان عناس يريح مدر مامل كرد ، في يدموت مدي مدل باد كامنا اكاس كمان الدين

لكعزت كور ويدال كافؤاكت يا

الله وطي من واس وقت كن مقام عا نامجا - اورويال كا مدت تيام شفل وريد من في مورون ربين كاماك تو

61680300

غير ملي استنداد دوه عن يا الخريزي كن قدرت . تفكالشفيد اسل كياب من طاقات إليجكمنا مي طوكر دينا يازان و مع بن يا تشاق من كى تىستىن باين الى بى وكى سە الروت يىستى دان كالكام مىداد دىنوكى مەستىق مەستىلى كىلىدىدىنى ي ديك ير والمرتب من المرتب من ب ودويا م ب مانس والب ودك أن المام ولا كان قام مولاً . خانقة من ما مرتبان مراجعا ميد مي أفي من من سيان ك انتظام طعام كي خرب مانتي - المراه المان الله المانين ؟ دودي اطان بعرس من مصرت عادقات ذاخت ومعروفت كالنعيلب)

اس كالاندير سرفيق كالذاك بياسول ومؤاللة تقيق فقالدس يري دوع كادوائ كرم شدوم بدوون كرامت مك ر بينيع القات و وار ب بالخلاد رب اب كن بال كاب الا ال أور الما عند اللات و كاكت مع والنول عال مكال

عران كابل الدربالون من مقان ومدون كان من ويات مزاده و خطوط كالن ما والمت كع يتكون ما مناك ورادية مالت كمديدا في الله علوقات كرور والنيت كالقديد كود وبرادن تشاكل مت الله كرياب كري روب اسى اصولى زندگى كانتير مقاء

داخلي وندي إو «ولاوند اصول وضا الا ورنها فينار يسديد و تشخير كاني زندگي مي جي إن بينالاه و كي جاتي مل اللبته موقط و الم منريت كى دادوى ملدات يتى الى يدم كى نشايش كامدت بى أأسادى مادى كرك اين إعقاع تقردا في غيث

لا علا تعاكد ول ك مراداكروية ف ادراوي وفي الل فوت عد والى الماكدان وبالد عوت من كرد ع كريكر والدر عاق و كل كارتا وزك في مطاعف وكرم عد من آت اورست مثاق بشاق رية عند اي الدواج ك مهاون كا وري مرال كرة

一直正りとりナラーの人といい إلى فاريسي الا مان كل بويد والد تع في كركي فاص كما ف كي والن وكرف الديد ميد فواد عرب والن كر فالاارا وتاقاس مع بي الساسوب المتاركة كران كي والعني زبود شان برباديث، ولائة " من بيد كان ك ام دوية مان كيد سكر.

Wwith yreve اوجد كرزت مشاطل كے هم يا مندي سے تشولف يد جائے سے ماك كان كار الله على ماريوں روري طرح فاخد لي سے درمون والتادمون وق درسان على كور عاد مار عدى الدي تعلق اللك ما يا تعوي اللك وم ليدية عظر إلى وكافارور كاشاد ب ومنت رول يمول فالمداع المشابعة على كافيك عبادت وال

ع الذلاشة الناه وك به كسيدنات ك بارقدر كتي ي الدوجاني مالكداتا وسن كالت رفعل وسودنالاه مرب المراديا زاري موسى عبادت اورفرق وبالموجب ادري سفت في مروباح مكال كوليل بدر

صرت في وروعة كريم من والفائ وولا قام كراب وكراس عديد عدي في المراب في وفي عود والتي عن والمراق في على وائے کا دی می دوری افغال والای خلاب در اس می مون محید اس عاس کافوت وجد مرکی مرکی ، اور باس کی می می سے اب किर्मा का कि ना किर का कि का कि का कि की कि की की की का कि का का कि की का

toobaa-elibrary.blogspot.com ۱۳۶۵ سانځينونون

شعرصیت نین آئین دوری کے ماہ تھے۔ عمراللت سکام شارکا واسے وکھال جوان وکہ بندادی سائزت معاونت داخلق استندی متر باششان میں بختر تک تاریخ عباست بچکی دیں سے بھا وہا کی میدون مرکسان اغزاز دیا ہے۔ مجدالات اور کا تواسعہ طوروں کے ناکا وائی را انداز آئی

علامت بحل دن کے بھال پائیل میون پر کمال فاروری ہے مجم الات کر بنا بہتا ہے۔ شہرین کے خوا میل ما تا ہی آپ معربیت آپ ہر باک کر این اور مورکو استون کا الدیل میں روٹ کی میٹون والے تھے۔ اور ان میں میں میں میں مواد کا کہ مورک اور مورک میٹون کا میٹون کا الدیل کا الدیل کا الدیل کا الدیل کا الدیل ک

ئىستېچىن «اسېردىك دارى دى رەردى «مەندەندادىدا مەردىك تايىن داخەت ئىر دارىدى. ئىلاك دوملىت] ئىلاك دوملىت] ئارىدىك شەرسىدىك ئىرىدىك ئىلادىك سادىكىيىدا دارا دارىدىك ئىلادىك دارىكىدادىك ئارىدىك ئارىدىك ئارىدىك

ا کاریخ افات سے تاہد یا کا برائے جدی سے معدہ اگوگی تکھیوں سے داور کدکا منا کم بھی جدا آریٹ کا اور اور اور کی اسل جسٹ کے قد دکھنے وہ نیا ہے۔ مقصدہ صفاء حزم مربطے ہے۔ معناج بار بہا ادار اوری تعالی اس امان کی مثالات بھی کوئر کر بھرزی گئی میکن مذہبری و آئے وہ کے اختیار موجہ ہے۔

ر میں دوران ع میں دوران او فرم کر بی اقریا ندیم کی جمید بنا اور ان اوران میں کا بیکن میں اوران کی میں میں میں میں میں اور ان

عن می در روی اینده اور خوار که و اور خوار که در این این اور انداز که این اور این اور کار می این که و کار می کد و و این به این که که این این می که این این که این می سید کن می در یست نسست بن بدار که دور در که دو دهم اور کوی و می چیری می می این این می می که این می این که این می می این این این این که می می می این که و میرید ایک می می

من فرصی که ایران ایران ایران ایران که نام تا می نواند که هم با به داند و ایسان که در ایران که در ایران به در ا کارسیمه ایران می افزارشد که ایران که هم می باشد بده در سال بی برسته می ایران برای می ایران به نواند به در ایرا که بی افزارش به ایران می که در ایران می ایران که در ایران می ایران به ایران به ایران می ایران می ایران می ایران که بی افزارش به ایران می که در ایران می ایران که در ایران که در ایران می ایران که در ایران می ایران که در ایران

اس به آن به درید در شده با در مین به بی او در برای به در به در به این به در این به در در به سری می واد آن آن می سید به از این به سیاسی به میان به بی برای به این به بیده به در این می به میان به این به در این به در این به بیده برای می این به در این به می به می این این به در این به در این به در میان که دا آن این در این به در این به این این این به در این به این ا

هب کری انظیوں سے مقال و معادت ایک بوت کی مول کریس کے دیے ، بدازات کا جو ، برکت مفل دیشر کا دیوارغ کئی بری سے موٹ سند دیئر تاریخ کو سے کم بھر کامنوں سنوں ما کا حقا ۔ الاخر شائد کی رفتی ۱۷ کارب کشائلہ ۱۹۹۳ ہوں کسالٹ فروالثان كاللب يركى مع وق موغيزاندن ات كارع ويد سے

المارون و قادى ك رسان رت ، ۴ مال و اواون كي تر باكر تعشر كلسليم بحرك . فاقالله والالريام ون ماس سائي تغير كاهلان مواكرت يعيل ماديريق

وروائة كالحامان والمون وفتان وفوال ووا

اوعكم الات وي بالب ورهني برورهان بيدم

كنزى عددرفاريكات في أع والولاكوركالة أكار

سروسانا بعراسياى مخت بمرى كالمراى الم تا تا كا و ما و من الم المناسبوي

وفي اوردوس عير السائل المن آئي ، الدينوارون شيد الله والمائة المراسة المراسة المراسة المراسة المائة المائة المائة المائة المائة المائة

وع ماشق احداده ب فرادموم وكليت كل

ميد كاه مين خاز ميان ه رشيع كي الديم إلى بي ك وقت كرو يكي من حراكة أري الم متراستان عاشق از ال متما مرسارك كويز فاك كياك وراف ورد در ما معالم وري ماده من المراج ويدي وكون إلى على من كانتيل المراج في مني الما أفي وال أي

وصري ماكرومون وس كاندازه وي كريك كامس في كم عشوصيق كي جات كان بورزان تواس حتى كيفيت ك الحدادات الب ع اساتش دانت ما مناكب كرده ے من وسی میاں میں بے تراضادی ، کتی ہے تر کوئی مندا فائیادی

منها واست انام] عومند إنهان حزت والارجة الذهلي كالملات عنية وعملية ومالية أقاب النعب النهاري لامة ووش اور اليد مشروز فازير كدان كريداب كى شدوت كى ماجت بنين و بالفيرس شاوت الاركى و فواف يخ افعاً بالدوليل أفقاب ولين مسي الدى وسلوميت استنم شهد الله ف الروف والي ي من مراسات كان عي والراق ع كالري ع والكري عدد الماسعاء طررے وگ اس كر تومن كري قراس كر قراق كرده موالا مي اجاتا كر كوس را دوري استر شهدار فعف اورن

مد الاس مي زين يا الله الله لا يكم أو بوسط عن من معلى الكرب المرت عن إلى كيا ب . في ما وتلا يستطق على أست عن تعبال الروس اخبروالنشو وأق البادى 6 ملك مين الدُّمثان خالين وْتَصْعَيْن وْنار كي بيرك دوالنان كانتروش وْكُول كى دبان رِعارى كرول يُزّ ا ہے صوب کا برکس وذاکس سے تعریض من کومین کو فتی ہی ہوت ہے جس کا ان کواس فزیل مزورت ہی ہے اس مے سیکٹروں وانتات

المرتومات بن عام سطفها و يحدين الي مرت جدى بطور مؤرمين إلى . مك كامتن سام معتني يرسون بي والمي شامل بيرس كومنزت عد كوسياس امشزى اخذ ف مي تفاء قرب ويب سباط بالقاق اس شارہ کوشارہ معلی اور کی میگر مگر توری جلے ہوئے ۔ تقریری میش اور تقریباں کے وقت ابین مقرین رساسمین کہ میکاں بنده كنير ريد وليش ياس بوك وفائز فال اود قرآن فواق بول ميس مين مكر دارس مديد ك مك وايس مي مديونين اور البعل مكراس أو

المكين والزنور ال الدور على مت ويول عاد كدورة الوك عد دكورة المائل ورجى مزت ك معالم من منتياد ك فعال كران كران والت راجوال الرائل من ست معيدال والدي الله بالرب عد العدا في

ام این و قرآن فرادید انتها کی دول مفاوی بست کارت سے متعدد دیک تعبر والدی انسال واسا کی کاروز این این الل در سرب ك معان سب بى خاهد و ادرايسال قاب كارتفاع كالرائدي بى ين فراع بى ف س فراد ما من است ك سانة شائع كيد بكردبال تك على من أياسيد من يضا بكر يوضل اخاري الدي والتركومية بي من الاستان كي سائد شائع كي الات آن می کاملات کامل دور تاریخی ساستان سند ما دی اور تب مار می اور آن ساز به می این سا کوست بود. گرخه میرسی سر کاملان موست میرسی ساست و است براست میرسی می و میلی مین از دور آن شده می چی مدا کوست بود کی جود سال میرسی فرونات من قدے احد برے معرف کردونے عالم اور تے خاکمای ان کی کیا ہے تی الکی سلنکی خرورت و فی توسط و مرار اس

مع ادر كان مسلد تباف والا د الما خلد الداب مار على كالميال مي مستنى والمركز تاوي بي -صن جائد ف بيان تك محدامة كالرواة ابن تصانيت كى دميزى كيدة اورد الله عت كرفية أن كالركياس كان والكافة چرو كرجات وبين في إيضالفات من كلماك بعنظير سنى كاوراب عديو بالبي من ويا الدريد كرعني من العالم عند كار عند كاب والسر تصديدت كي مركوس كي تظريات عن مي منين إلى جاق ديمين سل تلماكرمون الدين كالدو منير ميروى الدي الأواد الأن المسابقة بناغ رساله در بان دو باداكت على على من داد كان رعمون ال من كاك ا

و المنظم المنظمة المن مرت بي ينيان بني موق بمي كي ايسامات بي واقع موق بين مورت الزاد واشتاس كي اموات مني واين مكان بزار و لعمد الماني بى رت ميات بى اس مىترون بوجانى بيد جرمرف داك كدولان مقيدت داردات سد داسترين بيراس كى وت كامات محول ك يند قدو إ ك الك س نين موم كله بزادون ولوس يريكون آباديل المستنق فركمة أمال الفي بن كرومها في بن ، احيد و الدول ك ياغ بحربات بين فادولار إن بيات كالش كد مروم والع بي ادرايا عوى والمايا كراس مادون بالعاد كالاحتال المركر

مرور کاداس اور محلین تادیا ہے اس قری ایک بوت برع فی فاعر الح کما تھا ے ولكنكه شبان قوم تهدما ومالال تيس ملكومات والمد و

وقي كام ناصرت المعتضى كام نامنين بكدائد قوم كافياد فنا ومندوم وكان "كوشته ماه ولان كا ١٠٠١ وكار ميان شب كالقريبا وس نيك عكم الامت صفت موقال خرص على مقاوى صاحب كا جرسائو ارتقل جيش آياوه اسي قريا ساز تقاء هزت مون المرين تأليب ك عالم متي في عرافت اور ملك من في مقام وفي ماك يت ال كرات عيد عام كار والمو كان والمركان في الم مقد ت داره مل مد ن لا الى جرادد زاد منا- تروي عرد دفتر كاسدن بن فين الدفتر ري بال الراج ي ... س ا عالى بالدي اعد عد ملك د لفظ مع الداس عمد اللي كان والمل والمنيل بول في خود كيد ودون الدفي الدون عد عران كا آسا والمد إلى المساول ال دولت ادراسهاب علم وفض كي منتبت كله مقاء عربات اوريوعل تفااخلص اورديات كدسا فذ ننا - دنوي وما بت وشرت ادراليهاي الرا شايد ول كد آس باس مح كين كورد بوا تعاد ابية احول اورائ عليد عد ديال يواس مفرول وتي عن على يوا و تسفي قد ميا كاكون لانت الدكواس عدمون بني كوملتي وهزت مروم كات وموفت ودمانت كالك الدامين محاق فلاكرزون النشاد كام أت الديراب

ושונים שנים ו مركمات تعدمين كادندكي ومعيت كثى ادرهين أودكيس ليرسوق تغين سال سي يك وصاف موك ادركم مرتصرو عدادان أرزو مركرويس وعد ف وال كاندكي الماع من كالك دندووس اوران كالمكامل وورو والت كادو كرانا وي من ساك ي علائة مندكي اليد جاحت كان مع ميش اختلات مه ديكن تقدى ولهادت وقفقد في الدين شرى علوم مين مدات والعيرت واست كذاري الدخلساز على كتى واكبت الحالف بعوث فعمت وي العافية التخفيل وثله بالت معات موم عيد ادها ف عاليا ونفاكم حمده ت ج براان وفاهد كان ديك بوارستم دب بين واين واسقام كي بار وكر فشين ساتيل ايث مواحد سادراي كيز الدانية ك دريد حفزت مروم ف استاع معلد واعلل اوراليلل رموم ودولت كي وعليم الشان خدمت المجلم وي ب ووفال تمام مع عصول على ان كاوامد طرواقماز بدرة منان كر مكيم الاقت كاخلب وإقااه رائل دوكا واعلى مقتت يديد كاحرت مروم نااي تورول اور تقريد عيزاد دل الناول كدومان اراص كالياكاتياب والدي كي وفرون رزاء عقد دوكر الدارن كان الدوم ون يقل عقد وه درناس وكند

چوت بشدرهان دوستقل بشاخت بوده اكفر بعشاني بوش ال سب كوبرك الدادة أن تاري شادك مطابق الموس ادير بيان كاياتى جىن يى كيرتسنيفات مك يى اتن متبول بوئي كاب ككسان كدونول الديش مع بريط يى كاماياً عداد رقاليًا اس من سالدندنى بي كرمولا تاكي تعنيفات وأب على طير من إلى ال كروس المرس الكردويد ساكرتين ب يروقا كالرسطى الد ياسى الموسى الدائية على المراس عداد كراد كوالم والمقر المتناف كالمراس المتراث كرامون إلى المرك كالمراس اشاحت وليوايت يد صوفاتنين وكما ورشوش كوان كيهايت أورش كراث كالذن عام ب وتنيت ريد كراس وريا من ولا الامرت يد ليك في الدائدة و كار في والدوم الدوم و الدوم و الما بي الما يد يور الفائد كو فال بعد كار يدا مفوى مين عدا أورفضاة الهاب فراييت اوراصل والتت مرداوروش والخالقيم التراور مرل روون براكيان سداسقا والمركمة ادرائے نے اصلاع فاہر دہلن کاسامان با سکتے ہے ، موا تاکی تحریدل بی اسرار وشات کے معادہ البناجيد و مؤسستاني ادر مقال استدلال جواب كريز عدم الوليت بي تعديق واليد عدال من من رئيت عبر بات كريان كرت بي مثابت ولأن اور لقين ك سامقر بيان كرستين معزت روم كالترب ادران كالمنظرين مؤمول ذكاوت ونطانت كالكيزوار بالي تغيير بإت سعبات بداكزا ادر برصاط کی اصل مقیقت کویجانا ان کی دیا نت کا خاص جور ننا .

فراس كيد تغيير بإن القرآن ادرش متنوى ولا ناروم ادرور ق كيد به مشتى زادراً بكي الي كران مها اور الشايع ع تسنيقات ميرك وابني منوس الأعيت ك اختبار سدارده كدين وييوس إينا واب نيس ركمتين اورو الاكركب واس تذرمته ول جون - reinto to 12/2 or breiten il out to cuite

عت يديا جا الحال ما ما الما الموال الموالي و بالمائي من كليده وست الركيدي الدون مداند والدك الماد و من و من مناوي الناب عداد الحاجان بني سي مع على وصل فل سنت و الكاف راست والدارة و كالانط المدارك وي عادد - Ev- 4-52 of the simple de with wine who over El with while given be

اگرفته خواطی خامه میشند به مواند میشود به کاری شود به نظام نجای تحدید که انتیابی انتریت میشند به این این خوال مواند و اگر میان مید و میدود برای و میان عاصره ماهوید به به با کاره میزوند برای آمان شده می سیادی آمیدنات دو چنامی کارش کسیاره شده این می این می میزان نمواند بیشن دول به که بسید کند این میزان این ساخت نده می ایران مادن این می کارد می میزان میزان

ان بیمان به مهم موده سیم پیچیگی مین آن که ان میکند به مرده امل مدارد دانسد بیراندین فیصل ما داد طوروال که می املای دارند و شدند بدار آیاست بیمان که مشد میلینی دادار که مدارات ساز این نام با در آیاست ایاسه می ده است در این که برای بدرگ و میده الاقال حقیقه می است

يرسان من و من و الملت الأرعلية

مريكم الاستادة الموقع والمساق الإيراني في المدينة القدمة إلى أساسة الإيراني المساقة الموقع المدافع المدافع الم المدينة الموقع المساقة الموقع الموقع الموقع الموقع المدينة الموقع المساقة الموقع المساقة الموقع المدافعة الموقع الموقع الموقع المساقة الموقع ا

علے من المامان کر تھوں جھٹ کی دورہ ٹوینٹ منوبی ال جائز کا مارات کے دورہ تو است بن یا تعالیہ عمل کا کا کا المطاقیہ کے رائد برسانیہ انو مندوبیک کو انواز کی من واقع

> على يوبيون ميداد على يودائق متين كاب مبارم تأب كاراد

أخباسات اوتبهيات ال سے انگ بير و بن كي ترتيب ال كي مسترشون نے كي ہے ، ووصيلي اسّت تقد است كے سيكتلون معاتب كي سو كى دروم وبدات كى ترديد اصلى رموم اورافق بعال تعدك بن أحداث كي وحكم الاست نف سلان ك ملاي اورث : اميار برمات سو ادرميات السلين وفرورسائ البيت فراك وفوق الدى الذك يوسلان كركم يكون فري وورت بوكاجى كا دوس كليراوت منا تبان اور تعلیات سنس فرمان ، اورس کی وست کا اماز تخفیق اور معاد کے دید می نفوس آسکتا ہے _

ان كى تعديدًا ت هندوستان كي ورسة خرل وعوس مير جيس ادر مزارون معاون كى صوح وفعان كا باعث بوزي واردو ادريل كمان معان نے بندون ول مقدر تصانیف کار تر بیزراوں میں می کیا ہے۔ جانب ای کتابوں می ترجے الحرزی و جال انجران او مندی مدینتوس شائع برت

ان ن سانيت كى مددىن يرموك إسدال ادختم تقانيت سب داخل بيرا تقدوك ترب بـ علاالعبير ال كال

تدم مودی عیداس سامبات وری ان ان کی تقامیت کی ایک فرست شاخ کی تی جوش تقلیع کے دے ١٩٥١ معنی کو میدا ب اس کا ميدك فريسول مين جرسال يانقانيت ترتيب ياكس دوان كما هاده بين مكامية أسهكم مرصدى كالميدوين صدى كما كانت كاا على مؤرز تهاس اكروي بيد وتومدى ملوهات ومنشوات ككادات عدعوب وجريكا بركان كروادى كانب وافرار من موايا فل في نشوه الناحت مِن بِران ادر طبع بي كركات مِن وَ إِن قِل إِن مدى كم ملية مِن اور رساقي وخشورات والوت كم معينة مِن واس بنار يرمنا م و الأران مدى كالمدة كالاستان كالات ين ملوه كرمو.

على أمام من اليد بذكر كالي نيس بن كالقانية كادران ألمان كاندكى كالم مريات ديدة مائي وادراق كالندار ند كما إم روقيت عصاف مام بس جريطري ما فاضلب بندادي المام فراقة بن مانط أب وزي ما فظ مول التين سيوعي وفي الم اس طلط بي لي ما يحدين مندومان بي اسلاكا الزام منزت موانا فقالوى طيال وكاب.

مولانا کی تصانیف کے الواع لیے مراس کا در ان کی ادر الفائیت کی نظار تو انتہاں کے الواع لیے الدی میں کا در اللہ کا بھاری کا کا کا بھاری کا کا بھاری کا کا بھاری کا کا بھاری کا بھاری

مواذا الثريث الإمقادى

مغرى كامرت عن وصفى ومين الصفيرين كالحاكي بدس يري

بينية نشانيف تشرا وراد ووزال مي بين البته تروج دورسال وكتب عري نباق بين بين عن كمام و بين بينيّ النابات و زبال المراور - المؤلفلي من المراقب المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المراكبة المارية المراكبة المر النلت الماؤرو - وفرة الثان بين شياره - زيالت معاسى الثار - تانيد المتستيقة منطبات المحام اورتين فارسي مين ين المستنوقي ويروم - تعلقات فارسي معالم إلى كالي-

نظر می موانا کی تعلیف موت می ایک شون در در است داد به الد با می که در کاری به داند با اور از در از در از در ادر انتخار و شرخ كانوب المرابد كانتوراب

موا اکوناری کے بدخد اشدریا و مع - عدا فقط اور موانا مک فی کے اشار بیٹیز لاک زبان منے اور نفو کا مکداور سلید می استار

· winder تنافيت كابير مقد معلى ادفقى ب ماددكم تركت دوس كم تناق تام دديادوسى كابل ويى رماني من مذبي نقافيت وطويلوكي

طوم الديث - كام والمائد - فقر وفادي ومول الترب ادرما مغاكر بن. قرآل ملک کی خدمت اسلامین او کامب بے بنامند زور اسلام میزید بین قران یک موده ناس کی فدت کی مدان میں اسلامین اور مدات برس از اعظام زوان ، بیمانی نوری کا یک می کارست به کافید کار ين عن التلك في التوليد و كل عند و وال معد عد يطام والله حرات ال حال دين الذو كواب و وكله بن كالمويد على التاليد م

ف الله بعد الكتاب كرد دادي مي در طاب سان كي دوانا واح تقريس دويك بعد يري مناب قرق بت واحالي في اوروقيا ک الرب اثناء تھا، ترای کاک سامت درب من ویا بیت سے ماسل فروان کھ لفتا و منے دون می بیس سے . وو ما نظامتے اور شاء میر حائق وعادة إلى تحددة أرت كم رف الرافيذة بي إن يت كالري وارفل صاحب إفاق كار وكت عراست عالم ماموياب ماس مِكَاني في مود الك مفرج بدان بت من ووكول ف ان كوالتقديم فاديم المد بالما موالله يد كان تعق عد بوردا من المالي قالون غافران كالممت عاري ك مان تلق كالبزاى فار فرا وكانت بنوسى ويك ادر مقار ميم كا فاز فيعال وكاك معاحب ف كما

دوسيق كالادعاب كالراسير بروي كليدى ويوكي كيد مال المي لاديد مولا كالواست كالصوصية وي كاس مي خادج كي يوري صت برق من كيل له من عام قديل كالري بادث وعي ادر وتعين أواز ك

يد يتخف أرج ما وجا منا مكر فل كاوار والتلف مب وق كفتي بعق بي الدائل من وبكر يمون في مكر من اول فيزو بدل ديده. تويد وقرارت موققات قرال العهادرين بيان بدره الماس برب الأكابي تعبد دين -المبالاتوان - بريز كالمسال ما المبالاتوان - بريز كالمساسة برين المامير توليد كالمساسة المساسة المساسة المساسة

ي والدين الديمة المعادي والمعادوا القاد إلى والقار الخيروز قين وقف ووصل كرساكي ورج ولات إلى -

المرالقال المرائد على رسادين إلى كي وسك في تريك عام سال كي ين.

ا - رفع القاف في محكم الافقاف ، - اوقات قراق كيار عين تلايون مي جواخلات ب اس رسادي اس كي توجه وتعبق كيارت

م - وجوه النالي ١ - اس مين قرآن شرف كامشرة والفل كا اختاف كرقران يك كامورت كارتب عبيس وي مي وليا ب- اور - ウンスストロスとこのかんでき

و منشيط المن في اجرارات و الراعب المان كالة كالنسي الما كالنب - زيادات على كتب الروايات ، - اس من زارت كي وشور رواج الكريس ويده دو والذان ك افرس المرضي ي--

- فتابات لماني الروايات ، - يالكدماد كامنيك

- ياد كارسى الترآن ا-اس من قرآن ميك قداب ادر بين كسال كالتربيان بدوي بيرا الزان كا اختداد منرب-ا تشابهات العرّان لتراوي ومعنان سروّان يك عناوكوزادي من قرأن سائد من مشرر مقات يوتمثلابات عن م مادا فريد الي قاوى

ال عنها كياس بي يذولد لا ين والدي الما من المات عامل والديد كري. ١٠ - أوأب القرآن بي كن كالاوت كأدب ادركادت كها مال كالماري كالميول كا اماري كي باليات وتعبيات من ترجمة وقير وكر الم و آن الله الله والله والل ويترجمة والله و

سزت شاه دف ادين د وي رو انديل كار برب وين دوميت ي لفي ب- اس ي عدد دولوا في مكافع بالرب مودا مقاني رو مذيب كان وجوي ووان ويال كمسع بي الني وتوسياه ديان فيع عداس وجوي الكرفيس بالت الدخور وكي في عد كاس فيد يركم فني يا ترجول كى مد القيادك وجد عرفتكوك قرأن ياك كالقلال عددل وبوغيات. يى يد كويكين مز مالفيم كالوفن عاؤس ين مزوري النيازي الفالومي شِعائة عِنْ بين ميدووناي تغييرات فرمت ب (ج القسيريان القرآن ويباره عليد ن مي تران إكباروي لنير عدم كالمعانى ماك من والالا في تام فيايا ب- الكنيري مب فيانمويش من وسليس بالعادم من المع تف المنا ريدنيون كاشادة فاروع أيت كالمتر تغيري والمت مح إدراق السعت مالين كالتدام كالكب فقى ادركا ي ساكل ومن كى ئى ب. كفات دوكاى تركم بى كانتقى فريان كى بدر شبات دولكوك الدادكياني بدر موفيانداد داد قى معامن مى درى كذاك مي الما كت النيام ما عند مكر الدي مع أن أول كرو يري وي وي من الديم الديم الدين الدين والدين وا ك أله ين المندان من للب ب عد ياده أو ي الله وي كاتب وح المعالي بالعرادة اللياب يتنسيار لها عد عيد منيب كتر حور مدى كروسط مي كلي واس في تام تدمام كي نشافيف كاخلاصيد والدمخف ومنش عر مختلف الري يكيم في ماقي

مامود سے محاما کا سے کاردولت ی موے اردوفوان کے لیے علی کے بین میں وال مود کی النہا مثلق می علی کوفا۔ ين المدور الله في عدم الله و الماري الماري والماري ووالموس المارية والمديد والمديدة والمديد والمديد ك قال ب = قد التراقع من ال وي قل موه كون تورياب مان ي ديد كان والكاف والكاف ي مدا كالمعرف باب الدار كالمان النيس مي كيا كياب ، مكر جوك را و آيات كا احوار ب كرمات كيمان غين اي بيد وجود ريوس آيان الدادق عاده نين الى يد وسنانداد في والمائد على المائد و كالمناش في الدول مطتر المائلة الآل يس كى قال كرميم من المائل موسات

وردوق ووسان كافترون مى امريسى ب- اس يدار كالم ملت كالعول متقة عدد ووقت في ماكات اصلاح ترجم وبلومير على منان يشتشاد الله كالمراب كالدرانة برستان في المواجعة الله كالمراجعة المراجعة المراجعة ع المراجعة وبلومير من المراجعة على المراجعة على المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة ا

مامن كريد شائع موسط عدوه والكرائي فقد مكرات والمنابي يتطوير سياسة بعن تغييداد ويرحنه سياها، وفي غير الدمام ع يد يد المراج الله المراج المراج والمراج المراج ال

على دارهدك منفن مي تت اسل الإياد وي يوالمدول إلى الحرب على الدول

على دود الدرن ودجران عقلق نيس دويات دامول كالتدون عوق برتاجيد ودرودو كاتباع والماح برام مكتب ١٠٥٠ عا

مهون بند مناوه مورن بنشوا المواقع المعدن أو المواقع من المواقع من المواقع الم

الله في المراح المر المراح ال

ر من المراق المنظم ومن المنظم المنظم المنظم ومنظم المنظم المنظم

المنظمير في التنظيم المناطق المنظمة ولي القيامة على المنظمة المنظمة على العباري العباري المنظمة المنظمة المنظم المنظمة المنظمة

الدادى للحيال فى وادى تفصيل البيان التزاد سى الرياب والمريخ الميان يقتى غرائد دروان فى من مداد من البيان

مران من البنات في تعنير اللبات المران من المنطقة المناسقة المناسق

مريريا عربي البراقي فع السنا رفع البراقي فع السنا مري بايرا كالبيد عراسات السابق المسابق المسابق المسابق المسابق المسابق المسابق المسابق المسابق المسابق المسابق

عرب بير بيد. المسئلانات في الظرالثاني في التغيير المقامات الثياث دروع بيد

عمال نسسانی از دان بدی سو نامه سره دان که نوبود از دان با دان بالید. خواس منسدگانی از مهمتن می داند به در بادی این میسیم به به مادانده این میسیم به در این میسیم به در این میسیم به میران میسیم بازد در بازد در این میسیم به در این میسیم به میرانده این میسیم به در این این میسیم به در این میسیم

منتنت كنا جاددامي مع كالبين فواص احادث بن عي روى بي. السبق الغليات في نسق الآيات معتصرة عن وعالي المواد من المعتمار والمواد ومن معامل كانت عند المعتمال المتعامل ال

WHELE SE

على مك تام مرقل اوران كا أيات كرابلا يكام فرايا ب

ا مرائ كنيز مرافع على العريث والقرال الم مرائك كنيز مرافط بعن كالبيستة وخور في القابعة المرافع من العربية الم المشروت البديان لما في على العربيث والقرال الم يك بالزراجة بن مراباء بيان المرافع المعاديد عن العربية المرافع

علت وتحقيقات من النوس بدكار كاو كالرنياد وبيودك ما تاكيامياً وفي عقال كارتي بركة عيد

الم العست من المراد الذان وتوسط الدون والما المدون بدي الدون المراد الم دراى بنام كالقبار سعاس كالعم ولائل القرآن في ساق النهان مج زنز فكر و ندوست هزين ك البيام ترشفن سيدى وشدى مها منتی توشیق صاحب دادیندی داست در منزے پر دارائی : کام آسان دانکا . وکان داختا معنی صاحب سے اپنی داست کے مواج ور ع كريد اى ومدين مورت ولايا فو الدسام وقال الله المن كا تعذيف كالكوك فارخ و الم وتوت ولان كالموال وعايد يكن ألقا تأخوف ي ومدك بدمان بهوون بي دمارس ودم بركز الديد سائل ادريام خون من وك منت عرب كالعام كرون بإدرة ومن ورويا وكري الإفار في موكور مراك والمعام المراك وعلى والعراس كروس وي الويدوا وتشيم كرمية كالفيدون الددومزلس وكالكرم كاحزت وإنا كذاعها مب ما لأنك الدومزان عزت ودارا مق وشفيها مذهد كادر اكم عنول متا وكي شيخ الفرحوزت مرادا مواداي صاحب الدهوى ك عقد يرد عدى جنا بو معدت ك يدات مواق بيدى الدى معزت بودنا كوشنى صاحب مزفذ عما زجون مي قيام كرك الريام معروف موقى برونا روزاد كالماري الس سلم متعلق جوج مكنة ال كراء أب برعث مإل زيائد . ١٠ دعرت من امقق صاء ب علا اس كريت مبادياً أوقع بقد والمستقد والتسفيت ى فريت مارى في كيون أكا مرفن المهت مزوح أو الباجعند وفاق حفرت مرة كالفق صاحب الزكلات لين حقد كالمسروة أو أكميل والماليت

تعليمت وترون اورات حست كالعلوق اتظام فراون عوقوده وقت كيد مايت المريخ موكى . فنسد بنيادي مي ووت مقطعات كالوفي ومفعق بيان ب، اس رسال من بزمان مولي اس أسال الفالقور المقطعات كسك بان كالياست من مرووت مقطعات كالولى كالميطران مدوم واب و ١١٩٤٤) مولاناك دورساك علم القرآن عي متعلق اورس واوران دونون لاتنو

لتسيولعن اعبلات

win

مع تاب الدمير من من عداس والمات الحاطباعة كون أو كون أو من الرفون الومون المراق الم

المائال فريد على تكافئ

we have

مواند سه به الديدة و مرسم كل الموكد من كاوم كلسا الموكدة او دور بريانه و التي ألا تقليق الآن الله يستشبه ال وواز كال الاموان المراك إلى الموكدة في الموجدة بعد المواند بين المواند الموجدة و المواد ورسد بالماري الماك سابق المواد ك البعد مع بريان كالي دوالا والمواد المواد المواد

على مرافعي يست من الأنساع كام ومن من براس ما مرق أن ي تعدد ان مواهد امراد بالدين كم والداري والدين كم والداري و من المعدد المعدد المن المعدد المناوي من المن المعدد المناوية المناوية المناوية والمناوية والمناوية والمناوية ا من المناوية المناوية المناوية المناوية المناوية المناوية المناوية والمناوية والمناوية والمناوية والمناوية المناوية المناو

ين ميسيده ميان ميده شده المده الميان ميده بالموجئة الميان ميده الميان الميان الميان الميان الميان الميان الميا عقائد الميان الميا الميان الميان

به الناسطة في المسكن المقال من المواقية بالمساولة المساولة المساولة المساولة المان عن المواقي المدينة المساولة المصاولة المواقة المساولة المساولة المواقة المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة الم المساولة المساو

مها که چندهای به در بیده ما شده با دانشود تا به امتوان بیدگان میکاند با بیدن میک مدارا بعین بیدی ستان شد. معمول میساوی ۱۳ در این بیرای میکود بیدی میشود بدو این را مداری که ۱۳ نیزد با دختا به این این میشود این این می در میکان بیدی میکان می میزان انتقادی میکنده میکان که میکود بیدی میکند بیرای بدو با این میکان میکان میکان میکان

را مي مؤك مكمه ما في الناست كي ون جي اشاره كرينة جي -حوس كذر الملت شدة اسركا و كوستاني فورسته الخيام بيا اوره طبقة الالقيس كمسسة "ها نيته" الشوف بورة مها ديث التقون العرب ما كان الدور و

من المعالمة المسلمة الم المسلمة المسل

الد فريات و الموثان عد من الا بسيالتي كليك به مناول كله من بريد . يما من الا منافز المنافز ال

الماشين بوقاف مسائل درام ومديث وتعلى مكوام ف للانتي سان كومديث مح دكلات الرواق ال التي مكافروكي وومرى مارث المت اكستان

يس توان اماديث وآيات ادران سے ان اوّال كاست عاديق واستناد ركاتكم ورائد معدادال الشوف بين الموخوال والمواليان كا العديث كالوك ب- ال عد كالمؤذيا ودرالموخوال كالخري عن العلوم

عرى اوالواليا عداى عدودا ما وشكرورى كتي بري كالمنزورات كالتراي عدالالا مع ما كالدم مند دوم مي دفت الل مثنوى مودندم ادراس كريز يركي شنوي بين آن مون مديث دروايات كافتر يك وكان ب دان اماديث كي

تقييات زياده ترام مادى كالقاسدالية عاتقلاك كى ...

معتد موته وجدارتم مدن دون صول مي مافق سولى يائع مفرية جوا ماديث كاسارى كالجواع . وتدب ودور يتى جورب الافتا لك ماكيك عنى يت منال ملك تنبطي الدال كورتيب ودن عن ترتيب والما يكيب وماية ي تقيلت مادر كاما بجا الناة الداملة

عمطاب كاتشري وتليق ادبين شكات كامل كالباب مقدم مرت العن كدواتين وشتن ب ادفات ومرتسب واسماد يتمارم مل المرون كى دوائل في ادرده ورا العالم الكل كريها ب.

حزات الى مديث ك ال ولا كى فرف عدو فالى ب يوموات مندر يافن كيالي ب كامني ما كى كارترى امادت معد يى ادوع كاكتب دريث زيان تروشي او عزات شواخ كى تاليت بي اس مينان بي منين كي مويد ميش يك ماينس بي موالم المؤم والآوران ا ادنقاش الواسمة الى كاب ية فاروسندالى منيد مرتر فارزى ادرام ملادئ كى تصابيت سه الا واب واجال باب يحركت ما ويديد

ومصنفات عدم ما يخ الدعوين مين تمول جي ين كران احادث وروايات وكيد ما منين كيا كيا تقابن عدما والنيس كي الدعوق كي. يرمزون وتهيشات في مكاس زمادين إلى مديث كالهودية يع اس مزون كالهيئة بست راحاتي في والدارية ك كا فازي رب وظيرة بارثين عنوا الل يصاص مزددت كالساس مي يسط مس كالي منام من توان موادا موالي صاحب ويلي على ك

تاكد رسفيدمود كالور في تعلى لمداس شوق نيوى عظم إلى ي كالداسن كالمداس كتب مديث عداد كالرك الم وقو كالمناف ك الى ك دوى عقد شاخ موسك الى دور احد الماليد بين شاخ موا على ما حادث في م كاب كاب كري كروش ما مقتل ك يدا تك مولنا الزراقة وكثر ي مضواى ناديم ورسمة منتيد ولي ورس عنداس كي مدروي وتصيد علق والنوس ي كموانان - しいはいかとといっている

ا من مند المات من المات مجذه المقت نے بھی موددت کوموں دویا یا دادرا میالشن کے نام سے اس فتر کی اداریث کا موجد رقب فریایا ماد

عام الآثار اليون كالبديم اس رون كانال كا ادرواره اكر بيدا مرار التي كالوارد التي الآثار التي المراد التي الآثار "بال الكراك معرف دايارك وسلد" كالاستال عاكس وعاما من معام المرقاء وبال دو صد كرشاج وك -

ي بى اى دونون يا ب ادران كوميان الآثاد كامنيورا ياكيب

יולים וניים ני

المراكب الماس معن من يزيد والمراكب الموسان والمدود والمراكبة الموسان والمراكبة المساكم المساكم المساكم المساكم والمراكب والمراكب والمراكب المراكبة المراكبة والمراكبة والمراكبة

ولايدون

عددة كافق تين برقادان بين كالمرسط مؤل براد الأمام كيدة عائز الدما عينان و أن الآن بد من بالا احداث في توريد و المؤرد التي من الدين كن برايت المام كري مدون الاست الواقيق والمدون المرسان المواقق ال الاستداكر الحراف

ا منطق العرب تدويسه فا فالوكولا. المنطق المنطق المنطق المنطق في المنطق ا المنطق المنط

المنظمة المنظ

را برای به داند که ماه با در این به دارای به دارای به دارای به داند به می بادد به می بادد به داد به داد به دار خوشته دارای این این به داد به داد به دارای به دارای به دارای به داد به د

ا معان من من المساق من المنافظة المناف

المنافرة يو عادة جهدة بزيد فتى دسامة مح وتفتر فتم ملعل من اعلاه الذكائ اودتر الداد العالمة في كسام صحوب والدُّندات كان المساكرين تى كَنْ تَلْتُ بِين جِن كَا تَقِيرِ مِنْهِ وَمَنْ إِن كَالِهُم مَنِينَ مِنْ وَذَا لِلْفَ فَعَلْ اللَّه ويُعتِيدُ وَمُنْ لِلَّسْ الْحِرْ

محاوث النتا ولي المعان قادي لايدب بالناك كان نساوا و فعن الما و المعان الناك معان الما والمعان الما المعان الم

ر در از ایج از در در بردری خال معنده این بر تشاقی، افزار خوبی پیزاد بستان می سدد ب الرابعی از در بستان می درد. مرجعی از ایج كالآب عددة والموصلة كالريقيق والرنقيم كردى ويسلومون كالفائن يندى وآا فواصع فنها فيشاكان فهت بيد ي معارت من ترام دين الشرعتم احداث البين وتم البنين الوجرت بي خلام كالمراق شاجر كواس دار بين معرت مجدًا الملات ف فقده كالوراجة كوارا فرت سيجايا

من المراد الفاق كى كالمرد تريد وتريب المهدب المدون المدون المداد كالأولى من مندسل واشاء مديدها فاست الدراكات مديده مع متعلق ما حضى بدنظيت وال وقت الى كاشاعت كيده معدل الراع مقات

المعادستين عديد والمنتق اكيداري الداع - اكيدهاد فالقاولي - ادرافري زماز كالدي في موارساد الأوس تاخ وس والمرام منوع ير والموال معدود والمبلد حقاري والدي ري كرميسال تام معن كروب والتسبيكان ووكوالى في الريط المستمثلة كم مثلة ما وحدة قام صول من منتشر الداكم وور بيدر وقوت عيرس مع استفاده أسال : قالماس وقت مدى ومدى سى احر مديت من الموشني حامب وابدى داست في معرضة فاص مرت دور عد قدم كاب كم دو يهد كا ورد اللا كيك الماب فليّ يروتب كماس كي من خصوبات ويي ١٠ مل الك مستلك مثن بلغ فله كالملف طيدول في نظر بالرج الماج ف اس كي عيث على اس كويد ما دويا موحد ك ما من في تذي ما هداد رصو كالواله مكا. ويه بن ما كل مي شدوق في بنا رس الا الماري الماع والمراس الماكلين التي كم يداع والتي كالحراب والم والمرافق فنا ال يواج كاكر كال الله المراجع من المراجع المراجع المراجع من كالم المراجع والمراجع المراجع والمراجع وال ى بريد كمنان يوتي نرول ديد ن بورت مناين نابت كل درواخ الله كان وفرو ويوسى دوليد ويد من كانان

متاوط التوفيه كام عسال دنيكي عقائد شاخ بدن والارساق بي

که دست بادر در این داورد دن مزدیات که در بی مجان میان و در در در این مزدیات در میزد که می تام مانات د

مسك و وراسان كويد من المستر و من على فيريد و عن والتقيف ورا بعث في المدوي ووراوي سلومت كالمكل

وروس

00000

الميلة الناسخ والعليلة العاجزه المعارض الميلة وميت دعوة بن كالدي المورض المعاد العاجزه المعاد العاجزه المعاد العاجزة المعاد المعاد العاجزة المعاد الم يري آلماده تول ال كافتاص سكيد شرى موتين ايرين مورون بورون كواينا تلى الذركة زركة كا اختيار خذب ال كتفييل اعكم وتدموا فكمون ورض الا بوف وفك على على بشاران بالصادر وتدموا ومتاريا متارية متدارا

سيد المفرادريد في من كالمن رفتي تينات بي ادريس مونوع ريباب كالرساك اليت وياك.

بلوكام ومثانة تدريشدورمانة تليز والديونان واراع بي ماس تندال مات كافيال كرخ ويد المراكز المام كالمرية المين والمرود مع تركزاني منظام الوادرات من كام العصول المعيد ويدا

الاناسان مامب ساوتوكرا وروي كالدمدد كالحاضيف بدار كاسف ماروري بي مجف المعلان عبد الحيفات وري ال كمك شام مي هذيت والما تما ادرم ت معتق إلى ست ليندك كافعاس كانام صفت بيدك م مع اول قامد كانعان المقالخ العقليلا حكم الفليد يصري وتبديات برياده والموسال عسار وتريال كالا

اللي وطلاق اللي ويزو كرمائل كي مختير بيان كي بي تميرسه معدين فهد وفروفت ومعادات ، مدد وفضاس ، فوائض الذابية اورصاد كمتعلق اسلاى تعليات كمصالح بي-

الانتباع أي المفيدة في الاشتباع تعليمية

ا ترف الحال المنظمة المواجعة المنظمة عن المالية المن المن المنظمة الم

علم سلوک ولفوقت علم سلوک ولفوقت العرب من مناز بدر مندر بدار مندر برین من مناز بریمی بین شاهیری امار تیرین از مناز بریمی از مناز بریمی بین مناز بریمی از مناز بریمی بین مناز بریمی از مناز بریمی از مناز بریمی از مناز بریمی از مناز بریمی بین مناز بریمی بین از مناز بریمی بین مناز بریمی بین بریمی المعالب كي مكتب العن المواهد إن على مراج اللوسي، كآب القسق والوسيد فزاد الفتري النيب في مرودي الدر فذي الله لين مشيخ مرالفاد ميان ادرما خري من القانيت الموغران ال كريسة عدان في وطفيت فابر وق ب وانسوى مكامنوي ادر مكافدار موف اور مقدم كي ميس سف رياليا يرود الل ويا تعاكر ووقيد عات كافيريد ولكر الله أي وضالات كافير ومعلوم مواس - يعر بندتان مر بنعال كع ك ادروان ك الراساس بيت عديدما كان والع والام ك مع كام ومان يس ومن كرومدت وجود وصيت شود و لفالف ودوائرك مها حث واعمال مى اصل فن ب تطف أبك بين مريا وعلم كام وفلسف الدابرو

or in

00000000 فيادت واحال عدابتين بن النقق فنسيت عب. اصل في جا خلاس في الدين وللب رونا وحصول ترب اوراحل واخلاق تكب وتغالت بين اورج ب عد مقدو و والل سد ياكم في الدينة كالمستال عالم والمراج عدول كالدون المستاك تعدي ما والم والمراج المستاك المستال على المراج المستال الم دائسين بين كادد وخرك ان ول ادر ترخون عيال ك كتب ومنت كادوس ان دك دند كاند وحوالي الدوارة ع عندسان بانتا كم كما ادبيان زواكداب داب براس طوق كاكن كرش از ورعين شرب وطوالي.

اس معلى من والمعقد السيل من ويكل ما والمعنون كالمقر معلى من المرك عن ما بند و ملك كان الما منائق ادرتنیا سے بور ادا سال می صوم منت بی ادری سکار جانے سے ساکین و خابس تعلی استوں در ارس شعود کا کی دیستے برت اس مي كودية النابي ، الركون عاب مادن مرون ابي اكدرما كي أميل والمون كروت وكروت والمرك بداخا، الداني والال مبل ميون اور وكاندا فعوض ف ايك منذي هوا ميكون ادر فرانست ادر فرانست دويزي إلى ادراس دورش ما الديكون ا كالإم وتوام وال تكرول كالكري لب علاكم تام توادر والتي عد اللات والمركز وول كري مقتروان كالات مين توليت سيد احكم الل كى المقهم قام تول وكليل ي كالم طرقت سيد المريح اوري وامن است كارت سيد اورم سند اسك مول

ودون کی منبقت سے مال اورن ملک سے نا اثناہے. مرت ويرالات المان كاسال كوب عيد العربية معتندود والداس كانتفق معسا أراسوك مي العراسك الملك الدائد المتية الذيات المتية وكالم والمسارة اليف والمقيل من الألماء بالديكات مع إل سائل مؤل كالشريع وذا فان كانتاماديث برى الدسنت معرب ادري التدون الداخقة الطرقة من تسنة الانتقة البرادان إلهضيق تكسيعان فن فزيت به يكسعان كتب الشكشف بشعبانت الشفسوقيف والبيت لهايم وارض

ين تسرب وحدات الرائية من المنية المنين كاست الدوكرمناي المون بالتي بدو مران اورسوک ک امرار در دوناس الدر دونتی در نازی بین کرد را ان که محص سرد احتیالی دام نے تبدیات کی بات وجادات كاذيد زيائى الرسند مرمزت مولانا دوى كوفتوياس كالمرت مردونا وفيت ب كالمرت بداداس ليدوار سليا يك خالفا ي دي وي وي من وي عد موزيد من الدادار والداران معام والقائما الدومي مع فاس والال كالماري وية على خال حريد ما ي دروي كالدر و والادر والدر والدر الدر والدروية

- Software or conto con Lang Strate the Some good de Les حرت ماجى ماعد روران مليك فلغارس مع حرت الدراملت كالدان تلوى فالدات اللي فالك ميلت مداول مارك مكرساكل، الوافقية كالنيمات الدينتوي كربانات في قرآن وحديث سداس في كرمامة الدينتوي من المعين وفاق كاب ن اجتدى مى يائى كىدىدىدىد مى المان كى الكول كالمات وياب مالكاكى يروق ومواللى خراب في بعد عب باستياط في زشون كراه عدد المرويا على مبالان كواس فارعات

وفران إدا الراور ما الدياسيدون كاول عاس عايات كاكس

من يدس

שובים שלים

بعتباده عي ك كت برينال كويد كساكمت في فودز الدرسم منزلها مزيد بدرالب الاستاك من ورد در السامان و المراد والمراد في معزيد المواجد والماد المراد と. Ur Sieve Jeon fris.

ماق بالم يمول وكاست الكال

لابسي وما في كالكو وتريت كري مرية على وتوزالل المستعلى مرتب والأجي بي ما كان كالشاب دو وقاع إن تناقبين كشبات وخوات راهك يدرالات دندج بن وكذب والنور كالم مكالنف وساوك متعن كليت والإكات الداح لأتضي يدايى معنى كتب كالمرضوف كمال وفرس موديني ١١ ١١ مول من يكتب تام يوفي

عد من المعنى على عنوال معنوال مرك معلى موالم المعنى موالم المعنوال ير حرسة في ومدين الربي جرى معرسة تقد الدين كتير كالي الدوهرية مطان الإدار النظام الدين وهوي وعربين أما في علونا التركي وجد

يريكن انس مجالها غرقاس كام كرو سامقها بسد وكريك كوكان أكا برسك وطفوف تكييد برسك وويذسال لعديك يأداه د زود كانس ين ادان كانسن ، كما با كانسار كل داول ال بالدال فاليدا و كالداري فا ما مواكد ك والمعادد إلى كال وإلى احتياد مع المن المن محت مي كون شكر من كاما كما . أو دواس انتقاد بالي بالمسيد في فورا

حرث عدد اللات رين الفرطر كم ملفوظ مشكا معلم أنزياً والرعل منا ورماك مي مدقان بها جداد ال جرمت بريك ال تعسر سال را در المالية الدين بي عالم العن المورد المالان المورد ويود المالية عبد المثان بها يمال المنظا مالت ترسيات الداب والعال كالات العالم الفن وزكر كالإست ويواس فوار وليسي عددي كال فاق كال

اوردماغ دو نزل آب زلال عدرب برتيم.

ب العلى كان والما يوس ما كور ما ريال مع وقل مد عام وهد الد العار وفيد ما عدد ما ميد واب الوس كيد منيدعلات كاذفره بادكار عوثاب

ودرى وفيت ان اصفعات كى وحت يديدكم عالى ومدارى ادر فافعا عوات متروع وكوشان اصفعات كى مومد وروزى دوي مارد موي وفون المستم بعواي دوي من كهد المستم مد واست كا بارد ما يد المداد ماد ما سىلىدىن مغرت كسب سعام چرده مد اعظ مى والغاد كوارد داد كيرك بداسام كادى برد مديدى بي بنيار

عسه يكاب فوسيدوري في سعاد المسماعزز الدوليدوي اا.

ور وليدميان المان المان

مسلمہ اسلاح اوریت میں حضرت کی ایک مجری فصوصیت ہے کا گراہ احضی حرب حمل قد هوادات رِ گفتگر واساتے ہیں بھٹریتڈا ان پیچوں کی آئیسیت سے ساتھ سلمان کے اخواج وساطات ادر علی زندگی کے کاروبار کی احساس میں زورہ ہے ہیں ، کھرانی ویت

اس منسلک دوری کرآیم ماهوان الامرم و مشخانی مناطقه : آدامش است و «اصلی القلب بست «مستشدنی و ط مستشنی هجرم موجودی ادبرای با خشار بدید کارمشاوان کی اطاقه این می مناطق از دکی عالی استای فرانی اصری کان بی بر دود این محساست و معراد مستقیم و باشتی جرایت که مزان شود کی اور به این جد

Middle Commission and Commission of the Commissi

ではないかんと

حكيم الامُن حفر ثن تضافوي متاتشير ابن لتيات. وافات اور تعبارت كي يخدين

فكيم الامت محفرت مقانوي في تقييم وتربيت وسنوك ومعرفت اورهقين وارشاوك ذار اس صدی میں ہو فدمت کی بنے اس کی مثال منیں متی ۔ آپ کی اس فدمت کی تفعیل کے ہے آپ کی بیرے و تعلیات برائز یک جانے وال کتب میات الشرف - جامع آلمدوری تجديد تعوت وملوك . تخديد معاشات . تخديد تعلير وتبيغ . عكو الاتت ادرست المنظمات كامطالد كرنا جابية - منتى عبدالرائن صاحب كى الين المسيرت الثرت ے ہم کی سنری مکرے کے مائ لقل کرتے ہیں ، جاما خیال ب سوائ الحریث -4-10000-12

يك د نوله المرابع الدين المرابع المرا

كريش لو ترويت دوت ك مفرس اول تريين كيس .

ك كى تركانتيا فراقد دردا واف. المن فاص مغمل يرو مفايكة كافيلَشْ مَلَ بالشَّهِ

عد تيام كانتقام إياي فاص عد مداليي مكرم ويال عام ملاي يد تكف آباكين 2 خوا في المات كاف كان وقت منيق كريس عن يوركن او شور كان فريد نور كارانيس عديد تلف الاده والمثنا دوريط

واب ماحب مى واست ودار ملوالفوت أورام بالتي في فرالفكو والدكرين حك ونديك محت ومعلوت روش وال كراف ادر نلبته المتلاق من باليول ديواسب فرلس منظر ركر عن

است كى داخته كان القد التقيل كان بالإسلام وه دائرات كانتقيل كيف كالدي تقد كريدت دم يرفيل فرق يجدا يعباع

كالإداش كالكريك والمراب المعالين والدوالا والمعالية الدوالا والمراب ومودك والاعال عاديك الدواك والتوموت ايدى التقال كاستوق بكار عده أياده كالمراكر اليضانان فتدت كم وسب كم وتوافلا فراحة لناء مى مضموت خدف مام و كوارى الوارت دوى ب والمورات دوم ي در الماست يحي كم بين المدع ففرك متوانتها ل وبالتادي في بوال بالمساور وفيل المورث ماري والمد بسياس من من اليس بالمراج والما ماري اليس بالمراج والمراج والم يعقب كوست الاسترات والمدمول ويركي ووسندوي عنى بكوك ويتوت كالمت بعابي فيريد البسميدي بمرك وفارفين المشارية فالمرام مردادي والمارا في المردون كما المردون كما المردون ي والمريد القبيف كابت بن مريد كروت كم مقيض موت الرين م الرين م واب ماحد وفادى كالم ي وز

كانت وكالموس والمراك المتوالية والمرافق المرافق المرافق المرافة ه مندن به در این مالیده مندن به در باید به مندن به در باید به در در بیش به در به به در در به در در به در در ب مندنگاری توت ا در اگری مالیده در در در در بیش به در بای به در به در بازد به در بیش به در به در بازد به در بازد

with spier

of Soun Cold ent of and wood could a it is in it is not a المقد من المركب يس على راي ويدا من والمدة كودو مردون. وملك ينط مترك بعد يك كافرن ك سلسليل واسترعاك انتيان معلد ووجعت الماورة المحاصرة والمراجعة والمراجب ف

بيزسد ولله والمداريك بيدون يشرا كالمراد ووعة إسك فلا المان المان المان المان المان المان المان المان المان الم الدس الله أب ف ومزايض الأفرو يرز المكروات بين أذاى مع والمراكس -ب حرات نے نکارے برکر احدادیا کا اس کے والے ماحد کا ف سے ان کے تیام والعام کا کان میں تحلیاں شاق انتقام تی جو

الم في المراب معلى المراب والمراب المراب المرابع المرابع رب الله كالمعالية والمعالية والمعالي

منت بى جى اتبل بنى كى يعد يعد كرى دريد من دكا بدريد من دكا بدريد و موت تفريا د

د جهاري و جهاري و المراجع المر Way.

لاسبخير عديد مركب المار و في المار و المار خدر الماسية مرت نے براب ریا .

- يكوردى جدا فرب كوي غري ويكر ديرو بد مرا المايي فرق بحد أن كلو وكر المراجع كري ا وميداديات = = The state of the s

غرا مارك رك بدولي كادادة كرك رو مكرب في كورك داوا خاص لدورة ابنة كاب يرقد كندي تفريق أدادي من والي

نگ دوران دون کرد برده مید کرد که به دون دون دون به دون و بی به می می مید می باشد. دون در می می این میده به دون به

شيونيت كان برائي واداب دوست من ذكارت هذا بر - براس بارانديت من من من من براي جد از نوب اوست باران بروست به دادات من اران شد الذات شد مواد براي من ك دون الفارسة باران كم منت كيون الها الماقي م وانونوب بي الانتخارة المؤرسة بي براي من بيري من من منافع از دون خدر خدام منافع والي بيت ا

به باز هو ارساس موروس بها کولید این به در کار در سه به در این به در در بها که دارد به در به داد داد به در به ن منابع به در اسد در ساده به ما منابع در این و به در این که در در برای به به در به به نام این در این که در در ای منابع می به در این این به در در این برای به در این منابع می به در این این به در این این موسود این به در ای

ر آراب نید منظر آمدان و جای میں بیدائیے تخدیک ساتھ میں کاروائیں کا ساتھ ہوئی کاروائیں کا ساتھ میں کہا کہ افزاد کا اداری اس پر سراری دار کا دست راست کلیا میں توان کیا جھٹے میں میں کہ جھٹا ہا ہما ہے۔ اس اور کیا کہ کہ انسان کاروائی کے مطابق اور انسان کاروائی کیا کہ دست میں کہ موافق اور انسان کاروائی کاروائی کا - براوائی کہ انسان کی مردان ماؤن کرمیٹ فران کھارات اس میروک مادی اور انسان کاروائی کے انسان کاروائی کاروائی ک

my 2 2 de los

المرت الروالي المرادة ورود المال وورد والمعام على والموارية المال وورود المال المروب والأثاث والف كريسا كم الله يوب من عدول كا

اس من من من من المرا المراق مع كاس الم

يناد الاورم جي ورم بني ب

ولي الم إلى وسيق الك رجد أب را على الميدان والم المادية المادية المادية والمادية والمادية المادية والمادية والم فراقى منافر سے وَافت إ ف كر بدوب مع موات ولي برف ك و فل ماعب ف موت وكي دياد، الم وفي مان و موت ف - 1/60/04/1/2010

، رياست ريت الل عددالداد مردد عرف كرف الحرما فقار مامل فين ب س سے فاب مام موز کے امل شرور کی اید ہے بہت دائر برے فادال سے اس بوليد ميں مل ز بوسا بر مراحزت

غاين مك الماستي الوكن دو إداد عد كا- اورس في الحاد يزى دو افروى قل و فيات مفر الى -اميري اول لوركونسم وين كيستدين داب بدال يورك ون مصورات ماداد كوركوك الدون موت هادق موشان اميري اول لوركونسم وين تدريس را در مام كرون مد سرمزت كوار خارات مرم ويريسون رويد بام دور معا كف كف ال وقت وحزت ف احرام وإب ماحب ك فيل عد سب ك ما قديد فيك ليكو فعرت من وزيشاق

> = يد فريد دائي لورد كروك يدال مدولات دولات مركان مدون بني ي - Silveya vin

- يونوان د الا فالت مرادس المداع وجابت الاستفاد الى والموكا و موات الله عن

- يرز الخزاد مين دايس يوسكن قداس وقر كم مناي هارادها ، مين موت كرديا جاسته كون كالرطابيت الل مكسمون

فران و كا حفرت كرة دواكب في سب كاسب والي كرديا . ليكن فهات مليق سه ادوا لقيد عد ويب يربات أوب مام والمعلوم في البوران الم علائة وبقافة و يفكى كان مترت كاهار ذا -

البهاره الدي كاليسي البهاره الدي كار ماست في ورسنده ميش الما وي الهدف فلست كالهي كابن ماروز ياس بد العلمات كى والسيكى الدين من كار واب ماحد كرات فلست كار الرق والروز من فرايا. م كليد الناج والمعلم الدار الما ما على والترون العدة ما معد المسايل من التيم كروا والمدار

このうりゃんしいあい

ين وعملان

ولان المريدى تقاوي

ي شعبان ويكور على يست يك برق مع ما مع لمن عن قد الله أن أن مراحت كارو تعراب بان واب المقافرات في كارور - なごからかといるいはいからなんと

الحادث هاكى بالمناوث فرديت والناث جيعت كرن بربوديش برايان - و

ا یک نواب کا افرار دار تبذی کی دادار متدر دن ده بت. دکس انداد ب ندستان در در دوب در ساوالعلوم تدریس ایک نواب کا افرار دار تبذی کی دادی ندیسه جرک بدندگات خطاف داد دادی بر برستی ادر خوان می دانداد. ك الدكار تدان ولا ك ما ق المور ف قراف الدى كود فواحد جي الح دى حفرت في مكر دور والى كرد في كرد

ر الل مردوس كم ما تديد في ل في لل في المستلا ل في المريد لل المراب المراقة إلى عديد التمال بعارةًا Mingloudgine, der inder a bothe Le lichenste

واب ماصب وصيفه والديمان ديده تف أو دًا مح فقة كوه الادوامات الكني والمجابق والعذورة امر طماك. . كب كة تندك عد سه يعمله جادً والتي محيت يعنف بدتهاي برق بين اب ابني وواست تشاهيد العناولين يقيون اوردوس كوراد مال فويت كتابون براوكم مدرك كا قول فراي جاوك "

مزت غير براق ترليز، غير عد وال مام المارك - امن كما قال مرودة المع شاق مع الدار آب كي قبل ادفرات في ووقدا بي كا والم المنتاق با

يد من ك بدار ب م ب كال مراز وروا و يدا الحرام وروا و يدا مبت وصلحت کانعادم مبداب داین انده گذاری مدان دادن دس نے واپ که پریاس از آنیا مود بست مجدت وصلحت کانعادم

وروم عاقدتن والدومام كارت عصب فرايا .

« والدا اور والدس كالرق بصافرة اك ين ب = - Who seemi

ر منز الكراج فرت كرف كوب و وافرد كار د

سين عديد وكاف وتين برن أمراك فالدور ورا على غرير وتوف ونا على بعد وي والما من من الله الله والمعلون والى وقد تعد الله بالف ويدار فا ما له ك والدوزند عدا والفاجة ف موت سے مام وال ل كون كوروز در اور فامون بررہ براك متديد تدت كردما ف ك در تمان مر لك اور الدار

يمضور مزت في راي مرت دا مزام عد تبول فرايش .

toobaa-elibrary.blogspot.com تاريختان

ا بالمسلسكة بين أم المارات عالى المواجه في المواجه في المادون أو المواجه في المداعة في المداعة المداعة المداعة المحافظة المجاهد المواجه في المواجه في المجاهد الإساعة المداعة المواجه المواجه المواجه المواجه المداعة المداعة كما المواجه في المداعة المواجه في المداعة في المداعة المواجه المواجه المواجه المواجه المواجه في المواجه في الم

الأمان المواقع المواقع

which is the en with the before the sight of the sight of

ر المواقع من المواقع من المواقع الموا

ه با روستان به البروان من الموستان من الموستان به الموستان به الموستان الموستان الموستان الموستان الموستان الم والروستان من الموستان الموستان الموستان الموستان من الموستان الموستان الموستان الموستان الموستان الموستان الم والروستان من الموستان والموستان الموستان ا

property the wind of the consistency we send you will.

A south the wind of the consistency will be the south of the consistency of the consistenc

ونيان

يار موس سه فودم نين دودن مسكن مسكن به دود اين من كريت برا من كريت برا من كريت برات من كريت برات من كريت المرك من موس سركان براز المرق و بروست الدوم كان براوست الدوم المركز براز المركز براز المركز براز المركز براز المركز ب

يك من مركبة في الأب رون من كان يقد زيون موان من ما كان بي مان قارا مان من من كان يقد من كان يقد من كان ويف عدي وي محتاكم بدا احزام كالمياب بروك را دون من يكام من من .

العظمى موم كا قالمد دران بي موانين من منتبط كالمنتبط الأنتام الأنتان ومدت رائح من بي موت الآن ابنه مؤلك

ے درست کے مودول کر میں کی بات اور اور سے کارور سے اور کارور کے درست کے کارور کہ اور اور اور اور اور اور اور او اس اس کو گھری دور کارور کے روز کے دور کے اور اور کارور کارور کارور کارور کارور کارور کارور کارور کے اور اور ک اور کارور کارور کارور کے روز کے دور کارور کے دور کارور ک

ادونشى دەختانچىۋە كارىنىڭ يوزنىكىن كەرسىي ئۇلىدىدى كارىكىن كالىن كەرلىكى كەركىن ئىدىن كەرسىي كەرسىي سەھىيە كەر ئەق ئەرسىيەن ئۇرىنى ئىرقى يەرسىيەس ئىردىن ئىرسىيەلىي بىدىن ئىردىن ئىردىن ئىردىن ئەرسىيەس ئىرىكىن كەركىن ئۇرىكى ئەقدارىيەن ئۇرىنى ئەرسىيەن ئىرىكىن ئىردىن ئىردىن

به تواچشن برای منصف بی به سهای بین به در این منصف هدی دانوی در مندی به این منصف فرز یا دان پارهاییند در بست. در این که این بین به نرگ بین منصکران منطق بر در در گری باشت به و توان بین میکند کرد بیش و ترکی که را در نیس و بین در به در تا میکند که در و تیرای در این در و این در دارای در نیس در کارک کرد در من از گذری در مترای قال

جى دەيدىنى ئىدانىدۇل دىرى كى ئىزىنى دەرىكى ئىدانىدىنى ئىدىنىدىدۇرىدى ئىلىدىدىنى ئىدىنى ئىدىنىدىدى قە ئىدىكى دائىدىنى ئىدىنى ئىدىنى ئىدىكى ئىدانىدىدىنى ئالىلىدىدىنى ئىدىنىدىدىدىدىدىنى ئىدىنىدىدىنى ئىدىنىدىدىنى ئىدىنى دىدىدىدىدىنى ئىدىنى ئىدىنى ئىدىنىدىدىنى ئىدىنىدىدىنى ئىدىنىدىدىنى ئىدىنىدىدىدىنى ئىدىنىدىدىنىدىدىنى ئىدىنىدىدى

رة --والمار المراكز المراكز

من برای و در این المولی کورند و برای این برای به برای به موجه به موجه به فروا که این سد تود برای کورند برای م من برای و در احد سد سدان می در این این به این که ما به ما برای با برای به در این که برای به می از این که در ای مهم از مرد به در این به موجه برای که این این می در این که می این که در ما برای برای در این برای برای که در این که موجه برای برای برای برای به در این که در این که در این که در این که

toobaa-elibrary.blogspot.com 海辺というだけ دروك بت مرويات درتب كف كالصادي بت بي

كياب سي كان مات عدورت أشر بواكري افزود النابس و على اس عاموت عربها يا بكرون عد مداس ا بى ئىركىدى جابىلاس مى دوسى فركىدى فركاد

ender done of the deviler ste this by he whom يردري مام خوارك ابدائه بدائه يدج ين فرايا

مدين ميت قريب مقام يو واوي بيلى يني اسب كراسان ب جى كوشوى ودول اكر دور وى

الكراني مرم يين والم المول وم في المركون ماي أن الدار المعال المارود والما في ووالما من المرب والا بي: المد توم كري والله في كالمرود تي .

المرافعة كالمات كالمسام مراعة والمراقة قاء - من ف دون درس كوف در كي يك موك الله في ماريد و مادر كوب كوف كوف كوف

ن بين ما كري المان معاضت در بدادی بعد واسك المرفری اون اوق متيدوس معام برناب ريار عدف معافى ك ف المين

ہے۔ ایر کا افرار کھر سوب دردوں میں اور سوب دک ریک بھرارے منام کا بیٹس ہرکا بہت یہ سال کیا کہ ہوشنیں ہیں۔ ان میں یک ایر کا افرار کھر سوب دردوس فرنس و دول سے نیک میں سے کا بھٹ

من نفوایک -و ير ماليا ب كا مافق من عدود تبديد حد بنايت البديد كون كاب غديك مواسال كيديد من المواسا ب كان

> -4201 روا در المعروب الماروب والمعروب والمعروب

ر باس دار دار دار سب مقدات آب که دار می دود دی از دودار بی دود دے کور کامپ مزدم وود به و

در ادر وزور و د اس غيرسوال کياك ١-

يعية إين آب بي كم منسعة الد تقديلت كم وبود في الذي بوغ كا الزاركات لينا بول كي آب يين بها فت كالمقدة ين ورب ايك ي مكاب الدوت الوكاف بنين كان دوب كوف ا

ب فيك ين ويكسى بذب وسكنا به ي

- وكم مقدة مع إلياك زي ين يط عددوري والم يوروي بورك دب والحكافل مطر منطاعة كرس اور باعل والي فتال بالى سلطنت كرس تنبرية

الكام المالية فالزارك المراج المداركية كالمدور في العاديا

رك وكالمت من المراج المرافي بطفونان والمناف المادور معد الماد والمادور معد المادور المركوعدات عدمزانين ملتي اوركوا ومزاحتل والعاحث ك فلات مرتى معدا

ميدان ف الدسب الركيمي بدخ الزادك وال وعزت غفرالا

والم المراس المال والمراس المراس والمرابع والمراس المراس المراس المراس كاب مكم ال الم والب ي والي والتريس كاب مك والمعمان واللب والمورا يف من أب أو المريس وال فراييت ال بات ك اجازت بين دين كه بدفورت م كس كالازكين =

一人がからいという - والتي يحد ال النوى فا كرين النه ورس من أب كون وينفا ملى ديد مزسد الني يارس من الذا النف

المناس مرواتا ما حزت في ا-

. فرياك ك وفول كريد فاعتبنات

يك ايم سيق العلام فرك والآمزون كه الحت كيام الها المان كاب غيابي ووافي لوروا والاله من الما ايك ايم سيق العقوم عداليه القام ويشك كوال شيق كم وروع كاس موا عرام بهيك إنا في بارخ بارخ ف ك بدأب بدع المنفي على ما على ما من من من المراج المثنى و ك عرف من عادي ما و من ك ما ي والت ادويان عديد اخلاع مدر مظامر اعدام مين تخراف عد كف بن آب كاويان منها تداركم وارفيد ومنا في كنش عداء الانتفاق ورسكات وريا كدر تدم كا درت كان وقي او مرت كان من الدور على والدور المرار من زارت ومعاني كم علياب الما مركا والمال المركام والمراس والمراج والمراج والمال المراج والمراج والم عداد المان الموالية والمراس من المراس المراس

يري يديمهان

بره باید نیم کستان چه دیداد کال در نام در این نام دسید شای کالیت دو آن نیستری از نام که داد کالیت در داد در در میجهد برای جدیداد مکام یک بشد کشاه بری و در سیده نیم و رسیدی بری شود با این نام در در سیده که اگرا که این بری برای میکند در نام بری با در سیده از با بری در در سیده بری مودوسته از دارگذارشد با نیم و نام در نام که این بری مودوسته و بریداد و میدان با نام بری در بری مودوسته کالیت در بری بسیده از در این در این در این در این در از

مولانا الثرب على تفاؤى

الله من المساعدة الم المساعدة المساعدة

الريده وكرويول مرت الربور عالى على الداري وتوبيان بات بين وود وبات بين البارات ك اراعا بين يدار معدال كراكة كرت يوم كرفيان فيل مقدن م الدان في دوكد كرفرت ديد النقية ركد وال ك فنور وت يواد يال ما ديال ريكن ب

ينام ورك درمان من أب مصحوت الله بن وتدر مدرك من رويزن الوفون الزايد ال أب وإل كالصدق بني وب كاداري كالزعاق الإسب مول عام مداد كي ويني كالموت در عد من الما و و المن المراب والله الله و الله و المرا معد من من الله المرابعة المرابعة المرابعة من المرابعة المداعة وي الم والداعة ووروسة الكاول والمادة الماد والمراحة والمراحة مع القاعة والمراحة والمراحة الم مسف كالمشش كالمران والواكلية أزو براسوه بك مرتف كالمريس بارتار بالمسرورة أوادكر يعد عدرك مرا يكي وب يستورد ومرور من فاع عالى و المكاليدة بالمعرف والويق

رببت بري شفيتت بي . جب رهب جد وفات كا بدري سلطنت كرد بدي بن

ومريدون كالمنت كالمعالية والمراجد والمراجد في الرجال كالرواد المراجد والمراجد والمراجد بى ك وال عدم وكي المراد والفرات ك الدادل وجود والا الدي تعاد والدي من المد الدور الماد والماد الماد ال وفواك ديك وكالمصاحب الماكي الأي تليت بتدائخ واقعات واللت تباث كالدوعوت بريز بانتقاد فقر ووال من كالتدارا

محصول کی ادار می آب دادانے اصل کن جزنے اگر زماج کی چیز بی فرنز بناکر میٹرود دوں سے زماند می آراب اسے فرزا محصول کی ادار می دون کرانے دور کرا تھے میں کا انجاز بیار میان کیک سرائی سیکرنز سے انجاز میں کا کہا تھے کہا تھ ق ويدون مرك عدة ف فراك تلوش ين مك أو م والين و عيال الموسانية في فيات و في فيات و في فيات m. tendetilen Miller Lienigialis Latingial de Linker Long to Lo Ash or والم في مكر بنواد على بين أبها موفية وجاف والمنف بني وجان والمائية والأرك أله الاستوافرت بي ب وجالا المحاليات يسي كرسيد الكشف بدندان روك بي مين منهم وافته شدو بالجهامي بحف كاس زازيس مي خداك اليد إيدندار بندس موجد بي وخدا

ين بريسان

اس بين بي أب بناء من وقع والله ا وزاء ال كرار و كف كالتفاعل التقادي الله والمراء كالمالف کولیم کی اداری کی دیشے : کیدانو کی دائیں دورت کے بیان کے گئار نور کا با اس ان ان منز پر عامیت کے اس کے مرابع کی اداری کی دیشے : کیدانو کی دائیں کا اس کا کہ مار والإراف كروب المراول والمعاور مسامة مراري المدوم المائن المرارا والمرارية الدوال ويفائل والمراف كالمول كروية (يدة ويرود الرغاد من علام مديد و آب غذوا ولا الدور وعين الادم عدول الك ويديد من عليه المريد المريد والمريد والمراد المرور الدين مورث والديد والماري كراك المروق والارا منوب والديد الما يا فروا الم 一でもういれるからかりかいだけん

استندار جرآب كالميست كالك فاعترفاص قنا الداب اس ارتباد فوى كمه مظرته. الأانسكار مِنْ أَفِي إِنْ أَخِرِكِ إِلَّا هُلُكُلُّةِ رَكُسِ مَ عِنْقُوا لَنْ الريش فا تباريرا ومن الما ي دو حدد آب كوامود وزد اور مال ودو وك وم عي استفاد تا.

مولانا شرف الاع

مراست المنظار كايد عالم تذكر جيل جدرا باد وكي جاف واف الترطاء وشائح والدوكي فرمت من باريان اور وفيف ر) رود مركبات تع وبال حزت أعض مي مارقا عي كانفيل فواحزت كي زباني لطف دسي والتي تع الى على في بالتديد ي المندوب كوده الماس فلط كي راس على المرا الم ومعلى عافع والم راء وولائي والمائي والمريد يعلى الدوار فن وي الحاصيدا ادوك من الك دوست فدول روب در كربيس اجاب فاعل الل على في مشوره وبالروال واب ماحب ما قات فروري بنصيص من ف لى د في والدوريا ويل من كرمات بي دو أور عقد كم فان فراد ويلك المدرو أدا من من المعات

كومرت فرك زيارت كافتياق قا ، كريرت عن عند جون كا عامري دجي ، براك زبات عامري الياب مول . تكال فلال وقت اسف فرالفرمنسي سفومت ماي ب = يرتان وازجك ماهب أس وقت واب كي ماك كيال ادراركان منطنت عي ت ت أب ف و المين المعار ، بعد مرت بوق ان ب ك دل من دى ادال دى كالبت دهافت بد مكرت كي مطريق كالمورانوي كى كى مدودى كراس مى فوت كام ديالًا جى كے مع كوندات سے تبريكالما الى كو است اوقات

ومت بتوكرياندكاك اور فودا وادبع وكون وفروتبذيك اتب س برفوار ديك ماحب ف التي وقي كي معاني مائي العالمي كرحزت والدي ايني واقات كاوقات تحرير فرمادي

حفرت فعال برایک اورسنق وسے دیاک داب مي ورك فرع الم من دالي مروه درست ذخره كاطرح عيد من بال ك إلق بن وتاب .اس ك

معزين وقات كافيد منا في فوادى ب أب ما قدين جي وقت في كوفارغ ويكين . طاقات كراس ا سى يرا نون ف محد در في يدفي برد في من على جاري بيدين داب ايد اوقات كون مركز المن وووت سيوم كا بن جي وقت وص جل معرفدت بوكر زيارت شرف بوال الروف : مِنْ وَوِت

اُول کا دید تفرت نے دکھا کا من الاگر جائے ، اُن انہن ولوق کے فور بر کھا۔ راب اور سے فرے کا وال ایسے جرے اس عد حرت جن کریٹے آپ کا بری زیادت کو جی جا دریا تھا اب میرا آب كي زيارت وي جاست فله الروعت موتوا بالشراف ساء في ورد وكو اجازت ويافيد براو واحزو

اس افيام وتفيير كافون أي جلس بين يد بيان فرمان كر ...

كمنينا لمرتان كالثكرب كدوفون عضوظ دكماء

ي زيمين

وخیکردادا حب قرد کے ال مجلس میں بعضوں نے دورے دخوار کیا نظال صاحب آرہے میں حفرت ڈاک مکو ہے تحصوا دکھتے ہے جس وقت انہوں نے پہنے کا اسع میلکم کا تب معارت اناطب ہوئے والے ہیں کہ ۔ ين ف معم كا واب وبالوكو مع وكرمها في كيا. بحاست بدت بي مبذب تف دوز الو موكر ماعد مير العصورة الما ورعاده المالي كالواق والمالية كورس المراجة كودو بعدور سوال يرفاب ماحب كى بدار مغزى اورائظام بلانت كم واقعات بالكرت ري اس ك مدكواكداً واب ماصب سے ملقات برجائے ترمت ساسب

یں نے برچاکری وارش آپ کی ہے ۔ یا واب صاحب کی مکون کے بعد کما میں واحق ہے مرب سال کوم وقت کے شاقات کے شاسب ونا شاسب برنے برقور فرایا والا اس بر می مؤود فرو فرا میں موجود ہوئے کہ طاقات سے نفونس کا بیٹ و کہا تو اب صاحب کا رہی نے کہا گفتے فواب میں احب کا اور علاقات کی توجہ چوکو دی جاری ہے ، علی کو مطوب اور مطوب کو خالب نیا باجا رہاہے ، اس برگوری جواب اور یا ۔ اب بیش گود اس كے متعلق عرض كرتا يوں كراس صورت من كريس أو و طاقات كو عباق مطرت بي مطرت بعد . فقع كي فيس الر لما قات كوك أو وه مطوب اوريس طالب مول كار آواس صورت من ال كونجيد عد كوكي فغ نر موال وال ال عديد كولغ بوسكاب، اس ال كرام جزال كرياس ب وم كاسكريني ويا، دولبدر مزورت كوالدرمرك ياس بي ب اور جومرے یاس ب و واقد روزوت میں ان کے پاس نیاں مین وی اور اگر میں گیا جی اور جوال کے باس ب ريىنى دىيامنىسب دىلىدويده) دو ىل موكن ۋاس مورت بىل دىك خاس بزرىي ب داكر تيول كرتا بول تواپ معك كمة خلاف الرتبول بنس كرتاتوا واب شابى ك فلات كمونك تبول ذكرت بين الدي كسيل الدابات بركى الدج تكويس اس واقت ال ك حدود يل جول اس كى يا كاشس بن (فوائ وفيو) جهايين يرعد ف تولز كرسكة بن ترواب مادب كوكوني نفيدة موكاء ادر مرانتسان موكا

يد امر جي شان ملافين ك فلات ب كروه اين راياك مرفوك و شفخص سه ملاقات كري اسواي كم فيروك ان كو تلك في طرف منسوب كري كعيم بين ان كي الائت بدر الكيافود بنين مد وكر كلة فعد فلاصديد كنيراس مي جدد ين ان كياس جائل اورد وه ورسه ياس الدان كاجي جاس وخار سايركو بوالس م فاس فرانع في كرك اجاف الا يحد مارد ولا يه مه نی کر واز جاک کی انگیس کھل گنس اور کیا

- ال يعزون يرقو بم وكون كي نظر بيي بنن بين سين ال اس من من ورا المارك من الم

ك ديرة لقفل والم بدائ في من الله الما الله الما الما الله

والاضامة اليوبي ومرجاع ماه ع معد

toobaa-elibrary.blogspot.com Oblines or

. من في نصابي كا ووده بياب اسى ي بي ميرت مزاج بين هذت بيد مرَّ الحدالة فندت بني مرت كى علات برادلاس تدروم ب كري ماكن داس عن عيد داي بين باق ، الراس كاد في عيد من

مولانا الثريث بي تقانوي

بى ديكيرينا بون وول كيل بأناب اور باني بن بوباتب - أب في اين من القا ادا تباع منت كدوسهاس ألكا وادكا يته اللاف كالبعد ازان برى كشش كاكد اس كاسا قد ساوك كما جات مكراس كاكونى تد المدين ما سكا-

د الله الله على عن فضل سے بيس بى سعى ميں جال كميں د إلى واقع واقع باد ابت اور سيا ف سب بى كاعموب را يكين مالك بس يعيى س ست توفيال كاف مكر كاك وكول كى كاندى شارتين دع ق قين اس ف سباريان ناگر و فے کے بعن معلم ہم تی تھیں ۔ ویوالی کے زائد میں میرفد جاؤ تی کے بازار میں موک پردورة بریوان ماد تے جاتے تھے وواؤٹ عرووان ما وين تروع كالمدود والرك و عاد مباكد ون عديد على بالدول بالدون بدون مي الدوبون

ر بین بی میراده او این این دی به کارگزارش استهای بنت و گزارک ساته باین از کار از این این این این این این این ا الحافت می توبری کاری می میس آنی ناور الی بری آخر برگرون در دوس کی آبی جون آخر برگزیرس ی

مرادران ایک خاص ترقیب کامادی بور بارے ۔ واسى لطيف المزاحي كا ترقاك الركن أشف الي بواكوم يا بيد اهول كام كرتاج كأتب سيقلق بتا أوسي كوسي وقت توزيوكر ودار

برف كمَّا ملا يُحود اع أن أوى تفاكد بلا تكان ساراون اوربوك وقت تك كام كرت ريت تق اورباكل فتنكت تعد تعزمت مولانا حمين الديد في أور تعزت تفالوي كدورميان مي ويصري أفيّا فات في . مولانامدني كامعامله بي مفرت شيخ المنذك ك درميان . ممر تاكفين في كا ندمد من فالباط التعلام من وا

حسين الدرمان بدنى سے تعذب تھانون كے شلق سول كى . تومون بست تانوش ہوئے . اور فرما كر م كا وابرات سول ب م توان کوالیا ہی بھتے ہیں جسا کومیٹ دوسرے بڑول کو « بعدا وال صافی نے ابن انتقافات کو آئن اجمیت وی رکھر العاج در بلاک می تغیبت می از و مکتاب متاثر او کالغریز رو کی جساکرده نود کھتے ہیں کہ ،-

الا م كانون في يشك يهي ساتفا كران كروران ك ورميان في نطني ب ناماتي بيديد ومكيم الامت مسال

اس م داد بد کے حالات سے اللہ جانا ہے کر وا بی ول دکتا ہے خصوصا این وو فول برگوں کے افتاوت الكرالاميت صيايي

ليكن حب عمدالما مدها حب تعزيت مولانا تعمين الدهاحب مدنى كي معيت مين مهلي مزخر نشأ ذبيبون عاضر بوت توع لذا جدها حب كيا ويصفين واس كاتفسيل فوان كى ديانى يب كرور

* نماز تنز بولى سلام بيسرا . وعا مانك كريونني تعزت (تفافريني) اينے . نگاه بهلي معن من مولانا حمين احد عب روائن ان الوت ورى برے تاك سے وسے اور برے انقات عرف وك توكة سے كر وسافك مزاع إلى فنك مزاع الصيري بوست بي و بيرزم بشاش جرو - ير بنستا مسكرة اجواليشروك عشك مزاع كاجو

ر پر پر سامان ا کما ہے ور دراست کا منتشر کی کے منتشر کا ان کے در میان بدائل ہے ناچاری ہے اور کا بروک کے میں کمار میں مات کا منگل وروز کشاکھیں پر داور ماکٹور اور اور کھی کا دور وسٹ کے اور میں اور کا میں اور کا میں اس اور اور اس کا اور ا منگل اور سے آوٹے ہوئی مالاس وراس ورنے کی بنا مرد کا ایس ورن اور سے کا اور کا اس کا روز اس کا اور اور کا رکان ک

مثلوہ نے جدیدا صادا دوسرے میں آواب دورام کی برائی کی دی گئے۔ دی کہ دوسرے سنگلت کا معنوب مثانوی کے آواب و امترام کے بعد حرصہ دن کا اعمام درام میں کا بھیرے جب موقا بدق ماس سے معربید یا معنا میدانا بھرمانسے بعدت تقانوی کے ان تیزہ دواں کے بیسے شاد جون بارکو برنز ماتین آوازش شاد جون میں امتریہ

مولانا مدنی کا برخط موصول جوا-محترج اخترام فرید بحدی و اسلام عدید ورجمة الندر مرکا ترو-

د دان که ماندی ده ۱۱ د کور دانشدگاری با حشه سرفران برا مقاراب توبتاب خانشاه می بینی گفته بوشگه نیزان کری دان که ماندی با حسف برکاسته استنابه کرد که آمین سه

وال کالشری باعث برگا جند استنابید ایست ایستان برای سه گان با جمیب کشیدی واده پیغائی سیار کار میبان با ده پیغائی مجمد کو توی امید جسکه که کمیزیاب وال پر اینشا وقائد که مشاخل تعمیتر مین صرف فرمادینگی می مستملق بدایند کرنے

للہ اوقری البید ہے کہ انجناب وہاں یہ اپنے اوقات کو شاق تینٹیر میں عرف فر مادینٹی تین کے متعلق بدارے کرنے فی مزورت نیمی ۔ البتر اوک مفردی عرف کھٹی املاق کی بنا دیر کرتا ہوں اور امیدوار ہوں کر کی غیر کل میں خروج کی سے نے

به بروسه موده می سابه اهای دیام دید بر داده استدار کارد ای برای کار خوانی که در خوانی می سابه سه می سند. صهده خدا متواند موادا تقاوتی اداده بر داده به در این مترات که در ایر در در در آب که ریست کریا نیا تشارگر میزشت بسه کومهای در مان برد برای منافز که ترکی مترات در در کورک برای در ادر دوان کاری سرب در ایر کوده باشد. - دو آن ال شدّ آب کومهای در مستدر کاتیم سکن در ادر ایری نیا در اند برد در در در کاری سرب در در با کوده باشد

کن دونون پردانوکی چه دونشد اوانون و دون را ب ما سراوی داد به با این بدون سی بردسترای و سیگار که این میده این دونشد به از این به در شاهای سی می ساختون داد به میزین متود این متاز داد تا می میده که در وای دود داد سند این دونشر به در این دونشر به میزاند به این میدند از این این داد و میردد که از در دور دادی این میزان دونشر این دونشر سیدید. کر در دو دادی این دونشد ساخت در دادی کرد در دونشر دادشته با متوسیق در مای تا که دادی

انگران او کا او استان الد خفراد داوید ۲۰۰۰ ما دی اداد که مشتلی از کیران سده مداد. ای گران او کا دار برادا برما حب کی بکارت سنزت نتا اوی نے دریا ۔

د تندي و مرى موان تعبين الدماوب واست فيعنم السفام عليم ورتمة الله و بركاتها

فبرالما جدهاصب كما ام ركزاى امرايا . اى يى مؤوره قول بيدك كارتما كوا ى وبرا كاران كا

مولا نامترت والالون

المساحة المساوية الم

ن وادی اداری مداون کسامه به امام واقت های برای بی بی بیدها به می به به می به بی بیدها به می به بی بیده به می ب به می امریک و بیده از که می اگر این که است به که به می باشد به این امریک این امریک این امریک برای افزار به بی می امریک به این می باشد به می می بیدهای می بیدهای بیده به این امریک بیدهای بیدهای امریک این امریک نیز امریک می دا می امریک به این امریک بیدهای در وادی برای که این امریک می بیدهای امریک امریک می امریک امریک می می می امریک ا

مولانا شرت على تقانوي

المرزشة بو - اروشة منين ب توجوشيطال كادركاق دربينس - قانان واحدال كالويا قط بالكاني ادرافنا می درمال کو ان کے معیم مقام پر رکھنا ہم لوگ کھول ہی گئے میں شیعیت اور قارمیت دونوں سے واق کی مداواری اورا فی سنت کا غرب تو بین می اور مارے صوول کے درمیان ایک عکیا : توازان کے الق قام بوا تقا انول كردة و داب ال دي كالكريو المداجية (مي وال ملا)

كنوك مشورا بنار الزكال كالمرشران عاحت اللان كالمارك مولانا ومفارما عداملامی المنوعد مورو مدرو مرد المان و المان مرد و المان مرد و المان مرد المان المان مرد المان م

من المنظور في مع اعترت في فرمت بن ريل عدايا إلى الازت ما ي وحزت في ما ت كلديار مد الرم كون عراق فرى لا عدد الله يرد واردكيا ما كل ديكي مراول ال المك كوفول من كري يدي زبان ي وفالوقا لذا ي مزود كري زام من دويان مورد ياك وفاقر الواع منه رماحين قال كالياع مقا. أن تلغز برج كوير ويره كوير " چاي تقوشعه بي توم بيدمولانا موصوف ال تو يكسيل تركب الدورى وقال الإلى مورة ومناب الكرون في يكيدس عدال بيك الدين عال مراف كالديد القواف اسة المومن فائته شظر سور الله

ی طیدی کی فرین کرود ع فیصی ایش اس کی وہ صور کرنے کے بیے خط کھا کیا ہے۔ اس جاحت کے امرین دوانیت مائ ا این و کور او طروف من بوت و مواد موف فرای امرور اد موال المكر التي و ماكد

a. こんしんかんしゅいとうがらりといいいい

تختل اكتان

پاکنان کے نفظ سے دنیا ہی مرتبہ تر سافلہ میں و بدی وصف ہی پوشار اوری کا دیا کی اشاہو کی میکر میدو والوں کو ن من من ال يعلموار شالى مندك الك تعداد مندوستان عداك بات. المنافي المالك كالماكن المالك الم ب خد معدات کے دوران میں فاہر کیا۔ کی کا مسلم معمال کو اور کے اور کی اجا میں می فاف اللہ کے طور یا کے اواد و من الله كانتا علاد الله و والله مراء كالمراد عامد

کے ذریر یا تا مدہ ماہ برگائیا کو خلاما تیان کے خواجرہ ہی قرق اور بی فقیر استداری کی انتہاں تھی انسین بارکست مزدور بطافی پرٹی کے خواستوانک دور راجائی ہو تا ہما انتخر کی گوشوں سے مہدارے شکالا کو تیشندی اراضو خود ریا گیا۔ امواج کا مسلمان کے مسلمان کے تاریخ اور انتہاری وقتال جو انتہاری کے معربی کے مشکری ہوا ہوا ہی میں بوتر کی انتا

سار مجمد خواطر المساور و المواجعة المواجعة المواجعة المساورة والمساورة والابواج والمراجعة والمواجعة والمواجعة على المواجعة المواجعة المواجعة والمواجعة في المواجعة من الالمارة المواجعة والمواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المراجعة المواجعة ال مواجعة المواجعة الم

من الما المنظمة المنظ

هی دورایط به خواده به خواد به کند و با یک دارای سینی و این در است که با به دوراندان تنایخ به دوراندان تنایخ به به دوراند شده به نایخ به می این م می این می ای می این می ای

اس مراد بريد موال بديا جودًا بيد كركم العزب تفاوي مي ولها بي تفام باكستان جابيت فخد جس بالنشد عادر إقراع اور قائد الخفرات بين فوليات و المادات بي بشركم كا تفاويس نظام پاکتان کاخاکہ

الإورائ المستطاب الروي

شه ميرت الرف ازمشي عبدارفن ميناه ؟ مناه)

toobaa-elibrary.blogspot.com 310,400,000

اس سولا کا تواب عبدالما عدما حب وریا مادی کی اس اولین طاقات کی تفصیل سے ملیا ہے تو استوں نے تو ایا مشاقع دیلی تھز قانوی سے کی اور س کے مغمی میں امتوں نے کھیا ہے کہ در السنان كالتيل فاص اسلاي مكوست كاخيال برسب أوازي بست بعد كي بين يصفه ميل التحركي أوازي ميين كالدان ثرر النوش كالتكويس مروو بالكل ما ف تقايد (النوش والرات منا)

يس تيسيملان

دوزه بي كلم الى نيس بون بيداورية او كن بيد . فك الك دومرى يزى مي مزود ي به اور وه يرفال الد

ے۔ کا در فر فازروزہ دیا ۔ میں اللا ان مال اور فران اور فران مراک کے باور در اللے اللہ الدر ملان اتنے و اور مک دیے لیے عبر دیوا جب فرت ہوئی۔ قال جوانس وقت للہ عامل جوا تامینا ریخ اسلاق القاكرد كيدو كيس اس كي نظر دع كي كم قالى كالدروزه عصل ق كو غلر جوا بو-البية مزورى تمازروالى ے لا كار الله كاروزه اور قال من قرق ب كاناز دوزه تو شرط ب غليد كى - اگر نماز دوزه اور الات ہوگا ۔ توللہ موگا ۔ اورجماد ظنت ہے تلید کی گو نماز دورہ فرض میں ہے ۔ اورجماد فرض كفايہ سے ، مگر فلید كافت جداد سی ہے اس عابت جواکر مسلائی کو فلمبردونوں می جیزوں پر موقوت ہے اور مرمری داستے کی سے منیں سیشر ہے کو اس کے مات کے مات کال د ہوگا۔ ان دائعہ کے سلانوں کو قل ع میر منیں ہوسکتی ، اورجها د کے ہے مراز حروری ہے۔ لیدا افت حرورت ہے کو سلائوں کا کوئ مرکز قائم ہو۔ دوسری جر یہ ہے کوئی امر افونی ہوا دیس کوامرالوشنی بنا اجائے اس کے اندیس صفات ہوں- ایک تدن ابنی وہ دشار ہو۔ دوس صافیات

ے واقف ہواور تمرے ای کے اندر جت ہو۔ ایٹکل یہے کامین کے اندر تمرین آ ہے گرسیاست ے واقعیت شين اور لعن كار مرت نيس و المام رامت منان ہے کا تا کا اللہ کے اندریاست میں تنی او بمست ہیں۔ اس ہے آپ نے ان میں تعربی بدا کرنے کی طوف فوری تو ہم مبتد المراقی

اکروہ ان تمام فنروری اصفات سے منصف ہو دائل جوایک اصرافونیوں کے مصفردری ہیں۔ حرب مقاني كى يتدم درم يك الدين الديوك الى الماس كماند قرار داد يكتان إلى كف يد كل

جى سے مان قابر ہے كريون مقانى نے دمرت سے سے باك كالى بيش كا مكراس كيمسول كے بے عمل مدوجد كرف دانون من مى آب كا درم السابقول الاولون كاب-حدث مقاوي كم مدماس ورقام افظرك إرفار فواب فيديل فالماح مي قاراتكم كى وين ترييت \ كيان كواتا بالمراق ميدوس فالوبان كيرار ويراس إي المواق المراق ويا المراق الم

ا تے ہے اور واض تعزیت تفاق کے مواحظ و ملفوظات سا اگرتے تھے گئے ہیں ا

ميه إلك ميتت بيدكة قالم الفرى تمام تردين تربيت تعزت مقالوي كافيضان مقا ادران كاسلامي شورمغرت ا

ی و دانشد نظا مودی نیم قدام ایب نشان شد نام ام فر کامیون داد سکتر تریب و سفسی بیزا که مردد. فاتر اهم را میشند سک ودون قام می اعترات واقای میشندهی دو دوست نیم کرد با در بازاری شدهی برماری سرا هاید اعمار کونت و میون میشند بوست که انتهای موثل نشان میشن داشدی کریش و بوست کی بنا میرمدان کی وقت بیری

انقل کو نظانہ ہجوں حاصر ہوئے کا انتہالی شوق نظا ، عین اضوی کوچند دیو اپ کی بنا دیران کی پر تناباری ملک مقر مرافق ایاد ہو ایجو ایجو رنگا ، نظام میں اس مرافق کے ایسان میں ایک میں اس میں اس کی ساتھ کا ساتھ کا کہ سات

کرنے کے بیونو کھا ہوگا کا برساخوت کے ہوا - ویس کی اور بیرست اور وکٹوب مسکن وجاست فال کے تفوا کا عروف کاب ای و نشار کھ امہامیس کیا۔ کے اگارہ کی کل وہ شامہ کی بھونت رہے والد جو برسے کھی ہے۔

ده ما فران هم المواد ا

كون فال دفع اور اقياز مزودي في عبد بعاد مزوري بدا

湯をようから ميكن الموى كالمعلوب ليك في الدونون الول كالروت تؤير ز قراني الحمان بأنول كى طرف قوم فرات . أوول كالدوالي ال ورق واين وروس مادرتها كريدوق صوات ماسية كايت بعد ووول كون الكس كادت وياياك ادران كفتن يمل كرف ادوى كيا باكم عداد ليران كرات كي طوت كون الاستروميّا عيار والى سان كيد في مي السير فيعال ديند داخ على الواعزة كرم والاحتداد على الإلان المدى وقدى الكاويدة كرده الكو ملل دماخ معلان ين . توان تعز معد عص حب ديداري ك يد كماجاديك توست بعد مان لياجاد عدالة توكوا ماك كي تمايت وي کی مارسطی ادرجب میں دکھتا ہوں کرامل میں بین دل ہے باتناتی اور باقتی ہے۔ تو کم ظامر فی کے اور کیا کول ا بى الفات فراول كاب مراكا في باب إيدال كرووه ووال كل ع في فاطوت تقرات الله والتورك الوالدي مجى النول في المانين كما:

ابدوق من يها عرق مى عدى بدوران براعن مك قراب ما مرحق م قدان الدورا وردال でいたもかできるが、まとしいとうころのことはいいからくことは、ではいいたごろい city or a to semple light in section excession in circles المعدد على المعالية على المعالية على المعالية المعالية المعالية المعالية والمعالية والمعالية والمعالية والمعالية in Long to two lygon be proto be signed by the action account of hardend werther struck worth and the holds . अर्थिक के किया किया कि कार

بعي فوري كم الم يتناب نياد ما من من به الدم كذر تيات فال ماسب ك الشاوك بعد يك ايل التي توركن يري الار الله والمراب والمعازل الا تنزب وكل وي الدوري في الله المراق على المراق الما الله المراق الم Extent flows ac bethinked on conter our hace bis الديك مناهروين والدين عدوم كم المام يول كافورا كور قول يك المروق على يول المراق المراجع لك عدار براكي من المراجعة من المراجعة المراجعة والمراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة عدال المديدة والمان من المرابعة والمنافعة والمائية والمائية والمائية والمائية والمائية والمائية والمائية ے باور بال يا بورے وقي وز كور وي كور وي ورو يا بور ي كور كور وي المساكر و وي الساكر يا اخظ وكر اساق مناد كورو مست ين ويري وي المراد وي المراد وي بيد الدار المراد وي دوي وي وي المراد وي وي المراد وي وي المراد وي

toobaa-elibrary.blogspot.com مولانا الرف على تفالوي

كردد فاست مزدركون كا كيميري كالرادى وي من عالى عالى بات اور الدكا الازت وى بات كراي بين المراوع الماناب · 11/2/2018 ر ماع من كرا المعرب عدا عدم و العرب العرب

ي زيمين

or so so reference to remember & soul labour on a sel ر وز وبد كري كريد كري ميدود كري سادون وزيمات عسال او تا ماري ويدار ورد كراه وبواب كالليف د فراق ياد ألى د عابر حال من اينا فرايد يه م

ماقلاد ليذر ترومالتن استدى وربدال مباش كشيد المنيد (معاوات واردات منر ۵۰۰ تا ۱۰۰

نطافت بليع نطافت بليع يعن ك ويواكيان في تويان در حواقة عدد كري أوا يصور في جد كار الترين الأراث نظر ایک واب اور نے محاکمیں نے اپنے تاب کو آپ کی تغیرے بعد ایسانا یا بھے اس کے افد کو و در کون ہو رہا ہو۔ آپ لے

· برك يون و كوفاك وي كاف عن الحادث و مالادون بي الموادي كدوما في فل موادي ك الدناك وركوعاكور الروع الى ملى من يكساد رف كلما كامن الجويد : فرر فراياك الجوزة مقدم يد ملى كا الا مع العُروليسوا

وكم سرنيد فراوا كداس عرق بين فورا في مركب وكرفو وكريا في كريسة ابين ابينة كونتيرونو لن يك بس وتصن ورصيان من وي

ابتام سفرآخرت

أناف البيت كيشلق وميت اظرف السوائخ فلدسوم من صفى

آناث البيت محمتعلق وميت نياد اوروق بالداد كي فريت وفيره الى تفسيل عدى بيسي ملك الايرميوريا المانفيل موت يكس المنت را رق على المن علين كروس كوالكرى كرم را رالله كري يسى من تفسيل عنون كى عالمادى فرت بين ك ولاكر و الا وكان 190 وكان أما ما كان وي تفعير كانون كانون عنس و تداك فوت عد

ئىپ ئەدۇدەپغە دەمىت ئام بىن د. داكرى كى بىن ئەلىپ كىگرىلىغ بىن قەنىشلىدا بولىن ئەتقانىدا ئادى كا كام ياكل بات ئام دەبات .

الم تقوق كو وميت منزت تعالى البينة فالده وميت امين تكفيز باركر . * مبير يعنن الان مني كمبير بين بلان مني كمبير الان الدوري والداور والناور الت

ر المساورة الموادي المساورة الموادية المساورة الموادية الموادة الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية ال عرفية المساورة المساورة الموادية المساورة الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية ولم على على الموادية ولما يما الموادية الموادية

ر دعین که این کان بازی هم در مین . این که بین که این کان بازی می در در در است میریدی مین به یکی جورب بین بشب فاطراند شد اور کرید بین خواند کی کید این کان که بین که کان بیان میرود در در در است میریدی مین به یکی جورب بین بشب فاطراند شد اور کان میرود کرید بیشن خواند کان کید

رای کردند کو اورین تطاند کی مان کی فرق بر دوسید سان کا بازی در موسول کو قدیمت بین بین بسید به دوستان سیاستان کا بین کردید ب سان میزد داکرید و در دفتا کمیشد دوستول کو قدیمت با متفار خوادی دوریت نامه بین مواند با این آزیری به ناکه داد کاری میشد در ماری .

ر من موجود می است در خوار میده به در بادر به در به میده این به میری به میده این اور بی به به میده این میده این بین این در خوار کاشورها دور میده اور به میده این به میده این به به میری اور در بین اور در این اور در این این می بر خراجی تاریخ جهده و خواه به میده این میده بر این میداد و این میده این میراد و در بین میده این این این این می

ہت کرنے ہے۔ اس میں ہر گوافلات یا گزاری وکری۔ منتب کی بھر روز ہے ۔ میں ہے نشبین سے دخوات کرتا ہوں کر پیشننس این اوجو یا درکے مورہ لیس مزمین

بن ایت مین در مین به این به این به این به این به داد است کارت این این مین به داد که این مین این مین به این مین مین به مین کود همیت خوامی بیری ه داری: خوامی بیری ه داری:

مرید ادامال آواب کے بیام می و د موان رو اجاز مے کا اتجاب او کی دوست القال ساج می ادوارد و با و مل دوست العدار الترق اوراد وی ادر برخش مونز کا امدر فروس کا دار بات و داد مدر و دوبارت الارست الارست میز میری تعمل برون سکمان مشارت الای سے ترکات ما مسال دکور، دار آگر کی تبست سنان کا واقع ساس کا بالک می

سام ہم ہورے آباد کی میں ترقیق میں ہو کہ گھائنگونی لی آخل توبیہ فائنسکٹری و گاگئے میں افقاً بلیف ، اور پرائے میں میں کر تھ اور میں الدوام ون کھرنا ہوں سے تیل دات کے رات کے کما ہوں سے قبل وہ سے کہ استین کرکٹے دیں اور تی الوسی

toobaa-elibrary.blogspot.com الناخرد والمالك مة : المعلوم كيوفي ري.

ع كل منت م راكم والدواقد المندور كود عمات م ١٠٠٠ -سوا نخ حیات کے متعلق و مین است کے متعلق و مین است کے ایک است کی مائز کا مائز کا میں کا مائز کا کا کا میں است ک اس این اس کا کا کا میں کا مائز کا کا کا میں کا مائز کا کا کا کا میں کا مائز کا کا کا کا کا میں کا مائز کا کا ک يو- اور دوسرسدال تدي و تعيق مي اجازت وي توروايت مي احتياط تديير كودا جب سمنا جاسيخ - وريز من ري موزا

آماد كي مقراقوت المربيريكان ندى محقيق و المان تابين فراغ يقد اور المان تابين فراغ يقد اور ائند كالون كوران يدخ عظ كروم ون كويدم كان المائ الت يعد كالدي المراح

اللى الوال كاندك اوروز در كام صفاق اور وكا مدى مادى الري الري الري الري المائل منس ركما نقاء كريال برخركو فعافر محتاجه . اود اى كى تيادى دكمتاب مين عال تعزت ره : الله عليه كانقا كن بيزكن بافي دمي تمام اتفاات اورصاب كاب اور وعلاے يورى يورى فرا صديقى عادت يون اين كا

اخالا لام يسى كل يا عالم منين مكا - كو يا بروقت ألمادة مزيد

ف ای وقت مین قام متر دس کی فرست تیادکان ، برقابا به سے اور بریا کے دار الوار کا یک ایک نیز دیشتی دارسان اس فرست بي محضرت وه نامني قرص ما بيد امرتري اور حضرت مواليا خرى ما حب ما ننده مي كا دارتا ي مي ال اى افرى تخسيرے يوكاني ن وي ان كي مقلق فيا ا ، كر دوس بيك وال الشيك را ما و كوالو كردو من الريارف

ار جوال سعاد مع وجوار دور فول فارى دين في ادرامن مدون بار مان المراجع و من المراجع ال وفر معالى بال زند ب المائز وبالراء

و في برما ديد و اين ول معنى و روما عب بعر و وين عند ين دوك كي كوكل بي ديك وي B. Niester K. H. W.S

مجرمولانا فضل مق صاحب فيركم بإدى كايرمعرع يرصاع راشر بوم البينك فانون وشفا مير يديد مدرمان اعدام وماس

بین با برخرچھا ہے بین اور شرح میں است تو کو بازگ کہاں گرو اس کھنا فی تیند روز وقات سے مرضا یک روز تین عمر کنز ہے۔ انتہان قابات کے باوجود مغوظات کا سائد کا کمپ مزوج فراول گ اواز بشكل نكتي تني اورقتر برنهايت أبيته أبية عمرك عمرك بوكر زبان فيفن ترمان سے صاور موتى تني ابن عاصيى موالنا مرت الي تفاوي

آب غذااك

وين وَفداع عابتابون كرم عامر و وحد الدور عرف عائن . كرا نور ب كراب مك كرف يُعانين فى لا توسيدات كور النون على در تاوركم على الكر تعزت داي ماحيد كا وتون كارك عدف ول ومرى دورات نعيب بوكى معزب في معارت في الى بشارت دى مير كو مل في الى يد كني فارتنس منين محتا كري الان على ومعط يول اين بيشراس كما كنده الكديد بناد ي موالوك بالد

توميري مالت اس قابل کيھي منيس جو في لا

جى طرع معنورى كريمى الشرعليروكم كافرى كات العلوة وما ملكت العالمة في اس ﴿ حَرْثَ مُعْرِتَ مُنَالُونَي كُولِي النَّرِي لَكُرِ مَا وَ أُو يَعْتِقَ كَي مِنْ فِيا مِرْسَاوِبِ سِيمَ قري إيام مِن فياتِ مِنْ ره بله دورون كا بهت فيال به خاذكا اور موق قاكا ، بالأفروب مرك كاجي مكت إلى ماري مي توليد يديم مراور اشاروں سے خازا وا فرانے گے ، او دغیر وائے تک میک نماز می قضا نے کی - بسال تک کر اُخری فنی اورا متعال سے تصومی دیر بى يعد درياف فرايار مزب بى رب موخى كالياروس منت بين فرا كررامتنا رفها كوقت كية في يادة ك بافير ، اخرى وقت براي ال ثان ترقع في مب كود رو جرت بن وال ديا- وسرت الرف ،

فوام عزرالي ماحب و معزت كامان فاص من عے تق

و مين وتركى نمازك تشدي الداد في المنظيف بين قلب بن ايك تغريفي مواجي في في ماران كرديا. رسامور من القاسيد الكراول بن موسى لكار ويات تونين ب ج تعزت اقدى دايارت م أن تطب رتا وي وفات بوق ب آوار وقت ال اما كالبائة قوسال أفرق وقاب ادركيدا على كور بوق لوكران كافيق ما وتاب بسياد وتاب عاسطان وفيالكوي وفيد وكرافين قا والعراسة البيد مكافد تقب شادكاي كى كالإندائين منتق تعدله على منا مزوى منين جيدا قاب كددتى بالمنطق كري ينتي يشرافا والمركان ومزور والماس فركاسيس ب واحزت الله فازنا ورى يول مدرين والراع الذي في في في المارية على المارية والمارية المارية المارية المارية والمارية والمارية والمارية والمارية والمارية عد وروال على على والوراد والدور كرور والدور الدور والدور والدور والدور والدور والدور ين رواز دن مقدى ي كيم اوكونك أن بوكر دروات تك يخفين تقريا اتنا ي وتت هرت جوا ميكا ووتغيان ورواضى بالقار موري في العرب من والثان بوار مؤون في المديد العرب التري كالمال د فاتمتنالسوائح مسلا ری و براایان کے بوسے رہے۔

toobaa-elibrary.blogspot.com مسرتنيه عكيم الامت شتتل بوت ارع ندام آه در اف آق ای چه سمح دمید کراست طور تامت از دره وره گیفت مبرعنان وسشکیب ام کرده دلم زویدهٔ نونبار قطره قطره بکلیب تدافر از پرشفق عزق سند بوجريم وا كدام تعزت الرق على نبيسدا عالم از پر سم عام تار تار وريد ميم امت مرقع از قريب وبس بر شدكر چنر افاك علقه علقاكست مج رس بر دوه فاکے بوگواری و ي شد كروتم أسولة نين لنه فل بمام أن يرن بجب وريد كدام كى شده تاراع از جنائي خزان في ركاه أو برس أفأب زي ما تا كر فار فقر برك جال ما مز ار فلي في أريع ويرو البسم ببيد كشت بيد زمانه آه نور ديد فرمض ميش وطرب نلک باس نودش را بر فرنيل مشديد اللي منيل بنس يترة ا كرفة شرول عنيرزي سن كرر فغان ابل زي سند بلند تاكيوال بنيدوتت الركونمث مبالبزنيت ربيع ماه و ساره چه خون ناب پليد م أست داست الرانوانسف مثيل فريد بر وَمُت كرير بيش ألدست عالم وا كراست طاقت لنت كراست تاب شنيد بتال فقهر و مُذّت بنال ممذ دونت فی تربیدہ اس کے و کے تواہدوں باغ حزت المآد تمند ماد ابل فلات منت في البشر لعب سرك ينال و زيد عفاتي كر پيش دين نوزيد ربهويم على زونيا مداست يديد زفوت تعزت الرَّت كرميت ثاني او زيانكاه ملوش يت كالمت كورية ير كوشت بخدائ بجان ما يب دس مے ندیدہ وئے میج کس تواند میں زدگدازی این واقعهرسس کر این بهانگدازی محشر به خط نسخ مشدید زیافگندهادات کرک و بدعت را بنائی سنت عنته از و بماه رسید بياد سال وصالتش سشنوزي كرمنر النكشيره بختم تهيدكت شيد

مولانا اشرف على تھانويٌّ اور اجاديث تھوّف کي تدوين وشختيق

出外的安斯

عاری است علی بهت کم افضات ایک کرری جن به جنول نے شریعت و طرافت علی تلق کو انے علم واقتین کا مرضوع بنا ہو۔ یہ اہم مرضوع علیم شریعت میں کمال مبارع کے ساتھ ساتھ فعيل و سلك عن كل كل رسوع كالمشاخل برايد إلى فري الصاب جنين فيم الموادر كا عشید ماهل به این جه ای موفوع کے تلاقوں این مطالعہ کے کرے ایراک کے ساتھ ساتھ ساب علی و قری ملاحق سے بیرو در بھا اور زمانوں و قلم کے درجد اس کی ترویکا و فقیق میں حد محى لها يوه حقيقت شي ان كي تعدادانت كم ري بيدام نوالي محدد الله عافي ان شاو شاه وفي الله" کی خداے اس موضوع براتان تعارف ایس اس سلط کی آخری اور تمان کڑی تلیم الامت موادنا اثرف على قناذي جن جنين شرق عليم و قون عن تقريبا فام عمين بي يه سرف كمال وكد اشار حاصل تنا بلکہ وہ طریقت و سلوک کے بھی امام ادا میرہ تھے۔ ان کی ذات علیم تکابری و باختی کا مخون تم به شر العلا و طر التعديث تفوق كه على إنها الكه الكريم الذليان على و قرى كافي الماريد تقبف کا قدون و فقیق ہے ، جس عام ملک و اسل پر آپ کے بیٹمی کارون پر العام وما ہے ان کی نظیر ان سے قبل کی مشکل سے حصرت قبانونی کی الحق، ویزا، اصلاقی اور سای خصات الاراق تهارف لین، ان برنکسی مانے والی تسائف کا احما خاصا وقیرہ موجود ہے اور ان کے کہنے والے بمائے خواطم وفتل کے آتاب و مابتاب علے تم امادیت شوف کے حوالے ہے آپ کی عدمات کا ر گوٹ جوز تحد اور افرائلم و فحیتن کی تصویمی تور کا متلاش ہے اللہ علم نے اس موضوع بر آپ کی تسایف کے مختر اور بربری تعارف بر اکتا کیا ہے۔ شرورے تھی کہ اس موضوع بر آپ کی بلند بار شبات کا جائزه ارا جائے اور اور لمان الافتات کو سامنے ادا جائے جو حدیث اور تشوف کا

1527 W.W ای موضوع کے تعادف سے قبل شروری مطلع اورا ہے کہ هفرت تعالیٰ کی افتعیت سوائح اور خدمات ير مخترا روثتي ذالي جائد(١)

الا - استناعت دوليس، هذا اما يمانعه كوانعت الاست كري بند كا أن بأنجه

صرت تفانوی -- حبات و خدمات:

حصرت تعاوی کی واوت بعدونان کے صوبہ ہے۔ تی، شلع مطار کر، قبیہ تھا تہ بھون میں دے۔ تا الكلّ ١١٨٠ م ملائل ١٨٦٣ روز جار هيد (هم) على عدائق" ك بال يولى جو قوا نه جون ك انتائی معزز صاحب مصب ریس اور افل ول بزرگ عے۔ آب والد کی مات سے قاروتی السل الدوالية كي مال بير طوي النب على على كي لا إلى الموي المؤتر بير توجر مو كان مات اسي، على وطوي سيد مرض هي ري ريال کي فري هند قرآن سيد قرافت بالأب انتها أن غاري مرض ع الله الماكم ع والمد أو فالما كي عبد وحد كرك قال مواد الا على مواد الله قالم ے اور التابی کت اوالفشل کے اسلا مامول واحد علی مردم ہے برامیں۔ 1946ء میں و بورند کو نف لے کے اور ایس سال کی فر میں احداد میں وراطیع وبویتر سے فرافت عاصل کی اور است وور ك جد عاء ي كب فيض كيا- حفرت قناوي واويد ك التائي زباند ، قام عن موادة محد قام الله الله والمطهر و عري من عالي عربي و فرك مري بري المعالم الما المنافع المناف يز من كا موقع ند طار ان ك علوه آب ك اسائده كرام عن موانا كر ياتوب نالوقال"، موانا محود ألبي ويو يندني وموانا سيراحي وموانا عبدالل اورها محبور محيي بكانه دونكار بهتدار شال جي جي یں ہے ہر ایک شریعت وطریقت کا حاج تھا اور جن کے لیستاے علی و مرقانی کا ایک عالم محز اب ے پاکسوں اول افزار نے آپ کی تنہم و تربت میں نصوصی افتات اور تور سے کام اور صول طم ے فرافت کے بعد آپ نے کانور کے سے قدیم مدر، مدر فیل عام می دری و قرالی کا مليا ووع كا العدادي كالدكر ماهم من عن ماهم الطعر كروم الدرار والمركز الد 1916ء کے گلا یا عود سال ماں قربی خواجہ راتھا ہو ہوں اور میں کے صور موری اللہ اللہ میں اور صدر ملتی کے فرائش الهام دیے رہ اس کے ساتھ ساتھ آپ نے عوام کی تربیت و اصلات کے لے مواحظ و ملتوکات کا سلسلے شروع کیا۔ اس جورہ سالہ تدریکی مرت کے دوران خاروں ملاء و فضاء ئے آپ سے سند فراغ عاصل کو، ان میں سے موانا اساق رووائی ، موانا رشد احم کافوری، موانا الدعلي من يوري، موادة فعل حق الذ آبادي، موادة شاه الله رسول من يوري، موادة تنبيم محد مصلى مرهجي الدرموان لقراح فبالوثأ فيلا النبيب ايكتري

هنرے تھاؤن کر زبانہ طابیعنی میں ہے اصلاح و ٹربیت پالمنی کی گر تھی، اللہ توانی نے آپ کی پالٹی ٹربیت اور علیم کی مختل و تبذیب کے لیے هنرے عالی اعداد اللہ مبادر کی " سے شرف تعلق حالیت

انما قرایا جر تسول و سلوک میں مجتبدان ذرق کے مالک ہے جنہوں نے میاروں مشجد سمائل انسول کو مرابع اور قبل میں میں میں اور ان کے ایک کے جنہوں نے میاروں مشجد سمائل انسول کو

١٣١٠ه على جب دوري مرتد في كي سعادت ميسر آئي الو حالي صاحب" كي خواهل بر ان كي عدمت میں جو باہ قام کرے تربت باطنی کی عمیل کی ، انہوں نے آپ کا طاب سادآ ، فلا ا صلاحیت و استعداد کے والی نظر تصویمی توجیات سے نوازا۔ وو آپ کی باطنی ترقی سے مطعق و صرور او کر این اوقات فرمات کر "الله قبالی نے جو الباق علیم کھے مطا فرمات جوں وہ ان کی زمان ر عاری قربا دے جی۔ یہ اللہ تعافی کا فضل عظیم ہے افتاد اللہ یہ بینبار ربرہ طریق ایک دان ربیر طریق ع کا اور امت معلم کے لے رشد و عالت کا علیروار اوگان (۲) آپ نے عالی معاجب کی خومت یں ذکر وظفل کے ساتھ ساتھ مالھ مشوی مولانا روم" اور تسوف بر جاتی صاحب ی کی تحقیف "شاہ التلب" الى ي سينا سينا على عين اور امازت يوت و خافت ب مثرف بوت - واكان بر مائي صاحب نے آپ کو بکال میت و شفت کے لگا کر قربایا، "میال اشرف علی ا میں ویکٹا ہوں۔ کہ اس ورار في راف تبدأ راز في كان معام يدر عام المناسب منا فريدًا رمد والكرافيد الله ما يد من يشاء (٣) رضت يوت وات يه ويت كل فريائي كر يب يكي كانيد على مدر كي خازمت ي والمواقد مين فر كار النظ والى فين كون عادي وريد فاقاه الد مديد كو الدو آلة كن الدوكا على الله وبان قام خرر اوماند ان شاء الله قر سے عَالَىٰ كِيْرُو كُو لِنْ يَنْهُ كَا، حرى وماكن اور قومات تمارے قابل عال السام العالم على والى آئے كے بعد آب نے دين و قديلى اور والا و ارتاد كا سلسلہ عارى ركھا۔ اس زمائے ش آب كے تيلي اور اصلاقي مواحظ " ركوات عبديت " ك ام سراد آپ کرادشاند و مقتلید" مقالید نکیند و مقالید فرید" کرموان سرقلمید به كر الله ورح ريد والاسرى مائل صاحب" كى والله ك مائل كانور عالم الله الله كرك تهان مجود الله الأن خالاه العادية الله على الوسك الرك الله التي العاد الله ما فاع خاس الله الله اور الله عمر مدے تعاویٰ کی رہاہت ہے وہان معرفت کبائی علی اور جس کی روی محدث تعاویٰ کی رصلت مافق شامن کی الباد سے اور مالی صاحب کی جرب کے سب مائد بر بھی عمل کار مود کر آئی اور للرے رشد و جارت كا مركز بن كى جمال آب في الريا عاليس مال كك تا بير وقات (١١-١٤)

روب ۱۳۹۱ هه برطاق ۱۹۱۹ جوان ۱۹۳۳ م) تعلیم و زریت دهند و ارشاد اور تعلیف اور تالیف کا سلسله جاری رکها: این خاناه کا خارف کراتے جوالے آپ کے ایک مسترشد خاص میں رقمطران جی،

الرخالية الك إما شرة أقاق إن عد كراهاره بيدا كاران الداك فاروقت مي طهم والوار دید کی ایک معادی عامد کی تھی جان ہے وی شین کے ایم اور وقتی سائل کی منتج و فتیق کا زيرست كام يوار مى خالاه الك على وفي عدر كى تحدر جال علم قرآن و مورث كا وت محل ما عانا تها اور تبذيب اخلاق كالمحلي تعليم مجي وي حاتى شيء بد خالتاه رمينير كي الك منته ومعتبر وارالاقتاء می تی جات سے مالات ماشرہ کے گاشوں کے مطابق سلمانوں کے فتی سائل میں رہنا أ، می بوتی اور یمی خالفاه تعلیم و تربیت روحانی اور تؤکر نشس و تبذیب اخلاق باطنی کی ایک ممثاز اور منظره رود گاہ تی جاں باے باے وید اللہ سے لے کر جام کے بر طف کے لاگ الک تھیل عرص می زیت باخیر و تبذیب اخلاق ہے آرات ہو کر اور حقیقت تنسوف و سٹوک کا عرفان مانس کر کے مثال آگا طراق سے اور مصب رشد و مایت پر فائز ہوکر ملک کے کوشے کوشے میں مکیل کھا"۔(1) اس دوران مک کے طول و عرض میں بری کو ہے سے تلیقی دوروں کا سلسلہ جاری رہا اور ملد ملد الكاب اکیز اصلای وعد ارشاد فرمائے اور جن کا کوئی معاونہ کمی قبول نہ فرمال یہ بر معر اور مکیمانہ مواعظ علی افتات خاروں آرمیں کے مجع میں مار مار کھٹوں تک ماری رہے ، سامعین میں ہر طاق کے ناك طار صوفار مدرد تعليم بافتان في وكان وجاجي شركان ورياقي عاهر و خراص شرك عورتي بر مواهنا عالماند اللت اور بائد بايه معارف و ظائق يرملتل بوت، ان ك مرضوعات كا دائره عقائد و عمادات ے لے کر مطابات، معاشرے اور اخلاق و آواب کی وگال ہے جن بی مطابحہ رمیم اور معاملات کی املاع کے ساتھ ساتھ وہ معان اور جدد شہات کے ازال کو خاص ایست وی گئ ہے۔

سید طیمان عدی کے توزیک منتشان بھی این بادہ اس فتح میداناند جایاتی کے مواقع کے 2018 دوبرا کمئی شیخ اور ملی تجدر مواقد تھی۔ آپ کے مختلی سا آپ کے اما ان بھاری اتصاد پری اتصاد مرف قبر قور بین اب یک منتشرت افزادی کی اصادی تکر سے گزار کر اے افادہ مام کے لیے ان ک

اں مرتب شدہ مواعظ کی تھواد کتوبیا چار ہو ہے۔ ⁽⁴⁾ اس طرز کا ہر دھ کلر جائی کے بعد کویا مسئل تسنیلٹ کی مطیعت دکتا ہے۔ امادہ کا بناخات اس کی سات نے آپ کے پینکوواں مواعظ کی شکل چیش میں کا بھے بھی کے اس بو ختر کیا ہا سے بوار مواعل سے مشکل اس (²⁾ اس کا سے چھ کھوان

آراب آرائیجہ قربر و گزال عمقی اداریشن اسمان اعمال اسمان کادیر اسمان کا اور اسمان کمان اور رہے۔ وردیائم تلکھ بخرور حصور افزادق کے محلفی کے آپ کے سماعت کے عادہ ایس کیائن کے کافزاند کی تحمید کے بحر قرآن و صدید کے کاربحات، افات عمل سمال افات آراب و افغال، اسمان کمائی تربید

ہم قرآن و صدید کے گزیمات کا عناصل میگل کا آنامی و انقلاق مثامل کی آنامی و انقلاق متامل کی آن تربید کرنے کی تقویر بدولان کے اموال و وقاعت امدافات کی مختل ہیں۔ آپ کے مختل کا توجید کہ مالان کو جسک کرتے اور جس کہ ا محمول کے اموال کی استعمال کی انتقام کی انتقام کی استعمال کی انتقام کی استان کی استان کی استان کی استان کی کہ میں۔ میں امون واصل افتان کی کارامیل کا تازید کے اس اور انتقامات کا ایس و استان کی اس استان کے اس اس کا میں کہ

موجد الأوال مقد الدولة من سيستان المواقع المساوية في الأواجة المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المس مع المساوية مع المساوية مع المساوية المسا

حصورے قانونی کے طلق وافق اور اعطاق کاموں میں اصداع معافرے کو خاتاں الدید حاکما ہے۔ آپ نے دوو و جنٹین اور شخیف روایف سے کا در یعہ روان کے تام مجبوں کی اصداع کو الرید مرابع والے۔ درحانی اصدائل اور تزکیہ کے لیے شعرف کی تجدید کی اور اعلاق بائل کی اصداع کے کام بھر تیک کہ عام مسلمانوں کلہ احداثی تضربات کو کیابات میں آپ کی زبان و تخم نے کماراں قدر تصاحب مرابعہ

ویں۔ آپ کمل بیاست اور اناکا کی جدوبیر سے کنارہ کش رہ باتام بیانی اسور میں مشاورت اور قرم و طعنہ کی رماشانی میں مجر اور کردار اوا کاب آب نے الان قررون میں تو الذین کے ذریعے دو قری تقریہ

اور قام پاکستان کی اگر پر مایت کی . آپ کے زم اثر علاء و مفتقین کی ایک بیزی عمامت نے خمد و قریب کے خسر کی تروید اور پاکستان کی تکلیل و خیرش نمایان کردادا کیا۔ ان نئی سے موانا شمیر معرفیان ، موانا عظر امر خان فران کی تحقیق اور سر سیامان عموقی علی اگر ور ور

حصرت الفافق کے قتل با تھا ہم موجہ علیم و قون عن گرامقدہ تصافیف بالگار تجویلی جی۔ ان عمل ایسے علی اللہ نے امد جماہور رہنے ملیں کے جم اس کو کہ بدی بدی تھیم کم تابی ان مجمل کا باہد ہم اس جمہ اسیقا علی، مشکل امدر حکل استدال کے باہدات آپ کی طیر حمول والان و خصاصت کے آئیز وار

علاء حقدتان میں سے ان برتی طملیہ باہدائق، ایام رازی"، این جوزتی اور مافاہ جوٹی کا تار کیلم انسانیاف علاء میں بعدا ہے اور آپ کا ام گردای اس شسلنہ الذہب میں بنیاوی کڑی کی جیٹیت رکھا ہے۔ مخلف اور حقوق میشومیات پر اس قدر تسانیانے کا تکلم حکمل میں سے ملے گیا۔

سید سلیمان دوئی کے زود کی آپ کی تسایق کی تصاوی نئی کھوٹے بڑے رسائل اور مختم تسابقہ ب وائل چی آخر سے کرتیہ چین (۸) ان تسابقہ کی طعمل فیرست چی سے ذائد مطابقہ میں اٹائل اور نی ہے۔ (۹) سہد سلیمان ندوئی آپ کی کوٹ تسابقے سے مختلق بیاں رضیہ انسمان چیں۔ چیں۔

"کا بنا بنا ہے کہ رسمان کا بعد اللہ مصافی کا تصاف کا فی اعد ملے بائر کے بائے بھر میں اور میلمان و میمواند کے کمانات سے کا مع ایس کا 16 ایم کا 17 ایم کا رابط کے اور باؤل کی فورانات میں کہاں کہ انتخابی کی کا بائٹ ہے ہیں اور اگر اس مسئل کے طائع میں امدیانی میرانات کے ایک کے بائے کہا ہے کہ اس میں کا میں کا بائٹ کے ایک کا بعد کیا ہے کہ اس میں کے ساتھ کیا ہے کہ اس میں کہ اس میں کہا ہے کہ ہے کہ اور کا بھر ہے کہا ہے کہ کہ کا کہ اس میں کہ سیاری کا میں اس میں شیاری میں جہ ہائی کا میں کہ ہے کہا ہے کہ کہ اس میں شیاری میں جہ ہائی کہ اس میں شیاری میں جہ ہائی کہ اس کہ جہاں کی شیاری کے اس کی لائے کہ ہم ہم کہ ہم ہائی کہ اس میں شیاری کا بھر ہم کہ ہم ہم ہمائی کہ ہمائی کرائی کہ ہمائی کہ ہمائی

زندگی کے ایام پر فرقیت کے جائے۔

آپ کی شماییں۔ ایکس کی تصویر جی طبح بروئی ہوئی ہے آپ کے علومی والحریت کی بدی دکھل کے انقیادی کے فیر معمول انتہائی کے بروہ واپ نے کئی کئی کاک باک علام ماست اپنے کے محمولات کی ایک بروائش کا ان کے محمول کردنے کی بام ایوازے دے وی ۔ ان شماییس کے اڑھے درا کی کائٹ زائول کی مثانی مدید ہیں۔

مواه الحافي كل المستقل على الما الذي يواليس في المدامل كالرابي عالي الأدام المساق كالرابي المساق ال

احدة الآواكي في الم المالية المساولة في المواجع في المواجع في المساولة المحدد المواجعة الموا

ھورے افاؤن کی لانے نے تھیمیں خلف تھا اُئیں قدرے کی طرف سے مسائل کی تحقیق کا خاص وہ اور یہ دو افد کڑریا 14 دیں تک آپ کے تھی سے بردان مسائل کے جہابے، فادق اور میکوروائٹنی دمائل تھیف میں ہے کہ آپ کے فائن الدوا افتاقائل کے جم سے موجم بیلوں میں

124

مطيوع بيا-

جه میزان استوانیدی میزاند کا بیدا که با بیدا میزاند که با بیدا که بیدا میزاند که با بیدا که بیدا که بیدا که بی وی افزار برای کا بی این بازی نخو با در ماری که بیدا که در این بیدا که در این بیدا میزاند که بیدا که بی

ان کے طاوہ استاق فلیات کی تحریق و توقع اور امعان نے "تنظیم الدین" " " عا ہ آسکسین" ۔ امعان الرمیم ۔ استان است. امعان الکتاب، عوتی و فرانش، مثلاً معانات اور امکام اسمام وقد وقت مرس کیں۔

مديث اور تصوف على عفرت القانوي كا مقام و مرتبه:

موضوع او پایٹ کا کفتل چکار مدید ادر هبول پر دو عجیس ہے ہدد اماریت خصل کے عملے ہے چھ جھی خدمت آ ہے ہے ہر انجام دلک ہے وہ ان انجوں کا یکا کال دوسائی اور میارات مجابع ہے تھے اس کہ ان افقاعت کے خوارات سے آئی ان چر دو میداؤں میں آئی ہے کہ مہر دوستار ہے کی واقعہ شریص ہے۔

رحین آن آن آن کار خود کار اس میده می رسی اصفی می اصفی اقلب الان برده می اصفی اقلب است موسوط می اس کی این سرخ ا که اگر است به این برد خواهد می دود برده این است و اصفی این است با صدف این این سرخ است و هوان سرخ است با در هوا می است با در این از در این می دادر این این این است با در است این است این است می این می است می این می است می ای میدید کرد این است با در این است با در است

علم حدیث میں مبارت پر آپ کی تصافی کے عادہ مواحظ، رمائل ، علوقات و الحافی مجی کواد

جی۔ بی بی سیا قال مادیات کے 100 ساتھ ہی اند قرن ماکانت در انگی حال کی قرح کا ہد میں اللہ ہو اللہ میں اللہ ہو اللہ ہو

مواہ فقر امر طائی کے اعلام کے مطابق حفرت قناوی کے مواحد و رمال جی تقریبا پائی بڑار امادیات موجود جی می کی فرح کرکے امت کو تحافی کی ہے۔(۱۵)

أن ساك ، العوف كا الدمد كا فوال ع آب في الحرو الماديث عد ال أن عد مقال حريم اماوید کا کرے ان سے سال اخذ کے اور اسکے ایک برے سے روائی اور وائی پاوال ے بعد و اللہ اللہ اللہ كا كا كا كا تعلى تعارف آكر أربا كا را ب في اللہ على راسوس ملك CA. B. SA. C. RIO. P. C. or of 1111 C. STANDER S. B. C. 15 of 16 of 16 معد کرنے کے اور امار میل جو فتر علی کے مؤتا مدے مطلق تھی جو کرنے کا کام شروع کی اور احاد المنان كے عام سے الك مجمور موت فريكا اور اين كي زوب بهات فت ر ركاي مكر اين كا مودو شائع ووكرا، بعد ازال الواب الصله وكل الماديث في كرك الك "كاب" ما مع الأثار" الد الى كا شهر "كابع الألل " تحرر قرما جو وراصل "احياء السيد" كى كأتش ها، سر كا معاره احار النن ك وم ي واكل مديث ك المعال ك لي ور محراني به عدمت بيش عاد ك برو فرماؤر اور طرح الداب اللي تلك كام تحمل دو كر احياه السدر ك دام ب شي يوا يعل وجود كما بداء رآب نے اپنی زرمحمانی موان کھر اور مثمانی سراحان استین رکھ جانی کرما کر استان ایک العیب ك وم عد الك كل كلموال اوركار احداد السنة كاركو اعلان المسنة كا ماند سنا كر تمام فتني اواب ر امادیث کی قروی مواناظلر این میافی ہے کرماؤیہ یہ کیاب جی طبیدن میں تعلی بوؤیہ جس کی مل آفر جلدی آب کی املات اور تقرافی کے ساتھ موت ہوئی اور بات جلدوں کے بھی اہم اور مثل مثالث ع طلق آب نے افی فیق افوات افاء کروائے(١٨) جن کے حال مگ مگ س یں وے گے اس کاب کے اصلی اور بنیادی موضوعات کی حقیق عفرت قنافردی کی حالت کا این بویکی تی جس ر فود آب نے استدان عارات کا اظهار فرال ک

'' اگر خاتاہ مدارچ میں سرف میں کام انہام پایا ہوں 3 اس سکو ہوشل کے لیے کائی تھا کر پر کام ایک وقیعہ کے اعتبار سے دلائے ہے۔ (الله پاکس ہے اللہ میں گل میدنگی ہے۔ اللہ المسئل میں سرف اسطاف کے وائل مدیدے ہی کا اعتبار میں کمی موائی میں مجلہ العادیث کے انتیاب کی کوشل کی گئے ہے اور کام محمالات اور مجمالات اسرفوان کی دوئی ممیں مجلہ اعادیث کے کام انجا کیا ہے اس

الوس کی کی ہے اور ماہر محمدات اور همیان السودوں کی دومی مثل جملہ اعادیت کے قام کیا کیا ہے اس کماپ کی تعریف میں عرب و اللم کے بزے بڑے بارے طانہ رواب الحمان میں۔(۴۰)

صدیف کی ان خدات کے خادہ آپ کی دکار آنیائیں شی سے ''العسنسٹ اور کی'' ہے تہ آپ کے اور اٹروک کے انتخاب پر ''مکٹل جید ہے آپ کے 'گارائیس نے ادادہ میں مرحبہ کیا۔ اس کا '' محاویات معلقی'' کے ہم سے فراپ کے گھر سے تروی کی مطعید رحبیل ماہوریت کے موال میں کی کی موسد شیر کر تر ہم کر کیا جو میں موال میں کا سے کہ وری افوات کی '''اوال موال کا

2 x 24 = 12 - 16

آپ نے القد موفوعات ہے ادادی کے مجوے کل حرب کے حال حرفی ادادی کا ادادی کا دارا حاجات حمل کے جام سے حموات ہے۔ مشرد کالگئے اور خاندا روائدی کا کے خلیات کا ادادی گئے ہے افکاب "العصل المدا اور اور الاتاق المشہور وہ" کے جاسے کیا اور حربی ملک بر ومھے ہی کے بر

صفرت تعالوی کو علوم و افوان کے تقریبا تمام شعبوں میں کمال و امتماز عاصل تھا ۔ تحر آپ کے لمي و لکري کامون کا مرکزي کنته تب يه تسوف سر چي سکه اي لو آپ نه وک نتي اير املاري معاشرت كا اجم فراط بر العام وما مد سلمان عوالاً كرونك آب في قام فعال وكمانات الد ملي و فوان كو صرف فره تقول على كي اصلاح وحميل اير اي كي خدمت مي لكا وما قبليد وو ال وجد یں ان فن کی صورتمال اور آپ کے فصوصی کملات و اشازات کا اتھار کرتے ہوئے فراتے ہیں۔ ک این فی کی قدید بر بر دنا شی کی مری کی مالت شی اور بشوهای شی به مالت فرید قاب اس کی طالت پر دیا د پر دے بر ایک ہے اور جس کی تابانی پر خوات کی مخلب بنال آگئی تھی، اور جو خود وکاتمار صوفوں کے باتھوں والواری اور کب معال کے لؤن میں سے ایک فن کی حیات یں آئی تن اور جال ان کا وجود تنا وہ یا محض اور چند ظبلات کا مجود ہو کر رہ گیا تنا یا ادراد و دکائک کے نساب کا ملک صافین نے اس لی کے جو ایواب و سیاری منتج کرے کھے تھے وہ بالل فرامل مو تكريح اور خصوصيد كرماته سلك كي حقيد اور خاميد بالل عن حيب كا حمي ايد جمال کی قدر این کا بایر و نشان تنا و بان نظم شار وصدت الوجود با وصدت الفود کی باتشش افیار وتخييم لك عالمي تيم بر اور افيال بين مول ذكر والكر و مراقد كم جد امول بر بوري بوري قاحت تحی، معات نے وان کا نام اور رسم نے سؤک واقعیف کی ملک مامل کریا تھی۔ طرفتاند و الاحد او و متعال حراف الحراكر ان عي الك وور عام كرائے كى كاشل كى مارى هم، مام معالى، كى المان و علام المراجع على المان المان المراجع ا سد صاحب طلع کرتے ہی کہ ان وہ عی ما بھا صار کر درگان کے ملیلہ ہوتھ تھے گر ۔ کام میروں علقون میں قبلہ الحاص کی تلقیم و جامعہ تو ہو رہا تھی۔ تحر قدوی قبل تربیعہ اصول الفیق مسائل تالف رسائل اور اعل سلوک کے مضامین کو کتاب و سنت کی اور ساف صافحین اور اولیائے کاملین کی ك، كورة، الله وركاد هم، جس على راو (طريقت) كي حاكات كونفي وفي طرق سے بنا اور عمال بالأيوان وكين كما والحامد هجم هم حال في لايد و لم يقيد كرمياك ممل بمل بالإيان لو ح

toobaa-elibrary.blogspot.com

ہیں۔ بہاں گئے واقد و مدیث کے ساتھ امراش کئے کے عادل کے کیے مجی نائے باتے بہاں جو کمان و ساتھ کار موجود اللہ اللہ کھانی کے اس معدلی شار اس کام کے لئے مطرعہ مجبر الاست

... پرد لمت طیہ الرمر کا القاب فرملیا اور وہ کام ان سے لیا گیا تھا جر چھ صدی سے معطل چا ہوا ...(ور)

صف الآنا في باده الانتخاب المن المسائل من المسائل المن الانتخاب المن المسائل من المنظم المسائل من المنظم ا

ب آپ نے سوفیاہ متعدین کی توروں میں اس فن کی متیلت کو لیال کیا جن پر جائل متعرفین ادر میں بین نے روے ڈال رکھ تھے اور دانھ کیا کہ صوفائے فر تعدین کے احوال و اعمال کو سند رہا

کر اس کی بر امتوائل و خلیہ اسل کی سے وہاقیت کی دلیل ہے۔ آپ کے ذویک افکام انکی کی باخلاص افزار محمل کا چام طرفیت ہے۔ امتوال و حقاعت ، افجادت ، افاضات ، افاضات و اوا کر تہ مشعود میں و مفلیب ابد حصول مقدم کے لیے دئید مدید میں معاون و میمی اورنکٹ چیں۔

آپ لے اس خاص هوف اور اگل وائل عن فرخ کردہ اسان پائن کے اسواں کے مطابق بزاروں اشانوں کی اسان و تربیت کرکے ان کی زندگی میں وقی افکاب پیوا کیا۔ آپ کی تربیت کاہ کا مختلہ کیلیتے بوٹ آپ کے ایک سعوشہ کھتے ہیں:۔

"هرف کی تربیت کاه باطن می د کیلیات و اوقیات نجمی در دبیر مال اور در رئی مراتیج شد و بوید سال اجرام قدار فرجیت که اعتماد کا بهااه می کا قدار دس گی و تابید به رواز دولی می میدی کین تاکیف که بر بر اور زوان کی اجرام کی گیر کر گی تر شمن و شیطان که مالات میدی کی کی که استه نام کین کر و اصل کی که استه خام را میدی کار استه خام را استان کی که استه خام را استان کار استان که استان که این استان کی که استه خام را در استان کار استان که این استان که استان که این استان که این که استان که این استان که استان که این استان که استان که این دارد و در استان کار استان که استان که استان که در استان

حقرق العباد کی ادائی پر زور دیے ہوئے قرائے کہ'' ان میں زود پرایہ کا کہائی کہ کا کہا تعلق من ابتد کی قم کا بیما تک نہ سے گئی ہاہتے ہو کم بھر میں کیاں نہ مرجبہ رکی انسوف کے انہا بدہ۔ فوائل اور مٹاکلٹ میں سر بدارد، فدا کی انتقاق کو بمارش کرتے ہوئے کان شدا کہ رامٹی کر اورائی (⁽⁽⁽⁾⁾⁾

علی کُلُ یہ آپ نے اس آئی کی ہر فدست براہم دی اس کا اعادہ آپ کی مائدہ داتھا۔ آسائیف سے کالی ایوا ہے۔ ان می سے فصدانسیوا، مسائل السلوک، التحقیق بھیمات انصوف السلوف، کالم معری فریدی شاہدگا، حقیقات فریدیا کہ گرامی کوری کاری میائل سے اس کمیٹ می آئی افتحاف کے اصوار کروند کے امراد، انتخابات سے کہ مزاد کاکی و مادی ، امراث ، امراث ، امراث ، امراث

قلب کے شخفہ رو شہبات، والی فلک اور شریعت و طریقت کے مسائل پیلو یہ پیلو میان ؟ جہر، اس موتوں کے جنلی جوابر رہے آپ کی دیگر میشومات پر تسابیف میں مجلی حشور جہرا۔ اصادیبت تصوف کی نقر و میں و القبیش حضرت تھانونگی کی عظیم علمی خدمت:

عشرت ہوائوئی کے ملم فیطل کی اور ہادی ہوائی اداری انسون کی تھیں و قدوی ہے۔ اس موشوق بر عادرے مائیں مل کے مطابق کو کیا جائے اور انسان کی مدرجہ تھی ہو بھا آپ کا بھی کا مائیا در مرابق انداز مدریت کے حاصل ہے آپید انتخابی اور انج مؤتش اور ان مدریت میں ایک اسم باب میں امائز ہے، اندر محقابی کالی تھی ہوشول کے واصل ہے کا کہا تھا اور افزون خدمت اور میں کا مائیا ہے۔

ہے آپ نے قرآن و حدیث کے واتلا اور عمیق مطاحہ ، تسول ہے محری مناسب ، محقق علی و صوفار کی تعلیم و تربت اور فلری فیات و قابلت کے زیر اثر اتھام ویا ہے۔ حضرت تعاویٰ نے اوال ان امادیث کو جع کیا جو کت و کام صوف علی موجود جل اور جنین صوف نے اسے مسلک اور افکار کی نا کد بھی الل کیا ہے ، اور وہ احادیث بھی آپ نے تی کیس جو صوفات ملتوں بھی قر معروف توری تاہم ان سے قبوف سے متعلق کمی نے کمی منظ پر انتہاں کیا جاسکا ہے ، بعدازاں ان اجارے کی تخ تخ کے درجہ آپ کے ان کی اعتبادی مشت اور مائنہ کی تلاتہ ہی کی ہے۔ آپ کے ایکن اقبال موفاد کی می افتین و وقع کی ہے جو امادید کے موان سے معروف تدرید ان مادید کے ایک بدے کے مادید اگر وہ اماد سد کل احتمال فیل میں عقیل وال کے معلق اسے تظاهر کی والل ہے وضاحت کی ہے۔آپ کا اصل کام محض محم و قدون اور ضعیف و موضوع کی نشاندی تک محدود تین فكه هياتي السول، وسلوك كا إما وساء التابع إبر عالمان السول. كارترو عرب آب ال السور كارتجا كرت إلى كر مديل على الموف الل آب ك زويك وو مديد ي الل إلى على الموف نیں (ام) (کیک شوف آپ کے زوک قیم کام داخن کا وہ ہے)آپ نے ان تحقات کے ذریع ای اعتراض کو بھی دور کر وہا ہے کہ ملاء سٹوک کے مال سے شعف اور میضوع روایات جی اور ساکر فن سلوک کے مسائل اماریت نیوی ہے جارے گئل ساکر در ایعنی علاء و محدثین نے اس مرضوع كي طرف كال تدريك من محر عضريته قلالي في منتقل طور بر العاديد كالأوان و التلاق كالأواند ال قدمت كو اتهام ويا إ ال مرضوع ع آب كا اصل كام آب كي وو المناف المطلقة الطابقة من السنة الالقه (٢٠) اور "التشوف بمعوفة احاديث التصوف (٢٠) عن موجود ع ان عن آب ل فعول و سلوك كو ايك محدث اور التيه كي حيثيت سے بركها ب اور احاديث كا عارة ند جاكو ايك صوفي -c V = \$6

ال مولوں کی آپ کی خداے کا تعلق اخذاف کے گئی خودی معلم بڑھ ہے کہ مولواد الب عمل مولوں اعدادی احدادی کی محملت کے محلق والی فم کے نکو دکلو اور آئی الحقیقت کا جازہ ایل جائے چاکہ مولوں کے قدال اور تحالی جازہ سے معربت قوافون کے کمی کام کی جانسی تھا۔ آئے وہ انتہازی مطیعت دائم بوسکتا

سوفیانه ادب میں احادیث اور ان بر نقلہ و تظر:

مین و بسب در دو مرفی کا در حالی کا در حالی به می مساوند. مسئل اداری می میشود اصل به مینان در مینی که حمل و با در این ای کابید اما و سرد و اما مید و اما مید و اما میدا و مینی اماری می و این می میشود است که می اماری از در این در احد این این میداد و احدالی آیا به داده و داده بر اماری می میشود اماری می میداد و در این ارای میداد و این میداد و اماری می میشود این می میشود اماری داده و داده بر اماری می میشود اماری می میشود اماری میشود اماری میشود اماری میشود اماری میشود اماری میشود اماری

مودود برای محمد استان ادامات کی با سنگ فرد مدان این مهار از موده از می استان می مود در استان می موده از می می مود

کہ ایمیں تمین سو امادیت کی طرح کی گئی تھی۔(۲۳) صوفات ادب سے محال ایک ایم خدمت ان امادیت کی گؤنٹا و افتیق سے جر کت صوف میں

أي أما المتابعة عن عد مقول العوقة كل أكثر أن أي أن المتابعة عن المسابعة المتابعة عن المسابعة المتابعة عن المسابعة عن مسابعة على المتابعة عن مسابعة المتابعة عن مسابعة المتابعة المتابع

کی برا احاضای افزود کا می کارد کار کار کار داد برای کی تختل می انتخابی بی بر کوکن بی طویر برد زیان ادیام بی مجرای کی شدن تا انتخابی ۱۳۵۱ که اس این اس کم که دراندیک کی گزارش کی بیاتی بید برای از میشان میشان بید می انتخابی است بید در این این است بید و این این است بید این این بید میشان بید این این که استان است واقع این استان می استان از استان بید و بید و بید و این استان از استان بید و بید و بید و بید و بید

عملی موان روم کر بر بیان فاری کامواند استفریش میں موانید اوب کا ایم ما قد بے ایک ایرانی فائش بری افران قردد اگر مردم سائل استاد واقتاده تران نے عملی کی کام اصاریف کی "محادیث عملی کے موان کے مودد کو کا کی ہے۔ (۱۳۳

اول کے اواق کے مدہ اول فی ہے۔ امادید تعرف کی قدوی والتیان پر ب سے جائع کام عارے مورن تیجم الاست حفرت تعادیٰ کا ہے جس کی تصلیل آندہ حضر میں آری ہے۔

رین و ب س ن می این این میں کر صوفیات اوب جو کر فقف قصائیان، مقوفات اور کاتا ہا کہ این کی است مشتل سے د ضیف اور موضوق امادیات سے خان کیس اور اس کا خیادی سرب سے ب کر نظر مدید

ميزي به ميشون گيل با « مصيري كي مجتمل بين اين اين اين دري ميشولي ايك سنتواني به ميزي آم معتال بين استاري مي استاري كي داد به اين سال ميشود در گي ال بدليد داديدي كي اين دران سال سال ميشود كي اين اين ميشود ميشود ايك كي دران بري ميشود اين الميشود ميشود دادي ايك بدر دران شال ميشود اين استاري ميشود كه ايك كي دران بري ميشود دران ميشود كي دران ميشود ايك ميشود كي دران دران ان ايك ميشود دران شال ميشود دران ان استاري ميشود كي دران ميشود كي دران ميشود بي دران ميشود كي دران ميشود

مونے نے من کلی کا داد ہے کی بات سے امادیت کو اپنی کابان بٹی کئی کا ہے چنین زاور نے وقع کیا ہے یا جائل واطلوں نے۔ شاہ میداموج دولوق مونے کی ضوح اللہ افخد میں ای دائمہ بدر در میں (۲۰)

ان کار به در می شد از مواهد که از مواهد که این می باشد و می از می از می به می باشد و می باشد و

مقيد موفى اور حدث البيم اسبباني" كى "حلية الاولياء" سيحتى محى محى في لدين كي مدين كي يورات به كه ال من بكرت مونوس والات دري بين - ان سياه والكر مقيد ركب صوف صدف الصد فعه عواد في اللهذة في الديم بيهذة الإسراء كنف المصحوب واليرو من كان خوف الدوم خوش را داول عن

سریدی می محد در بیش کا میشید سرید و بد بیش بیشیدی می ساز می دادن بیشیدی مید سود.
میزی می محد در بدار کا میشید سه کا میشید به می می از آن بیشیدی می این است.
امازید که کام دخوش قرار در به و بیشیدی می میشیدی می از این است.
امازید که کرد در میشیدی بیشیدی می میشیدی نیز در بازی می می کار آن می از این است.
کی ایک در این امازی که کرد در در دوشی می این که از در این می این کی آزاد در این می این کی آزاد در این می این که از در این می این کی آزاد در این می این که از در این می این که از در این می این که آزاد در این می این که از در این می این که از در این می این که آزاد در این می این که از در این می این که از در این می این که آزاد در این که آزاد در

گیب بانت بے بیت کر قود بنا سے بیستی مورٹی وظ والجنیف ، اسال بائی اور فضائل و رزاکل کے موامل بر کئی کردہ اصادیف کے بارے بی صحت کا انگل میار انتام کی زکد تک (جر کر موابات ایس کا اندام حسر بیل) مثل انتخاب بین جونگی نے فقد صدیف کی امیاز تکار کے ابادہ اپنی تحالیات محلمیں، انعامیس اندام افتاد والی انتخاب انتخاب اندام کی اسال کا درائی میں کی کرف تعمیل موشق اور مداریک کی کرار کا درائی کردائی کا درائی کارٹی کا درائی کی کا درائی کارئی کا درائی کارئی کا درائی کا درائی

الآناً فم مستند کے اللہ ہفتر ہے کو ان کا کتاب " انتظامی " من فیصل امتیان عیمید فیرہ افواق کے امدید کے معلومی استان کی سائے ہدائی انتظامی استان کے استان کی سائے ہوں۔ انتظامی استان میں استان کی استان کے استان کی انتظامی کی استان میں استان کی استان کے استان کی استان کے استان کی استان کے استان کی استان کا سائل کا استان کی استان کا سائل کا سائل کا سائل کی استان کا سائل کا سائل کا سائل کی استان کا سائل کی استان کی استان کی استان کا سائل کی استان کا سائل کا سائل کی استان کا سائل کی استان کا سائل کا سائل کی استان کا سائل کی استان کا سائل کی سائل کا سائل کی استان کا سائل کا سائل کی استان کا سائل کی سائل کی استان کی سائل کا سائل کی سائل کا سائل کی سائل کا سائل کی سائل ک

أرباً على إلى ... " اذا وربنا عن رسول الله ﷺ في الحلال و الحرام والسنن والإحكام تشددً نا في الاسالية واذا وربنا عن البئي ﷺ في الطائل الاعمال وبالايوحم حكما والايرافة الساطنا في الاسالية .(*)")

حفاق جن سے كوئى تكم وضع إرق في الله مدان كرتے في قد ام امانيد على تباقل برتية في)

يت يون. اين امتون" آگيج چن: "ايجان جند اها الجنوبيت و فير هند النساطة في الإسانيد و و و الد مايد ي الندخيد و در.

"يجوز عند اهل الحديث وغيرهم التساهل في الإسانيد ورواية ماسوى الموضوع من انواع الاحادث الفدعلة من غير اهتمام بين ضعلها فيما سوى صفات الله تعالي و احكام الشريعة من الحلال و المعرام وفيرهما ، وذالك كالمواهد و القصص وفضائل الاهمال وسائر فون الترغيب والنوهيب وسائر عالا تعالى له بالاحكام

ر المستندين و فيرام كـ ازديك موشوع كـ مود اماديك هفيز كـ قام الوال كى امانيد شك خفف كـ يوان شك بدم اعتمام جيدا تمامل بالانتها يكن مفائلة الهيد ادد عال و ترام يشه المام الرياف شكى تمامل بالانكى به تمامل مانيان و تربيب كى المانيان و تربيب كان المانيان و تربيب كان المانيان و تربيب كان المانيان و تربيب كان المانيان و تركيب و تربيب كان المانيان و تركيب و تركيب

اں باب میں قد مدین کے تباق کا بچید ان قال میں کامیر ما کر بھی فیاد نے ترفیب و تربیب اور دو و ورٹ سے مثل اماریٹ کرنے میں کرکی قباحث میں دکی اور کیاد ایس واقات کی کی بچی آئے کے کو فور اس کے کے دائیس کے صدید کرنے کا اماروٹ کی ایس ک

مونے کے پال احادیث کی آئل و دولیت میں آنال ہے قر اللاد گئیں کہ وابھش احقاقت دہروں کی وائن کرادہ دولیت کہ تھی میں کہ ان کہ اپنے تھے اور ای بدہ پر اصرائی نے کال موفید کی احادیث کا اور اس نے میں احزاز ہے کہ اور ایک کہ ہے واقعی کھر کے میں کا میں کا رائیس نے طور احداث میں میں کی جی بر بہتر کہ ان کارائے کھی میں کھی کے محالی نے اوال کا برایا ہے کہ دو انکری واقعیت کی کے اس ایک کاری کارائے کے اور (10)

موتی کا طرف وقت میریت کی برانیست از کیلی و دست نجی که ایج در میت کی که ایجه موتی می سند میشود. وجه و دراع علی کامل اود طریقت عمل درمان حاصل سید کی در بر الام با مادگیری کا کیک، ملا موتی میری سے واقعادی معرفی اود ایجهدادانی آمنی آم در اس مواسلے سے جمع چی (۲۰۰۰ کام اس بر کافی میشد جهادت مدیر ای ر

اعاديث تصوف برحضرت تفانويٌ كي تصانف:

السول و سلوک ہے متعلق امادیت کی بڑی تعداد حضرت تعالموناً کی تسائف و مواحظ بیں موجود ے تحراس میضوع برآپ کی مشقل دو تساعف تاریخ مدیند و تسوف میں ایک ایم اشافہ جن، ان ش ے ایک "النشر ف بمعرفة احادیث النصوف" اور دوبری "حقیقة الطریقة من السنة الانیقة" ك ام ع معرول ع يوكر حقرت قالولي كي ايك ايم تفيف "الملكشف عن مهمات النصوف" كا الم حصرين إن السائل بين آب كا مشهو محش إماد ملد كي جمع و يدوي ، كالني ، مكه إن كا الك مدری فتر ادر سوأ کی داشت سے بارقان مجتمال ادر ناقبال ماؤہ کی سے داشت اطرات کی نالف ہے آپ کا متعمد امادیت ہے مسائل تعول کو ٹابٹ کرٹا ہے۔ اور التم کی تک آپ نے ای ن ك سال ع حقل الدايد ك الأي والتين ك عد إن كا الله و تعارف مب ول عد (١) النشرف بمعرفة احاديث النصوف:

یہ کاب حدیث اور تصوف و احمان کا حمین احماق ے یہ ان امادیث کا مجود ے جو صوفیہ کی اتسانی اور ان کے کام میں وارد بوئی ہے یا جن سے انسوف کے کسی مثلہ مرا مثدال کی ماسکا ے۔ ان کاب بی ان اماد سے کی حقیق کے ساتھ ساتھ ان کی روشی ہی ضوف و سلوک کے متورج سأكل شا عبادات ، اظارًا، أواب، محاهات ، اشغال و افعال اور اوباد و اذكار وفيرو زر بحث آئ الله - الآب كي البديل عليد الناوي في الله في العناف كي المن و بايت ما الأفي مد كما ما ال امادیث کی افتیق ے جو حضرات صوف کی زبانوں ہے یا ان کی انترارات میں مشہور ہے اور ان کی الكانوار عن شائع جودًا عن الحرار العاد معرك فتك الدرقص عنوا مع مضوع قرار وسات الدران كا س میشوع قرار وط یا قر از مد سے وہ سے کہ اور اصاد سات کی سے معلیم لیں ہوتی یا تاہر اور کے علموں کو مخالف شرع مثال کرتے ہیں۔ (Pa) آپ نے روائی اور دیا جی مالوؤں سے اس بر بحث کی ے و شعف اور موضوع احادیث (وو احادیث جو زیاصل حدیث نین اور حدیث کے نام سے مشیر ان کا جی آپ کے محتاد مالوں لاے اس سال کے ایم بالذ مول سے کے عاور مواثق كي الواجع احداء الطوم ، حادثي كي مقاصد هنه سيوفي كي حامع الدفير ، اور مناوي كي "منززالطاكل" " بين فاكره كت ك عوالوں كے ساتھ ساتھ آپ نے احاديث كے اصل مرافع اور بنيادى مآخذ كى محى ناءی کی ہے۔

٩. "اطفروا الطبع ولا يما المدخل والشبعل في المدخل والشبع من المدخل والشبع من حديث السياط المدخل والشبع من حديث السياط الميانية حديثة الميانية عديثة عديثة الميانية عديثة الميانية عديثة عديثة الميانية عديثة الميانية عديثة الميانية عديثة عديثة الميانية عديثة عديث

بعدازاں ان اصادیت سے حصل فائدہ کی اوشی کرتے ہوئے قربانے جی-"نے تیجیاں صابعی ط کچنے اور مختانے کی فضیان پر دال جی اور اس میں جہاد صوفے کی اصادی ہے جو هم کی قدمت کیا کرتے جی اور اس کو مطلوع قال کیلے جی جی-"4"

ای طرح ہے کی اصل کے بارے بی "اصل الاربعین" کا موان گائم کرے اس کے ویل بی مطل الاربعین" کا موان گائم کرے اس کے ویل بی مطل الایم کی مدیند الا الاسے کی کا ہدیدہ کا ہدیدہ کی مدینہ کی کا مدینہ کی تھا تھا ہے تھا تھا ہے کہ کہ کے مدینہ کی مدینہ کے مدینہ کی اور مدینہ کی مدینہ کے دی مدینہ کی مدینہ کے مدینہ کی مدینہ کی مدینہ کی مدینہ کی مدینہ کی مدینہ کی مدینہ کی

"من اعلمی للداریمین یوماً طهر بدایج الحکمة من قلبه علی لسانه ". (یر اتحش بهایس بن اللہ تنوال کے لیے اعلاس اعتبار کرے، عکست (علم) کے تاشی اس کے تک سے اس کی زمان بر تحایم بورلے گئے جس)

اثبات بے اللم ارتی کا کیکٹر میں طم کا اس عین وکر ہے پیناسٹر کہ و اثرہ عمل و انتقاص کا بے اسلامت ایس حم کے بیند دیکر حوالات حسب اولی جی۔ الوالو تقوالمدتق (⁽¹⁸⁾ اصل بعض القاب الصوف (⁽¹⁸⁾ صحة الالهام (⁽¹⁸⁾ الاصندال فی

الشرف کا حد دوم این امادیت کی گزنگا پر منطق ہے جو حقوی معنوی ہے دفتر امل اور وفتر ششم یا اس کی بعض شروع شخط کلید حقوق میں موجود ہیں۔ ای حد میں حروف کھی کی ترجیب کے مطابق "مقاصد العجسماء" کی کئی بعش امادیت کی گزنگا و انتخیق کی گئی ہے۔ (عدہ)

مسموم بروم بروم الديد المديد المسال المطال المديد المديد

کاپ بیکار کے پینے تی حمیل میں مورٹ افاؤق کے کاپ کا شی افزاد اور اور وقد کے مالو اول کیا ہے امال اول خی کہ اکانسان اسپول اخلاف انصاف الصوف"ے مہم کیا ہے اور اس کے دور انرکہ کا محکمیل الصوف کی اسپول اخلاف انواز کا افزاد کا ہے ۔ کر بچھ حسر میں ماسات اس میں کے اول کی افزاد کے اول کالم مشارک کردا اور اس مدے کے اول بھی کے مالو مالو اس کا فزاد اور استان ممال کی افزادہ میں ادر انداز کی آلو کر اس اور انکار فزاد۔

ال 'گلب کا سلند تالید اجامه عدد مجاه تک بجها جدایت به کنب رسالا انجادی از 'گلب هم حضرت قدارتی که خدم و معادل شانگ معدد نصفی (⁽²³⁾ هم عددی اداران مجمود سے اشاط کی معدد سے شانگ میل کی در روز از کائی محمود سے مرسم کل میلی میران الجید اعظیم برسید آباد ا دامل سے (گرم کار در اوز کائیس) در مشکل سے انکاس محمود سے کہ کا مدارت کا معدد سے کہ کا مدار

مواہ فقر اور مثانی کے زوی "الفقوف" نے پہلے امادید قسف می منتقل کاب غط می گئی آئی ان کے خیل میں بر موامل کا والا مثل اور کی صاحب عدد کی اکتبی کا مثلاثی ہے۔ کیکٹر ان می اہم امادید فسول کا احتامات کی والا (87)

(٢) حقيقة الطريقة من السنة الانبقة:

بر ایرین خواسی موسود فاول کارس این مخوف بد به به انتظام می موسود از می از می انتظام می موسود از می ایرین می شود می موسود از می ایرین می شود به می

1917 اس کے مالد کی افرائی مند کرد اور پائی افزائی چھ اور (افاع) سٹو اور ماؤہ اور کیا ہائے۔ آئیز فر دبائی وو پر کہ انگوں سے کہلی چو صد انکہ مددائی کچھ جس کر شک نے اس معزامت میں انسان انسٹو کی میں جائٹ بھی سے کہ افاقا جائے کہ واج و بدائی کئی سے انجی داکا کہ دفا کر اس کم

رما مند تیم انگل عصولات به چها که داخل گروی که طلب شد با لایشتی درج ی به ا 7 این بی که در دامر بیام مجمعی کا بی دوج به اس که های بما تصلی به داخل به با درج بی خ متحد العمید در این بی بی در این فرد سال فریان می داده این می این می این می در این می این بی می در این می این م چهار موسطی کند بی می در این هم در سال فریان می داده این می این می در بادی است می این می در این می در این می ای در بی داشتنا متحد می در این که این می در این می در این در در این از در این از در این در این این می در این داده

-c 2 5 Ut

ال صف سے ان کا انجاب ہا ہے کہ شہر بھٹنگا کی داور مدرے کی 3 رکھ سے گا کہ ان ان از کہ بابی 2 افراد مستون بانگ سے کر اطال تھی کی گئی بعادی کرتے ہوئے ایسا کہ ان تھے مدروق صف علی ہے کہ شریعتیکی نے افاق الحق بانک ایک اور فائد کیا ہے کہ ان المار است انہیں ہے کہ کہ والی ویڈ کے مالی انتخاب عمر ہے ہی کہ انداز از کہ انتخاب کر انتخاب کی اس کا میں انتخاب کے انتخاب صدر زمد رہ تھر ہے کہ ان افزاد و خارش کی کا کہ کا مستون انگل کے لیکھ (انگر ہے (انگر سے (انگر)

اجادیث کے قمت عدری فائد پر آپ نے ہو محانات کاتم فربائے ہیں ان میں سے مصدید دری دائی ہیں۔

هم برموز فيرطير (۱۸) غم وهل (۱۹) کان و گزامته (شد) مکتب تلت این ادارا فيش (لد) کن و گزامت (اند) عدم ما وقات و دس کمال داد (اند) وک قان و گروشتی (اند) و بد و امتواق (اند) و مدرسه دار و هم مشارف (۱۵)

ی حویل قابل کار دیری سفیله اعتباری ساخته اعتباری کان احتمال بی اداران در ایران کان داداران در ایران کان در ایرا وی در گاری برای کار می ایران به ایران دادار ایران می داداران با داران ایران می بازی می ایران کار در ایران می ای میشید اعتباری ایران بازی ایران کار در ایران می داداران می داداران می داداران می داداران می داداران می داداران میشید اعتباری می داداران می

میده مقرفه کے ماہ ایک میر دیار کی آئی ہے پر الفک دخیله جانب یعنی میں میں میں جانب میں ہے اس کی حقیقہ انتقال کے بال میکرا عرام اس کی ماہد انتقال کے بال میں ہے کہ میں کہ کرانے ہے۔ اس حدی کی ہم امام یہ کاری انتقال ہے تاہی ہے ہے ہی ہے۔ امام ہے استعاد انتقال ہیں ہے کہ کر کر کا ہے ہے ہے کہ حدیل کامام میں ہے کہ چہد ان امام یہ میں میں میں ہے ہے۔ اس انتقال میں کہ اس کا ہے ہے۔ ہے۔ اس میں میں اس کے اس کا میں کہ اس کا ہے۔ اس کا میں ہے۔ ہے۔

احادیث تصوف بر حفرت تعانویؓ کی جحقیقات کا تعارف:

حفرت الداؤق کی حدیث اور تسوف کے احواج اور شریعت و طریقت کی تلیق پر می الفیلات کا واڑو بہت و تاتا ہے۔ ان کے مطالعہ میں اس نمایاتی ملحی کام کے جو ایم اور اشارائی پیلو ماسٹ آ گ

یں وہ صب ذیل جیں۔ از - امادیت شوف کا انتخاب در - امادیت شعف کا انتخاب

چہ دوبای کے اور اس میں اور میں اور صوفاء کا طین کے اقتال واحال کی تائید ور امادے کی روائی میں انسوال کی آخرہ واقتی اور حافات انسوال و رحبات کی تروید

> ان موضوعات سے متعلق الفظامت كى تفسيل دريا والى جي، ان احاديث الصوف كا التخاب:

حصرت حقادتی نے "علیہ اطریقا" میں بن اماریت کا افکابہ قربانی جدو ممان حد کے عادہ ریکھ سے میں میں موجود ہیں۔ انگرف میں متاسد انسان بائن المبلح اور کو العائی سے اماریت بن میں اعداد اعلم اور حمول سے محک اماریت کر کئی فربانی ہے ، این امادیت کا ویکر صد کاما معرفیہ جے رستھ ۔

زید و دقوق اور خدمت و بیا سے موضوعات پر تو اس سے گل تکی احادیث کا انتخاب بین اما محر ابیا انتخاب جو انتخاب کے خام پیولوں پر منتخل اور نے ساتھ ساتھ سائٹیں طرایعت کی سنتے کی روش میں ملمی و گلری داندائی اور احدادی خرودتوں کو چہا کرنے کی کئی مشاہبت رکت اور حزب ند

حفرے اتفاق کی ندارہ انسان کے اس خورت کو کافی مد کنے ہوں کر دو جہ آپ کے اس اختیاب میں وہ امارید کی ڈائل جی میں سے مسابل ہے اس سے کل احتمال کیس کیا اور چیز ان معادید کے معید کا دو مسائل سے کوئی مناصید می تفراتین آئی کم آپ این سے اس کی سے انسان رقی اسائل مناز کرتے ہیں۔ رقی اسائل مناز کرتے ہیں۔

"معقبلة الطويقة" ثل حَمْثِ كَلَ جائے والى اماديث كى تعداد الاسم بنب كر "الصنوف" ثين اسل اماديث كى آلونكل "مجتبل سرحمن عن محل عن عنده اماديث خاكد إن الل لي تجوى طور بر ان كى تعداد كى ايك براد سے زائد ہے۔

(ب) احادیث تصوف کی تحزیج و تحقیق: احادید تصوف کے احجاب کے ساتھ ساتھ معربیہ قباری نے مرد دمجمعہ بلنے معاہد کا آلا تا

ر همین کی آرائی نے ہداری ادارہ پر کے اس بالا کی گاری کا کی کا میں کہا ہے جا اس اور اس سے سال کی کا میں کہا کی ک کی اداری چارک استہدا دھلوہ سے ان کی جی ان کی گڑی میں آپ کا مائڈ اور کی کا مائڈ مور کی کا میں میں کہا واقعاد ہے۔ آپ کے اس کے اور کی کام اداری کے عباسا میں ان مادید کہ کیا ہے جاتی ہے مثال کے اس میں میں کا مائڈ کا لا ہے جاتی ہے مثال کے ذاتی میں میں کا دور ان مادید کی گڑی ہے بر مثمل کے ذاتی اس اس میں کہ اور ان مادید کی گڑی ہے بر مثمل کے ذاتی اس اس میں کہ ان کا در کا کہ میں مشال کے اس میں کہ ان کا در کا کہ میں میں اس میں کہ ان کا در کا کہ میں میں کہ اس کہ اس میں کہ ان کا در کا کہ میں میں کہ اس کہ اس

علمتی وہ کی کے آئی آئیں اعدار میں مراحہ قرآئی آئیدہ و اداریت کا حمالہ آئی ہے اور بخش میں اس کر انڈائی گائی ہے۔ حمرے الدائی نے ان اعدار میں موجد اداریت کی گزاری کا ہے طاقہ حملی کے حمراس "کی المدروش الا مدن افقائ" (پریکٹ آئادی کی مدن سے افرائی کاچیا ہے) کے خمال میں ما سرعید کرنڈ کا ک ہے۔

س ير حيث ران م ب... "اذا مدح القاسق فعنب الرب تعالى واهترّ العرش". رواه البيهقي في شعب الإيمان - مدر و مراح (١٨)

کا افی المستخود **** (جب قاش کی مان کی چائی ہے تو عن تعالی تشیناک ہوتے ہیں اور عرال کا پید اگل ہے)

مشوق کا کے آیک فھر مرک ترمید ازاق و کھوٹا گذید - ترمید از پ جی و اثمار و مرک دید

ہر کہ رسمید ازائل و اللوی کندید تر سعد ازوے جی و اس و ہر کہ وید سے مطلق اس مدینہ کی آتا قرآن کے جس کی تریمانی خاکورہ شعر کے ارابعد کی گئی سے کیلئ

ے معلق اس مدیند کی کارنگا فرائل ہے کان کی ترعانی غائدہ تھم کے ادبید کی گئی ہے گئی مدین ''امن حاف اللہ عوف منہ کل خین یہ ''(میم اور اللہ ہے اورنا ہے ہر 23 اس سے ادائی ہے) اور اس کے دیگر فرق اور مراق کا محکی موالہ والے ہے۔''(۸۸)

ای طرح "اسن حاله" کے واقد کے قلک ایراء کی تاکید میں بخاری، تردی، مند الد اور واری ، وقیرہ کی آئید اساویت قابل کی جی۔(۱۹۳

ان املایت کی گزش ادر ان کے دریات کی آئیش و تخید میں زیادہ تر "المطاعد العصدید" ہے۔ احتادہ کیا ہے ان کے عادہ مراتی کی "مجمع الصحير" کے حالے اس انتہا کے تی،۔

اں میڈوری را ''اخرون'' اور ایانی طور کا ''امیارید خوان'' کے تلگ مطاب و مائی ہوتا کے کروٹو (کرفیلند میں کی ایک ادامید کی آئی تک رادہ اور میٹ کار سے کامیر کا آئی ایا کیا اور ''ازگل دامیدی بین میانی مائی میں اندر کا ایک بین میں میٹر جسر اندان اور ایک اماریدی کی گزاری کی گئی ہے اور بین کی متاران کا ممانا عمرائی بین بین تیز درگی کی ''اخلاقو کی میٹورون السلمیورہ'' اور میٹوری کی مشاب اس کی سے حرب قائرتی کے لایاد متاریخ ان کے مائی میں میں میٹور کا انداز میٹور کی میٹور کی میٹور کی سے حرب قائرتی کے لواد

ان ڪالي موازند کي ايک حال درنا والي العرب: الديد يافس آرين اين دائل دول دول دول دول دول

کسے فالی باور باند ہے کہ اوالی زانوے اگر یہ بد (فالیم کے باور باند نے ایک کے قوم کا بازید وہ)

قرد الله مروم لے ال قدم سے حالت مدیث کا مأنظ مرت اسمیا، العلام الم آرار دیا ہے(40) چب کدان سے اعظالہ مدید عدد کتب سدیث بھی اوجاد ہے۔ اعتراب آغافی اس مدیث کہا کا کا کرتے والے الے این ۔

" في المقاصد حديث "اعقلها و توكل" ووى الترمذى في الذهد وفي اتحال والبيهفي في الشعب والوعمو في الحالية وابن ابي الدنية من حديث المعبولة بن ابي قرقة المدوس سعبت الله يقول قال وحل يا وسول اعقلها والوكل واطلقها والوكل قال قال عقلماء دكا بعد الوقائة"

بعد ازاں اس طریت کے دیگر طرق اور دید یے بحث کی ہے۔

کاپ کے صدیح اور چاہ میں اور کی کی قریب کے مائی کل کوہ عداد کے مائی کا کہ اور میں کا کہ میں اور کے مائی در اور کی کاپ میں اور کی ہے میں دی کے لیے اور کا بھاری کی ہے کہ اور کاپ کی ہے میں اور کی ہے میں اور کی ہے کہ اور کاپ کی ہے کہ اور کی میں کہ کے کہ کی کہ کی ہے کہ کہ کی ہے کہ کی کہ اطراب اور کی ہی ہے کہ کی کی اطراب اور کی ہی گئی کے لیے گئی کی اطراب اور کی ہی گئی کے کہا تھی کہ اطراب اور کی کی ہے گئی کی ہے گئی کی ہے گئی کی ہے گئی کی اطراب اور کی کی ہے گئی کہ کہ کی گئی ہے گئی گئی

هم التركزات مي داد ما بعد الما كان بي اين عمل من المواقع المواقع المستواط المواقع الم

ضعف و موضوع روابات كمتعلق حفرت لفانويٌّ كا مؤقف:

مونی کے کام میں موجود ضیف اور میڈمول اداریٹ سے حقائق حفرت قوادی نے اپنے مؤتف اُو کی مرب قل میں تو قبل کیس فرایا جاہم اس تھ کی روایات کی تحقیج سے حقائق مواد کے مقالد ہے آپ کے نکلے نکو کی وشامت ورق قبل قائلات سے ووکئی ہے۔

1. و مراحيد منافع الدول المدينة عالى الأول إلى الإنسان المدينة المراحة الم

مونی کے بال ایک دوارت ہے بھی مالیور ہے کہ او توزوۃ نے مفروظ کے سامنے عمیت الہد رمی یہ افعار بڑھے تھے۔

قد لسعت حية الهوى كبدى قلاطبيب لهاو لاراقى الأالحب الذي شغفت به قعنده رقيتي و ترياقي

آپ یہ افتداری کر دویہ میں آگئے تکی کہ آپ کی بہار میانک شاند میانک سے گرگی۔ (**) اس مواجعت کے حقق آپ نے اس بھی کے عواملے سے قامل جیکر کے فائد کے کہ اور فائد کے اور بچر بال کی بھی کا مواجع کے سب مواحل کے جانم بھا تک می گری فرانک جی ساتے میں ال (دویہ واقعامی خال مواجع کے دوریک افزائی گورو کے لیے ایک اس کی قد موان ہے گری کی ڈائل فرانک کے اس کا خوانک کر اس کا فرانک کے اس کا خوانک کے ایک اس کو تاکہ کو دائل کر ان کا اس کا خوانک کے ایک اس کو تاکہ کر دائل کے اس کا تاکہ کا اس کو دائل کے دوریک شائل کر دائل کے اس کا تاکہ کا اس کا دوریک شائل کر دائل کا دوریک شائل کر دائل کے اس کا دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک شائل کی دوریک شائل کر دوریک کر

مسئله مسئله المسئلة الله على المسئلة الله المسئلة الم

ال طراح کی روایت ام و بدلا کان بیدال المنس فی الاقان میسا ((وال نُئِی کی کم اوان شما کین کچھ ھی کا گوئی گئی کے خاط ہے ہے اس قرار دیا ہے ، اور حدیث اسما میں فیلی جس بعد الاوسار" (کوکی کی ایک میں اس کے اس کی کی کا کا ان اوازی الحراق کے خوالے ہے دعوش کی کی ہے۔ ''کہ ہے کہ کاری میرائی ہے استان فی ورائی المسلک العاقال" (کی ماوال بدائل (الحراق کی کا دیا تھی کیا ہما اماری کی ہے کہ کی ہے گئی ہے (المسلک العاقال" (کی ماوال

هدود من معت بعده وط قبل أبات مي هم به بي واحد به جال كن (مد کم) أركب و در بستر كان الار بدرش كن الورد كن الموسط كن موسط مي مواج بي و بدريد به الموسط كن الموسطة من الموسطة كن ا

موفان مثلق می هیل و معرف مدینه «الله فعدی و به الفتر» (قریر) و قریر او فریب اور می اس پر قراره بین) که این جهیہ "این بقرار موفاق وقیره الله صدید کے موشوع قرار دیا ہے۔ (۱۳۵۰) آپ اس کی جور کرتے ہیں کہ الله فیاری کا میں ایک مجابل افراق کی اطبیات میں ہے تاکہ حالی مادہ بی اور فیلیت کی کی بھری پر قریر ہی ہی کہ اور والی سدید انسیاس الله استرائی کا حالی انتزائی

هرق امر جمیت کے موان کے اقدے معرف افتادی کے '''سیادِ اطلام''' کی آیک سدیدہ کئی کی ہیں: '''بھول افلہ موار جبل لللہ خال موری الاجراز ایلی للائلی وہا الی الفائلید اعدد عوادہ'' آرگیے شدار کا محرب کے کا افراق بھی تاہ کہا اس کی اللہ کا کا اس کے لیگ کا اس سے آرڈادہ '''کاری '' سران کا محرب کے کا افراق بھی تاہ کہا اس کی اللے کا کا اس کے لیگ کا اس سے آرڈادہ

عراقی فیرہ نے اے بہا اس قرار واب محراب کے دویک ان کا مشمون کی حدیث میں دارد ہے۔ 'میں احس تلف الله احساسا اللہ اللہ (۱۳۵۰) (بر اللہ اللہ عند کا چاہتا ہے اللہ تعالیٰ اس سے مثا بابتا ہے کیکٹر عراقی اور محمد میں ہے ایک افر ہے۔ (۱۳۸۰)

صیف "رین الموان شفاء" (عزّان کا اطب فقاء ہے) کے محقق قرائے ہیں ال کا مشمون گئی ہے (کر افقاہ جانت گئی) چانچ کیجی میں مخدر اقدی گلگائے کے درگار سے اطار مال کر کے کا ما ڈاکر ہے۔ بسم طاقہ روز ارداما برہانی مصیفا بطانے مشیفا مالان روز ((اماکاری کے درگیا اس سے در آمازی فقار کا حقوق کی جانب مع ہے اور انگر الرقی کے بان پردگری کی کیا تا بھی جد یہ کامی مال کے کا معمولی بعد ادارہ ہے ((اداری سے انتہاں)

متوحد النافئ نے میٹون کے مادہ کی ضیئت ادادی کے سمنون کو درست قرار دیجہ ہوئے ان سے امتدال کیا ہے کہ کھر ان کے مؤلمات قرآن و صدیف میں مبداہ ہیں جیدا کر انجر فٹ کی تھر چی کر ایک نے ہیں، جیش ادادی ان رمائیت میں سے جمش می مضعف کی باؤ کے گر دو ضعف اس کے حو ان میکن کر ان دوائیت میں مشار کا مطابق ہو دو ادادیت کی کہ کھر کیا گیا تھر آئے ہے۔ مدت رحسان کی کہ حواصلہ کر ان دوائے جید (ان)

ر با برخوا به المواقع المواقع الميان في الميان كالحراف على الدائد في الدائد في الدائد في الدائد في الدائد في ا كل الميان بدائد في المواقع الميان في الميان في المواقع المواقع المواقع المواقع الميان في الميان بدائر الميان في كل الميان المواقع الميان في المي

ستید علی او او محالی که و حال اسریت محل الان اعتبار می ما محل که این میریت می افزاند سازه می میکنید یکی در سید می میکنید به در سید خود با در سید می در سید خود با در سید

ہے۔ مرک تواعد بمرتشی باقدا او تھاند درحضور ادارا (۱۲۱)

ایک اور دادید مونود هل ان مونود (فرند به چلغ مربان) کے منتقل تھنے ہیں کہ اگر اس کو مدیدہ چاہی اور قریق مونانسسٹ میں اعدا القورو ((این یا کہ ایل گران کی ہے ۔ راحیت کو پائین کیا چاہے کا وستیج کئی ادر اکام مرائز اقوال ان موازعہ کے بنام سدتہ جماعیہ را آگو ان کے مشاکان دادیدہ کی ماروز ہی اس کے مولی کو مانائن مدیدہ کان فائق ہیں۔

(۳) میں نے کے کام نمی بھی اماریٹ پر کئیس کی میں دوبور نہ برنے کی بناء پر خسب آبادہ میرٹین مدید کا اطاق کی بہما کر حقریت ہواؤتی کے توایک اس خم کی داریت کی آج ہے کی گئی۔ بے کہ برنم میں میں کے اسماریت میرٹیا کی مدید ای طرح میں ہے کہ ان حوارت کوئی ہے ان کا حصل بھاتی توجہ اوا اور ادارات شاہد میں انسان میں افراق میں کا کر ان حوارت کوئی

بھٹنے نے پہ کہ مدید مواہ مورے افزائل کے امرائی کی کارائل کی گرائے کی کہ کارائل مورکی ہے۔ اس ماہد کہ فرائے کی کی بعد مدید موان کا اس وہ مع اختداد میں کا رائے مورے مواہد کی افزائل کے میں افزائد اور انداز کے معامل کی افزائل کے انداز میں انداز کی مواہد کا انداز کی مواہد کا میں انداز میں کا مواہد کی آزارت انداز کی مواہد کی انداز کی مواہد کی انداز کر انداز کی مواہد کے مواہد کی مواہد کے مواہد کی مواہد کے مواہد کی انداز کر انداز کی مواہد کے مواہد کی انداز کر انداز کی مواہد کے مواہد کی انداز کی مواہد کے مواہد کی انداز کر انداز کی مواہد کے مواہد کی مواہد کی مواہد کی مواہد کی مواہد کی مواہد کے مواہد کی مواہد کی مواہد کر انداز کی مواہد کے مواہد کی مواہد

مثنانی نے ایک وہ درے عص ہے ہوں کائی کے حال ہوئے ہے مدیدہ کُل کرنے کے بعد اس خم کے لیک وہورے فامیا کہ کالمریخی وہ ایسے کہ قواب علی امیان حشورتگائی ہے مہال کیا۔ ''ہارمول الحادہ اعدادی میں حواب میں وہ العراق وہ جدیدہ الان جس '' (اب اللہ کے رسال) ''آئی مورہ کائی کے خطال کیا فرائے ہیں گئے مستدر نے ہیں چیک ہے کہ وہ خوال ہے آ و خشدہ آئی نے مری کم کی مشخول کیا فرائے ہیں گئے کہ زواہ اورائی کہی حوال ہے۔ (ان ہے ا

معتمر ہی اواقی کی اس دائند کی چاہ بھی دہرے متھی میں دون کہ سے درجے کی اس در بھی کی ہے۔ اس کے دائن میں میں کا موقع کا موقع کا اس اور کا شدہ اس اور بھی کی ہے اور انداز کی وہ دون کا موقع کا دون کا تعدا مرتبہ نے دون میں کا بیکل کے بید کا موقع کا موقع کا موقع کا موقع کا موقع کی دون کی بھی کہا کہ موقع کی دون کے دون معاملیہ کلنے میں اس اور انداز کی دون کا موقع کا موقع کی دون کا موقع کا دون کے دون کی وہ کی موقع کی موقع کی دون معاملی کا موقع کا موقع کی دون کا موقع کی دون کا موقع کا دون کی دون کی دون کا دون کا دون میں کا میں کا کہا تھی کا دون کا دون کے دون کا موقع کا دون کی دون کی دون کا دون کار کا دون کار

ے آن پر س رہے ہیں اور اہم صدیقہ کے رواہ میں وا بین وی دید کے سات مرق 18 ہے 7 ان پر مگل زک کیا جاتا ہے گئ وہ اساء گئ دوتی ہے کیا کہ صاب کشف اے گفتہ یا خواب میں رمال مُکلِّلُة ہے منا ہے"۔ (۱۳۳)

الی بنا ، بر کال این مرقی نے مدیدہ سخت تحوا معظیا . دیوسکی برایت کو آئل کی در سے قبر جریدہ اسر مختلف کی در سے کی آفر دیو این (۱۳۳۳) شاہدہ کی اند فروش کا کی کا تشد کار کرتے ہیں انہیں نے کی کاشف و موام کے اربیاج بیانیات ماریت اسپیر بربالہ ''افدوائشمین فیلی میشدرات اللیسی انہیں'' ہی آئی کاری ہی ترکیمات والی دی دو فرانے شاہدہ

ن ما دن دن برای در احادث الدین کے انہا کہ اور دندا میں مجھا شرق اور من جھہ شاندند هذا اربعون حدیثا من احادثیت الدین کے انہا کہ اسامہ الدین رسمت و مساماتیکرن روحہ اگر پہند جمعتها فی طدا و اسام اور سالم نامی در بیت کے و اساماد اور اگر (۱۳۶۰م)

بینی و بینه نشته و اسطه و احمده و منها مایخون بینی و بینه شته و اسطفان او اظر .******************************* ان دوایات کان به درم این دوایات گذاه و آن اندا " نے ان افاظ کے ساتھ آئل کی ہے۔. "سائند انگانی عن هذه المبذاهب و هذه الطرق اینها اولی عنده بالاحمد و اجب فقاض علی

سامه چناها معده استخاب و معده استوی اینها تولی مصده به و حدو به می اطاق قلبی منه این انبیذه مید و انظری کانها سواه از فضل انواحد علی الآخر ۱۳۵۰ حفرت اندادی که اطراق منام و کشف روایات کے بارے میں مؤقف ہے ۔ بر عجر اند کرنا

روست و بھا کہ وہ اس کی مادیات کی سے اس کے بعد میں موسط کے بھا کہ اور اس کے مادی قال میں اس کا سطح ہو ہو است کا معرفی کی رمایت کردہ ان امزیت کی قبید ہے جم تھی کے اسپوں کے معابل کا ویت گئی کہ ہے۔ روایت گئی یا مثال متاکل بیان نے اور کو میں میں اس کا است کی ہے کہ اس کا میں اس کا بھی ہے۔ معابلہ اس کا متاکل بیان نے اور کا کی بھی و اگر کس کے کہ وہ قالد کریں کے خلاف نے

دیگر میرشن کی طرح وہ فرد می اعضاء کو جنت تشکیم تھی کرتے کر چکٹ اس م کی گئی آیک اماریٹ کی حقیقت ہے 7 قابل اعتبار تھی ہوتھی، کر ان کا اس اعمران جارت ہوڑ ہے قواد اور روائٹ کی اقدے ماؤاد دوری کی مدینے خواد سے ان کے آپ ان پر اعزائش کرنے عمل تکدار کا حاسب کی تھے (19)

(٣) صوفير ك كلام عمل اينش اماديك عليه ميشون في (ابن عمل سے چھ ايك كا عالم ويا جا

حول خاتی شا معزف مولی کا ان کی سے اواقی دار تیا اور میں کی داد ہا ان کے کل کرنے یا معذو آداد ہا کہا ہے کہ میں کی انتخابی کا اساس کی اساس کے انتخابی کا انتخابی کا انتخابی کا انتخابی '''کی این کا کہا ہے کہ کہ کا کہ کرکئی کر دیا اور چاکہ این کا بہت کا ہے اور انتخابی کا کہا ہے کہ انتخابی کا انتخابی کا انتخابی کا کہا تھی کہ انتخابی کا انتخابی کا کہا تھی کا انتخابی کا کہا تھی ان کے انتخابی کا دیا تھی کہا ہے کہ دیا ہے کہا تھی ان کے انتخابی کا کہا تھی انتخابی کہا تھی کہ تھی کہا تھی

اس هم کی اتبدیہ آپ نے کی ایک موشوق روایت کی افزاق کرتے ہوئے کی ہے کہ روای نے اے مس کلی کی بناء پر کل کر دیا ہے اور اس کی شرک کی ہے کہ بجی مذر ان اتبام فیر جانب مدینان میں بے جی کو صولے اپنے کام میں لے آئے ہیں۔(**)

ما البيدة المسئل أن فرق كا كل البيدة الإنسانية والكراك في المسيدية المواقعة إلى مطالب المواقعة المواقعة المدافعة المستوانية كل المواقعة المستوانية المستوا

ر نمایاں تحقیقات والی میں ویش کی جائی ہیں۔ بن سے حدیث میں آپ کی وحت نفر کے ساتھ ساتھ آپ کا طرز احتدال قرے استیاد فقاہت اور انتجابی ووق میں نمایاں ہے۔

ار فبوت بيعت طريقت:

م صوفیاء کے پال اعدان پائی اور تکریہ و تربیت انتمال کے لیے کی سامب آبیت گئا ہے ، بعت کر شروری کیم با بات یہ انہوں کے اپنے اپنیے اداق اور ممولی کے علایات گئا کا اس کی اقلاف عاملت وکر کی ہے۔ حرجے اتحاق کے دوکیا گئا تا ہال عمل ان افرادکا کا بعث طروری ہے: اس انقراد مردوری کر و ان مکانا بھر

> و۔ معائد افال و اختاق شرع کا پایند ہو۔ ۳۔ ویا کی حرص در مکتا ہو، کمال کا دمحاق د کرتا ہو کہ ہے گئی العبد ویا ہے۔

س سمی ملح کال کی صحبت میں چھرے رہا ہو۔ ہ۔ اس زمانہ کے منصل علاء و مطابق اس کو اٹھا تکھتے ہوں۔

ہ۔ اس زیاد کے منطب علاء و حافیٰ اس او انہا ملک ہوں۔ 1۔ پہلیت کاام کے خواس محق تھی وجار اگر اس کی طرف زیادہ ماگل جوں۔(۳۹) رویت طرفینت کے عمومت میں حضوت خوافی کے مسلم ایودوکار اور شاقی کی حدث محق بعد

ر بین موقع مرجعت کے بعد میں مرحق اندوان کے ہم الاور انداز میں ان کی موقع کا انداز انداز کی موفقہ کا کہ انداز ک انداز کی مواجعت والی سے انتظامیہ انجاز کی انداز کی چاہدی انداز کی واقع کا انداز کی چاہدی انداز کی موقع کا مواج کی موقع کی گئی ہیں ان انداز میں انداز انداز کی قدار کی انداز کی بالدی کا مواجع کا انتظام انداز انداز کی انداز کا انداز کی انداز کی انداز کی انداز کی انداز کی انداز کی کا مواجع کی تنظیم انداز کی کا در انداز کی کا مواجع کا مواجع کی کا مواجع

من حول المؤافية المعامل الس معد عليه مع كم المحافي في المعام في المعام و المعام المحافية المساورة في المعام و من المحافظة المحاف

٢. بيعت عائبانه مثالج:

الحال کے این ان کی اگر با کہ الوائل کے واقعہ ہونے کہ اسکانے کا کہ دفت میں اسکانے کا کہ دفت میں اسکانے کہ میں کا کہ دفت میں اسکانے کہ میں کا ایک ان بھی اسکانے کہ اسکا

مدین سے دیات فائلا و ایت ۳۔ وکر مقرو کی مشر واسد:

یت این بیت سامع کسام ایند یا م طوا (هداف) کسامه آداری فیر طریق آداری بیش از کار فیر طریق آداری بیت این بیشتر در این بیشتر بیش

پلول الله الله". (قيامت قائم نه وهئ بيال تک که انک حالت و چائے گی که ويا ميمی اللہ اللہ ن کہا چائے کا اور ايک روايت شي بے کہ قيامت ايے کي گلس پر قائم نه ووکی جم اللہ اللہ کہا ہم گا).

آپ کے دویک اس مدین میں قود ای افراد کے ساتھ اس میم پاک کو منظل بھاؤ کیا ہے۔ جس سے معلم میں کا کمکس ای کا گرار کی مقررات ہے اور منظل کا کمری کا کہ اور ان کا گرار کی کا مرکبی آر اس بے تحرک و اعتقدار محل میں محصور ہو آپ میں اور نجر منظم کیاں اور مجمع کے ان اور ان کا استان کے اور ان انداز کا والدو محمد روز کے انداز کا کی اور ان کا کہ اور ان کا کہ اور ان کے ان ان کے ان انداز کا کہ اور کے ان کا کہ انداز

ہے کان علی دکھ قرار امور مطابہ شرعہ کے یہ کان مطلب ہوگا۔ (۱۳۵) ۲۲۔ جواز زیادت کی الاؤکار:

مین 10 می مابلدگا کے مادار مورد فاقع کے میں اور حدد ان کار استان میں اور ان اور ان میں اسکال میں استان کے مادی واقعی فی بعدک وافراف الک کی واضع آم ہو ان ایک علی استان کے استان کی استان کی میں اسکال میں استان کی میں کاروزی کے اسکال کی اسکال میں اسکال میں کاروزی کے اسکال کی اسکال میں اس

عل میان می کنین دیداد. اگری نده می غیرمین بود آمدی افغ و افغ بی^{ند} (۱۳۱۰) ۵- قرار شی ضرب، جیر ادر قرار الا الله یک جواز پر هدیت سے دیکن استیادا مجلی حوالت اگر می شب و بر ادر می دادات کے جواز پر هدیت سے دیگئی

الله كى حديث باء س ان تجل سائل يروقين اشتاط كياب مديث بي ب كر حدوق في ا

تُوه مُثِلَّ عَلَى بِدِيلَ مِنْ مِنْ عَلَيْهِ وَلاَ تَصَدَّقُ وَلاَ سُلِياً وَلاَ تَصَدَّقُ وَلاَ سُلِياً وَلا فَاتِنَ لَنَّ الله مَاضِيَا وَلِيَّ الْأَلْمَامِ لَنَّ لاَ لِيَّا الْمُعْمَّا لِلَّالِيَّامِ لَا لَيْنِاً الله ان الأولى قد يقي طينا ذات ارادوا السنة ابينا

- 12 6 2 St 4

معرف المواقع في المراقع في المواقع في الموا

:311-4

می تیم کے اطابق کی رواز کا تیم این بارو با کا س کے گا ادا ہو ، اطابق کی قائم کا کی میں کے اللہ کا اس کے اللہ ا میں تیم کی کر اللہ کی این میں اللہ کی اس کی اس کی اس کی اس کی اس کی اس کی میں کہ اس کی میں کہ اس کی میں کہ اس کی میں ہے ہے اللہ ایر کی اس کی

در سرے علیم پر کی عشموں دھرتی صدیقہ این مجان سے تابت کیا جس کی آفری داری ہے کی ہے۔ اس مجان فرائے ہیں، "خمت ودیل وصول اللہ ﷺ فلسل یا خارم اصطفہ اللہ تجدد محمدک "اس مراب ﷺ کے ماہر کی حرام ہے جماعی ہے۔ نے فرایو اس کرتے اس کے اس اس کے اس کا اس اس کرتے ہے۔ بدار کیا کہ در کار در در اس کار کے سر کار کی جس کے اس کرتے ہے۔ وہ اس کرتے ہے۔

عمال کرا کرد. اس کو این ماشته یاد کے کی صدید کے تحت متدری قائدہ میں فرائے ہیں: "استاد الله کا بعد مطلب ہے وی ماشل ہے مواقہ کا جم الل طریق کے خات الارسے ہے. دو کی عاص میک مشتق اس کے مائل ہونے کے لیے ہے شعود پائٹارے تھی اس لیے اس میٹ کے

مصوص ہوئے کی شروت تھی۔"(۱۳۹) ۸ کر اور اور

عشرے افاق کے خوابی کر ایست ال امراکہ کچنے ہیں ہو کہ نی طبہ انستواۃ واستام کے کئی تھی کا کل سے صاد ہو اور اقال عاصہ سے تاریخ ہو۔" آکر وہ امر عمال عاصہ ن ہو آ کرا میں تاریخ اور فیر تاتی سے صادر ہو تہ استرویزی ہے۔ (۱۳۵)

الولكة بالما وقال على الولكة قرالك ألك قورات الكام التي وكارا) ((170)

ان سے سارہ ہوں۔ 9۔ ثبوت کشف، کشف قبور و فیش باطنی از اہل قبور:

حرده (قرق) ما نظر ما دوره ها حدد فرق العواد والمناوية من هو من المرد المداوية في منظم من المداوية الم

جرأت ير توب بوا اور چوم بوك (١٥٩)

م میزی کر امول میں سے کی دہ نی کی دہ پر کار دہائی کی دہ پر دولان ایک میزی کار دیا گرائی کے استوال میں اندر کار میزی امور اندر کار کر اگر اندر اندر اندر اندر اندر اندر کار دائی کار میزی کار کر اندر کار کر اندر اندر کار میزی کے اندر کار دائی کے اندر اندر اندر کار کر اندر کار دائی کے اندر کار کر اندر کار میزی کار دائی کے اندر کار میزی کر اندر کار میزی کر اندر کار میزی کار میزی کار دائی کہ میزی کر اندر کار میزی کار میزی کر اندر کار میزی کار میزی کر اندر کار کر کار میزی کار میزی کر اندر کار میزی کر اندر کار میزی کار کر کار کر کار میزی کر کار کر کر کار کر کر کار کر ک

حرحہ الآتان الذی ایک بی کی بالی بعد اللہ میں اس مکانی بدائر کا اور کہ ایک ہے۔ اللہ میں اس میں کہ اس کے اس کے ا احتمال میں مدد الاتی کی اس میں اس میں کہ اس کی اس میں اس میں اس کر کا کی جدد اللہ کی جدد اللہ کی جدد اللہ کی جدد اللہ میں اس کر کا کی جدد اللہ کی بیار اس میں اس کے اس میں اس میں کہ اس میں کہ اس میں اس میں اس میں کہ اس کہ کہ اس میں کہ کہ اس میں

ثارع نے مقدر رکیا ے پار ہے مالت مح ش آئے آ صدید ش آیا ے کہ بعد ش محد کو افی

اا_فطحات:

متحل معلى بعد المواقع المواقع

يس بند في في الحريق كل كل في الموافق كل مناهد مناه الدي وي معافلة والموافق الموافقة الموافقة

ای هم کا احتمال آپ نے طلحہ واقعہ آفک سے کاکی کیا ہے جو محمل میں موجود ہے کہ جب حرجہ عاقلاکی وقائد آزان کا یہ میں عائل ہوئی قران کی واقدہ سے کیا افراد و طرفیاً گائے کے پائی بید کے لگے کی کہ واقعہ میں افراد کی ہے کہا کہ دیونان کی اور میں کار عمالت کی کا محملے اوا - کروں کے

ای نے مہری باک بازل قربائی ۔"عنرے الفاؤی کے زوریک عنرے مدینے" کا یہ کہنا ای (علمات) کے قبیل سے بہ شمل کا خاتا ایک خاص سب سے شدتے کم ہے وہ یاک فود جناب رسل

عجبل بنظنے کی مقصلہ نے بڑیے و مدم کم فیپ اس معائد بی مثمل وجود ہے اور حزب مدیداؤ اس تراد کی اطلاع کی کی اس کا بیانگل کا کہ کہ اس کہا تھا کہ ہی ہے ہی برکارے کے قابل سے اس کو بھل آئی کا در بر بجاب اس سے سامہ بما چک کھٹر مشکھنے نے اس پر اٹھار کئی فرایا اس سلے مدیدے سے اور کا کا مواد بدی جارت بھائے۔ تاہیار '''مان

ال قبض و بسط: المسال على المهار كي الحق على المجان أن أو علي المائة على المائة المائة المائة المائة المائة المائة المائة المائة

'''ا۔ الحاکف سے: مونے کے بال چہ تعالف (الایتر نقب، الایتر دورا، الایتر کل، الایتر مر الایتر کل اور الایتر آئی) مطهر بین بین که اور کرنا بیانا ہے معرف فقائوں کے '''مؤید انظریہ''' کے موالے سے اون بابتہ کل مدید الی مؤدمہ سے جہ مدکر کی سے کر اس کے این اللہ کی کمران المارہ مالان

ر احتی ه محکانی به استان به استان با استان با استان به استان به استان با استان با استان به استان با ا

لات کې از کارې اعلام به مسلحه د . ۱۵ تحوو و ترک انکاح بمسلحه د .

م صونے کی آگاؤیہ 10 کی فضیات کی قائل ہے گر ایٹش صوفے ہے 'دک 10 نے آج کی فضیات رپی مشتمل میں سے احتمال کیا ہے ، وہ اکاری آئی ہے ان اصادی کو موشوں کا اور احداث حرجے اتفاقی قان کی فضیات اور اس کے مسئوں جدنے کے گائی ہی گر وکٹ کان کے بجاز ہے کی انجمال نے اوراڈو کی صوبیات سے احتمال کیا ہے یہ جمالے این الک الڈائیا ہے مورکانے ہے۔ کی انجمال نے اوراڈو کی صوبیات سے احتمال کیا ہے یہ جمالے این انک الڈائیا ہے مورکانے ہے۔

رمول الشفظة نے ارشاد قربانی:

امن وامرائة الحضاء العضين كيهائين يوه المثامة امرائة است من (وجهة ذات منصب وحسال مست فلسية على بطائع العربة على المال والدينة على المال الدينة المستوال المال الدينة المستوال المال الدينة والل الدينة الموسال المال ال

اس معد کارگار نگار منزحین افزان کردند به بیش میانگی اقتاد تصفید شد بیشتر کار پی واخل کار کار بی تحقیق بیش کار میانگی بیشتر دارشد شده کارگذاری در کسد بیشتر بیشتر

ے۔ حرحہ الاقوائی کے اس کھ کور پائٹس ہوتی شہول نے علمے ہرن کی ہے آپ کے اس طرز اعتدال کے دارجہ ایک سطن بکر انتظام الانتخاب کی انتخابی کا جس کے کا کھڑ کی ہے اس کے فودیک آپ نے قرآن و صدیف سے فرک کان کا کے لیے خدر حاص کرنے اور فرک کان کا فرک

وہ اپنی حالت کا اندازہ کرے فاند داری کے بھڑوں کو تفرغ للعبادۃ کے لیے تل مجھے تھے۔ خود فتہاء نے بعض احوال میں قان کو مکروہ اور قرام فرما ہے"۔ (۱۳۵۰)

ر بچاہ اس هم سے منطقہ سکے لیے جمل سے اپنی سے گوانگی و اوابابیٹ سے کرک کا انتخاب کے کرک اور ہو ہو۔ خرک مدیدہ کا اور کا میں مالا میں کہ جائے ہیں کہ انتخاب کی اور اس کا باتیا ہے ہیں ہے۔ مدیدہ سے کا رکنے میں اس مواج بیسک کیا ہے کہ انتخاب کی اور کا بیسک کی اس کہ انتخابی میں اس کا جائے ہیں اس کے ا خوام مرکز نے میں مالی میں اس کے انتخاب کی اور کی اور کی میں کہ کے اس کا بیسک کے اس کا میں کے اس کا میں کے اس ک کے سے کہ اید اس کا میں مدیدہ کی کا دیکھ کی میرکز کیا جائے کہ کے اس کا میں کہا ہے کہ اس کا میں کے اس کا میں کے

هار موالت و گوش نشخی: اکار الله الله کی مادت به دی به کرمان به انتخابا کم دکما به ادر کوششی ربید. هزید وی از ایسان می در در کار در ک

شمارتی نے صوفی کی اس مادے کر کل امارت کی رہ ہے جائز عمریا ہے حالی اس بھی ہے آئیں سمارت کی حدیث جمہ البحد خدرتی سے مروق ہے اس میں ہے کہ مشعر کاللے سے مسال کیا گیا۔ ''تھار صول اللہ ای العامی العامی العدل قان عوض مجاهد بعامت وسائہ فی سبیل اللہ فیل تو من قائل وصل فی شعب من الشمال بعلی اللہ وقدع الشمل من شرہ''

وں روس کی مجمعی استعمامی میں العمل وقت میں میں میں وہ (یا رحل اللہ اس ہے اللم کان محمل ہے۔ آپ نے قربا کا جموعی ایلی جان و مال ہے اللہ کی راہ میں جود کرنے والا ہو سول کیا گیا کہ اگر کان محمل المثل ہے ۔ آپ نے قربا چر مجمل روازاک کی کھانوں میں ہے کی گھائی میں رہتا ہم اللہ ہے ۔ ورح میں اور

سيدن کا دلائی عرف ارد چرد اگو الاند کل دارد دی به کولای در الاند و الدور آن این کا در این به کارگان در الاند و الدور آن این کا در این به می المواد و الدور این به می الدور و الدور و الدور و الدور ال

١٦ وفاع كلام صوفيه:

حفرت الفاق کے اپنی حفود النابیات میں مولے کے کلم ویؤ میں موجود کام کی تائی و جوالی کی جب - "التنشوف" اور "التک کلف" کے خادہ اس مولوس کی خطیل مواد آپ کی وکہ النابیات "کلیفہ معلوی" "حقوق موالیات" میال "اللبلیة القوالی فی النابیة ان العربی" السائنة العالمية فی المنظمیة المسائنة العالمية"، وقور میں موجود ہے کر اس کے سائل مائی الفوال المجافظ التی التا اللہ اللہ الفوالی کی الکیا و مشافعہ الدائم اللہ الذائر کام آئے سے آخروں نے دو کھ کیا کہا ہے۔

مر و 16 قال عالم الطور في الإن الأسلام المراكب المراك

اں کے افام میں ان سے کوئی ہیں امر حول نجی سرف بھی امر در حول ہی ہو۔ بی دوئر کلانے ہے اسد جی نوال استخداد میں کی گئی ہے امد ان ملان سے مہم اس فاریا ہے ہے ہی اس کیے کے سمائش کرتے مدائل کی ایک فیلز کی برائے کہ در کے اس میں میں کی بدیا ہدا ہما ہی اس کے اس کا میں ان میں ان کی اس باہیے ہدد کوئی سے مدد فائل کا فائلے ہے اور چھر کائی این چھڑی ہوں کہ کی ہے باہی ہدد کوئی سے مدد فائل کا فلٹ ہے اور چھڑی اس کا چھڑی ہوں کہ کی ہے۔

الا مدید بخاری ہے تمار موسد کے المثوالی کی الحس کو فایت کیا ہے جو مفرت آئی" ہے۔ مردی ہے۔

ا استام من حرام بن ملحان بوم بدر معودة قال وای احدای باشدم هنگذا فنصت علی وجهه وراسات فرقال فوت ورب التجهه؟ (ایب ترام می کامال که یم بر مود ش بخرد که آز قرآن برکر توان کو استران کے اگر است عروص در مرکز کام کام کر حرب کسی کی شده دو کا آز قرآن کی استران کام کام کام

ال مدید کے تحت فرائے چین "اس کے اس قول میروش سے صاف معلم بوتا ہے کہ ان کو اس مالاق موری کی شدید ہے تھا اور التیجائی تھا جس کے حصل کی شدید سے قول ہو سالہ بھی بھیل مواقع کے کام بھی فرن سے دوسر کرنے کا مشمول آیا ہے بڑیرہ پر فون خا اس معلموں کا چیا تھیں ہے مواقع کے کام

بھی موقے کے کام بھی ابھی معامی پاکو کا اعلاق کیا گیا ہے بھی ۔ کو است در فرچک کیے داخش آئی ایک بابعد چاتی واپھی بر آن کو مائی از آق کی زئان سے در آن وم کافرے ادا گیاں۔ اس مغمون کی بچئے چی مسلم ک صدیدہ بیڈکم فٹل کیا ہے دمیل اختیکائی نے فرایا:

ایین افرجل وین الشوک ترک الصافوة" (آئ اور فرک کرک درمیان حد فرک سلوة ب)

اں ٹی ڈک سُلوۃ کا کُر و ثرک اہلا ہے آپ کے زویک اہ قیمیہ صدیقہ ٹی ہے وی ان کے کام میں ہے۔(۱۹۸۰)

کا۔ فذاہ معنوی کے ساتھ حیات کا اثبات: حدیث قنادی کے ایک عدیدے اس دیا ہی کی مون کا بنی فذات کی کے مرف نذات

ستولى بي تردو رہے کے امکان کو ثابت کہا ہے اور ایک حدیث محدرک عام کی حجرت این مرا ہے۔ ''گرٹی کی ہے: '' خطاع المبا مدین فی إمن الدجال خطاع المسلكة النسيج والخفاجين فيدر کان منطقه

" عقدم المدوسين في زمن الدجال مقطع المساقة النسيج والتقديس فيدن كان منطقه يو منذ النسيج والفديس الدهب الله عنه النجوع" الم منظمين كي نقرا دچال كـ تراند شي (سرف) أي و تقدّمي دوكي مو تممي التي كام يممي الدر دولا تجود القرائد ، منا فا شقال الدر بـ يممي كم ذكراً كرب كل سـ كل

آپ کے توریک زبان ویال کا حمر کی ایکل سے تابت گئی لیدا بعض بزرگاں سے جو اس هم کے واقعات حقول چیز۔ ان جی احتیاد کی کوئی ویر فیزے (۱۹۱۱) 10. مدار کو سم مستقبل جس بر کا طالب سے شرکات کی فیٹ سے اس شرکات کا کا

ے واقعات تعمل توں ان میں احیاد ن وی این میں۔ ۱۸۔ مشائع کے مستعملات و آغار سے تمرکات کا جموت اور شرائط: بدرگری سے مستعملات و آغار سے جمک عاصل کرنے کا معمل صوفہ و مشائع کے باس عام ہے۔

پروں کے خواصل کے حصور اصاب ہے ہوئی کی اس میں اس از وی کی دوارے کو موقع کی اس کے کہ طریق تلکی ہے کہ اس میں اس کا اس کا میں کا میں اس میں میں کا میں اس میں اس ک اسکا میں سے کمرائے اور کا رہی کی میں کی اس اور کا میں کا اس کا اس کی سے کہ کے اس دوری نے اقا اور وارد کیا ہے کہ میں نے اس چورے کا ایک چادہ ما مشکورہ جا کا کہ اس میں میں کہ کے

ئے بائی کا کرتی کی۔ اس میدھ سے وسٹ میماد آباے جی کر جمی ہوگا ویک کا مدد یا آباد بریاد کا بو منظیری اس کا بچک گئے جی ہد اس میدھ سے اس کا موال کا میکن کا انداز باتید میں امارات کا بات ہے کہ کہ اس کے اس کا بی کہ اس کا بیس کا کا بیک اس کا اس کا بیس کا ساتھ کی کہ ساتھ کی کہ کہ فرش سے امارک اوراد مارک کے جائے کہ ان سے خواط کائی کا کہ اس فائیل سے مارک ہو اس اس ہے تو میا لیال ہے اس کے ''افراد اس سے مارک خوال سے اس کے اس کے اس کے اس کے اس کا بیان کا بیان کا کہ کی کہ

امیتے بربالہ "المستان التجابیات فیم البخیشیا الفیائیا" کی حکرت الذائل کے آزان میں کی امرائکل کے اوار کروہ چیاں کیے روان اید ملک ان پائٹککو الفانوٹ فیہ سکیدائم و پرکھو ویافیہ اعمالوک ال موسمی وال ہادوں اصحاف المستنکانی (""") ہے امر محمد اماریک ہے سمالہ و الحیائیان کے جمرک آنچار ہے باکست مامال کرنے کو محافزی کو فرق کے خوال ہاؤ آزاد والے ہاں کا استقال دری الی امانیک

الله فاق میں عمل میں میدان وہ ہدائے مداہت ہے کہ گئے ہیں۔ گھر والوں نے ایک بیاد کہ پاٹی کے مالو معرف اوم معلق کی خدمت میں مجان اور باحث ہے گئی کہ رہٹر کی کہ اکلر آئی یا اور کمائی بیان ہے اوں کی خدمت میں ایک آئی میں ایک جان ہیں اور مائی اور میرال بیانگائے کا عملے مہاک جائی تاکس کم انہیں نے چیزی کی گئی میں کہ مجادات تا میں وہ صنعے میاک بائی عمل الساکر بیائی کمی کا وہا بیان لے فائیں اگر

من مح الدون عند بندا الله على الأسرائي على المساوية المس

(د) احادیث کی روشی شی تصوف کی تخیر و تنتیج اور جابلانه تصوف ورسومات کی تر ...

> به. ا ـ اقدرف کی حقیقت اور اس کا علامت ولایت نه بونا:

تھے پانٹی کے اربینے وہرے فائش پر کوئی اثر ادافا سے استقان صوفیے میں تشرف اور تھیے وقیرہ کیتے ہیں۔ اس کا طاقیت معلم نہ اور نے کی دیو سے عمل بلکہ دیوں سے ٹوائش کئی آکو خلاقی میں معاملے میں کوئی است معلم واصف و ایرنگ کھر وطا ہے کوئی مرب سے اس کا اظافر کر رہا

ے(۱۸۴) عنرے قانونی نے ای مند کے تام کیلوں کا قرآن و مدین کی روشی میں مازو ل ے اور اس کے متحمق اور فیرمستن ہوئے اور نلخ و شرر کی حدود کو تواہد متنبہ سے متعمین فرمانا ہے ائے رسال "التعدف فی تحقیق التصرف" نے اتبرن کی مشروبیت وجواز بر قرآئی آبات کے عاور مج علاي كارور الإي كارور وكو لقول الكران والإيران الإيران الأور الأيران المراجع في الأيران المراجع ن جيل ير صفير يكافي من من والشاكا ذكر عديد كانتوجه كانتوجه كانتها وقل وقار يكر ليان كوك أن طرح والي كارير ووري ففي في كليت فور بعا وفي بي كليت كا عمل او مکا ے جو ان ر اتاء کی مائے۔ حدیث قانوی کے زدیک قوا ضرف اکو مامات وراشات تشادر سے بعد ہوتی ہے اور اس استول تعرف شرما فی تفسد میانا و مائز سے محر وش وهد سر والاسر اگر فوق محد سر الرجيز مالا مختلف الرابي الا المثلال سرق محداسما ماع کا اگر کی متعد نامیم کے لیے اوالا نامیم ے آپ کے لاوک افرف وال یا بازگی اور على الله المحافظ كان عاصد في الكرار في المان كافر عن المجار عاد الأكثر الدر أن أكر مثار ألا کے بالی معمال تصرف کی سبعہ سے اٹلا ہے وہ اور لوگوں کی تروید کرتے جی جو استعال تعرف ے سنت اونے یا امادیت سے استدال کرتے ہیں مثا مشرر اللہ اے الل کی کے ماتھ مقول سے ک آٹ نے بھی لوگوں کے جد پر بائے بارا جس سے ان کا وجد مان رہا اور بھی عاروں کے مان روح مارک کیرئے ہے ان کا مش ماہ ہے ، آپ کے تورک اس سے اعدال ف ورست اوسکا ے جب قل سی سے دورت او کہ آپ نے ابی ماخی قرت کو ان کے آجاد کے پیدا كرائم المراجع المراب والمعرفي الكراح الأل مجرات المراجع المعال معدم الله بارتا الله الله محسنا الله بنا ريك والله المال كريتم الد مله والم كالم والا والله بناہ پر تیام علیاء امت نے ان واقعات کو مجوات بھی شار کیا۔ آپ کے فزدیک این بات پر سب سے زمادہ واضح قرید کہ منبر پڑھ ہے بھی شرف مبادر تیں ہوا یہ ہے کہ آپ نے اوطال کے تک میں شرف فیل فرمانا ماہ جود کے آب ان کے ایمان اللے کے بہت زمادہ حتمی تھے بلک ان کے لیے صول وجار اور وهرين و يري و كالرين فريا أن أن يكر أو يك الرحمي وقايد علي أب الصال كا عداد اللهري كرك ما يد عد يمي ال يدال الله كالمناه المطاق من المدائي من كرك المطاق سلعه بونا ال رمية ف عرك رهل معمل ووك مد عدك محلي لا لم منعالي كي طالك الك مرحد آب من ناد رض الله من ك ساته مشي الى ك ب الكد الريادت اود الى الله ہومائے جب بھی منے مشورہ ہونے کا تھم ٹیں وہا مائٹل کوئلد سنے مادید کے لیے اور ٹیل کروہ

٢ كلف والهام سح مونے كے باوجود تجت ند ہونا:

حترت الناوق نے مختف و البام کے فوجہ میں ایک حدیث قبل کی ہے۔ سی للہ تعدان عبالاً بعو فون المامی بالموسمیہ (۱۸۱۰) (اللہ تبائی کے افض ایسے بندے بین کر وو لوگوں (کی حالت) کو فراست سے مکان کے تاب

موی کے افریب کے دیدا ہے قرم کی تھی فراصد سے کی ہے اور ٹھی کے دیدا ہے۔ میں کا برخیم چاہ کیا کہ کہ دو اوک کی ایک حاصر کہ کافٹ وہ ایک ہے ہے دوار کہ ہے۔ میں چھڑ اوارسا المعلوم ہی فراصد سے ملکی مواد ہے ۔ اس مدید کے تحت مندن فرانی افتاد میں گئے فران سے چھرے کے مطابق کا میں اعتبار اس کافٹ کے کا دوران کا در سے فات محل اندا امالہ

ست و انجا بالد حد بدكار الرئام أنحال المرئال في احداد الرئام الله يقد الاراسات ما سد بدكان المرئال المرئال الم وهم المرئال ال

٣٠ عابدات اور ترك لذات مي غلوكي اصلاح اور ضرورت احتدال:

ائل خول کے کا دیکے تھی (چیک قام فوایشات نشدنی کا میں ہے) کی اصفاق اور تاریب کے کے جارہ انس خودوں ہے اور اسکا طریقہ کش کو مرقحات سے الگ کرتا اور فوایشات کی اتالت ہے اسے انجازتا ہے۔

اں کے موقع کے بی تھت منام ، تھت کام قد مام اور تھت انتخاذ کا النام کی استخداد کے در است کے بال آخر گائی کا است منامات تھی ہے۔ ان استخدادت کی ہے اس کند کارگری کی جی ٹی بیک برای کے بال آخر گائی کا است کے بال آخر گائی کی دائ تاری کار در است میرانل کار مائیت میں مدید ترقی سے اعدال کیا ہے۔ کے اگر کا دائش میرانل کی مائیت میں مدید ترقی سے اعدال کیا ہے۔

"من وجلاً ابن المبي ﷺ قاتل ابني الذا اصبت اللحج انتشرت للنساء و احتمين شهو تبي فحرت علميّ اللحو فاتول الله تعالىّ با ابهما الذين امنوا ل الحرموا طبيت ما احل الله لكم:"

(آپ تھی کی کیٹھٹ کی خدمت میں حاضر ہوا اور عرض کیا کہ میں جب گوشت کھاتا ہیں تہ میری عمیدے محمدوں کی طرف الجارتی ہے اور میری خواائل بھر پر خالب جوٹی ہے اس لیے میں لے اپنے اور کوشت کو حرام کر اور بھن اللہ تعالیٰ لے ہے آب یہ بڑال کی کہ است ایمان والد اللہ تعالیٰ نے جمل چاکارہ چڑواں کہ تبدارے کے علول کیا ہے ان کا حرام مت

ال مديك ك وفي عل قربات إلى

استي عوايي الموجل في من نوع عثم كران با الأساسة ۱۹ ف في من من المساسة الموجل المساسة الموجل المساسة الموجل الم الموجل المراب الموجل ال

مي محلي على حل سار حد المواق المن الدي يد براه في الميان كم الميان المي

حد ب الدائق علمات مي مد ب واي اول الكليل ك كان قال الدين واسلم و الدائد ك

 u_{ij} = $g_{ij}(g_i^{\dagger}) = -i \pi v_i h_j^{\dagger} - g_i^{\dagger}$ (10) for our E_{ij} (10) for our E_{ij} (10) for E_{ij}

موده الآن عبيد من المستوان على من " الآن عبيد التكويل كما في المستوان المقول المدون المستوان المودن المودن المود المودن المودن

یں۔ می تقلیل طعام اور اس میں اصلاح:

حضرت الفائل في تشكيل خدم كو صول كى عاجت الذات في ادر اس كى المعليات به حدث 184 الل احدكم الطعام على جواد المورات (ويلي) (جب تم بمن كه كُلُّ تصحى كمات بمن المستخبل كرنا ہے تم اس كا بائن فرد سے مجمع بائا ہے) سے استقبال كما ہے۔ آپ تقدمت سے وہ وہ جرام ليانة بين مجمع بمن ارائن ادائے حقق معلوم ہے تمام وہ حقق الحد بين باع حقق العام بين عائلا تہ وہوائے۔ (84)

تحقیل خام کے افدہ کے بچھ کے بچھ آپ نے محق دیا کے اس مثاق کی ترد ہاگی ہے۔ اس کے گئی تاہد کے بھی کے کہا تھا کہ کی اور انداز کی بھی اس کے کان ایک بھی اس کے انداز کی ایک بیٹر کا انداز کی انداز کی تاہد کی اس کا انداز کی تاہد کی انداز کی تاہد کی انداز کی تاہد کی انداز کی تاہد کی تاہ

آب کے زوک ان امادید ہے تمک کے د ہوگا د اورا اوری آو اس لے کر مدید ضعف ے اور کرایة مجلد احکام ے اور وہ عدیث ضعف ے تابت تی بوتی اور بال قر ان امادے کا معارض کی موجود ہے قوا کی اور فعا کی۔ قول جوت میں قرب بات کافی ہے کہ سم و المقار كي ترخب وي كان بيران (خاص بيركر) وطول الك على وان عن يوسير مين اور فعل فيريد به ے کہ حدیث جی ہے کہ دب مجل حضور اقدی پیکافٹھ کے گھر والوں نے ایک دار جی دوبار کھانا کھایا ے تو اور چی ایک بار کا کھاور فریا شرور ووا ہے این چی افسائ ہے کہ ایک وور چی ووار کھاتا آپ کے دولت فاند میں معیب ند قیا تر اس ر کراید کا عم کے لگا، جاسکا ے رہا ام وائی مجل جدید کی دارات کرایت رسوال کا حال خود صدیت کے الفاظ ش خود کرنے سے خابر بوجاتا سے کوگلہ اس كا عليه الرقال في أنا أن مرايد الرافي ماهيد إن الاحد كر رافير يح في المح كان مدريد ال صورین برمحول ہوگار ہے کہ دوری بار بدون ہوگ کے کیا کہ جسا کہ اول جم خاربان فکر کی مایند ے كر من ادائ فق وقت كے ليے كمات ين كوا وقت ميد ب وجوب أكل كا باقى جو لفس مادت کے سے کیا ہے اور بی بھر کی شاہت تھی جی کہ اگر کی تھی کو دو بارے والد کیائے کی جادت ہو کی مرض یا فاہمت کے سب اس کے لیے وہار سے زائد کھائے میں بھی حرج فیص یا اس مدعد لوك مي كو كما كر شام كو في د فرائد اور مانتس ال مرحمل كرامات كد أكار احوال بي كمانا موجود ير وحل قدا يك راي مدرو ي ال رفتي كا راي وكا ي تطفير الذي يتنظيم كر اكلاي مالية هي حسا علدي ومسلم كي مديد هي عليد ماكلاً بين روايد بيم كر مشور الآي رقائل كي وطايد وياك اور الک وان میں وہ مار روفی اور روفن زالون سے آپ اللم سروفین ہوئے اور صدیث اس بر محول تین ك آب قبيدا مج و شام كا كمانا ذك فرما ويدة القد المالات

خوارق کا غلبور ملامت ولایت نیزر:

جام میں ایک تلاقی ہے کی پائی چائی ہے کہ خلاف مانت باقات کے تجدد کو یونک اور واقعت کا ادار میکی چاہ عید حضوت الفائق کے توکیک قبل عادت کا تجدد کا تجدد کا تحدد کا تحدد کا تحدد کا تحدد کا تحد ہے کی جاتا ہے وہ کرامت کی بقد احتدادات ہے۔ (***) قبل کے خاصت واباعث نہ ہونے کی آپ کا اعتدادات میں نہ وجال سے ہے کہ خالق و خطم کان کی ہے۔

(ب میال آے کا 7 کے کا کہ اگر میں اس اللہ کو آئل کی کردوں کا ایکر اس کو زورہ کر ووں 3 کیا تم محرب مولد وافق الوبیت میں ہے کرد کے دو واک کیل کے کرفیمل بائل دو اس کو آئل کردے کا ایکر زورہ کرے کا)

قربائے میں دبیال سے زیادہ کون محراہ ہوگا اور اسیاء میصہ سے بدھ کر کون ما امر خارق ہوگا یاہ برد است بزے خارق کے صادر بونے کے دبیال کے محراہ بونے میں کے قبہ بومک ہے۔ (۱۹۹)

۲- ترک اسباب کو کمال تھے والوں اور سوء تدویر پر تو کل کی ندمت:
 حوے قانوی نے اس موض پر ایک صدید طراف کی قل ک ہے:

حمرت تعادی ہے اس حوص کے ایک صدیت جران بن اس جے: " لللہ لاہجیسے ریک عزوجل رجل نزل بینا حریا ورجل نزل علی الطریق السبیل و رحا ادسا، داداذات جعا مددہ اللہ ان محسنات

(فہذا ہودیکہ تکی اوگیاں کی منا قبل گئیں قریعہ ایک دوکھن پر بھر آپاد (نگل نجر محقود سکان میں (چادھوں) طمیست اور دو اساسک منا شدیق ہمری ہیاں و مال کو محقود سکان اور کیا، وہمانی برائیں دوسٹری کے بیٹ داور دو اگر سکان کرزنے والیں کی اجازے سے محقود میں) اور کیا ہے دوکھن میں نے اپنے چہانے کو (نکا) چھوڈ دیا کھر الدائر تھا ہے مال کا فرواز کر دیساک اور کا دیساک کی انتہاء ہے جہانے کو (نکا) چھوڈ دیا کھر

ان دعائاں کی عدم آوایت کی میں آپ نے یہ اگر فربایا ہے کہ ایسے انفروں کے مواقع پر فود اُٹری عمر سے کہ ابی جان وبال کی عاصلت رکھے چالتے ارشار ہے:

ام ب كرائي بان ولى ك فاقت رك چاني ارتبا ب: " الا لله ارديدك اله العلكان (١٠٠٠) اور صاحد على ان كرادن كراده كر 5 كل كرو اور

کی صدیقہ میں طرک اور جا جا قاصلہ سے طمیع نے کی معاصد فرائل گئی ہے اور کڑھ ہے۔ اس حمر کی احادیق دادد چیں ان میں والگ سے منظم وول ہے کہ مقاصد کے و امیاب ایک چیں کہ حادث تاتی کی واقات ان امیاب کے اور مقاصد مالک وجوائے جی راحان امیاب کا ذکر کرتا چاؤ محمد ان واد می اس تلکی مجمع فرائلے جی کر افزائل ہے کہ شری اور ہے انسانی کا الاطاب کرے فرکل معامل کا وہ ان میں انسان کیا کہ خوار دو اور کھائی می کر انسان کے افزائل کا الاطاب کرے فرکل

٨ ـ كيفيت استفراقيه كمال نهين:

حضرت النافق کے اور یک کیارے اعتراق پر حضرت صوفے سے حوالین کو مائس بوائی ہے کوئی یوا کمال آئیں جیما کہ کام مائی گئے ہے آئے ہے کوزیکے اگر اعتراق کیا عرب ہوج 7 خسرہ کلگائے سے ہے احماد صارف میں اس میں کا مقابل کو اس اور انداز الناف العسمین مکان افضینی فاتحور کیلی صلاحی فیسا

اعلنے من شدة وجد أمه بيكاند." (ش الماز ش وائل بينا بين اور يا اداوہ بينا ہے كہ الماز طوفي برحموں كا تكر كى ي

ر میں صدر میں یہ میں ابوں ابوں اور میں ادامانہ ابوں کے میں طوری کے طور اور اور ان کا اس کے اس کے روئے کی آزور مثل ابوں کو اپنی اراز میں افتصار کر ویا جوں کیکھ جات ہو ان کہ اس کی ماں اس کے روئے سے برچان اور کارائے۔

"المنسوف" می یه صدید للل كرنے كے بعد فراع بيں."اس میں آمرزا ہے كہ اعتواق كمال لاز كے بادم میں ہے جي كيكر مشروع كا فى لاز كے مال بعد نے ممكن كا لك جي اور پادادو اس كے آس آداد عليم عليا كار اعتراق ميں ايك آداد سرح في بيون بيدادادا

٩_ افعال مقصود بين احوال نيين:

طیرانی کی مدیده "انا فام احد تکم فی الصادة فالا بعد عندمینه" (دیس فم ثمی سے کُنْ تُحَمَّی کارڈ بی کُوا اور آو آیا آگائیس بدر اکسا سے اس موشوع احدادال کی ایس اس کا سال استان استان کے اسال کے جداد "اس مدید میں مواضلہ کرنی ہے کہ رحمید اس طریق میں کمل کی مثل ہے سند سے مسائل دیکر اصل جدد انقاد اس کے اس کے مواضلہ کی کار انتہاں بدر کرنے کو منظم خواصل میں مائی طریق اسد ارفاد اس کے اس کے مواضلہ کی کارٹ اس 200

ے اور باوجود ان کے ان سے ممالت ک کی ہے۔**** •ا۔ اصلاح عقائد و افعال کے لیے محض نسبت کافی خیبی:

حضرت الفافق قرائے ہیں کہ بعض کو یا در جاتا ہے کہ ہم فال پزرگ کی اداد ہیں یا فال خاتان تک رجات ہیں ادال بناد پر اساسان حالات و العال ہے پاگل ہے گر ہویا کے ہیں اس دائل ادر از کی افز اس مدرجات ہے گئی ہے و اسلم شک ہے:

م این مرور فال الدارات او اطار طبیری اور پید ما الله بی مجانی که فریداً (مرابع الله بی ا (این بیان الله بی الله بی

اا ِ نَفَى تَصْرِفُ مُسْتَقَلَّ عَنَ الشِيْخُ:

کلی و بات آخر ہی ہے کہ بین کا فی بیان کائی کافی ایون فیلے کے قرو ، دوترہ میں ہو م سور فارڈ آئی کی مانسان میں دونری والم کے این امان میں موروق فیل میں دونر اور کیا رسل فیلگا کی سائل میں اور امان کی سائل میں اور امان کے امان میں امان اور امان کی میں امان کی میں امان کی امان ادارہ دو مدین کے امار تھے کہ بین میں امان کی امان کی امان کی امان میں میں آئی اور امان میں میں آئی اور امان می امان میں امان میں امان کی امان میں میں امان میں میں امان میں می بعد میں امان امان میں میں کی امان میں میں کہ امان میں میں کہ

پیدیہ اول استعداد استید ملی نہ او او بیات بہارہ اس مل عن حرفار این ساری ضائع کا مالک تھتے ہیں جالانہ اس اس کی مجی استان بوگی۔(۳۰) ۱۳۔ الماصہ کی شروعہ:

م من من المراقب من من من من المواقع أم أما أما المن منافع المحتمل المن المنافع المناف

ہو چاتا تو عبارے کا اتل ہے تھا کہ یمی نے مبان کر دیا یا عال کر دیا۔ (۱۳۳) ۱۳ سرمت تجدہ تجدر

حرے اتفادی حال کی بیٹی اور قم پہتی بڑا سے عمامت کے عزف طواف جی اور قوام کے بال مروی اس فوجیت کی جدات کی قرآن و حص سے ترور قربائے جیں۔ بدرگوں کی فور کو مجدہ اگر مجدہ عمامت کی شد سے سے قرادہ آگ کے تزدیک شک و اگر سے اور اگر مجدہ قسد (جمعیم) سے قر

منے کورہ قریب کارے اور محان کی صدیت ہیں اس بھی کی اصلات ہے جو اس وقت بہتے صوفے ہیں۔ شائع ہے۔ ''فعن الله البھود والمصاری التعلق الحول البناء لبھو صدیعیۃ (افر شائل احت کرے پیو واصاری کو کے سنے تھاں کی فر اس کا مورہ کا بدنا یا اسان تحرین کے مورکزیتے ہیں۔(epp)

آپ نے بیان افرآن اور ہوادرالوادر میں مجدہ گیج کی فرمت پر تئی مدینے پر وارد ہوئے والے اس افکال پر کرنے فجر واصد ہونے کی بناء پر قرآن میں خاکد مجدہ گیجہ کوشوق کیس کرکئی ، مجدہ بھٹ

آپ نے مدوانہ اعمال میں اس سیٹ کے تہم طرق کو کل کرکے ایں عمل بھک میمایا اور اس کا حواتہ بودا اور اگل دویہ میں اس کا فیر مشیور بودہ خارت کیا اور مجدہ کیے کی عرصت سے متعلق شام شہرت کو مشیوط وائل کے ساتھ رقع کیا ہے۔(۱۵)

مار كراهية غلاف قور:

حفرے اقبادی کے ذوبائے تھر پر تلاف بڑھانا پائد پر دھی تھی اور ہوا اسان کا حق تلی ہے۔ آپ نے اس کا کربات پر اورواو کی صدیف ان مہان ہے استفادہ کیا ہے مشتر مطاقطہ کا ادافاد ہے۔ ''الا مستور المصدور'' (ویارس کا کیاراں سے حمد پہناؤی آپ کے ذرائے فیرواں پر آو رواوار کہتی کے بادر کئی حرصت کی محل کریا و انگل وزش می محصود ہیں۔ ممان کی آفد کے لیے اعبادت دیں۔ (100)

١٥ - آخضرت على كالتي كالتحصيص يقم ومصالي:

ر میرد خانق مواحد بیش فی آن کی گیر امرسیالی کلید را بسید کاروی شده با بسید کار در است میشند که برای موسیقه کلی که روید میرد که بیش برای میشند که و فروی کنسی دو اس که برای میران میشند که برای میران که این میران دارای کاروی دادگاری میران میران که بیشند که در ساخته کاروی میران دارای کاروی به در بدر امران کاروی میران میران که دادگاری ایک بیده کار میران می

قب عد سود علی بی این بدان میران کمان برای میران می مطابع با میران می میران می

بدود به در کامی این بر این با دیده با دیده با دیده با در این می باشد به در این با در

حواتی و خوال جانت مورد افواق کی خوب در سرانی بدر اول داشد به ماشده که که به به در مین آمون المسلوم استان با بیده افراق کارد داده با بیده در مین از ماشد به میزان در این از در این اداره استان میزان ۱۹۵۹ در میزان داده این امتران میتاد استان در این امتران در ۱۹۵۸ در میکان در ایران سول شده داده استان در این امتران استان در این امتران شده ۱۹۵۸ در میکان در ایران سول شده در امتران میزان امتران در امتران در ۱۹۵۸

24.30
اينا
اينا ص ١٠١٠
ME of last

				ME U
6,460	ی مثمل فهرس	ل ان موامة	ذيرت اثرك	4/50

12	ويك ليرست ثاليقا.	
0	ماثر حكيم الامت	

	الترف السوائح يُ ٣ ص ٢٩
له "بواهر التواهر" بر حمرت الناؤني كي ميات ى عن شائع بوا.	
عنظات والعالف على متكر تنيري اللت ياملين به المدال	افرف التايية برآب كرماه ،

الامت . مرف (ا كا عيدا في عادف ، كين وراطوم كرا في عاد

nu rer.

مرجب ہو کر ادارہ کا لیفات اشرافیہ ملکان سے فی ہونگی ہے۔	
المَاوَقُ: "الإخاصات اليومية" اواره كأيقات الرُّقِيدِ عليَّان في عامَى!!!	(
امائير اماديث کي آب کا رمال "السيعة السيارة علي اوري ہے۔	(

ما و بحيم واسعة مي ١٠٠٦	(12)
القرائف الأني "اعلاه المستن" ادارة الترآن و أطع الاعتامية كرايى بن اص ١٩	

بایشار "معنوف". وارآمستین اظم گزند، الآیا گاره ۲ جار من اگست ۱۹۳۳ مشمون " مثبیت هوف کا متلف ایشم" ازمیرمنیمان نمایی برای ایمال اثران ما ۱۹۱۵ ما ۲۰۱۹

"اشرف السوائح (۱۹۳)

rm / rm توفقت فرنیده ۱۳۰۰ rm = 1830 اگرف فی «افکلف مرابعیت فصاف» را باز کافران (دیراز ۱۳۸۸ ۱۳۸۸)

(93) قالون " الرف الى : " التكشف عن مهمات التصوف " .. اياد بالشرار اداد الراح ...
 (19) مال حكم (لامن الله على 11)

این کی ۱۳۶۳ دواد این کی واد

(en) اپهاځي ودا (en) کاکان خد او د اد.

النالوقي" من الوج اداره تايفات الرقيد مثان من 10 - كان حديد النائرة إلى كالصنف الكليد كالشائرة إلى الترجيد بدر

نے جات خرج فاوی کی کا خوت است کا ایری کار ایا جات ہے۔ افادی افران کی : " اشترف بنعوفا اجادیث انصوف" انتخابا اطلباء جد آیاد، افرار (اس.ن) نے

الآپ کت خاند علم ہے کرائی سے کی مٹی اونکی ہے یہ سے کت معروف و مطوری ا

ہے ہے ہو سے اس میں ہیں۔ حدیث قانونی اس سمال کے بدے ماراع کے ۔ آپ علی کی جانب پر مواہ القر اور طوفی، مؤاف العاء المراقع کے اس سمال کی اند میلمان کا جد مو (۱۰۰) اماریت کی قررع پر مشتمل آزار۔ ادور جس کی ا

مواده علی کے زور و گورٹی فراند کے مراقہ یہ سخاب دورہ انتقادی " اگلب علای فریف کے نام سے امارہ مسامیات وابور سے اعداد میں دو میڈوں میں فی بھنگل ہیں۔ امارہ ذران میں انام میدانشیف کے زور کے مارائہ یہ کاب الحکم لینیز شاریل دورہ اور سے عدماد میں

کی بھائی ہے۔ اندو بھا الزمان کا دو کی پاکٹوں افتیان کے مواسلے مدد الائی ہو الیس بھر الیس کے فکل مورج موادہ دیم کے دیوان کار ہے کہ واقع کی کے ایم سے عموال ہے مواند کھوں چاہلائی مدد خاک کر امور دیاتی کی طواحہ موادہ کی افوات کے کامیانہ المساوات کی الداری المساوات کی اداری استان ا ویم نے اور اجلاس کے مالی کے انداز میان کا انداز کے انداز کے انداز میں اس کا کہ کا استان کی اداری کا در المان کے اور انداز کے انداز کی انداز کے انداز کی انداز کے انداز کی انداز کی انداز کے انداز کی انداز کے انداز کی انداز کی انداز کی دائل کا انداز کی انداز کی انداز کی دائل کا دائل کا دائل کا دائل کا دائل کا دائل کا دائل کے دائل کا دائل کی دائل کا دائل

> ిటు ఆర్టున్నాడు. "The life and works of jalaloddin Muhammad Mowlavi" Dr. Baneir Novic n 21-22

يش ديري طفر کاري ۾ ماديند فندل کي گڙئ ي سه مطلق جي به جه مينيان گڙڻ اداري. اختي ئي انجيل، انگلب اداري رودند ۱۹۸۸، خال داد کلي. گڙڻ امديند کاف انج به هجاري -کار قرار داد داد داد ارود ۱۹۸۸،

ا کی الاعدد فی العراج و العدیل " دارادگی طب الایره ۱۳۹۸ دی ۲۵ م

- الله مي المراح الله المراح المراح المراح الله المراح اله المراح المراح
 - في الاحاديث المنوجوها" كـ تام بـ سمريق جي. الحد عدادي : الكلمان في علد لذراب المدارات كر يناه مدارات ا
- (۱۳) '' خیب پردین ''التصابه می طام اور په'' خیب پر ان عصاف ان ۱۳۳۰ (۱۳۳) این انجاز با 'اطلعت این اصلاح'' دایاگر ، دائل ۱۳۸۳، ترجه: (۱۳۰) خالم ایک زیدِ فرخ این مرابم نے اوالی کر قرآن کی طرف راجت دائے کے لیے قرآنی سرقان کے فواکل
- ى ادارى ئى $\sqrt{1.4}$ ادارى اين $\sqrt{1.4}$ بى بىد دۇكىداگى، يوزى ئائتىل داداران يون تامىد دەدە يام ئىلىدى . دە (دە) دى ئارا" ئوندالىقى ئى توخىچ ئىجىدالىكى " (ئان ئى كىزى ئى ئىرىنى) ئى دەردە
-) يُكِلَّدُ الْقَالِيَّةِ الشِيعَةِ الْسَرْقِ فَدْ مَن الاَحْبَارِ المُوسُوعَةُ دَارِ الْكَتَبِ الْعَلَيْدَ بِيرُوتَ اعْبَاءَ بِيَّ ا " "الله عالية" " " يران الاتفال" " " (177) | " الفند ف " * - 10 |
 - (۱۲۵) الفترف اس (۱۲۵) (۱۲۸) این (۲۰۱۵)
 - rout (4) (4)
 - اچا (a) اچا (ar)
 - er ايزا (ar) ود ايزا (ar)
 - ο L_ξ1 (00)
- 15 AK was China (Ab les China Con and A Barathar (as)

ے بب کر ان میں وال شام کے عادہ کی دوری امادیت کی بری تعدد الل کا گا ہے ۔ و کھے "مالد عيم المد كر آواد بليد عال حك الاست م ١٠٠١ عد مد كر مواديد المرا أل ال أحرال المحارب بعض الأوانات الداد ولأفي الدفي الادال من المشروع المعدود الدخرجة كليد من بعض 18A_104 / 1 at 1 Day 3

أبراح تحريج بعض الروايات الواردة في الدفتر السادس من المشوى المعوى او شرحه كليد من نفس

أبرس صبيعة في تحقيد بعض الروايات المنظرفة المذكورة في رساق القوداس ١٩٠١ــــــــــــ أبرس تخريج الروايات من المقاصد الحسنة مع التفخيص على ترئيب الحروف الهجائية أل ١٥٩١/١٩٨ ميد الميمان عدائي في حصر مرفع و جدام كي احاديث كا ما فذ عرف جائع منع اللها عد دس كر ال شار كد

اماديك كود الحاكل سے الى فى كى يى جيدا كر فو د مؤلف موسوف فى الى كى الله كى الله كى الله و يكن الترف صربه مي عدار ١٠١٠. صر جام مي ١١٥ ر١١١

nor Be (11)

(10) MA GO (17)

(1r)

ر رمال ور الحال وفي من الم على خال خال من حرك الم كي عدد عدد كو الحرك كري الله ال

- 10 UC - PPP JAN GAZ 1/21 W

"الرف ليلاد" " / عا no ne touca (14)

(10)

Dr (10)

DAT DA (44)

(44)

par (ar (ar) 101 (at)

we be (ev)

Mary Carl of Colombia is (4)

- (14) قائوتی را اتری فی: پادرانویور اور امتامیان ، 19در 1848ء می ۱۹۵۵ و ۱۵۰ (14) - انتزل : ۲۹
 - 772 (A) (A)
 - re- lgs (A)
 - (AP) حدوق "الفرطيب والفرهيب" وبالديث الثاهرة عاماند بـ عداد ق ٣٠٠ ع. ٢٩٠
 - (۱۸۳) المشرق: اعداد (۱۸۳) این المحادد
 - المان المان
- (AY) المشترف (AT). (AR) - كافل الثاني : موجوعات الكرين : الشكيد الاترية ، أقراع ، (ارب ان) أقل الانترة الموجوعات :
 - ر به ۱۳۰۷ کا موروف میروی ۱۳۰۰ میکند تورید ۱۳۰۰ در ۱۳۰۰ کا ۱۳۰ کا ۱۳۰۰ کا ۱۳۰ کا ۱۳ کا ۱۳۰ کا ۱۳۰ کا ۱۳۰ کا ۱۳۰ کا ۱۳ کا ۱۳۰ ک
 - (۸۸) افترف: ۱۱۹,۵۱۹
 - (۸۹) تذکرة البوجوجات ۲۵۱
 - (۱۰) القصص: ۱۱۰٫۵۰۰ (۱۰) البتداف: ۲۲۲٫۲۲۲
 - namereurariani di se (er)
- علی نے اتحاق اعرف وسل فعرف کے دم ہے اس مؤمل پر ایک دماد آئر کیا یو کہ گادہ
 درال محمد مورف اللہ کی ادارہ الربان) نے آئی ہے اور دیکا فعاد الاس الاس الاس الدر الربان)
 - رمال تسعه سيوطي ، طبل الدي ال (١٥٠) (الديان (١٥٠)
 - (40) المشترف: err.err (40) رکے ادراف الوراف إل 10
 - (۹۲) هنر**ن**: ۳۳۲₋۳۳۲
 - mure (gr. (sc)
 - (44) أشترف: 18
 (9) وجلان : كلف الخفار، درنا الآثار هما اشته در الأخانث على البنة أثار تحقق، ا
- (49) حجلوني: كشف الغفاء و مزيل الآلاس هما اشهرمن الاحاديث على السنة الناس. تحقيق و تعليق احبيد القلاني. ١٩٦٨م مؤسسة الرسالة وردت ق ا ٢٠٠٥م، دريث 40 المشرف 610
 - (۱۰۰) الموضوعات الكبير: ٥٩، الأثار المرفوعة: ٢٥
 - (۱۰۱) المشرف: ۱۹۹ (۱۰۲) تبيان اللف الباة عاد ۱۸۹
 - A JULY (INF)
 - ۵۳:۱۳: پېت (۱۰۳) ۸۵: مان (۱۰۳)

- m.m.Jud
- بخارى الجامع الصحيح . كتاب الرقاق : إب ٢٠
- ال حديد ع آب كي بدء كافت اور كوب او كوال واب كا ع را التر ف
 - Stranger And Cours and also marked
 - m: 38
- "الأارادوا رواية ماسمعه على معاددون لفظه" ابن الصلاح: طندمه ابن الصلاح" "#FF"
- المنا : ١١٣ ر الدي الإحكام في اصدل الإحكام كت في عادد ي و في ١٣١ الله في كروك

مُوعَ الْمِنْ أَلِّ الاِمَامِ الدِ عَادَ المُعَمِّوعَ فِي مَعَرِفَةَ حَدِيثَ المُوضِوعَ : ١٩٤ الكامر الدِ : ٢٠٠

- اكويت جاد كى قائل ب الوها النظر في لوطيع بعيد الفكر التين فرادي مع مذيد اصارا _ والتي
 - اللالي المعنوعة: ١٩٥٢ (02)
 - كشف المقاور ١٣٣٥ ، حريث ١١٢

 - Mr. 2150 (84)
 - ne (se

 - مَنَالُ" مِشَارِقِ الانوار" مع ترجمه تحلقا الاخيار مطبع نولكشور. كايْس الْرَيَا الله الاستاداس الله
 - MY SI
 - كشف الخفاء: دار احياء الدات العربي ، يروي ١٣٥٣ م ن ١٠٠٥

 - الل الرقي" الله حات المكية " فارالكت العربية الكويل الم ١٣٧٩ إن ٢ ص ٢٩٩ (mr)
- الله وأواف المراجعة في المسلسلات والله الصدر والواق " وكان " ما رادر و ١٩٤٥ م ١١٠ (١٥٠ ١٥٠ م
- err dan
- 44.14 :4150 المنترف معرود خان کے لے وکھے رائٹر ف 10,00 مام وار
- عال حكيم الاحت : ١٩٩١، الله و كان قال شيل قدد أسيل المئة احدى أصاب ك عاد الهديد (**)
 - ast 1 (1-1)-G raper assa (m)
 - عالم حكيم الامت التي ص ١٠٠٠.١٠ (m)
- orr: 4150 (irr)
- و كانت بعد الرحيد الربعد ما ذهب عنمان فقال كالله بعد المعر على البسرين، قال هذه لعنمان احرجه البحاري والترمذي عزابن عمر

200 (err) این چے: افسردیڈ"۔ وردی ۱۳۹۰ء کی عدل Aur. J. (175) APPLANCE (PY) 14: alabata (192) (۲۸) . تاملین جامع تاملین کتاب النجم ، یاب ماجا دافی الشبه ، سیار این داد د اکتاب البیاسکی، یاب كيف الليه. (ira) (in) فكتف: arc_arr (۱۲۱) بخاري. کتاب المغازي باب غزوة الخدق errichadous (err) 00 J. P. 450 (17) air (a) (see) a-r (a) (173) NO JAMES STORES (PT) (١٩٤) بداد الوالد الى ١١ التين اللي كالدر 044.1150 (IM) 44 (174) (-10) عَلَى "مجمع (أو الله "كتاب ((هند بياب ماجاد في الله بكتر التري، الإمري: Pan-pan) و -100) rm 4.40 (so) 14.77 (Ga) (198) (۱۵۳) و کنے مسلم کتاب اللہ: واللہ اط السباعة، باب ذکر الد صباد التکشف: ۱۱۹, ۱۱۸ (۱۵۲) اعترال ۲۳۴ 174: A (100) (۱۵۱) فکنتی ۲۱۳ areacaise (sac) (١٥٨) منارج السائكين: ٢ / ١٩٥ (۱۵۹) فکتنی: ۵۰۰ arrise (m)

> (۱۱۱) تابس بابس: ۱۳۲۳ (۱۳۳) انگشف ۵۰۱ (۱۳۳) اینا ۱۰۵ (۱۳۳) اینا ۱۰۵

(۱۲۲) شکتنی: ۱۰۵٫۵۰۱

marrial abate (m) atr. an. (a) (118)

(12) خاطی کاری نے کی ایش امادیت کی امادیت ہے اکاری کرتے ہوئے گھا ہے ۔"وسها احادیث ذم الله لاد كلما كذب ما ادلها و آخر ها كجنبت لدر در احدكم بعد بيت مأنة حر و كلب خير ما اد ي من ولذاً " وكلك المرفوليات الكبر" من ١٠٠٠ إن موفويات الله عن الماء كي غامت الله موي الماديد ي و د الل و الرمام ي على على مديد ك الرح ي كال كة كالله الله 3 كا ك

de Ne Jac me into too

(ع) و تحطة فراى عبد الله التصول الك تجويل مطاحة واكم عبدالله فراى كي ال تصفف كا تمل الكر رافعه روا، As a common of an array of the

middle (ur) (۱۷۸) کوام ل: کاب شکام ایب اور ن فر فیب ایم بریق: ۱۳۳۲۳

PT -3 20 (60)

(un) فكيد. An المراجع المداف rener julyluly (LL)

an-1150 (144) 264 (H)

03-,079 (at (IA+)

HE LIKE SE , I'M ME ILIA (W) anniassa (m)

(۱۸۳) متعمر با السنة الملية في المعنية العلم" أمل " مراقي الأفر" المارة الأناني الأفر المارد إلى الأس

200 : "المعرف في المعلى المعرف" " المارة في الأساق الأولا المارة المدالة المراكدة المعرفة المعرفة الم (۱۸۵) څنی از اکلید ف فر پیچه راهید ف" د کین پادرالود س ۱۸۵۰ م

(۱۹۷) مجمع الزوائد ، كتاب الزهدياب اما جاء في القراسة. PPRINCIPAL (IAC)

M : LASSO (MA)

(١٨٨) و كل : العول الك تجواتي مقالد - بمواد ؟ كون ص عاد 019 -015 -1150 (H+)

	RTY
(40	an_ai (2)
(Hr	التشرف: ٢٣٢
(Hr	rry Let
(187	الخرل: ٢٠٠٠
(142)	ايدا عام
(144)	المشرف: ١٩٨٠-١٩٠
(184)	"والَّي: جمع الجوامع: ١٣١٤
(44)	كان العمال: الكتاب الثالث الشمائل ، الياب الثالث في الطعام: عما ١٩
(111)	mina: فتترف: mina
(***	يوافر الوائو (1/2
(14)	التكشف: ١١٨
(nr	140 × 3,7()
(r.r.	التشرف: ٢١١
(147)	41.4 (2)
(143)	العكوت: ١٩٠٩
(1.1)	النافق بخوفات. مقالات تفت اوره تايفات الثرفيه و مقان من ١٠٦٠
(14)	التشرف: ٣١٧
(44)	اينا
(1+1)	التترف: ٢٠٢

(۱۹۰) التكشف: ۲۵۳ (۱۱۱) التكشف: ۲۰۰۵ (۱۲۱) بمارى: كتاب القسير ، باب لالتملو (عدوى، الآي،

(۱۳۳) فشرق (۱۳۳) (۱۳۳) فکتف: ۲۵۵ (۱۳۵) رنگ پرادر فوادر: ۱۳۹۲ (۱۳۵)

(rir) المكتبل ۱۳۱۵ (un) بماری کتاب الحدود ، باب کو العزی و الادب (un) ، یک بر درداد ادر : ۱۳۵ ایک کو العزی و الادب (un) ، یک بر درداد ادر : ۱۳۵ ایک کار مطلب الور دیمون

احكام القر آنِ تفانوی مُرَيَّاللَةُ : ايك تعار في مطالعه

لاكترجتيدا تدياحي

ABSTRACTS

Abkhin ab AQue Pan is that trend in Quranic exegosis that primarily focuses on the legal perspective of the Que'linic verses. Indian subcontinent has its own share in this tradition. An important work of this gener is those tradition An important vork of this gener is those tradition. An important vork of this gener is to one that was inaugurated by Mawklin Ashraf 'Ali Thinxivi and completed by his disciples. The present such and completed by his disciples. The present such analyzes the motives and method of Abkhin ad Que' lan, its score and the extent of its applicability.

تنجیر قرآن کا دورهان عمل می قرآن کریکان کان آیاری بدید کی جائیستان سر بردورات افتانی داندا تا اعتباد بده همیر به تنفی ایامتای افزان که بالا تا بید کها به آزان شکم کا اعتباری این داندگی محافد روی (App Stacky) به جمع می اشاراند که ک مخلک کاف سر حمل ای این ام از این کان می افزان کان می انداز دانوان که

> استندن دفير ، قبل املاک اخرج (امول الدين) يها قالي اماي ياري ادوي املام آيا . - يد انوالي الني المثلاثة الإسلامية في المنتدر مثل جديد اللذة الديد . ۱۰۰ م ۱۹۰۹ بدوم الدو

' تکاہ ان کا ذکر کیا ہے۔ ' '' پر مطبع بھی احکام اخر آن پر عرفی زبان کا ایک ایم ' تلقق کام 10 ہے جہ بیمال کے معروف عالم مواد اخر ف علی تفاوی بھٹلا کا ہے۔

استخام القرآن کا والدے کہ دیارہ و گواٹ کا ہے کہ اس کا دور تی بات کی ان کا بھا کہ اس اور تھا ہے۔ کا بھا کا اس ا چاہری منظم ہوالدے کہ صوباری مواقات کا دیکا کا مساول کے ان استخام القرآن کے مساول کی انجام میں اساست کا مالا کی مرحم دار میں اس کا داخر ہے کہ استخام القرآن اس مالات کی کسم مالات کی انجام میں درام استخاب کی انجام میں درام استخاب کی اندے میں استخاب کے درام کا استخاب کا درام کا استخاب کے درام کا استخاب کا درام کا استخاب کا درام کا استخاب کے درام کا درام کا کا استخاب کا درام کا کا استخاب کا درام کا درام کا درام کا کا درام کا درام کا درام کا درام کا کا درام ک

اں شائے ہی عدے وق تفرید۔ أحكام القر آن كى تاليف كے اساب ومحركات

الاستعادة المستعادة المستع

Branbul: Research Center for Islamic History, 1960, 566

و کل او شر دانی اثر ف المقالات (دور ، من میان انسلین ۱۳۱۰ در ۱۹۹۰ م. ن و من ۱۵ دادی ۱۵
 د خواد بود اگن تؤویسا فر ف الموانی میان در این بین از این ۱۹۸۰ م. ن اومی ۱۹

استنابه هذا فران بالبدان فراد اکراس و حشود که بین انتخاب که مه در سد بیاند اگرید به است. فیاند اگرید به از در ا فران بیکان به در ایران کافل که ایران می ایران در ایران که کنند و ایران که تصدید این ایران می ایران می ایران می مرحل فران که ایران می ایران می ایران می ایران می ایران می ایران که می ایران می ایران می ایران می ایران می ایران در استان میداد و ایران می ایران می ایران که ایران می ایران می

المراكبة الإنكام عواليست في المواكبة الإن المواكبة والمواكبة المستقبل المنافع بين بين أكب كل سد كان كل من المر وي المراكبة المواكبة المواكبة المواكبة المواكبة المواكبة المستقبل المواكبة المواكبة المواكبة المواكبة المواكبة وي المراكبة المواكبة وي المراكبة المواكبة ومن المراكبة المواكبة ومن المراكبة المواكبة المواكبة

⁹⁻ الش معدد وق ارض ۲۸

⁻ ميد ميليان ندان "منتيم الاصلاك آثار على" مثلوز كيز الحمق الثامت فالن اكتوره مجرعة 184 الذا الن 184 ا كذا الدوانية من الاملاق في عرف 194 م

المناسب المساعد المساعدي كمده مواطعة المناطقية المساعدية المساعدية

ة سرق برواكله ⁽⁰⁾

- ٨٠ القرائد مثليُّ إلها في السند ، كروق، وروائز أن والخوم الاملاب ، في ا . من ٢٠٠٠
 - القرائد خان (هلاه السنن) ارزق الارداقر آن (هوم الانتاب ال المن) - الدائد خان (هلاه السنن) الرزق (مارد (من) (resers)
 - trutte (Said ale
 - 10.070 -11

ا آن الانتخاب المسابق المسابق

ھے ہی مول اپنتر کی تختیم عمل ہیں آؤ۔ بالی کام توانک حویل عرصے ہیں باے مخیل کو مُلا کہا، تاہم مولانا

ra-rr من المستخلع القرآن (عن العالم الدائم ف التحق (10 ما 10 م - شرق وافي من المنازل و من المنازل من المنازل عن مقدم المستخل المناقع القرآن من المنازل المنازل المنازل المنازل

موانا قانوی کوئٹ کی ماے بھی جو کام تعلی ہوا اس بھی موانا قانوی کوئٹا نے تاقف طریقوں ہے حد المان الراق في من كران الرائية وموضوع من كيوري الموادي كله فأريد المهاري في وكان المان الله المنا المعاليات وي أينية كاران بي كرموانا قبان كالمنت روزند كا كلن شراد كام بي معلق اللهي فات مان فريات الدسلق الو الفيزهات أكت التي التم يترك التي المرية (10 الارة موانا فهد المرة (20 الانتخاب کی روایت سے معلوم او تا ہے کہ موانا اس سلط بنی با تابعدہ محاس بھی متعلقہ کرتے تھے جن بنی وواط افرائے ھے۔ (۱۰۰) ووجز بد لقل کرتے ہیں کہ موانا تھائوئی جب آبات پر کانگو فریاتے اور فنسانہ وقت نظر ہے کسی حتی سننے کی صحت پر ابتدال کرتے ہے تو اپ معلوم ہوتا تھا کہ یہ منلہ ان بیں موجود تھا، لیکن اب تک ان پر ان زادے ہے گھر فیس بزی تھی، ایمامعلوم ہو تا قائد بادل جیٹ کراور آ قال لکل آبار (۵۰

أحكام القرآن كامنج واسلوب اور مضائن

جال كال أحكام الله أن ك من الدر مناش كا تعلق بداس همن بن دوراد مطاعد يدر براهم لكات كالعاظ كياجا سكات ووضي وفي اللهاء

- أحتكاء الله آن رسليرياك وبندي عرفي زيان بني فقيي تتامير كي حديد اورطو لي ترين كاوش ہے۔ اس تقسیر میں معروف فقتی ندایب کے اقرال کا تنتج اور قدیم فقتی ندایب کے اللہ ہے قرری است الا
 - العالب التان شمر مد الإزال التان في الخياص عنين المتياه في وك اقوال كارتبو الداكي كالساعيد به تنسب الماق ان تنسب الدراء والول مناق كارماع تنسب
- ٥٠- تنسيل ك في عاديد بدا فقران وتولي ألكتار أحكام القرآن كراي، ودواقر أن والغرم الروم بدا مواهدة م
- ن وعن ارم كان منوي مكافية . أحكام الله أن كرائي، ووجائز أن والحوم الإماس عاجات واعرق ارمي ها على الد اللي كالمنظ المعكام الله أن أراق الاراق الاراق والعلم الاستام الاستاء المعدي ٣٠ . ص وعد اليرواني . م الامان ية و ال ٢٠٠ - ٢٥ مد منيان وي التيم لامن كي آل طب "م الامان. قاد في ١٥٢ - ١٥٢
 - 188 15 15 18 1 Police -10
 - - السرم الاستاري ١٩٣٠ والرواني الراف القال ما والرواح ١٥٠٠٠

الرئامة الأخراب من الأماعة في العالم الإيوانية الدعاء في المرئانية المرئ

مهان کامون بی همید را و گل سه کام با کمایا به به • تشکیر استنام القرآن اید در جایف که قری، ندای، مناق، فاقل ادر معاشر تی آداد تقریف ادر هداری کامی ایک قان قرار برگذاره محق به ب

بالشوص پر مغیرے حدارتها به قرق نظری آدادا فقطی و تقیقی معطور این تاب کیا پریم نواید ہے۔ شاک خور پر 18 دائیت کہ دو گل کا در وقتی میں قطعی پیشینٹ کے حدد تھیے چی بھا دائلہ کیا باسک ہے۔ ^^ تقسیر سے معنجی خصالکوں اور مومولکیوں کا فقتی ارتقال ن

١١٠ - الرفاق مدر باق ن ٢٠٠٠ م. ١٠٠٠

يشي بعدا شدوان مشكلات كالالا كرنے كي كوشش كي ہے جومسلمان شواشي كور چش حجي ركاب بي اينا هور ، منٹس، عالم اور مخصوص بجاریوں کے وقار خاوندے متعلق فتنی ادکام میں منتی فنڈ کے مقالمہ بند مالکہ کے اقوال، ر لوی وہا کیا ہے۔ موادنا مثانی مُنتینے کے یہ قول میں وہ منع اللہ موادنا اللہ کا آئے ند کورو کیا ہوں کے لیے وہنع فربایا ق آپ گھوں

وعلياتنا قديتركون أقوال إمامهم إلى أقوال أصحابه إذا خالفت التصوص، وربها أتأتوا بقول الأثمة الذين رأوا قوة الدليل عندهم، ولسنا يحمد الله جامدين على قول صاحب مذهب يمحض العصبية، بل تقلُّده على بصرة تحن ومن اتبعنا، وسيحان الله وما تحن من

اقبال كوافقار كركيتين بريمي ووانواليه كراقبال يركى فؤي البيارية بين كروكل في معيود معلوم يوريم الحداث من تعسب كالمادر كانة ب والمساح المرات في ريت مكر بمراد عاري والا يعين ما يا مالوال كا تكور كري ويد عمال كيافيان كريتي ور فرك كريد وي عرب في احتمام القرآن مي موادا تناوي الله على وسعت يندي كان رفان ك آثار مار ما تقرآت

الدرا العوص موادة على أيكنية اور ملق الراقعي الكنية في السائد الرائد إذا كام لاعد بن مساكل عن التهاب عند ك اقوال عند ايم ترقيح كالام جواب الناجي منك ثلاثه تعليل (١٠٠) وم ذلك كاروزه (١١٠) واراكوب عن ريا (١٠٠) تم كه تقريق غمر الكورى شراون كا شامل ويونا (الله يعد مناكل شامل الديد الايام رة فيذي وشو (الأ) م الون كا

- ١٠٠٠ تقرائد الماني: قواعد في علوه الحديث كرائي اورة الرأن والخوم لا مؤمر ١٩١٠ ٢٩٠٠

 - -٣- خاني: أحكام القرآن ، ٢٠٠٠ ١٥٠٠ Market Callerine & ar
 - 460-467 P. 15 1100 P PP
 - PM PAR PAR 5 1,500 PP ١٥٠ - الإدالكور ترفي أحكام الله أن في السيدات

أحكام القرآن اورعلوم حديث

استحام القرائق المومى في و الخرائية الى المقدمات بعن أساعاتها بسيان المستعاد المستعاد المستعاد المستعاد المستع ي ادائية المواجه المواجها في المواجها في الحرافة المستعادة المواجها في المواجها المواجها في المواجها في المواجها والمواجها في المواجها في المواجها المواجها في المواجها في

صدف و منعد سختی بری ایسان بنتی از منتی اتحاق فرانی آل اید. ایران با در این می از این به داده این از این این از این از این از این از این این از ای

- TIT-THAT IT BE BUILDING -TO
- 24- عنانياً معدر ماني رقاء من 20- عنده العراقيق معدر ماني رقاع من عاد 1 14- عناني معدر ماني رقاء من 19- (19- فاعرف كالدعلوي كالمنطق معدد ماني رقاع من عند زوي كالمنظرة معدد ماناني.
 - خ ا رقس ۲۵۳ ۲۹- خانی د صور مایش ری ارس ۲۵۵-۱۱۲ ری ۱۳ سی ۲۳
 - ۱۳۰۰ خون د معدد برای کا دس ۱۳۵۵ ۱۹۱۳ کا ۱۳ کا ۱۳۰۰ کا ۱۳۵۳ کا ۱۳۵۳ ۱۳۵۳ کا ۱۳۵ کا ۱۳۵۳ کا ۱۳۵ کا ۱۳۵۳ کا ۱۳۵ کا ۱۳ کا ۱۳۵ کا ۱۳ کا ۱۳۵ کا ۱۳ کا ۱۳ کا ۱۳۵ کا ۱۳۵ کا ۱۳۵ کا ۱۳۵ کا ۱۳ کا ۱۳
 - الم. تروي معدر ما يقد من ١٠١٩ ما الله الما المن المعدر ما يقد من ١٠١٩ ما أن الم

أحكام القد آن في صديق م على كوكام في اكرا الكام كالشاط كراكيات مثل كي خور را التقال في

الدون في لمنا بالدون المواقع المنافع الاستهام المنافع المنافع

۴۳۰ - آنازی: معدر ساق ریادش ۴۳۹، مثانی، معدر ساق، ی یا ۱ ۴۴۰ - مثانی ترصدر ساق، یارش ۴۳۵،۵۳۵ می ۴۴۰ ریاد ۱

۲۰۰۰ الش معدوری ۲۰۰۷ می ۱۳۰۰

ery.ora در ای مدرسان در ای دور ای این مدرسان در این دورود و در مدرسان در این دورود و در مدرسان در در دورود و در

گی بیده بردی کند آنجایید " ما احتماد ای کتابی (الا ما صغ و ترکت من المستحیح حی الا پیداد " " (کلیدار کالیس می مراد کیامید می الاگیایی اساس کارانده به اگری اداری کارانده به اگری اداری کاراندید به کار اماری به این این می می از می کاردی این می می می می می می می می از دادید کاراندی به این کاردی دادید می کاردی کاردی این این می کاردی کاردی

حر شی کام گئی ہے تھے کا وقیارے۔ معمل و نشل کا امیرون : استخام المقرآن کے کئی عن عمل مشل اور دارے واڑ کا ایک مشہودار بھاء تھرا تا ہے۔ مؤلیجی نے مظہودان ک

rs - ان ترامقانی، فتح البازی، ورون دارالو لادن امری

ه ۱۰۰۰ منام و حدود منام کتاب الصلات باب اشتهد في الصلات « همي صدف ۲۰۰۰ مثال افري مع في . ۲۰۰۱ - منام و صحح مسلم، کتاب الصلات باب اشتهد في الصلات ، همي صدف ۲۰۰۳ مثال افري مع في . کتف سدف اداد و شده معادلات مواطلت براه مكتر ادارا شراعت می ۲۰۰۲

عام - خوان مصدر مای روز از داره ۱۱ س عام ۱۹۰۰ ۲۱ - منگل این در مصدر مایش روز ۱۱ س عام ۱۹۰۰

۲۹- عني معدر مايق، خ ا وس ۵۵ ار الخافي معدر مايق خ ۲ وس ۲۵۳- ۲۵۳

-- الرابي هد المرابي هد

آپ نے اوار حال اور اس خالی مکانٹ سے کہ عاد انقل کے ایں جن میں میں میں مواقع انگاؤ کا گھراؤں ہے۔ رضوان کے کو ایک الیسل کرناماء ماہدائک کھٹٹ کے حدید کے جنس مانات اور قران کی حواقز زیارے و کرئے کی حاکمی خال اور کہ ان حواجد نے وہ عدید کیلئے کے فوائٹ ہے ایرانہ باقال (***)

ان المراقع من المواقع كل كل الاستان عن أو دوان كام المستان عن المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع ا وأخر في مواقع الكل المواقع الم المواقع المواق

۲۶۰ - خانی صدر رایش بی ۲۰۰۱ می ۲۰۱۳ ۲۵۰ - که فاقی صدر رایش بی ۲۰۱۳ می ۲۵۲-۲۵۵

ولى تلكل بيدى بيدى بين كارت المراق بيدى من من من وقده والى تلك بيدى بيدى من وقد المواق المداق المداق المداق ال بيده المداق المراق المراق المراق المداق المد

اعتراضات كاجواب

هم الطبقة من المساولة يهده الأسافة المساولة الم

عاصد حقی فیننگ شدن این موم مکتف سه الله به نما استفدار کمید که را مقال که با به مراس خان که با بده شدن وی وم بیکنش که این الدارست مهم که این هدف که مراس که مراس که به موم به ساحت این مدالت که با هندان که موم که در با برای میکند این این این این این مراس که با در از که مدالت کا با در از که مدالت کا فیدار این خان که کری کارور مدید و مجامع میان این انداز نشان که این کاروراک که این در این در این در این کاروراک که

> ۱۳۰۰ - الأني المدر براق برق الرس ۲۹۰ ۱۳۵۰ - الاني المدر براق برق الرس ۱۹۸۶ - ۱۹۸۳ ۱۳۹۱ - الش المدر برق الرس ۱۳۵۵

جاواد بھی نسب سے سے کر دوالات تک سب بھی قوائق ہیں کہاں ہوا ایو جائی گی بات ہے تک کے لیے جام اعظم تھنگان میں مکن جائد میں موالات کا ایک انداز کا میں بدو کا چالاتا کا ہوائی کا بعد ان کا بطر انکی موجود ہے۔ النجی فروٹ کے جائے کہ سے موالا میں کہا ہے کہ کہ کا کی کا انداز کا بھی کا میں کا میں کہا ہے کہ کہ کہا تھا کہ کو امد کا کے خالات میں کا کہا تھا کہ کہا کہ کہا کہ کہا تھا کہ کہا ہے کہ کہا تھا کہ اساسا میں انداز کا انتخاب الم

ناک با ده آدی پر اس کے بال بی انسر انسر پر پایندگی آگئے ہے۔ چوں کہ مختی اقد انسانی ارادے ہور کھر کی تربیت کی سب سے بڑی ملم پر دار فقد ہے۔ ابتدا کی ہائے انسان

احتاف کے اصول و قواعد کے شرعی استثاد کا بیان:

147, 74 - P. 15 - Brown St. - P.A.

> بعد گل دهرب کی دکیل خیمی دوند.) همده الشاور کالمعدوم. ^{(۱۳۵} در کهایس نیز کاعم مثالیب بیز میراسید.)

تامدة الاستال لايكني للاستدلال. (** (دُمُل عَامُّرَكَ عَلَى عَاصُّ مَالَى) فَأَيْسِ.) تامدة كل حيلة بعنال بها الرجل لإيطال حق الغير، أو لإدخال شبهة فيه أو لنصويه الشق فهي باطلقه وكل حيلة بجنال بها الرجل ليتخلَّصَ بها عن حراء أو ليتوصل بها إلى

115/2 -11

19 (17) - 190 - 18 - 18 (18) (18) (18) (18) - 18

ar گل صدر مال ۱۵۰ ما ۱۳۵۰ ar گل اور صدر مال ۱۳۵۱ ما ۱۳۹۱

98 - التارات مصدر ما في عام من 194 20 - الد الله مصدر ما في عام من و معداء من في الدر مصدر ما في عام من 197 و 197 و الله مصدر ما في من و

المحمد المحمد

۱۹۰۰ - تری مصدر مال کی ا ۱۹۵۱ - هر مصدر

حلال فعد حسنة (١٥٠) (ووحله ، جن كرار مع كوني فلحي ومريك من كوما فل كري ما ارتباعي شيد بعدا کرے ماحق کی صورت مع کرے تو ایسا حلہ باطل ہو گا اور پر ایسا حلہ جس کے ورجے کہ آر افلام ، حرام ۔۔ العالة حاصل كر العاملة و تأكه طل بنك رسالاً ويع منكرة ووحله المند ووجو كال

قاهدة يسقط وجوب الأمر بالمعروف والنهى عن المنكر إذا خيف من ذلك مفسدة. (عد) (جب يكي كا تكم وينا اور براني سامع كرنے كي ويد سے كي فياد كا اعراق او قواس وقت اس كا (\$2 6 0 Bb - 80

قاهره: الله عنه لا تشت حقًّا غير ثابت، ولا تبطل حقًّا ثابنًا. (مع) (قرم الدارة) كراك (F 1, 0, P (17 , D at) f de ant + F 1, 0 at 17

تحاصد کی تانونی بوزیش اور ادکام و مسائل میں ان سے استفادے کی کیفیت سے تاواقلیت کی بنا پر بالعوم جن للد فيرون كا الكاريو كر معترضين في فتتر ختى ير نس كى يروى ندكرف كالنس كمات، ال كار ويد للى باريامونظين نے كاپ مثال كے طور ير موانا على (١٥٥) اور ملق ترزي (١٠٠) نے تقيير بير ، دو مقالات براي ، اصوا، پیلو کی طرف نشان وی کی ہے کہ احتاف کے بان اصول و کلیات کی چروی کی حاتی ہے ، اگر کوئی حدثی تعی ان امول الخيات ك خاف أظرا ك. قامن المدين عل الي كرت بكد امول كل رعل كرت ال مثل کے طور رافتہ عنی اگر کوئی مسلمان مسلم ریاست میں بھنے والے فیر مسلم (بینی اول) کو تمثل کر دے، قرار ، کے دیا جی مسلمان کو فل کیا جائے گا، کیوں کہ اصل کلی کی رویے انسانی جان میں ہے اور معصوم تون مي حرمت اصل عدال منظ مي احاف يريد اختراض كيا كيان كر انبول في حديث لا يُقتُّلُ

194 . T. T. S. Bleson and S. S. C. T. S. Bleson Bleson - 37 - 37

AS FIFTH TO WARM STRUTT FOR IT WAS SECURISED - DE ractificant as

-24

199 505 Brown 627 - 10 ١١٠ - محدان ادرش شالى كالتك مستند الشاني، خادش ١٩٠٠ رقم: ٩٣٥

الال سنة الرصيف هذا المحل كال حد الله هذا كان المدينة المدينة المدينة الرصيطية المدينة المستوان المحتوية في ال والمستوان المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المواقع المدينة المدينة المدينة المواقع المستوان المستوان ال معالمة المدينة المرينة المواقع المدينة المدينة

مصادرومراجع كى خصوصيات

ایک اور انتہائی معلیہ جمہ کی طرف ان انداء کر ماہر بری معلم ہوتا ہے، وہ ہے کہ استخابا اللہ آن معاد اندا انافاق کے انتہا ہے ہیں وہ قدیم کو ٹائل سیاسہ طویرہ آن پر معجر کے فقتی اور مختبری او تجرب سے مئی آئل میں مشاقات کے کیا ہے۔ آئل میں سر محرک میں 28ج

ای طریقے جائیں۔ انتخابا جائے آتے اور وزور وزیر کے در مواقعی سے انتخابا کی انتخابے کی بھی ہے۔ تکلید بھی ان ال خوص کا انتخابات انتخابا جائے آتے اور وزور وزیر کے کہ کر مواقعی سے انتخابات کی سال میں بھی تھی انتخابات کے اس اس انتخابات کے اس

INTERNATIONAL PROPERTY OF

۳۰- اوالهن ميداندگر في الصول الكريكر ، كراي مطح ماديدرين، من ه

وقت کی مهادات اقادی کے افتیادات و کرد ہیں۔ حوامق اور افتیاد سیدیٹ نے معفیری الل منت کے ایک تکنید کر کے دوسا ہے بعض کے سوائل ''آباط کے سوائی کا عم فیریٹ کے جانب کی تبدید کرنے والے کا محفیر کی جانب کی اسٹ کے مسلم منسول کائی مشاوہ اپنے اور ایک جماعی مائی مائیس مائیس کے بعد کام مجارات افتاق آگر کائی وزائد کھائٹ انتخاب

إنه من أوابس أن لايبلار يعكم التكنير فيهم مالم يشتش كالامهم وينفح مرامهم لأن منكم الكفر على المسلم أمر صعب لايجال التجامل في: (ين تكوير الرائم الكرام الايسكان) من المجتران ويشار المساورة ومان الماري كالانجام المسلم

(وبب تاک این طریق عنوات کے این کا این کا تیزان این کے مقد کی اطاب شدہ اور بیت داری بیت کا گری می الکسل بی جاری دی وابلے ہاں کے کہ مسئوان پر کو کا عم اللہ بی اور مصاف بید جس بی بی بدرت کرنے کی گری کی گئی کی گئی میں بیدر)

اراب ریمان مب رے اسال ثقافت و تدان کے مسائل

ا یک برجه اندی بازد کار اور این کار فرد این کار خواب کی انداده کاریده (۱۳۰۱ احتکام الفران که سختاین د مندر باشد سه محتق بید موادن خوابی تکنیش به آن بسیدی افتی مهاست که خاده دان مشامای دادهای کرد. مناصر کرنے کا اداراد کیا، این نامی دوسراک می شدید به هذه دوسروسان بی گرفتی تبدید و گاهاند ادر استخدای

۱۳۰۰ کر کار احد ریان بی ایران ۱۵۰۰ ۱۳۰۰ ۱۹۰۱ کیل احد استکام الله آن (احد سرائز کر اخر فر) بی ۱۳۰۱ میلاد ۱۳۰۱ کیل

مخيل نه فرما محداد در در ازال ملتى ترلدى ال ملح كا كما عقد اتباع نه كريحك.

اگر په موادا ترق نے تعلق معاصر تشخیر سائل بر تقربانانیا ہے، متنا الماروں کے اتح الد لائش طور پر معر تراب کے قد مزایا کی کے این ادارہ (۱۰۰ پر جائل اورات کے قر کا داخام (۱۰۰۰) اور قدور بدان (۱۱۰۰) فی وہ جائم کا کہ کئی و اتحال افی ہے کہ دیشیر ترق کے اس متناط میں عائدت عرب کے میسوں ساتھاں تھی کہتے تھے کم سے کی صور چی آگ ہے کہ دیشیر کے مانا کی صورتا از کا قدیمارات برام از کمانات

بر صغیر کے علمی ذخیرے پر أحت کام القر آن کے اثرات اور اہل علم کی آرا ایک بات بر کسی تاب کی بلی جیت اور مرے کاتین کرتی ہے وور اس کے ارب میں ال علم الفتل

ا بید باشد بر کا حاج می اسم میں اسم سے ۵ میں رہی ہو اس کے بدارات کی اس موسا کے اسم میں اس موس کے تاکہ است میں آئی کیا ہے کہ اسم الموسا کی اسم کی کامیا نے آسمو میرہ تا ہے کہ الل طب نے اس الفقی کام کو فران عمین دلائی کیا ہے کہ اے ممال کے اسم میں اانکو کھر فران کھنے ہیں۔

أما هذا الكتاب الذي هو بين أيدينا في صورته النهائية الكاملة، فجاء كتابا جامعًا شاملًا كيا اقترح منهج تاليفه حكيم الأمة أشرف علي النهائري، فهو يمثل تقدمًا ملمومًا في إظهار

77- «أن إعلاد السنون «« ٧٨٠ × ٥٠٠ ع

24- اللي المعدد ما الأدي الله عند الما

۱۹- کرمدر (جود صر) ۱۹- کرمدر (جود در ۱۹

العبقرية الفقهية التفسيرية تعلياء المذهب الحنفي، تجلت في أراءهم وأجربتهم على هنتف العبقر، والأسخة التداهشة. (^(م)

د آن مرابعة الأولى محمد المستقد المنابعة المناب

بيد الله الكري ما ديد المراق المحافظة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة الكري المواقعة المواقعة الكري المواقعة المواق

ه نام. هم من مندر مایل (طرمه) کو که افزانی کاری ۱۳ م. اند - طانی خواهد فی حلوم الحدیث من ۹

الله الآن الواهد في طلوم الحديث أن ا
 الله الآن الكهارة فتح اللهم ، أراق الكررارا الحراء ، والماد ، في الراس errepre

وں (صل ای طرح شرائع من قبلنا کے حوالے سے قدم بھی سے احتدال کرتے ہوئے فاتون کے لیے مکم می مناصب میں وزاری مطلق احداد میں وفائز ہوئے گئے جو از کار جان فاور کراہے۔

حرف آخر حرف آخرے طور پر جانت کی جائل ہے۔ یہ بر مسلم تون، فلتی اور تا ڈنی کھرے ہوئے ہے

عرف الرئيسة موري بخراج من كام حاكم بها حيث بها من المستقدات المستقدات المواقع المستقدات المستقدات المستقدات ال من احتراب كاملا هديد الرئيسة على المستقدات ا

ر المداري المساور في المساور المواقع المداري المساور المساور

ھن کی گیر دیر دو میں تھنگی کرنے ہیں۔ میں ہے ہے کہ کو داست کے گئی کی چھی اور خواجی ایک بیٹر اور سال سندر کی تک بید اور اسال بدا ہے ہو سرف است کے ہاتی سے افزانی خواجی ہے کہ سات کے خاص این بیانیک است کا گھری اور استان اعتدای اعتبار سے کارکی اس مار انتخاب اسلام کے تقدیم ہے۔

> سود - خواجر طافی فقه الخرکانی کردی دور گرامهای بی بود می ۲۰۱۳ - ۲۰۱۳ مون - کشر دهدری تا دیل ۲۰۱۹ - ۲۰۱۹

امكام الزآن (النافان). في الصيميات- (1)-

ادكام الترآن (قيانويٌ) منج وخصوصات

Fred 14.20

احقام الطران (محالوی) ---- بع و مصوصیات اکنانی سد صدیقی *

Maulena Ashraf Ali Thomi, a renewed schelor of sub-continent, constituted a board of religious scholars from his disciples to write a book having all the Islamic injunctions about Ibadat, social issues, ethical and meral issues derived from Queno occarding to the Hanafi school of thought with proper reasoning

according to the Hanal's school of thought with proper reasoning and justification.

The book with the name of Ahkam-ul-Quran was written and published approximately in sixty three years by five scholars. No

published approximately in sixty three years by five scholars. No doubt the book is an encyclopedia of the Islamic injunctions derived from Quron in the light of Hanfi school of thought. My orticle reveals the historical background, comparative study of different volumes and their sublications.

نحمده ونصلي على رسوله الكريم.... اما بعدا

ب سنان با مراقع با ما مواند با ما مواند کار با الما که این المواند کار بستان با مواند کار با مواند کار با موان ما ان ما مواند بود به مواند کار با مواند که با مواند که با مواند و با مواند به مواند و به مواند به مواند به م مواند که مواند که با مواند به مواند که با مواند به مواند که مواند که با مواند که به مواند که با مواند که

.12

استنت زوفير دالعدا منامات مامو وافاب إجاد

گافی اللی بدال اگری، معاشرتی بدان کی بدار المثانی آن مسائل کے طل کے لیے تر تامات کی خواد اساس میر جوئی الی صاحبا کیج و اسلیم عمد خود آپ کی حدیث قشر ری سے بر بان معاقل میں شامل الباعث ہے۔ ۱) کا کہا ہاتھ

- ب ب ب ب ب ب ۱) سنت رسول المذمعلي الخدملية وسلم
 - () (Figure) (F
- ۳) المشاود قائل (۵) الا الكري الفائلة (قائل كرما كا الركام الرائد الداخريون) الداخروس

قرار پاؤند مسائل اور کاب بالد سے ان مسائل کے اس کے دو پیلوما میٹ آھے ہیں۔ مجمع کاب الشرقی آ بعد سے اس کی مواصف یا انقراد و پاڈھٹا اے مسائل معجد کے کے اور کی مشتر پیلے سے موجود دوا اور کاب الشرفی باسٹ سے اس مشتری اللہ اللہ اور کاب باسٹ قرآن کرکم کی آ بالیت سے تھی انظام کا استمالا کی اور کیٹ سے بی اقرار و مسائل اور اللہ

مشرین کا موشور کا بحث ریا کمی حالی طف سے مطابق آرائی آیا ہے ہے۔ مستقید مسائل وادکام پر مشتل کئیس کی جائید کا آنا وائیسری میں ہوا۔ ان عمری میں سب سے مکل کا ب امام شاقع نے مرحب کی کیلی وہ م ککٹ فیکس

اس طموعی مرسب سے مکا کاب ماہ خاتی نے مرحب کی جوہ مرکا کے لگار دام خاتی ہے منسوب جوانا ما افزان مرتکہ میگی ہے ووام کے خاکر متاق کی تالیا سرادہ ہے کیکھ اور انتخاب میں میں اس خاتی کے ماہ انتخابی کا باہ ہے اس کے یام مالی ہے مرتب ہے وامل متاق کی اس تالیات کے بعد قتیاران جائے ہے ہے اس کے اور انہیں نے اس ان انداز میں نے اور انہیں نے اس موشر و موشات فرور کا کے اس فی ایرانس تا می تر اسد ی ۱۳۶۰ مه ۱۳۹۸ یوان این این الازی الدی جری ۱۳۶۸ هر ۱۳۹۸ می ۱۳۹۸ یوانس این می می می بیداد الدید سیس (کل) ۱۳۰۵ می ۱۳۹۸ این ایرانس این الزئی الا کی ۱۳۴۸ میاده ویژ

ادکام القرآن کے تالیقات کا یہ سفر صدی یہ صدی اوالین علی اتن محمد الکیاالورای(م:۵۰۰ه م) اوراد کرکھران مواند(م:۵۳۰ه م) بوان عربی کے نام سے سعوف

یں۔ یہ برہ براجال الدین مبدالرش ایریش (م بھالہ مان کسکینگیا ہے۔ عادر بیونی کا اسفوب جسامی اور این حربی سے مختلف ہے بیونی الدر فقیاری آراد تھی کرتے ہیں شان کے واکل مگذارید کے کابری الاقالہ مامائی ہے وہی اداخام بالقرائد ہے۔

تاري ويس عظر

مواده الروسانی قدان کی با بدن پرمواده هورموفی شده به خدان میشد کند. حدثی داکل می کرکسیکی بیده مدرانیا بری اداری کان کیا می اعداد السند "کما کها در امواده می کان المواد کی کسیک میشد برای کان کان شده بدان المواد بود. کما تیاد است وی کان کان با بدا اداری کرکسیک به این المواد کان کدرب المواد که کان با این المواد که این الم

```
معاملات وآداب اورامقاق النبوف واحسان كالججي ذكركما عائة اورجه هرساكل كي روثني ش
قرآنی ادکام برایک نی کاپ مرت کی جائے موانا پر کاپ خرات فود تالف کرنا جاہے تھے
ليكن كوت مشاكل اورضعت أوى تصوصافحت بصارت اس بات كي احازت تيس ويت تهد
  پینا تیرموانا نے علاء او محققین کا ایک پورا تھایل و ماجس میں صب و بل افراد کو تھٹ کرا گیا۔
                              (18600) BORISTON (1
                          ا) مولانا تحرادر لين كالمتعلوق (م: الماله)
                          ۳) مولانا ملتي ترشلخ وي يندي (م: ۱ عام)
                          ٩) موادنا ملتي تيل الد تعافري (م: ١٩٩٣.)
قرآن کریم کی سامته متولول کو جارهبوں شی ان طرح تشتیم کیا گیا کہ پیکی دومتولیس
مولانا فقر الدصاحب، دومري دومتوليل مثق آيل الدصاحب، تيري دومتوليل، مولانا مثق جي
ففغ صاحب اورآخري منزل موادنا محمادرلين كالمطوق صاحب كيرهيد فدرآتم بدموادنا كي
تحراني بين ان حفرات لے آمنیف و تالف کا کام شروع کر دیا۔ مولانا ان حفرات کوفو کیا فو کی
$1511 1637 1411 $661 0 11 11 15 6 15 15 15 15 15 16 16 16 16
6680 Tolland Sale Colombia Doctor
أب ي وأن منا منها بينا فرحهانه ص كرواف وقر كروح مادنا كارفوا في أك
                                       الناكى زندگى على ساكام ماية يخيل كونافي حاسف
موانا كراك ظلة الشي ذاكة عمد أتم عاجب كراتها رآخ يس مندر انهوا ر
ئے موان مفاقی جو شفیق صاحب کے سروفر ہاؤ کہ وہ ان کی عدارت کے مطابق تالف فر ہا تھی۔
                                ا الأعلى على الريام المراه والعالم المراهم والمراه و الكار (ع)
ا مُنام الله آن الله وتعليل هي كرموان قبانوني في 11 روب 14 ساريد الله جوال في 1400 م
                                                    (a) J. O. C. Parties
```

مولانا كى وقات يرمورة نها مسكام وكل مولانا تلفر الدعثاني في تحل كرايا تعاور مورة ليل تأكل كا

(A) _ Big 15

المراحث الأنجار عدد المساعلة المنظمة المواقعة المواقعة المنظمة المنظمة المساعلة المنظمة المنظ

الدونا فرق التي كان ما تدارا الذارا للدونا والعسمان المساولة بالمساولة المساولة والمدارات المدارات المدارات المساولة والمدارات المدارات ا

موان القرات حق (م-1924) حصد حق موان تا که احد شول ادال اور منزل دوم مینی آغاز ۴ موده التابیه کی تالیک آتی به موان موری کافرن مورد النداز که افران کرد کام موالک کید. هیل سود: «حدادل ۱۹ همال انگرم ۱۹ میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود این این میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ۱۳ مشیعت زیران از ۱۳ میرود اگران کرد این میران میرود میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود میرود ۱۳ میرود ایرود ایرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ۱۳ میرود ایرود ا

رو القرائد من المساولة المساو

آگر پر ۱۳۵۰ در ۱۳۵۰ نام که آپ داد اطعام استام می داد از پر کستگی افدیده که مصب میلید به فاتر بود به ادواندم آخرای حصب بر رب ۲۰۰۰ و نیانده ۱۳۳۰ ۱۳۵۰ در کور ۱۳۵۰ میداد و کراری شک آپ نیست دادل دانش کو چیک کید (۹) آسک در

احکام الترآن کے اس ابتدائی حدیث موادنا نے جو اُسلوب برقرار رکھا ہے، اے

حب ذیل لکات میں بیان کیا جا سکتا ہے۔ ا۔ مشن آب یا آبات کو کھی کہا جاتا ہے۔

متن آیت کونش کرنے کے بعد انتشار کے ساتھ افوی انتر تاکی جاتی ہے۔

- الكام منته عان كي جائة ين-

م ين خلياري آراء تقل کي جاتي جي-

۵۔ مال آیت کی صفاحت قرآن کی بائی ہے اور تا اندیش ماہ دیے آئی کی بائی جی۔
 ۲۰ حدید کے دائل اگر کے بیاتے جی۔

۲- حقیدے وال الرہے ہاتے ہیں۔
 ۲- اجواب عن دالان الخصو" کے موان ے ونگرائدے واڈل کا

جواب ملتى انداز يمن ويا جاتا ہے۔

ما تین (امام او جسٹ اورامام قد) کی دائے اگر امام او طیڈے تھے۔
 موقہ قرار دائم کی وضاحت کی حاقی ہے۔

سرة القرائل مُذَّى آيت مهارَر شَهُرُّ وَمَصَانَ الَّذِي ٱلْإِنِّ الْهُوالُ مُدَّى لِلنَّاسِ وَ بَيْنَاتٍ مِنَ الْهُدَافِ وَ الْفُرْقِينَ فَمَنْ شَهِدَ بِنَكْمُ الشَّهُرَ الْلِيْفُ أَلْوَلُولُهُ (*)

يست من المهادي و العرض عليه وسعل مساية و المساية و المساية و المساية و المساية و المساية و المرابع المان أن ا الله آيات المساية المساية المساية المساية و المساية الم

السرائي المواقع الموا

الا عاصد (الآن كي كاليا كاليا عام الله عاصد المنافعة العامة (الآن يا فيكانه الا كان المنافعة (الآن يا فيكان كي المعدد الا لذي المنافعة (الإن المنافعة) كي الانام الآن الدينة المنافعة (المنافعة الانام الآن الدينة كي ب المنافعة (المنافعة الانام المنافعة المنافعة) لي الكان المنافعة (المنافعة المنافعة المنافعة (المنافعة المنافعة

مولانا مقتی عبداللکور ترفیق (م: ۴۰۰۱م) احکام الترآن کی تالیف کے لیے مولانا اتعالیٰ نے علاء کاج و بدر تکلیل وما تنا، ان

على موادة القرائد حوثى حال هدرواة القرائد حوثى في تطلق وقد رئي معروفيات ك علاده الحرك في أكتان على الله بي يعاملتون كي جدرت البية حدث كاليد عمل مدكريات بعد الرئاس حدم موادة على مهداك من الله بيان على معاملتون كل مواحق كي ما حدث الله بيان المعاملة المارة بدا 1771 ودارة ا

۱۹۳۳ مین پیدا است. انتقاقی تیم در سراهایی قاندگان در در طوم ترجید بدید خود اورقی گزده کنید عدارت سامل کی - این تیم خود این که در سام اطوام ساهام مید فراند ۱۳۳۵ مید مین اراضام و بدید سامل به میانا آناز این موادا خیر اندگان فی ادر این میداد. نکد درخی کا دخوانی کشاران اگر دستاس نیش کارد.

آواف کے بھرآپ کی زندگی کا پیٹر حسرسان بیال (خٹل مرکادہا) بھی قائم مدرسہ چامد طالبے بھی گزرا اور ای قبید بھرآپ نے قررشی کیلی اور تشیقی فضات سرانجام ویں۔ جوری 140 میں وقت کے ابداری قبید بھرآ سورولیو دیں۔ (*)

حصير مثنن

ا منام المؤترات مدد كانده كي القدامة عادى الافرى» منامية بدوني الدون بن المدرسة المنافقة المؤترات المدرسة الم الميارك المنامدة بمنوف المنافع المؤترات مودة المؤترات المدونة المؤترات المنافقة المؤترات المنافقة المؤترات الم المؤترات المنافقة المؤترى المنافقة المؤترات المنافقة المؤترات المنافقة المؤترات المنافقة المؤترات المنافقة الم يميني المنافقة المؤترى المنافقة كامتنام كم يكون المؤترات المؤترات المنافقة المؤترات المنافقة المؤترات المنافقة

کی جلد موده با کرد کی اجدائی دس آیات پر مطلق ہے والموظیان احر تصاوی کی اختیاتی کے مطابق اس جلد تائی آبات ادکام کے ۱۹۳۳ ایزاد اے 201 مسائل کا اعتراق کیا کہا ہے بر جلد 40 مسائل کے رحمانی ہے جس میں اس جلد کی مرضوع کی فرمسے اور معادر مراق کی فیرست می شال ہے۔ پر بلدائدرہ افرف انتیق والدے الاسلام الاہوے کالی مرید اسلام میں فی ہوئی۔ دوری بلدسوری الاموری آیے کبر الاسسوری کے آفر تک شال ہے، اس میں آیات

ا فکام کے ۵- البزاء ہے ۳۸۵ سائل کا اعتزاج کیا گیا ہے۔ پیبلد ۴۹۹ سلوات پر مشتل ہے۔ تیسری بلونکس سرد انعام اور سردا الراف برطعتی ہے۔ اس میں ۱۳۸۸ آبات اوکام

ک ایزاء سے ۲۰۱۰ سال کا اخز ان کیا کیا، پر جلد ۱۵۱۵ سفات پر مشتل ہے۔ یہ تیاں جلد پر ادارہ اشرف انتخیق والدے الاسلام یا اندر کی زیر تحرافی کی جو مکل چن (۲۰۰۷)

أسلوب

19.00

نے باوی طور پر موانا 7 شد کا کا اسلو موانا حالی کے اسلوب سے کمی مطالبات کر کہا ہے آپ نے کمی آئے مد برارکنو کر کے اس کی انقیار حوالی وہنا دھ سے بھوراں سے مشاہد مشاکد کی مسلول جات کی ہے دس کئی تاہم اسلام کی انقیار مقابل کے اقدام کا اسلام کا اسامان کی آمار کا فیار مطابع کے باہد چروی کی مزام مسلوم کا برے موارکد کی تھر وہٹر تاکہ محمل میں موانا تکھنے جی ا

سنت کی روشی ش سرقد کی وضاحت

آرے آرائی (بولسناری والسادی اوسادی الفاق میں ایر بینها ہے (**) کر چھم چرخ سے چو سے کے عام ہے فواداس نے آکے سریانے چو باک کیا ہو پاکسا اوالیک منصد سے اس کام بھی گھیسی کی ادارتھم ہو کارنساب سے کہ بائیست کی چھی کارنسا والسائیا تھی تھی کے کارکم احد سے آری سے محمول کھیسی اور کے ساتھ کھیسی کردائی میں کاردائی سے کم از آر

ای طرح ندگوره آیت می اس بات کی کو فاتنسیل فیل هی کدیدر کا باتند کس زمانے

عليدوسلم في قرمانالا قطع في المدرس

ی کا با بست به دس داده با بست گور کرد در دارای این شد با بر کا در این که این در این که آن این که این که این که مال که زارشک می در در این که این که با که با بر این که این خود و این این می این می بست به این می بست به این می قطعه چی در در اصف می آن با در این که در این می در است که این می در داره قد کم این می در است که این می در است ک این میدیدی ماین میزار می این که این می در این می در است که این می در داره قد کم این می در است که این می در این می در است که این می در است که در

حدود میں شہادت کی شوانکد معدود میں مصاف سے متاز اور مہیں تکاما بنانے بیری وقی و سے مطالب میں اگر حدود می کو کافی این کم کاف اور کے لیے مام

موادا تروی کے عظمانے اختیار کی اور اُن کی دیگری می گرم کیا ہے کہ اس بات یہ احتیار کا ہے کہ مکالی سرچہ بوری کی معدومت میں والی اِنتہا کا جائے گا۔ موادا ملتی کیل احمد تصافوتی (م-1947ء)

موانا مثنى تيل الد قالوني كم شوال المكزم ١٩٠٣ الدوا وكبر ١٩٠٣ وكوصوب إلى ك

موال في قوال يجون على بيدا احداث الشائع تحكم في كالأنسك كيك بدرا الدائع والموالد المدائع الموالد الدائع الموال فالا يجون سدن الموالية بدوان على الموالد الموالد الموالية في كم الموالد الموالد الموالد الموالد الموالد الموال في كما تما في من الموالد الموال

حصب بر خالز دو که دو می در میر ۱۹۹۳ می آپ کی دفات دو گی. مواده این خیز هم مصفار کی آفری چند سالون شن ادارهٔ اثرفی انتین سے دارت و ب ادر اس دوران آپ نے ماکام افران کے اپنے در اپنے حصر کی تالیف کھسل کی ادرا پڑی گھرائی میں آئر ویکٹر کر کی درست کی کھرائز کر دیگا ہے ۔

حصد مثن: سورة يونس تا سورة ألفل (منزل فمبر٣)

سورة الاسراء تا سورة الفرقان (منزل نمبرم)

الان المساولة المساو

تقانوی صاحب جزوی طور پر اس منتقلی ادارہ کے ساتھ دائیت ہو گئے اور ای دوران انہیں نے اپنے حصد کی تالیف کھل کی۔ ای دوران ادارہ نے موالانا منتقل میرالکورٹر تذکی سے موالانا فقر احمد منابق کے ذریع تھل صدر کا منتیل کردوئی ادر بین 1718ء 1716ء میں ادعام القرآن کی تالیف مکمل بونی۔ اس مخیل کی معادت ادارۂ اشرف انتقیق کے حصہ میں آئی اس موقع برایک بروقار تقریب منعقر يولى

19.00

أسلوب ایکر والفین کی طرح ملتی صاحب کا انداز بھی یہ ہے کہ آ بیت قر آ فی نظر کرئے کے بعد

ای ہے متعلق سیائل وا دکام ذکر کرتے ہیں۔ مثق صاحب کا تألف کردویہ حصہ دیگر صعب کے مقابلہ میں سب سے زیادہ طوش ہے۔ سورہ کوئی، جود اور نوسف ایکی سورتیں جن میں احکام بہت کم بدان کے گئے جل لیکن ملتی صاحب کے گلتہ ران ڈین نے ان سور تول ہے کھی احکام اخذ کے جن اور بعض مقابات رطوش محکومی ہے۔ اگر حد بعض مگیہ یہ محکور بادو طوش ہوئے کے ساتھ موضوع کے دائرو ہے جی آفل جاتی ہے کیونکہ ادکام القرآن کے موضوع کا نتائشاہے کہ اس ين صرف فتهي ، اخلاقي ماملي مسائل واحكام برروثني ذاني حائة بخليبري اورتظرياتي الات آلميير كا موضوع ہوتے ہیں، حکام قرآنی کا نہیں مثلاً مفتی صاحب نے بھن مثلات پر اسہاب نزول -- 600,50 ورة الأس كي آيت مادك

مُنَ اللَّهُ خَمَا الشُّمُ عَمَا أَنْ اللَّهُ مِنْ أَوْ الْمُعَالِّينَ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

ے مار تلف مساکل منتبط کے جن جن ایک سے ایک مین علوم ٹیم ر تلعیل ہے التكوك عدمولانا نے الى ال التعلى التكوش قرآن كريم كى التف أبات، بهت ي احادیث مرارک کے علاوہ صاحب ورافقار، صاحب جاب، روح المعاتی کے مؤالف علامہ آلوی شرح العثا كديجة لقب لياملني وليام فوافي بكيافات بماهان وبيدان بروتنها فذكياب علی تجوم و کواک کے دو پیلو جرب

علیم ٹیزم وکواک کی حرکت اور ان کی گردش ہے متول کا انداز و مالان کے ذراعہ ہے من تدخون کا ایمان و لکا اور وقت سے مطرکو کی ایمان میلی سات المرکا صول جائزے اوراس کے ڈریعے سے مطابق کی فجر دینا علم فیب کے متر اوف فیس

ہے۔ اگر کائی فی جب وائی کا واقع کا شرک سے آج بیٹلم حاصل کرتا چار کائی سنٹسن ہے کہ اس کے در جید سے پیٹین کو گی ایک ہی ہیں تر اور پواوان کر لے کا کی بھی اعتمان کے در جید کی چیز کا وان کر کے بچار چاہتے آو وطع فیسی ہے۔ متاروس کی کروش کا عظم والی لے حاصل کرتا کہ کون ساون محق یا کون منا روز با یہ کسے

ا معدو سارد المعارف في الكام قرآني بتنير، حديث الدرفة ك يعض بنيادي الدريعض الوي

معاورة في كتاب كا بلود عليات بتأوى كاردن المعانى التن كثير كالير مواناتا تعالى كاليون التركزات التركز في كالمجامع الاستكنام الشهر أن دو صفحتان اود المعتان على الدو المعانية الوداعلان المسارز إداداتهم معادرين.

التي المساحة ا المنافع المساحة المسا

ب فذ ف كى يد بحث على والأل عدم ين ب-

مورة الله والمستلدا اها اللاي الركنية لا تعليد و فوادي المتلواك ام ے اللہ کے واراب بلد فرش اونے کو ٹابت کیا ہے اور گار و بوب اللید بر طول بحث کی ے اس ملیان عالیں اقتماء کرام کا تذکرہ مجا کیا ہے۔ مولاناملق مح فتلظ صاحب

شخیل مسوده: ۱۶ ی الحریم ۱۳ سان (۱۹۸۶ (سادی) ورمضان المبارك ١٩٩٨ ورمضان (سائع الف) مطيوع وقيرمطيون مطيون

RIS-THEAT :50 بالرغامة: ١٩٨٤،

(USE) DAY := UP المان الد) الد)

عالف

مولانا ملتی الد شلخ باک و بهتر کے کرار ملاوری الد ہوتے جی، ۱۹ شعبان اُستگر ۱۳۱۲ مراوی بدا ہوئ قرآن کریم کے منظ کے بعد آپ نے در اطلی ویویت سے تعلیم حاصل کی۔ سال آب في موانا الدرشاء شور الفتي ويزيز الطبية بعوانا سد المقاسية أن ما مدشير الديشاني موانا الورد فإلى موانا وراجه بالماني المساكن كالمساهدة الماري بآب في ما فروغ والموارك والمد المستان المارية الماري عن قراري وي كا آغاز كرا الماريان المروعة والمارين آب ار العليم كملتي كرعيده جليل برفائز بوئ ١٩٣٠ه ١٩٣٠ م كان أب في ماخدات مراتهام و إيادراس الرمدين كم والأن باليس بزار الماني آب ترقور كيد ٢٠٠٠ ١٩٥٥ من عام ١٩٥٥ من آب ئے تو ک پاکتان شاہر موصد لا قام پاکتان کے بعدآپ نے کراتی ش اوراطون کے ہوے الك هدر مرقائم كبالوروس ١٩٩١م ١٤٠١ ما الراس أب كي وفات يوفي (٣٠) -616b-216b-3666 19.00 ملق فضي صاحب كوك فيادى طور يرفيدونين جي اس فيان ك حديث التيان أسلوب غالب ہے۔مولانا نے ان حصد میں جو اُسلوب برقرار دکھا ہے ، خیادی خدو خال اس کے تخریاوی جی جومولانا تشراحد مثانی کے تالیف کردو حصہ کے جی مولانا کے اُسلوب کی امامان مثن آیت یا آبات کونٹل کیا جاتا ہے۔ افوي تحريج بعض الفاط كي حاتى س آب ہے معلامیا کی مان کیا جاتا ہے۔ فتها و کی آرا واوران کے واکل تقل کے جاتے ہیں۔ فوائد كرهموان سيلهم اللف تكاب مان كرما تري ا سمى كمى مقام بر "قال العبد الصعف" كمنوان بي ملتى صاحب في الى رائية كالجحي اظهاركات-يعض مد دسائل ربحي تشكرك عدمثاة آيت والولا نول هدا القرآن على ، حسار من البلد بنين عبط كا(١٥٥) كي تحريج كي موادي تي قال العد النعب كے منوان سے اسلام كے معافى اصوادل رتشيل سے بحث كى سے اور اثنة اكى واثبتما في نظريات كى تجر بوراتداز تين ترويد كى سے (٢٠٠)

باغة ومهاور مولانا نے بھی کم واٹش اٹبی ماخذ سے استفادہ کیا ہے جومولانا نظر احمد مثانی کے واٹس نظر تھے۔ البت مولانا نے تھیری کتب سے زیادہ استفادہ کیا ہے، مولانا مٹانی کے مقابلہ میں آپ نے جمامی رکم مدار کیا ہے۔ ای طرح موادع علاق نے مجموعہ مانے مدیما سے جس قدر

. 0

استفاده کما ے مفتی صاحب نے کمی قدر کم کیا ہے کدان کے حصد پر فقیما ندرنگ خالب ہے۔ مولانا محمدا درليس كالمحلوق صدمتن البقدا وسورة ق تا التقام القرآن الكريم (منزل نبر ٤) عيل سورون عوشوا بالكزم الاستارين مطيور فرمطون مطيوب 43: 10/01/210/12 مالخافت: ع١٩٨٨، مولانا گھرا درلیں کا ترحلوق کا تعلق ہتدوستان کے مربعہ فیز صوب کا تدهلہ اور ایک بڑے على خاتدان عاقبارة بي بويال بين ١٢ رقط التأتي عا٣٠ الدر ١٠٠ أكت ١٨٩٩ وكو عدا وويد. تعلیم کا آغاز کا تبرط سے جوالوں گار بارے ابداور قبالہ مجون کا تعلیم کو آ کے درجایا اطل تعلیم کے لیے آپ مظاہر علیم سیار ٹیورآ گے اور بیان سے متدفراغ حاصل کرنے کے بعد آپ نے مادر بنلی دار العلوم و بح یقد سے دوبار و دور کا حدیث کیا۔ موانا الور شاو کاشیری ، علامہ شیر اله عناني اورمیان اصفر سین و بویندی جیسے کیار تورثین وملسرین سے استفادہ کیا۔ ۱۹۳۱ مار ۱۹۳۱ م سرآب کی توریکی زندگی کا آغاز مدرسامت و فی از قریبی رسی و وار ایک سال بعدی آپ کوایت اسا تذو کے ساتھ وار احلیم و بند ش قد رایس کا موقع حاصل ہوا۔ ١٩٣٩ ه تا ١٩٣٩ ه آب حيد رآ يا د كن شي متيم رس جمال آب تاليفات شي زياده مشلول رے۔ ۱۹۳۹ء تا قیام پاکستان دویارہ دار العلم و بح بندیش تدریکی قرائض سرانجام دیے۔ قام باکتان کے بعد بھلے عامدا سلامہ بماولیورٹیں ﷺ الحامداور پھر عامدا تر فیہ میں فیج الدیث رے اور ای مصب جلیلہ پر ۲۸ جولائی ۲۳ عاد ۸۸ رجب الرجب ۱۳۹۳ء کو والى ايل كوليك كها_ (١٥) الحام الرآن (قانول) في وتصويات - (18) -

1900 - NEW 1

أسلوب

ما تا تا تا تا تا تا با من حدث الاسماع مده الله عن ما باست المساع المسا

ا مودہ میں بہت اور ان میں موسیان و عاصلی بود امام میں اور امام میں اور استعادی میں اور سند بور کے امام شاگر کا احتمال انگر کیا کہ دوان کے یہ کیا چار کیا ہے۔ قراب میں کوئیس کا بچار کیا ہے۔ کہ دائم کا کھرے و یہ یہ کہ کچنا ہے۔ اس ململہ میں سب سے مطعم اور نے مالے برمادی نے کا دادہ کا کہا گیا گیا گیا ہے۔

ه المستحدة المستحدة

ے ان ہوسما ہے۔ وہ ہم) گاڑ اور کی اس محارے کو لکل کرنے کے جعد موانا کے ذائن کی سوال بھا ہوا کہ المناس عدادها كما المناس عن جدادها المناس عدادها و المناس عدادها في المناس عدادها في المناس عدادها في المناس ع من المناس المناس المناس المناس عدادها المناس المناس

" چڑی ہیں ہے کہ رخم گفانہ کے ساتھ تھوں ہے جب کہ انگل العان فادوسرے کے گل ہے فائدو گئی مگل ہے کیکٹر انڈ تھائی نے قربا پا البارو والا جائے جان والا جو العنی اللہ باللہ باللہ ملیے ((۱۳) میکٹر اگراے محقوقات بالڈ اموان کواس کے تقلب کی اس العانی ما آئی کی جد سے دوسرے کے گل ہے مجمع فائد و دوسرکا ہے۔

مورد مجاولہ کی ابتدائی آبادے ہے مرک تجار کے مشاری اس کے القب پیادی ہے۔ متعلق سیار سائل و ارتفاع معنوط کے اور انتقار کے ساتھ آئیں آرکز کیا۔ (۶) مورد مشرکی آباد خاندا اللہ ولکے علی رب کے مورد ماہ اللہ واللہ ولا سال کی (۳۴۳ آئی کر کے اموال کے مر پر مامل بڑھ کی ہے جس ش بالدار نے کا اعلیم طابوہ فی الدی چیداط الباقد کے حوالہ السکے ایا گیا گیا گراموال نے سے مصمی اور اس کالتیم سے طریق کورش ملا و فقیاء کے اقتداد کے اقتداد کا اقتداد کا ساتھ کا تقدیل سے آغل کیا گیا۔ (1977) موانا کے کالیک کردہ حدیث شاخلہ مدسب نے ذراہ وطلس آئٹ ہے۔ سرور محمد کم محمد کی

امكام/الرآن (1960). گى دانسىياند-(21)»-	· <u>****</u> 'p
حواثى	
والمقدام والكاب المناه	الادا قادر كماب أسنى وإب ا
اسای اکتب دانشون خا۳ س ۹	
ب والمدن على المدورة المراكن عن الله عن الله الله المراكن عن الله الله الله الله الله الله الله الل	مواد القراح والى كي يال
زآن گراني ماريوالارآن عهدان اهدر	Aprillan Jaja
146 June 16 18 1 18 1 1 1 1 1	مداق والزراز يجروار
يالواب دوب بيدهام خوري كتب خانول شام وجوانش بيد	0.2 × 20 = 3V
وطوق في عدد عي مواد الدائي كالدطوى كاكت فالده ال كرك	Kide decorpolas
يحقق واردها بالقار	وراطم عي الروم عا
, Her	San Angelia Spallandel
ري ملتي ميالكورزي ي تذكر والمعر علاق حسال عدد في كاب-	آب ک واقع والت کے ملیا
	140(7),24
MUNICIPA	وفي القراح وماناه الكام ا
و المطولات أن ك يرثود وارحلتي ميدانتدون الذي عد زباني محالوش	
	حاص کی کی-
والنوهيل احد فعالوي	تعارف المكام التراكن الحقيق
	month
	كزاحال بهروب
	اينتا
والقرائين والعدرا والرف القيق الاحمال الأراج	زغاي مهدالكور ملق مامكا
فيل احر شاؤي. (اكم يحس مجل ما يور ما دروا شرف التيق	تشيل ول ع لي ركام
	21-52
الترآن ويور وروازل المثين وماهده	فالوي وكال الدسكي والأ

toobaa-elibrary.blogspot.com

انقم	-(22) - امام الرآن (الأول) - الأمسياء - (22)	
(87)	مَثِينَ أُوافِقَ هَا مِبِ مَدُوانًا وَإِنْ مُدَ سَلَمَ مِن الأَمْثِينَ أَوْ رَفِعِ مِنْ أَنْ مُسْمِن " وإن مثل المقر	
	مطيوندانيك في ينتي أعظم ليرن 19 في روا حده في كل سيد-	
(ro)	rur_J/A	
(11)	محرفشلي مثلق والمكام القرآن وجودانا	
(tz)	£12 € 2 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0	
	(الب) موچی اومیان مذکره واده مکترونان	
	(ب) مدیقی کرمد باخ شیری مواده محداد نس کا دعنوی کی ندمات	
	مثلاً إن استكال Ph. D علوم إمان من مهامين ما بالناس المانيات	
(64)	rearXi	
(14)	مى الدين في الرواد عاشر ويضاوى الركي رامكان الاستان مين ١٩٧٨	
(m)	MATTITUDE AMOUNT OF	

(ex) (11) كالإطوال الداركي موان الكام الإأن عام 629.34 (rr)

toobaa-elibrary.blogspot.com

الكام الرآن (تؤان) . كي والصوبيات - (23)-

·<u>(m</u>- '<u>- '</u>- '<u>- '</u>- '- ''

احكام القرآن مفتى عبدالشكورترندي - تعارف ومنج

مرحدالله يغيوني .

مفتى عبدالشكورتر ندى كاخانداني ليس منظر

حفرت عبدالله شاه ترخد كا المل خاعان ترخدش اقامت يذير قانسي خوريرة بها تعلق مادات كران ے قاجب آب کے آباداجدادای شرز فرش سکون کی دورے ی ترف کی نبیت اپ نام کے ساتھ لکھتے رے ل خاتدان شي مديات مشهورے كه شاہ بين تلق شاہ كے زمان شي "ترة" سے سادات كا جو قافلہ جرت كر كے بيندوستان وفي ش آيا قواآب كآباد اجداد كى ال قاظر ش شال ع جراهد دراز كد بندوستان كالنف شرول ش ر باکش بذیر ب آخرش به خاعان والب ش مالها اور وبال عد بار بندوستان اجرت کی لیس به معام تی بور کا ک لله عدادات كا قاد ش أن والي آب عنامان كافرادكون في كريد بات واضح يكدال خامان می حضرت عبدالله شاه صاحب میصوف ی وه فخصیت میں جنبوں نے ضلع کرنال کے قصہ ممحلہ گذھو میں سکونت احتیار فرمائی تایہ آپ کے مشہور مخاشہ میں مشرحقانی موانا تا مہالتی حقانی کمنصوری دھلوی کا اسم گرای زیادہ مضہورے حفرت موصوف ای (۸۰) سال کی عمر یا کراینے مولی حقیق ہے جالے سے آپ کے دولائے تو حسین شاہ اور مکیم تو فوث شاہ اور شن لڑکیال تھی ج تجیم سید تر فوث شاہ کی وادت ١٥ عداد ش محملید حوش ہوئی اور رمضان البارك كى ستائيسوي شبده ١٣٥٥ على مدال كى عمر إكرافكال فربايا ليماندگان على تين يخ عبد الكريم ، عبدالرجم، عبدالتي وتين بشال ادرالك بيده تجوزي في

ان شماعتی عبدالشور ترفدی کے والدملتی وبدائر يم محمدي إن جن كي وادوت باسعادت هرعوم الحرام دا ١١ ١٥ كوكم هلد على بوقى ، آب في ابتدائي تعليم اسية قسيد على حاصل كى ، يكونوم قاز جون كدرسد على بحي راحه تجرد دسمقا برطوم مبار نورش وافلد لهاورمواد نافيل اجرمهار نيورى رحد الله اورد يكرها ، كرام ، ووره مدیث يزه كرستدفراغ عاصل كى رفرافت كے بعدآب في استدار عند موانا الرف على تعالى ك سرياق عن كام كيا ك آپ ف بهت على جيمان تلفي اور استيل عدات انهام ديد جن ك إراب آب ك الله منتى سد عبدالقدوى ترقدى في إلى صد الاصفات يرطعل سواقي " تذكره منتى عبدالريم محملوى" ك ام تریک بجامی فرملیور ب می او و ال ۵۰ درجب الرجب ۲۸ ۱۱۳۱۵ ۱۹۲۹ د کولف مايوال عن آپ نے هر ۱۵ مال افتال فرمال ال

مدرس جامد حقات ساجوال

مثل مودانشور قد ای کا دادت این بیمار مثن امن راسته خیاله شی الدرب سالر جد احتماده طاقت روز ۱۳۳۳ داده ای آن کا مقر سه تا "موالشد" ته بدکان شیخ نظی به این اگل یک چهایی سه شاه ای کید کیاده آن کاری هم سے شرحه عالمی ان آن کا بدی هم از مواجع انگرائی می سود استان کاری هم سازه سال کاری روز در ۱۳۳۰ میرانگاری کار

تعليم وتربيت

ر و روسید ارده دادی روستان آن کرد کرد کرد کرد و قرآت اور دری اطلای کی اجایا کی کسید کی تکلیل سے بعد ۱۳ ۱۳ می دورد حدیدت فریق سے کے بدار اعلیم و پرویتر کا برد سات کے کاردہ ۱۳ می سروانا کسی الاحد کی اورد کم اجار طاہ مرکزام کے فیل بایس بیزگر الحی کردوں کی مراحات احتجان بیا کرایا ہی سات کا اور اور سے بعد اعظ

بيعت وخلافت

آپ نے گئیں ہی سے مواہ افرق کی الفاق ہے وہے کا فرق سام کرا کیا تھا، پھور سے کھنا ہے۔ مئی اس مرافر کہ مداوی ٹر کے جادوری سے امساق می قوائم کہ کا بداد اس مواہد اور ہونا ہے کئی قائم پھر دہا ہو سام کی ہدار کے بعد میں معاقبی کے معاقب سے کھی تائم کردیا تھا تھا کہ اور اسکام کی اور سے کی کا اندا بعد قوائم کہا سام کردیا تا ہے کہ کی تاہد سے افرائی کھی انداز کے کھی تھا تھا کہ کہ سام کردیا تھا تھا۔

جامعه حقانيه كالهن منظر

ر بادر قابل فاید با برای برای که می افزار به ۱۳۰۰ می این می حدد قران در دند کشار می داد. داد. و داد. و داد. می داد این می از داد این می از داد این می از داد این می از داد این می داد. و داد این می داد. و داد. و داد. و داد داد این می از داد این می داد. و داد. و

۱۳۷۱ د طابق ۱۹۲۷ تک بیدرسای نام سے دخیاطی مقدر کی خدمات عبالاتار با۔

تشيم عك ريماني ميده التورتدي من تعمل ماييل طلح مركومنا يأسن مي المست ۱۹۳۳ ميده عثري مركزي ميانيم ميدي عدد المستوجع سياست سايد مدورة في في الاستعادة بي مياني من المستوجعة المياني المستوجعة مياني به هم في عدد كركزي بي في المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستو مستقل المدري عدد المدرك في في الإستراك المائة المركزة العالم المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستوجعة المستوجعة

الله الله مي اوى اور موادا في محروب الدهري ك مشوره ب شاه آباد ك" دوسهاني" ك نام يرى ال كانام " درسهانية الكها ال

هنزه منوان الموسوطين الموسوطين كالأخراجاتي أنها به دخوال المقتوم التعاون في تروي عاصر . ومد موسوطين كالان في ماكر كالوطيف كم كليسان وقد المواقع الموسوطين الموسوطين الموسوطين الموسوطين الموسوطين الموسوطين سنا كم أنها الموال لم ملك سنا ترويز كل مالان الموسوطين الموسوطين المستمول الموسوطين الموسوط

> تالیفات احکام القرآن کا تاریخی ارتقاء عرب وعجم میں احکام القرآن کی کاوشیں

المن المنظل عاد آن الما يختري كم يعدي الكوس عن الدي عن المنابي والدياسة في المعادلة المن المنظم الم

مسالک اربعہ کے دور میں فقہی تغییر

جب سلمانوں میں اے سے سائل وحوادث البورية ريوے اوران كاعل حقد من كى تحقيقات ميں صراحة ند

لل 16 قرار أرام سر آران دون کے مسل الأصل دائل میں کا متاب مسمؤ (اسا المسان المسان المسان المسان المسان المسان کراکل دون عدد سام میں المسان المسان کی ایک بدور المسان کی المال المسان المسان المسان کی المسان المسان المسان ک والی نام کی در میں المسان کی است کا مسان برای کا در میں المسان کی کا کہ المسان کی اسان کی المسان کرد المسان کی المسان کی المسان کی المسان کی المسان کرد المسان کرد المسان کی المسان کی المسان کی المسان کی المسان کرد المسان کرد المسان کی المسان کرد المسان کی المسان کرد المسان کی المسان

نے ان الاق سائل الرقم الما ہے۔ () اور اعلی الفاق کی افغائش اللہ کے حقوق سے حقق پی جنس انظم الفاق میں خاص مجاف () وراور ایک الماری الماری کے انتقال میں اس کے حق سے حقوق بی جنسی اسم ساف سے تھر کر کئے ہیں۔ () اور اعام اللہ اللہ کی حقوق سے مواف تی الدائم اللہ بھی سے معاف تیں ا

(۳) دونا کا مواقع آبادی دیم محترف شدیدت میدادد جداد بیمان و بیشوند سه سعاطات جداد . تغییر می معاق جی محابد کرام ساتی که در مادید سروان چیز و بیش کشیری استیمان کاند ساتیمان اساس به که از نب

میں میں بارس سے میں ایون کے ہوئی ہے۔ میں ایون کا میں ایون کا میں ایون کی بھی ہے۔ اس میں کا بھی ہے۔ اس میں کا ب ایون کی دارش ہے کہ آوان کی گئی کے بھی میں ایون کا میں ایون کی بھی ہے۔ اس میں کا میں ایون کے اس کا بھی اس میں م ایون کے کہا گئی ہے کہ ایون کی ایون کی بھی کہ ایون کے اس میں کا بھی ہے۔ اس میں کا ایون کے سکول کے میں کی اس کے چاری میں کی اوالے میں کہ بھی اس کے اس میں کہ ایون کے اس میں کہ اس میں ک بھی اس میں امرائی میں کی کہ اور کا میار کہ اس میں میں اور ان اس کے اس میں کہ اس میں کہ اس میں کہ اس میں کہ اس ک

نے قرآن مجید کے بارے سک اور خاص طور پران تھا ہے۔ معاصر مجود ہیں تن سے بدی قورادش تا بھین نے اعتقادہ کیا، ان میں سے حتر سے مبدائد میں مہاں اوران کے بھی مقبر محافظہ میں سیدیا مجل افوران کے کھیری رفانا ہے کہ بارے میں کی اشارہ کیا بنایا تھا ہے، ان کے عالمیدی ک

نعدادیجت بزگ بے جماع سے خاص طور پر کوفداور دید معنورہ میں تقییری دوالیت مام بود کیں۔ میدیکٹین کو قطعی طور پر کرمائن ٹیمل ہے کہ قرآن مجیدی کلیسر بیمل کل تھے رمائا نات پیدادیو نے وال کے کہ جب میں انداز وائم انداز کا مرکز کا حرفظ انداز میں اسال میں اس ان اور انداز کا انداز الدین کی ناتی وہ مورد

تک انسانی ذری کام کرتار ہے گائے ہے کا رفاقات پیدا ہوتے رہی گے، جب تک انسان روح ذری پر موجود ہے۔ اور قرآن مجید کے اپنے والے موجود ہیں ووقر آن مجید کے بعد سے طالب اور ممانی پڑورکرتے رہی کے اور بون مقرآتیر کے سے عدال ہے، سے سے مناق اور سے ہے رہانا جب سے تاتے تر ہی گے۔

م جرر کے سے اسامیہ بہت سے عظمانی اور سے سے دونان استعمال کے اور استعمال کے استعمال کا استعمال کا استعمال کا اس اس رانمانات میں ایک رانمان تقریم المالی وی سام استان کیٹر کا انتظام المور الداری کیٹر چھا المبعمیر الداری کا ا کیٹر 'اور مفااسہ قال الدین بینوگی کی' المدر المنظور فی الشیم بالمان آور'' کا ہے، دومرار مقان الموی اداری کیٹر چھا المبعمید کا

معرین کبھی کی کائب' مجاز القرآن' اور تکی بن زیادالقراء کی کتاب' 'معانی القرآن' ہے ، تیسرا رخان تکسیر یاراے چینے موانا نامین احمد الدی کی '' تدبیر آن' ہے۔

چھار ہیں کا ایک کھی تھوٹی وہی نے کہ تھاری گئے۔ بھاری کی ''جاریات کا ایک اسٹان کے اسٹان کے اسٹان کے اسٹان کی ''جاریات کی ''جاریات کی ''درہ العاقی'' مجما الجارم موٹی کا ''جھار افزار کا العاقی ''ان کے بھاری کا میں موٹی تھے ہوئے تھا۔ کہ بھاری کا ''روز اسٹان کے معرادی الحراث کے اسٹان کی ''بھاری افزار کا سال میں کائٹی کھیٹے جس کے میرائر کا میں کھیل کے اسٹان کے مالی کھیٹ

تغیر کا گئے ہے جن میں ارکام بیان ہوۓ ہیں۔ فقیمی نقامیر کا تاریخی اعتبارے مختصر جا کڑہ

یں تعامیرہ عارض - چرمت - رہارہ ا۔ مجود عاحکام القو آن چکی ہن آدم ہی سلیمان (م۲۰۴س) یے ۲-احکام القو آن چمہ بن ادر کس میں ممارس بن حاص الترقی الابدراللہ امار شاقعی (مر۴۰۴س) ۸۰

ا مساحکام القور آن ایازه رای ایم بی نالدی افزایان انگی (م ۲۳۰۰هـ) ۱۳ ما احکام القور آن ایازه رایم ایم بی نالدی افزایان انگی (م ۲۳۰هـ) ۱۲ ما التمسک باحکام القور آن شی کی بی آثم بن گربی شی ایم کار م ۲۳۰هـ) م

ار ایجاب التلسب با معام سورای می بیان این این مدان می این افرار در این این این این از این افزار در این این این ۱۵ - احتکام القوآن، شخ ایوانس کلی می قرار احدی (۱۳۳۸ه) ا

٧- احكام القوآن الحافظ الديم حفص بن عمر بن عبد العوز الوضى العروف الشرير اليعيري (م ٢٣٧هـ)

ه را سخته القوات فالمنام مدي والحريق في تحرفه التنام في المهامي (الان الكور (مدينة م)). والمدينة القوات المدين في من مدين لمراكبي إن المهامي ما الميافق العالمي الموكن الموكن المراكب من من من مسهمة مع معصد واستخداد القوات الموكن الم معتمد القوات الموكن ا

۳۰ را منتخبه الله إن قائني أو بخرج ري بها لله الرف الذي في الأفاه الكوال (۱۳۳۵ – ۳۰ م. ۳۳ م. ۳۳ م. ۳۳ م. ۳۳ م. ۳۰ مستخبه المنتمان المسهدي في من الدين أو المنتمان المنظم الله (۱۳۵۰ م. ۳۳ ۱۵ مستخبه الاستخبار المنتمان (۲۵ م. ۲۵ م. ۲۵

toobaa-elibrary.blogspot.com

rq (00.14)

۱۸. علیمی لاحکم الآوان عثاراً دریتجوین ایرانوف این اسرون آنوی اگو (۱۹ ساند) عق ۲۰ جلیف از مشکل به القرآن نگی عثال ایری کمیزی ایرانوف می اسرون می اسرون ۲۰ بر می است به ایران به اگری ایران ایران به ایرا

اح... التعرف البائعة والاحكام الواضحه القاطعة في الدين يست بن الرقاق أريق (١٨٢٨) الع المحاليل في استباط الشريق ، طامرة إلى الدين مجاراً أن بن اليكر أجراً التأثير (م ١١١١هـ)

سر می سر حی اهرون فی ظف هو آن ایوم اشارشدادی مواهدی ترامیری کیمی اهی ایدی ۱ (۱۳۵۰) سیم (۱۳۵۰) سیم ۱۵ سیمی العرام خدم آیات او حسکتهای تراشمی تا (۲ کیادم می ۱۹۶۶) سیم ۲

۳۱. الفنسيوات الاصعنبة في بيان الآيات الشوعية في الدين الأميران الي ميراندا في الطبوق (۱۳۳4) 29 27. ففسيو آيات الاصحاب في عمرين في اميران الميارات (۱۳۳۵ ه.) 18. هندسيو آيات الاسحكام بريمارات الدائمة التي الميران (۱۳۵۹ ه.) 22 ما 18

٣- نقريب الافهم في نفسيس آيات (لاحكاب شخارقي المتحق التشوري (۱۹۳۱هـ) _ ٣٠ ٣- نفسيس آيات (لاحكاب ممال المراكز (۱۹۳۹هـ) _ حد السبيل العام في نفسيس آيات (لاحكاب بريامري سمايان ادارش أيكن القري (م عامان) _ ال ماركز (لاحكاب مراوز في _ 10

۱۳۰ سام کام الغو آن ، مولانا اشرف ملی من عمدالتی انتفانوی (ملاسه تقراحه دلانی بنتی محدثنی حالی استی تبسل احراقیانوی بدولانا تمواد ارنس کا زهلوی املی سیدعمدالتکورتر ندی سامه ۵۵ ۵۰

عد مديد من المسلم المسلم المسلم المسلم من الفرآن الله تحافل الصابوني - يَفْرِرا ١٣٩١ ه مُن مَمَل بولَ

ه راحكام القرآن الإنكران فوالامداد ٢٠١١ مشكام القرآن الفرآن الفرقران تجريري فالب... 22 مساحكام القرآن الإنكران في رية ٣٠١ كتاب احتكام القرآن الدين مندل... 24 كتاب احتكام القرآن الأنكرية إن الان كال الدينة الان الإن الدينة الذي الإن الدين مندل... حد كتاب احتكام القرآن الاولان كان الإن

احکام القرآن مفتی عبدالشکورتر ندی کا تعارف و منج

یا کند پایده استراتی به سرا کردگانید کار میزاند به استان می استان با برای می باشد استان با استان با برای به ی معدد به می کارگزیا شده ای داران با برای می استان که این میزاند کردار را میدی که استان که استان به می استان که به می استان باشد به این می باشد این می استان باشد به می باشد استان می میشان باشد این می میشان باشد این می میشا داری می که در این که در این می می استان می میشان در این می می که در این می میشان می می در این می می میشان میشان می میشان میشان میشان میشان میشان میشان میشان می میشان میشان می میشان میش

ادردرومير قاصاب سوروت جري ادار دور وتضير كانصاب اورتجويز دلائل القرآن

اهـ كتاب الايضاح عن احكام القرآن ٢٠

روس کے مقاب برائے کا کہ بار دائد کا فیل کی براہ بادی کا ان کا براہ میں کا کہ اور دول کے دول کے دول کے دول کے د کے کا دول مصند راقی مسک سے تھی رکنے ہی اس کے گھر دارک اضاب عی احتاق کا کر اماد کا کھی اس کا مطابق کا کہ اس کا ک اس کے مصند بردا ایا ہے گئی گئی ہے اساما کرنے کی افوان کے انواز کا انداز کی انداز کی اور اس کا میں کا میں کا می تھر پر این کا داخل ہے میں کے اس کو کس کا مطابق کی کا دیکا کیا ہے اس کا بارک کا انداز کا بھی اس کا دائے کہ اس کا کہ انداز کا بھی اس کا دائے کہ کے دلکا کہ اس کا دائے کہ کہ کی کھیل اس کا دائے کہ کہ کہ کا دل کا دول کے دل کے دل کا دول کے دل کا دول کے دل کے دل کا دول کے دل کے

تحفظت کام می این احت" (مان او طر سستان النسدان" که برا فرده کرد به ندی برای این این است. آیا چه کاری به کامل کار کار این که موافرت او آن این که این کار این این کامل برای بیده برای برای می نازگرای این و می این کار این اور این استان النسدان "می اوال میتراند" که این که برای برای برای برای برای که برای ادار این کا فرد برای امار این کار این کار این کار این می این می این کار ای

در حدة الله المساوية المساوية

المحمد الله القديم ومد القرائي إما من القديم وما ذلك المؤتمر على من و واولا المجموع المستقيمة والمؤتم والموافق المستقيمة والمستقيمة والمستقيمة والمستقيمة والمستقيمة والمستقيمة والمستقيمة والمستقيمة المستقيمة والمستقيمة المستقيمة والمستقيمة المستقيمة والمستقيمة وا

جادب فی بر کارد به موادق اگر در کسید به سطیری بی از کامی با چینی کی ایم انتخدای کی ایم انتخدای کی ایم انتخدای و از آن کی با روید که کمی که اس الداران کی این بید بیده کار این به بیده کی بر در انتخدای این از کامی کی بیده ا و از از این که بیده از این که ای این که می این که ای

منهج واسلوب

بسيط في هود سدان و نام براه المراق كما به سعل تعليد كما في المصود حداً في المصود حداً في المصود حداً في المصود مع الموادر الماري على المصود المصود الموادر المصادر المصود المصود

امل و جمل آنا ہے ۔ انگام پردالت ہیں ہے ان حوارت نے سرآ ایٹ کو خواتی کا باتیہ اس انکام افراز ان میں تعراق حیال ہو ان کے انکام کی باتیا ہی جائے ہا ہے ۔ ماہی کا آخر ان کا کا باتے ۔ دور سانمیل نے مور ان حام جی بری آخر افراز کا بھی انکام افراز کی میں انکام جی کے ساتھ حالا بھا تھا تھی ہے۔ انکام سے کام فرائی کا کیا ہے جو فرائی تھی ہے کہ ان سے بھی انکام کا کہ انکام کا انکام کا کہا ہے۔ ان استخداد کا الانکی کیا کہا ہے۔ ان میں موسود موارک کیا گا ہے جس

تالیف احکام القرآن میں حضرت تعانوی کے اہم اصول

ام به المساوكات المتعلق من المعادلة ما يعد المتعادلة إلى المتعادلة المتعادل

مثل مبدأ هد التقاول على من المداعل في كان أن إدارت عدامة بيد المساول المساول المساول المساول المساول المساول ال كان أو يد العالمات مداكل هي المساول ا

منول اول ماه : هرای فراد منافر (۱۹۳۰ ماه) منول اول مراوی و از می اول مراوی و از می اول مراوی و از می اول مراوی منول اول می منافر از مراوی از مراوی اول این از مراوی از

سورة آل جرآن محل ۱۸۰ والجوافوام ۱۳۵۸ سورة النسار محمل ۱۸۰۸ والجوافوام ۱۳۸۸ ملداول سورة الناق سورة الباتر ومحمل محلوات ۸۲۰

بالدار العدام الأداري الأمال عند الدوم المرابع الدوم الإداري الإداري الدوم الإداري الدوم الإداري الدوم الإداري الدوم الإداري الدوم الدوم

الموافقة وهم الموافقة الموافق

مطیور اداره افزار آن واطوم الدون میرکن به مثلات ۱۳۹۶ میده در ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ مید خوش دوم منسخی در الکتریز از ۱۳۹۸ میده ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ میده ۱۳۹۰ میده از این در در در دارگ همیل کیفه مهما به مشرف می افزاری میده این میرکند از ۱۳۹۰ میده از ۱۳۹۰ می

عی شاخ (دیدانشدند) که به در گه با دیدان که می سرحمل به مدین به دار به می مهم نام به در های می دادن به در به ما کلید می شاخ داد و شده می خواه می شده می دادن به می شاخ می دادن ایران می شاخ می دادن ایران می می شاخ می دادن ایران می می شاخ می دادن ایران می شاخ می دادن می شاخ می دادن می شاخ می دادن می

ے کہ کرمیں نے متنی صاحب کوکیا کہ آپ گھٹ افروع کو ہا یہ کے کہ کا تھا تھ جھ موزے متی صاحب کی وکا کہ ہے افراع کی پر مورے متی صاحب کی دھ ہے سے چھٹی اندھ میٹی از کہ ہے ہے کہ بھٹی گوٹی تی نے کا نے کہ ایس کی کری سے فراع کی اور طرح انداز میں کے انداز کی حفاظر کی اور انداز کی مواد کا کہ کہا ہے کہ کہ میکا انداز انداز کی ہے کہ بھٹی کا کہا ہے کہ ہے کہ

مئل مواللہ وی ترفیل من طبح مواللہ وقد قبار المبار بھی جھڑے الدصاب بذی ہر واکس بات سے بہت میں افوقی می رحمزے قدادی کی خواصل کے موالی میں گیر اس میں انسان میں انسان میں انسان می کرک میں معادمت معااد کا بھی انسون آخر موالی فیری کے فیری کے برائے جس کے میں اس کے ماہدی اور انسان کے انسان کے انسان کے انسان محالات کیا کی مالی دوان کی کرامزے سے کہائیں۔ والے ہیں کہ

تحمله احکام القرآن سورهٔ ق تا والناس مهدرة جوارد کار میاده و اسراری

سان آن احالات بالدار الدار الذار الدار ال

تكمله احكام القرآن مفتى عبد الشكورترندى كا تاليفي دورا يك نظر ش احكام القرآن سرة ما كدوكي ابقدا 11 برجدات الافرالي 17-14 ه كود أن 17.1

עלקיים ביינו לבייני ביינו לבייני ביינו ביינו לבייני ביינו לבייני ביינו ביינו

لا ہور کی زیر تحرانی طبع ہونیکی جیں 24 غیر مطبوعة تکمیلیدا حکام القرآن للتر نذی

ا منام القرآن ميرة النوال المسهودة لمؤجر المدوج عند العطف برطنس بدائدا كا أواجع على الماؤة (1975 على الأو في العادي المستقرات المشروع على العادي المستقرات المستقرات المستقرات المستقرات المستقدم المستق

عن الإسافية وقد المدينة المساوية المساوية أوان مي كان بالاستادات عن المرابط المساوية المساوية المساوية المساوية الكل أكار يا حداً المرابط المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية الم المدينة المرابط المساوية المساو

احكام القرآن كي انواع

دَا كُوْ وَحِيدِ رَجِّلِي فَ اصول الله الاسلامي عُي قرآن كه الطام أون في إيجداؤ الى عِنداؤ الله على تشتم كيا ب احتام الحقاد بدؤه الطام بشريح المنظف أو احتاد مكان قردى به يصد أنه تعالى المالك تمان وسوال والأفرات.

ا دکام طلقیہ اوو احکام جن کے بارے مگف برخروری ب کرفشائل سے فودکو آرات اور رؤائل سے اپنا تھیہ

ا الحكام عملية: اداخاك جن كافتاقي أقول الفال العالمات الدائم قات ب جو مكف ب صادر بوتي بين الدبحي هم القدائر آن ب الدبحي العمل فقد كم عمي التصويري في بيداس كي دوهمين بين (1) م وان (ع) معانات ...

معاملات کی درج ذیل سات فروعات ہیں

(١) احوال خصيه كا احكام : جن كا تعلق خائدان س ب ابتداء آفريش س تأكه ميان بيوي اور دشته دارون ك تفاقات استوار ريس - (١) احكام مديد جن كا تفلق لوكول ك معاملات اورباجي جاد ال ي بو مثلا فرونظی مراب داری مقرض کا وثیته قرض کی حفالت ، کارویا د ش اشتراک ، ادهار معالمه، وقار عبد وغیره اوراس سے مقصوراوگوں کے مالی تفاقات کوشکم رکھنا اور صاحب حق کے حقوق کی حفاظت ہے۔ (٣) احکام جنائد: جن کا تعلق مكف ع صادر بوف والع جرائم اوران مزاؤل ع ي جن كا مجرم محقق بونا عدارس ع منصود لوكول كى زعد اموال، عزاق اورحوق كي حاهت باورجس يرجايت بوئي باس كے عرم اور باقى لوكوں كرمات تعلق كى تحديد مصود موتى عد (٣) مرافعات اورجنايات مدنيه بإجنائيد كـ احكام الن كاتعلق فيصله شهادت اورهم وفيرو ے ہوتا ہے اور ان کا متعدد لوگوں میں عدل قائم رکھتا ہے۔ (۵)اد کام دستوریہ جن کا تعلق نظام حکومت اور اس کے اصول سے بوادران کا متعدما کم اور گلیم کے تعلق کی حدیدی اور افراد وسعائرے کے حقوق کی پھٹی ہوتی ہے۔ (١) احكام دوليد جن كانتلق مخلت اسلامية كادومري مخلتول كرساتية معاملات بويديام قانون دولي سيداورجن كاتعلق ممكت اسلام عن ريخ والے غير مسلمول ع بواوروو خاص كانون دوني عداوران كامتصد مل اور لزائي کے اختیارے مملکت اسلامیے کا دوسری مملکتوں کے ساتھ اور دولت اسلامیہ میں مسلمانوں کے فیرمسلموں کے ساتھ فعلق كي تحديد كرنا ب_ (٤) احكام اقتصاديه وماليه جن كاتعلق افراد كه مالي حقوق «النزامات ماليه حقوق ممكنت «اس کے واجبات اور فزانہ کی جگوں کو منظم کرنا اوراس کے افراجات سے جودان سے مقصور فقراء واغنیا ، اور مملکت وافراد کے مائین مائی تفاقات کا استوار کرنا ہے اور یہ ورات خاصہ اورعامہ وراول کو شامل سے جسے عجمین الل کے طوريد إجاف والامال محر فران مذين كى كانول سے الك والا مال اوراجا كى اموال مي زكزة احداثات، متن قرض مادر عالمانی اموال می افتات موراف و میتن مادرافرادی اموال میسی تجارت، امواره ادر شرکول کے منافع اور فله و پرهوتر کی وغیرہ کے اسباب اور عنوبات بالیہ ہے کفارات ، ویش اور فدر ۔ ۳۳

اصولی مسائل: (۱) تواندفقهیه (۲) مسائل کلامیه

قواعد فلب :اس كے قت ملتى صاحب نے بعض قواعد فلب كا استباط فرمايا ہے جيے سورة انعام كى آيت تمرو ١٠ اولانسبو الذين يدعون من دون الله فيسبو الله عدوابغير علم " ك تحت مدة رائع ك علم كا استنباط فربايا ب راورايك قاعده فليد بيلجى ذكرفر بايا كدمفاسدكي وجد يرك مصلحت كاران ع ہوتی ہے۔ جسے علامداین کیٹر کے حوالے ہے فرماتے ہیں کدرسول الشاسلی الشاعلہ وسلم نے فرمالاکہ: جس نے اپنے والدین کوسب وشتم کیاو و ملتون ہے ، تو سحامہ نے بو جھابارسول اللہ کوئی فخص کہے اپنے والدين كوكالي كلوج كرسكتا ب_ آب في ارشادفر باياكه: ووكسي فخص ك والدكوكالي و عاقوه دور افض اس کے والد کو بھی گائی وے گابداس کی مال کو گائی دے تو بیٹھن بھی اس کی مال کو گائی دے گا۔معلوم ہواک کی مباح کام کی مسلحت کومفاسدی ویدے ترک کردینا جائے۔ ای طرح جب ام بالمعروف وجي عن المنكر ہے كسى فساد كاخوف ہوتواس كاوجوب ساقلا ہوجاتا ہے ۔ايك مسئلہ يہ بھى معلوم ہوا کہ جب کوئی طاعت معصبت کی طرف لے جائے تواس کا چھوڑ دینا واجب ہے۔ایک اہم اصول مرجی معلوم ہوا کدست کو بدعت کے اقتر ان کی ویدے ترک نیس کیاجائے گا ابتدا اتباع جنازہ نوحد كرنے واليوں كى وجہ سے ترك نيس كيا جائے گا كيونكداس ميں انتظام ميں خلل آئے گا البت نوحد كرف واليول كوز جركيا جائ كاليكن وليمه من ليوداعب كى وجد عد عاضرند بونا جائز ب ايس عى قبرستان میں حاضری اس وجد سے ترک نہیں کی جائے گی کد وہاں مردواورت محلوط ہوتے ہیں بلکدان بدعات کے زالہ وغیرہ کی حتی الوسع کوشش کی جائے گی۔

مفتى عبدالشكور تريدي صاحب كي تحقيق

المواحدة المساولة على من مدارسه المالية المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة المساولة المداركة مع المساولة المداركة المساولة المس

انجام دیداد استیکا مصدیت سربرای خردگی ب. مسائل کارمیز : متنی صاحب نے قرآن بجید کی کاریت سے کی پاشل فرقہ کی قردیدوں پوڈس کی بھی مدائل طریق سے وضاحت فرمانی ہے ، مان فرقس کے اماء و قرک سے بات (() متوزل (4)

خوارش (۳) پیرود (۳) نصارش (۵) پیرید (۲) قدر پیرای که بیرید (۲) کرامه پر (۶) کرمه پر (۱) شعبه (۱) حشید (۳) مغولی (۳) بادی روانش (۳) نظامته (۵) نظام پر (۲) کنود (۵) قدریانیت (۸) چهرید (۱) مشترشی (۳) نامیانیش و ۲۰۰۰ مراکش می رساند. دادی تا به مشتری (۳) نامیش می رساند

اد حکام الآثار آن مشتحی امیر الکورند کی گانتریزی اسلوب ان اساس عمد اعلی افزار استخداد کی تحقیق اسلوب اس عمد عمد اعلی افزار استخداد کی تحقیق اسلوب مساون در بدید حاضی وکرگائی جن ان می

دارده اسدال بدوده الما يوند كما 20 الكثيرة اسرسترجمي ما تؤادم البيريسين والدون كالانتفادة الدون الدون كالتفاق م مواة الأدواق اليد كالتفاق المساولة المساولة المساولة المهم التفاق المساولة المهم المساولة المواة المساولة المساولة

الروستول على المساع في في المن في المن في المن عن المن المنافع مناصب أن المنزل المنافع المنافع المن المنزل المن ويما يمان كما كما يتبه: المنافع في المنافع المن المنافعة في المنافع ا

مجى استدلال فرمايا _عشرت ملتى صاحب عديث خدكوركا تشقيق جواب ذكر فرمات بين:

" بركهنا كديديد منوره كى جانب ستركرف والفاكوسرف مجد ثيوى كى نيت كرني جاسية اوراس قول يراس حديث كوريل لانا مردود ب، اس لي كرمديد كين بحى مماخت يرد لات فين كرتى بكر صاحب فيم الرفوركرين وي كي حديث بدالة الص جوازير والات كرتى ب كونك جوطت مساجد ك ويكرمساجداورمقالت سيمتنى بون ك قرار پائی ہے دوان مساجد کی فضیات ہی آہ ہے اور پر فضیات زیادتی کے ساتھ جھوٹر بیف میں موجود ہے ،اس لئے ک وہ حصد زین جو بتاب رسول الشصلي الشعليد والم كا احتداء مبارك كومس سكتا موت بيد والل الاطلاق المثل ب يمان تک كركند ، وش اوركري سے بھي افضل سے ، چنا فوقتها نے بھي اس كي تقريحً فرياني سے اور جب فضيات خاصہ کی ویدے تین محد می موم ٹی ہے مشتق ہوگئی آؤید جہالولی ہے کہ باعد مرار کے فضیات عامد کے سب مشتلی ہو'' میں اس ترج ك بعد ملتى صاحب اكارك تقيق مقالات كاحوالدوسية بين ، فرمات بين كد: "اس مسلم كي تفريح عارے فی اعلماء معزت موال ارشدا الرکتوی قدی سرونے اپنے رسالہ" زیدة المعناسك" كافعل" زیارت مديد متوره" عن فر الى ب ال جوار بالمع بويكا ب تيزاى محث عن عار على الشائخ مواد بالمنتي صدرالدين ولموى تدرىم وكاك رمال احسن العقال في شوح حديث الانشدالوحال" مجى إرباضي مو يكاب" ال مفتی صاحب اس کے علاوہ مولا بالشرف علی تھاؤی کے حوالہ سے اس صدیث کی انتریج بھی نقل فرماتے ہیں ك"امل قالدور ي كرمتني متني مندى جن يعزاب الرحديث عي متني ماجدب الركامتني منديي مجدى مقدر بوناجا بنے كونك يى جن قريب ب،اس طرح حديث كى عبارت بول بوگى" لائشدو االوحال الني مسجد الا الى ثلاثة مساجد ع ال طرح ال حديث ت زيارت قور كم منز ح توف فين بوكالورزيارت قورضوماً روفة اطبركي زيادت كا التجاب باقي دے كا"۔ مرة فرش مادى بحث كا ظامد وكرفرمات ميل ك "اجرمضاص کی نت ہے تین ساعد محد ترام ، محداقعیٰ اور محد نوی کی طرف سؤکرنا جائزے البتہ اس اجر مضاعف کے احتلاد کے ساتھ ان تین مساحد کے علاوہ کی طرف سؤ کرنا جا توجی ہے اور د فی و د نیادی افرانس جیسے طلب الم وتهارت وفيروكيك مؤجا والزب الذاال مديث عن يارت أورك مما فعت براز الدين يولّى " الماح

ا منام القرآن النصواتي كاني واطب جند هزاهديت جائل جراس القرام المواجعة مجاود الرئيل بين هذه كما المجازة المستخدم المنام المجازة المجازة المجازة المجازة المجازة المجازة المجازة المجاز ولا ما يواد كم محال بالمواجعة المجازة والمجازة المجازة المحازة المجازة المحازة المجازة المجازة المجازة المجازة المجازة المجازة المجازة

toobaa-elibrary.blogspot.com

نقابلي جائزه

سر گودھا کے کت خانہ بی موجودے ہے لی گئی اوران کا قاتل عرف مولا باجماد الیس کا برطوی کے تالف کر دہ صد ے كيا كيا تاكرية كى معليم بوجائ كر منتى عبدالكور ترزى في مولانا عمدادرلس كاند علوى كي جس منوف هدركا كليا لكعلاس بي كتااضا فه فرمالا

إحكام القرآن مفتى عبدالشكورترندي

أبت(١)فعت اللَّمْوَابا يبحث في الارض ليربه كيف فأصبح من التُدمين ٤٤ أيت(٢) قل الاجدفيمالوحي إلى محرماعلي طاعم يسين منة له دماسيف حاده ؟

عاكمه: آبات ملا كتحت مسائل معيله كي قداد كالخالي عائزو ذيل هي بول ہے: (Davi الف

(r)=1 side From احكام القر آن للترمذي 335 احكام القرآن للشافعي الجامع لاحكام القرآن للقرطس

احكام الله آن للحصاص احكام القو آن لابن العوبي 1365 النفسيدات الاحمديه ملاجيون الاكليل في استنباط التنزيل للسيوطي

نيل الموام من تفسير آيات الاحكام للقنوجي كوفي تين 18:15 رواتع البيان في تفسيو آيات الاحكام للصابوني احکام القرآن مفتی عبدالشکورترندی اور دیگر تالیفات احکام القرآن سے موازند کا حاصل جا مكام القرآن مفتى عبدالكورتدى في تالف قربالياب ال عن استباط مسائل كالداز علامة وطي كي الجامع

لا حكام القرآن اورملامدائن العرفي ك احكام القرآن س زياده مشابهت ركمتاب ما جيون كي تغييرات احمديد كي طرح الفاظ کے معافی وصعیاق بھی ذکرفر یا ہے ہیں۔ ديگرا مكام القرآن كے حوالد سے تاليفات عن احكام سے حصلتن آيات كوزير بحث الاياكيا جيد ملتي عبدالشكور ز ذی کے احکام القرآن شرام ف ان احکام ہی ہے متعلق آبات کوز پر بحث نیس لا با کریا بلکہ تقسی وامثال وغمرو ہے حقلة ووآبات جن ع موماً سال معتبط فيس كان ع بحى توش فرمايا ، بعض اي مسال جن ك بارك حقد شن كاكتب على بحد فين التي منتي عبد التكور صاحب ترقد كاف ان يركى بير حاصل بحدة فر ما في بيد.

اد کام القرآن من مولانا تجداد دلی کا خرطندای او تکمله اعتم القرآن منتی مجدانگورتر قدی عمال سویه بعدی آزادی می بادند از می بون به کد ماهام اقرآن الغزیدی عمد می ماکن هدیدی خداد (۱۳) نجده اعتران اعتداعتری شده (۱۳) به -اد کام القرآن للغزیدی عمد کاد تحراج استفاد می است

ملتی صاحب نے دیگر مواقعین کی طرح بعض مسائل میں انام فتیاء کرام کے دلائل و کرفریاتے ہیں جکہ مولانا گھ درنے این عطوی مون ساحاف کے دلائل و کرکرنے راکھانو باتے ہیں۔

را بروموس المناف المساق المناف المرافع المناف ا من المناف المناف

ادكام القرآن، مفتى عبدالفكور ترفدي كے مصاور ومراجع

من من القريب القروق في اعتمام القرآق في تطبق عرفه آن كرد تجريب عد التواده المساق المساق المساق القرآق على المث ومن أن بعد من المن يقد عن سعط المن المن المن المن المن المن المنظمة المن المن المنظمة المن المن المنظمة المنظمة عدل على المنظمة المن المن المنظمة المن المن المن المن المن المنظمة المنظمة

toobaa-elibrary.blogspot.com

__

كتِ الْمُ تشير علم حديث رالم فقد ما ماه الرجال ماحول حديث علم قراء الت علم كام مرغم تشوف مرين وعزقه

غلاصه بحث

اندا موالد الما حوال کا فرون که هم الافار که این احد بر هی ما این احد به هی مداب کی شدند می سد این احد با در این احد به می است به می احد به می اح

ا فام الآثار التي الموافقة وقت كما كنا عاد هذا الدول بالانتقاداتها كانتقاداتها كما كانتقاداتها كما كانتقاداتها كا

جون ١٠٠١,

مصادرومراجع بابت مفتى عبدالشكورتر ندى كاخانداني پس منظر ا يَدْ كروملتي عبدالكريم كمتهلوي (مخطوطه)مفتى عبدالقدوس تريّدي ، جامعه تقانيه سايوال سر كودها بساته ۱- حیات ترزی مشتی عبدالقدوس ترزی، جامعه تقادیه سایروال سر کودهایس ۱۳

ع. تذكر وملتي عبدالكريم كمتعلوي (خلوط) جامعه فقانيه سابيوال مركودها بس ١٣١٠ ملا قات ملتي عبدالقدوس AL PILLO

۲ یختر حالات مفتی عبدالقدون ترفدی می ۱۳ منز کرومفتی عبدالكريم كمختلوی (مخطوط) جامعه تقانيد ساتيوال سرگودها، ص ٢٠٠ منطقه الحقاصة ما بينامه مفتى عبد الكريم فيمر التبرتا نومبر ٢٠٠٤ من ١١٠ تا ١٠٠٠ ٤ ملى الذكر وملتى عبدالكريم كمتحلوى (مخلوطه) ص٢٠١٤ ١٣١، الحقانيه مابنامه وملتى عبدالكريم فمبر، تتبرتا نومبر٤٠٠٠ و٢٠٠

٨ ـ ياك وبندك يامور علاومشائح وحافظ اكبرشاه بقاري واداره اسلاميات الاجور ٢٠٠١ ه وجل ١٢٠ ـ و الحقادية ما بنامه مفتى عيد الكريم لبسر التبرية الومبر عدمه وص ا الله كرومتي عبدالكريم معقلوي (مخطوط) جن ١٣٠٠ والحقالية ما بالمدمني عبدالكريم فمبر بحبرنا لومبر ٢٠٠٧ و١٣٠ -الاسلاقات مفتى عبدالقدوس ترغدي. ۱۲_ دیات تر پزی مشتی عبدالقدوس تر ندی ، جامعه مقادید سا بیوال سر گودها ۲۰۰۴ و بس ۹۸ ۱۳ ملاقات مفتى عبدالقدوس ترغدى -۱۳ - حات تر ندی امقتی عبدالقد وی تر ندی ، جامعه تقادیه سا زیوال سر کودها ۲۰۰۴ و اس ۲۰۱۱ ۵۱ شلع سر کودها کی علمی ودیخی شخصیات ،احمد شاد ،مقاله ایم قل ۲۰۰۴ و ، جامعه و خاب لا جور جس ۱۵۲ -١٦_ حيات ترفدي مفتى حبرالقدوس ترفدي ، جامعه حقاصيه ما يوال سر كودها ٢٠٠١م والس الله عار ملاقات مفتى عبد القدوس ترغدي-٨١ ينذكر واوليائ والويتد معافقة اكبرشاه بخارى مكتبدرها ويالا موراس ٨٣٠ -ا۔ دیلی مدارس کے قیام میں حدمات والحقائد بہتمبر تا اکتوبرس ا ۵۔

۴۰ ملی اتدار ف و جائز و دناریخی پاس منظر جامعه هایی ملتی عبدالقدوس تر ندی ، جامعه هانیه سایوال سرگودها می ۳۶ س ۲۱ - دبیات تر ندی مفتی عبدالقدون تر ندی ، جامعه حقادیه ساجوال سر گودها ۲۰۰۲ و جس ۱۳۸۸ -۲۲ _ تذكره اوليائ و يوبد وعافظ اكبرشاه بخارى وكمتيرها ديدا اجور الس

مصادر ومراجع بابت تاليفات احكام القرآن كا تاريخي ارتفاء ارالحشر ٥٩: ٤٠ ٣- مقدمه اعلاء السنن ومولانا فخر احد مثاني وادارة القرآن والعلوم الاسلامية كرايي وحدرهم عن ا_ ٣- تاريخ تغيير مفسرين ، يروفيسر غلام احد تريري ، ملك سنز يبلشر زفيعل آباد، ١٩٨٧ ه. ص ١٩٩٠ ـ

٣ يعلوم القرآن مفتى محرقق عناني ودراهلوم كرايي بس٣١٢_ عدار دودائزه معارف اسلاميه جامعه وافاب لا بور طبع اول ۱۹۸۹ و ۲۳، م ۱۹۸ ٨ . كثف اللهون عن اسامي الكتب والفنون ، حاتى خليفه مصطفح بن عبدالله تلكي ، مكتبه حند كوئير، ١٠ رويه 9-اردودائز ومعارف اسلام، مامعه بافات لا بورشع اول ١٩٨٩م، رجاس ٢٥٠٤ . • اله كشف الله و ناحن اسامي الكتب والفنون وحارجي خليفه مصطفح بن حبد الله حلي ومكتبه حضه كوئية ٢ مرا ١٠٠٠ الداردودائر ومعارف اسلاميه جامعه ونخاب لا جور طبع اول ۱۹۵۸ و ۱۲۷ را ر ۹۹۸ و المستخف الطبول عن اسامي الكتب والفنول ، حاتى ظيفه مصطفح بن حبرا لله حلي ، مكته حنفه كويم وه ١٥٠٠. ۱۳ ـ ارود دائر و معارف اسملاميه ، جامعه پنجاب لا جور شيح اول ۱۹۵۸ و ۱۲ را ۱۹۸۸ ـ

٣راينا

[41.17 ١٥ _ مقدمه أدكام القرآن مشقى محرقتى على في مادارة القرآن والعليم الاسلامية كراتي من ١٠ _ [allin

عدارد ودائره معارف اسماميه، جامعه وخاب لا بور شيخ اول ١٩٤٨ ه ١٦٠١م ١٩٨٠ ۱۸ يکشف الطبو ن عن اسامي الکتب والفتون ، حاجي ظليفه مصطفح بن عبدالله حيلي ، مکتبه حنفه کوئته ۵۰ را۵ يه 19 ـ اردودا ترومها رف اسلام به جامعه بافات لا جور طبع اول ۱۹۷۸ و، ۱۶ سرار ۵۹۸ و ١٠ مقدمه ا حكام القرآن مفتى محرقتى عثاني مادارة القرآن والعلوم الاسلام يكرا جي من ٤٠ ٢١ ـ كشف الللون عن اسامي الكتب والتنون معاتى طليفه مصطفح بن عبدالله تلي ، مكتبه منفه كوئه ٥٠ تا ١٩٠٠ ٢٢_مقدمدا حكام القرآن مِنْتِي مُحرِّلْتِي عزاني وادارة القرآن والعلوم الاسلام يراثي من ٤٠_ ٣٣ _ كشف الله ون عن اساى الكتب والقنون معاتى طليفه مصطفى بن عبد الله تيلي ، مكتبه عند كوئد، اما ١٠٠٠ ٢٣ ـ اردووائز ومعارف اسلاميه جامعه بافاب لا يور طبع اول ١٩٤٨ ١٠ ١١ را ر٥٩٨ _ ٢٥- تاريخ تفير ومفسرين ص ٥٩٨ ، ٥٩٨ ، كشف الله وان من اساعي الكتب والفؤن ٥ ر٥٥ . ٢٦ _ كشف الله ون عن اسامي الكتب والقول معالى فليفه مصطفر بن حيد الله تيلي مكتر حضر كورد ١١٨ _

علا مقدمه احكام القرآن بشقى محرقي عناني ادارة القرآن وأهلوم الاسلامية كرايي من ٤٠٠ ٨٨. كشف الطبو ل عن اسامي الكتب والفنون مناجي فليفه مسطط بن عبدالله جلي ، مكتبه حنفه كوئير ، امر ٨١٠ . toobaa-elibrary.blogspot.com

ر برای نظاه این آنها مای انتخاب های میشان به این طبید مطلق باید با میشاندگی نشد نیز کریما ۱۸۸۸ ۱۳ مرون کار با در کام این اکر کام ایر کار کاری ساز برای اکثر با این این این موقع به ۱۸۸۸ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۵۸ سال ۱۳ مرون کی در طور این این کاری اکثر این سال این افزار مطلق این موده فردی کند. ۱۸۸۷ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۸ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۸ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۸۸ سال ۱۸۸ سال ۱۸۸ سال ۱۸۸ سال ۱۸۸ سال ۱۸۸

ا بر پی در اندان این برای این بردان بدران بود سین به به در گلی دند بردان بردان بردان بردان بردان به در بردان ب ۱۳۸۸ راید از این بردان به در بردان به بردان با بدر دارد این با بردان با بردان با بردان با بردان با بردان با ب ۱۳۸۶ راید از این با بردان به در این بردان بردان به بردان با بردان با بردان به بردان به بردان به بردان به بردان ۱۳۸۶ بردان با بردان به در این بردان به بردان ب

ر برای با برای با در این با این ب وی بر فی ادارای می باک روی می این با این ۱۳۸۷ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸ -

يما . اينها ۱۲ . المقالة المساعدية الهند مجها أي ين فرالد بي أنسي «والتي وموسمات من اشار. ۱۹ . الفارم من في جدرتم الهندس الاعلام (زمون الخواطر) بعياقي من فرالد بي أنسي خبيب الكامي خلاص بد ۱۸ . اينها ۱۵ . اينها

- در این رئیس از مار از مراح تشویر آن او کام معد میشن مین اداده اطلاعی مستقد تنوارید اکتبر فی معرفینی و مهم استان این از مارد از مارد از مین فی شدنی افزید کام این اطلاع با در استان این استان با در استان این از م ۱۲ در الفواد از از دارد این از از این از اگر این از آن این در ۱۳۰۶ این استان استان استان استان استان استان این ۱۲ در این از از از این از این از این از از این از آن این از ۱۳۰۶ این استان استان استان استان این از ۱۲ در این ا

٥٣ - تذكرة الظفر مفتق حبرالكورترندي مكتبة مطيوعات كماليد، عداوا واس ١٥٢٥ - ١٠ ٥٥ مقدمه احكام القرآن جوفز الي ادار واشرف التحقيق والجوث الاسلاميد لا بور على ١٢٠ ۵۱ ـ تذكر كاوليا ودي بنده حافظ اكبرشاه بخاري و مكتيه رحمانيالا بور عدم مثابيرها ودي بقد قاري فيوش الرطن مكتبه العزيزيدا بوريشيع موم ١٣٨٤ هـ ۵۸_ حیات تر ندی مفتی عبدالقدوس تر ندی، جامعه همانیه سایروال سر گودها می ۹۲۰_ ٥٩ .. روائع البيان في تشير آيات الاحكام من القرآن اللي محد على صابوني ، كنيه الغوالي وشكل ، ١٠٠٠ الهديم عاسم . ٢٠ _ارددوائر ومعارف اسلامي، جامعه بنجاب لا بمورطيع اول ١٩٤٨ و ١٦٠ را ١٩٨٠ _ ١١ _مقدمة تغييرات احمديد طاجيون (مترجم) محمد عاول الكتيدرهانيد وبازي اس ١١ _

مصادر ومراجع بابت احكام القرآن مفتى عبدالشكورتر ندى كانتعارف وألج التاليف احكام القرآن عرفي بالصيانة (باينامه) فروري ١٩٩٣م.

٣- انوار الظر ومولانا فقر احمد عماني مجلس مياية السلمين لابور، ١٣٨٨ ، دصه ودم ١٣١٠ ٣- تالف احكام القرآن عربي الصيانه (مابنامه) مارچ ١٩٩٣ هـ

۴_ایناً ۵_اشرف السواغ ، خواجه عزيز ألهن مجذوب ، افتاء بريس لا بور رضيع سوم ١٩٤٨ ه ٢٠ م ٩٥. ٧- خاتمة السوائح ، فواد عزيز ألمن مجذوب ، انشاء يركس لا بور طبع سوم ٨عه ١ ٥٠٥ ومن ١٩٥٠

عداينا

٩- احكام القرآن للعثماني مولانا ظفر احر حاني مادارة القرآن والعليم الاسلام يركراني ، عداد دج الدرج ا واراينا،

المالينا المائين

۱۲ مولانا تحدادرلس كايمعلوي كي تغييري خدمات وذاكم تحد معدصد لي ١٩٩٣، ومن ١٩٨٠ -١٠٠٠ احكام القرآن ملتى محرفطي ويويترى ، ادارة القرآن والعلوم الاسلاميكراتي ، ٢٠١٥ ه ، ج ١٠١١ م ١٠١٠ احكام القرآن الكائد هلوى مادارة القرآن والعلوم الاسلامية كرايي منه ١١٥٥ مد ١٢١٠٠ الحكبوت ٢٩٠٣٠ ها يلوناموا ناشرف على تفاتوي .

١٧ بالقوظ مقتى عبدالقدوس ترغري _ عا ملوظ ملتى محرقى عناني حيات زندى -

١٨ . تعارف احكام القرآ ل للتريذي واكتر خليل احمد وادار واشرف التحقيق لا يور يسوده احكام القرآ ان للتريذي سورة ق

_PTVIJE195 ١٩ ـ ملفوظ مفتى سيد عبد القدوس ترقدى -٣٠ يخلوط مقدمه احكام القرآن للتريزي على مامعة مقانيه ما يبوال مركودها. ١١- احكام القرآن للترفدي وادرواشرف التحقيق وألحدث الاسلامية لابوري والالالات اليال ١٢٠١١ينا ١٢٠١٤ واراينا ٢٦ . تعارف احكام القرآن و ذا كشفيل اجد ماواره الشرف القيق والحاث الاسلامية الاجور عا يخفوط احكام القرآن للترغدي مورة انقال عن الهدائديد، جامد حقانيه سايوال مركودها. Call_th ٢٩ _اينا، جامد حقائيه سابيوال ، مركودها_ ٣٠ . تعارف احكام القرآن ، ذا أكم خليل احمد ادار والشرف القيق والحدث الاسلام يدا اور من ٥ استالك ادكام القرآن حرفي والعيان (مابنات) ماري ١٩٩٣ هـ ٣٧ راصول الفقد الاسلامي ، ذا كمرٌ وهيه زهيلي مكتبه رشيد به كوئنة الريم ١٩٧٠ ـ ٣٣ . اخام القرآن للترغدي ادار واشرف القيق داله ث الاسلاميدا بوريا ١٩٣٠ المار ٣٧ ية الف ادكام القرآن وفي والصانة (باينامه) بارق ١٩٩٣ ه _ HP:02. CUIL TO ٣٦ يعمرة القارى برناب فعل الصلاة في محدمكة والمدينة ماب فعل الصلاة في محدمكة والمدينة معافظ ابن جمر صقلاني، بروت، ١٥/٥٠ -ع المهد على ألمقد بمواد نا فليل احد سيار نيوري ماداره اسلاميات الاجوري ١٣٧٠-٢٨. إد كام أقر آن للتر فدي ما وارواش ف التحقيق والحدث الاسلامية الا بورة ٢٩٥٠ - ٣٩٥٠. ٣٩ . زيدة المناسك مولانارشد المركتكوي ٢٠ _احس القال في شرح مديث لاتخد الرحال بشقى صدرالدين دبلوي ١٨ . ا حكام القرآن للتريذي ما داره اشرف التحقيق والجوث الإسلامية لا جورة ٢٩٣٠ ت ٣٩٥٠. -MORRULA

toobaa-elibrary.blogspot.com

-ווים: דר שונו מיו

بيان القرآن معنف محيم الامت مولانا الثرف على تقانوق كا اك محقق جائزه

روفيسر وأكثر صلاح الدين عاني الم

مغركا مخقر تعارف

آپ کا نام کہ افزن کل تقد دومیال نام میرائن اور بیرنی نام کرم عظیم قد منتقدی آپ کو کھرد طب تکم الامت موادہ کو افزن کل قانوی کے ہم سے پو کرتے بیرے افزائی خب قاند کھون کی طرف شوب ہے بو بیابی کے مشہود خبر طبل منظوقر کا ایک مردم نیز قبیہ ہے۔ ()

کی کا والات در بدعه هر سرح ۱۹۸۳ مرحلان ۵ درید الفائق ۱۹۸۰ مرحلان ۵ بدیکه (۱/آوی کر) افوان کا در حافظ شیخ ما نو سرک مرک طال نام عربی منطقه کید (۱/آوی نیم فرزیر ۱۹۸۸ مرحلی از افزان مید ۱۹۹۵ مرکز (۱/آوی از ۱۸ مرحد کرد) انتخابی فرزید مرکز از مرحد ۱۹۸۸ مرکز ۱۹۸۸ مرکز (۱۹۸۶ مرکز ۱۹۸۸ مرحد انتخابی از ۱۹۸۸ مرحد ۱۹۸۸ مرحد ۱۸۸۸ ۱۸

قائد لمن كور نمن كائح، ليات آبو. كراجي

١٢٩٩ه (٥) ، ٢٠ مال كي عر عي قرافت عاصل كي (١) ١٨٨٣.... بمطابق ١٣٠١ه عي ملای اواد الله مهاج کی ہے رہ میں ہوئے اور انبی سے خلافت ماصل کر کے یہ سنیے شی سللہ نفوف کو فروغ دیا۔ ۱۲ مازی محت اور ۹۸ مازی سعت لین خلفاء چوڑ کر ۲۰ جولائی ۱۹۴۳م مطابق۱۲ رجب۱۳۹۲م اس وار قائی ے ۸۲ سال تین ماه محیاره وان كذارك رفست يو يحد (٤)

تسانف

في الد فدة في آب ك بارك على لكما ب:

قد زادت تاليفه على الف مؤلف وكل ذالك بحفظ الوقت وإنما بعرف قيمة الوقت والز من النوادر البوفقون فيا تون في اعبار هم القصيره باالاعداد الهائلة من التاليف الكثيرة

لين آپ كى تسايف ايك بزار تك اى صورت عى چينى بين جيد آپ ك خطبات کو الگ لگ کاب شر کیا جائے۔ آپ نے کیل کاب ۱۸ سال کی عمر میں ۲۰ جدوں على مثوى زيرو مم ك عم س كلى (٨) الى ك بعد مثوع موضوعات ير لكية رب يكن قرآک لڑی کے حوالہ سے جو تسائف دوران حقیق میرے سائے آگل ان کی تعداد ١٨

بره) جس می حرت تانوی کی ۹ قامیر و حاثی قرآن می شام ایل

بل تغير " اهيان" --اني ال تغير كا تعدف كرات يوع حفرت تعادية خود لکھتے ہیں یہ احتر کی بعض تقریرات کا ایک مختر مجور ب جو میرے بھیرہ زاوہ مولوی سعید اجم نے جھ سے تغیری مقالت الاستے وقت منط کر لی تھیں مران کی وقات مولے ے اس کی محیل کی فیت میں آئی۔(۱۰) حضرت تعافی نے کوت ہے اس تغیر کا مان القرآن عي قدكره كيا ب_(II)

دومرى تغير " درى قرآن " بيد ذاكثر ريعاند الستى بين: حفرت تعالوى تعاند

مون میں باقامدہ لوگوں کو درس قرآن دیا کرتے تھے جے بعض لوگوں نے قبید کر لیا تھا ہے می شائع نیس موا_(Ir) تيرى تغير" تقرر بعن البنات في تغير بعن الآبات " عـ اس تغير كا متعد

سوائح فادوں نے تذکرہ کیا ہے، طامہ تد سلیان عدی لکھتے ہی، عفرت تعاوی کے طاعران کی بعض از کیوں نے موادا سے قرآن جید کا ترجمہ پڑھا تھا اور اکثر آیات کی تغییر

و تقرير كو تحرير عن منبذكر ليا تفاوه أيك مجوعه بوعميا تفاكر شائع تسين بوا_(١٣)

ي حمى تغير " الرف البيان في علوم الديث والقرآن " ي - اس تغير كا تذكره ستد سلیمان عدی سیت دیگر حزات نے می کیا ہے۔ یہ تھیر دراصل حزت تھاؤی کے مواحظ سے ترتیب دی می ہے۔ حضرت عموماً اپنے مواحظ کا آغاز قرآنی آیات سے کیا کرتے

تے اور دوران وحظ آیات کی تغییر کے علی تکات میان کیا کرتے تھے، ان تکات کو اس ش ع كا كيا ب ع كنده امعلى ب_ (١٣) بانج ين تغير " تغير الواطة" ب مولاة عبدالحق تعنوى لكن بي : ا محد مسلق بجنوری نے حفرت کے مواحظ علی موجود آیات تغیریہ کو مع قابیر جی کر دیا

چمنی تغیر " تغیر مورہ ہوست" ہے۔ یہ میان القرآن کے عادہ الگ ترجمہ و تغير كي فكل عن شائع موتي بيد (١٧)

ماتوی تغیر" وائی تغیر عل الترآن" ہے۔ یہ درامل مولانا حبیب احم كرانوى كى تغير بـ آپ نے تغير كھنے كے احد حفرت تعافى كى خدمت على والى حرت تاوی نے اس کا مطالد کرکے اس پر جکہ جکہ حواثی کا اضافہ کیا ہے۔ حرت قاوی فود لکھے ہیں تئیر پر میرے حوافی می لیس کے جن می بعض حوافی ہے

مرا ہو ال وجد ظاہر ہوگا ہو قایت استمان سے عالی مول (١١) آغوي تغير" وافي تغير جالين" بـ اس ماشيه كا تذكره صرف بابنامه القاسم

واليمد على الما يد (١٨)

نوی تحیر " بیان الترآن" ہے۔ اس میں بورے قرآن کی تعیرو ترجمہ حرت تعاوی نے لکما ہے، میرے مقالہ کا مرکزی موضوع می یک تغیر ہے۔ تغيربيان القرآن كالتحقيقي وتغصيلي حائزه

میان القرآن سے علق مباحث کا بائ الگ الگ صول میں جائزہ فیل کروں گا

تأكد بيان القرآن كى خييال و فاميال خوب كمركر سائے أسكيل مل مد تصنیفی تحیات ہیں۔ اس سلد می سب سے پہلے ترجہ قرآن لکنے كي وجد كا جائزه فيش كر رما جول

مولانا کے بعض معاصرین نے قرآن کے تراجم لکھے، یہ تراجم مخلف وجوہات کی ماء ر درست سی تھ، متعدد لوگول نے تقیدات تکسیں۔(۱۹) عفرت تعاوی ہے جی اس

سلسلہ عی رجوع کیا گیا ۔ ان عی سے بکر تراج ہے ہیں: املاح ترجد والوي. يه دراصل وفي غري احد والوي كا ترجد قلد اس على مديد عقائد ك ساته اللين تود اولي اردوكي مات مذول ركى كي حي جي كي ود اوكون عي عبولت تو ماصل ہوئی کین فلد مقائد اور فلد ترجمہ کے روائ یانے کا امکان تھا جس

ے بیٹ نظر مولانا نے مشقل رسالہ اس کی فلطیوں کی اصلاح پر تکھا۔(۲۰) دوسرا ترجمہ مرزا جرت والوى كا سائے آيا مولانا نے اس كى اصلاح ير اسى دسالہ تحرير كيا۔ املان ترجد جرسد كے ام ب كليا موصوف عرفى سے الله تھ جى كى وجہ سے يہ

بات می مکوک حی کہ یہ ترجد کی نے کیا ہے ؟(١١)

العادى للحران في واردى تنميل البيان ـ اى طرح موادة دوالتقد على ديدى في قرآني J. الذيس ع زيد تغيل البيان في مقامد الترآن ك مم ع تاركيا قلد مؤلف كي ورخواست پر آپ نے ترجمہ و الذیکس کی اصلاح کی اور افعادی لیجران فی وادی تعمیل الیان کے ام ے رسالہ کھل (۲۲) کین ان تراج کی املاح کے بادود متعد ماصل

ھی ہور حرے داؤل فر گئے ہیں: ''سل دول سے کس تبدی ک فرض سے ناب عدم ہے امتیال سے قرآف کے رہے دیل 'کس فرصا کے باق میں کار حد معلیمان خالف تور فرج ہو رہے ' ہی ہے مہ مسملوں کم بعد تسامت بچاہ برچہ کہ پجسلے بچھے 'رماول سے کہ سامت کے احداث کے اور صوفوال کا درک ججہلے بچھے 'مرکل کی گئے مجھ کر کے اس میں کا دعلق کا کما کیا ہے۔ وہ درسلے اس بہائے تمری میں خوال میرک فرصا وہ سے چھائے ساتے نافہ کما کی توجہ کاری دھا بہائے تمری میں خوال میرک میں والم مجھوں ہے۔ بھائے تہ بھائے ہیں۔ اس میر خادائی اردی کر ان ممل کم الور انواز مجھوں ہے۔ بھائے تہ بھائے ہیں۔ اردی دولان کے دیار انواز کارو انواز کی اور انواز کیا ہے۔ ان انواز کیا ہے۔ اردی دولان کے دولان کارو داکول کارو انواز کیا ہے۔ انواز کیا تھا ہے۔ انواز کیا ہے۔

محیب العاق دفی ہے تائع ہول (۲۸) تیمری ہر یہ ۱۳۴۲ء ماسی میں " ترجہ الثرفیہ toobaa-elibrary.blogspot.com ڈرے" کے اہم سے آور کا ملک کلافاتہ ٹیمارے کا باتی جدال کا ہدار (۱۳ تجیل مورد معرف تور شائل ہوا۔ الحقائد کلیم اعلام ۱۳۳۳ سے کا بائلی تک می اورا کیمیں بیگ کی تحمید(۲۳) معاہد مساملہ کے المایلی تعمل فید کا بھی تحقی کی کھی۔(۲۳) ۱۳۵۸ سے 18 اعداد عدی فرد امیدی معرف وفائل کا تھا کیا

۲۔ تغیر لکھنے کی وجہ

ھڑے تھاؤں کے واقع کا فرائل کا فرائل تھے کہ المبادئ کی فائل تھا۔ اگری اس اسلام کے بھا الصدید فی الصدید (۲۰۰۷ کے واقع انکار اس کا درجا کہ فرائل کے بات کا حرف کے انکار المبادئ کے بہار کو معرف افزائل کا فرائل کے انکار المبادئ کی ایک انکار المبادئ کی انکار الحلال ہے ہے کہ مشاد مائل کے مورد الکار کے درجا کی انکار کی بات کی مطابق کی انکار الحلال ہے۔ مائل کی مشادئ کی انکار کی درجا کی انکار کی مطابق کی مطابق کی مطابق کے بیان المبادئ کی انکار کی انگار کی انگار کی انگار کی انکار کی انکار کی انکار کی انگار کی

بعد دوز نے فوالی دو امیاب کے امیر ز نے کی کہ تک ہوئی ہا اگر ہ تا کر کئی چھر ججر قوالی کلی جائے ہے ہم ہمیدن کا حفاق اور اداکار نے خال یہ محر تھی ہر وائز کی کئو کے کہ کر اس کا موراند کے محاف اس کا میں یہ کی حاصو نے فائل کا کس کا موال سے محل کی شدد ہی تو تل لازے نے اموالی نے آئی کی کرنے طائع کا موالی کا رہے ہی تی تی افر سے مشامل تھا کہ افرام ہم ہر دیے این نے عام سمامال کا بیصد مسر ملک فیل انداز میں ہم رحیے کی نے عام سمامال کا بیصد مسلمان کا بیصد یدات میں موسی ہے۔ جب اک میں بیان کر چاہ ہیں ترید کے آفذ و احقام کا کائی مول نجی ری میں ان اور اور ہیں ہے کہ گرب ہے کیا کھماکی ہے۔ ابو بھر مجر کہ بلدے می محل ریفائی گئی ہے کہ میں ور استان میں محلی کو گروٹ کا کہ اور کا بھاری کا کہ اور کا بھاری کا کہ ہے۔ میں میں کائی سال کے در مدین محلی کا کہ اور کا کہ اور انداز ماہدہ Amaria. عمل (۱۳۷۰) فیل مال کے در مدین کھی کا کہ (۱۳۷۷)

۴- تغیری ماخذ

موافات نے آئی تحقیم تھی جی علی علیم سے عدد کی ہے وہ اہل کیے گئے ہے ہیں: تحقیم بیشنداوی بھیر موافات میںا خوالی ، دریا اضافہ عدارک ، فقادن تحقیم وضافہ اس کیم ، لیاب ، درستیور، تحقیم موافق سے ساتھ میش قرائم قرائل دار اطاقات چیس مائز کی وغیرہ سے محمد کے اس کا میں ان اس کا میں ان اس کا میں ان اس کا میں ان اس کا میں ان

۵ ـ ترجمه و تغيير کې زبان

ھ۔ برجر و میری ان آبان ترجر کیری کی بیان آبانیہ (دو یہ کان گیری میں فوار و آبان کا قلب یہ بجد ترجد کے بات میں موادہ کلی موادہ کیری اور ان ہے: یہ ان میں انداز موادہ کا ہے ان انداز کیا ہم اور ان کی ہے: بیان میں انداز مان میں انداز کا ہم ہے، (۳۰۰) تکھ بیان افزائ کے خدر کا رکم سامان میں میں این کا دور اسٹول کی گئے ہے شاہدی میں کے میں کہ تعظام فرار (۳۰۰) دومری حصط طباعتی تنصیلات پر مشتمل ہے موادہ تعادی نے اپنی جلد تعنیلات کے عبائی حتق مام کر رکے تھے ہو جائے عبائے کر سکتا تھا اس کے بنینے میں ہم جل پار کر ملجے کہ اے شائح کمن میں کی گئے تعداد کا

شاخ كر سك تها اس ك متيد على بر تعلى وكر مشع نه ال شاخ كي جس كى حك تعداد كا اعداده لكاه و دشوار ب البند اس كاهم بدل بدل كر شاخ كي الي خطاء:

ارد لفا او وسور ب البيد ال 100 بدل بدل من من الإسلام : منح جبال وفي س ١٩٠٨ ما ١٣٠٥ من " ترجد قرآن" ك عام باره المدول عن كار م يد شائع مها أر (٣٠)

بگل مر قبہ شائع ہوئی۔(۲۳) محبب المطاق وفی سے ۱۹۱۲ء ۱۳۳۳ء میں " ترید افر فید مجمعیہ" ک عام سے شائع

تحب المفاق وفي ع ١٩١٢ه ع ٣٣٠ه عى " ترجد الرفيه مجيه " ك عم ع شائع يون (٢٥)

ے یہ سے سل 100 ہے۔ میدر پر کئی وفل سے ۱۳۶۱ء۔ ۱۳۵۵ء شمی " حوسا دو ترجد ولا قرآن مجید محلی" کے 4م سے شائع ہول۔ (۲۵)

ے ہم سے سما ہوں۔ ور قری بی وفل سے ۱۹۳۸ء عادم علی " الجد لا قرآن کید" کے ہم سے شائع برائد (۲۸)

فر کد اگا الفاق کرایی ہے ۱۹۳۹ء ما ۳۳ کار ٹما توسا قرآق فریف پدرتیں کے ہا سے مالی ہولی (۱۹۹) قرآق کل کرای ہے ۱۹۵۰ء ۱۳۷۲ء میں " فرد افزاد متحد قرآق فریف می

_1

_4

رو الروم المروم (٥٠) والله المروم ال

ہول۔ '''' *تانا کی لاہور سے ایک دفعہ '' افتر آن الکیم'' کے موان سے دومری دفعہ '' افتر آن الکیم ترجد و تھیر انتخابہ شرو میان افتر آن '' کے موان سے شائع ہولی۔ (ar) مالا كله اس تغير كا مح يم " بيان القرآن" به اور اس مم ك ما تد اول واكثر ع حل ۱۹۱۹ مادر ۱۳۲۰ عل (ar) ایک رائے کے مطال ۱۹۱۸ دیا ۱۳۲۰ می (۵۳) ورال ببلیو کرانی کے مالان جو کہ نیادہ می رائے ہے ۱۹۲۵ء ۱۳۳۳ء ص مجبائی براس و فل سے ١٢ جادوں على شائع جو لى (٥٥) اور اس كى برجاد وحالى ياره ر معمل حی (٥١) معنف کی بھن ترامیم کے بعد کملی دفعہ ۱۹۳۵ء ۱۳۵۳ء میں(۵۵) اوارہ تماؤی الطالع تماند محون سے شائع ہوئی۔(۵۸) پاکستان عمل عاج کمینی سے ۱۹۵۳ء عمل کیلی دفد عمل لكد كر شائع كيا كريد عمل دين تها ،(٥٩) عمل ١٩٤٨ بين شائع كيا اس ك علاوہ ایج ایم سعید نے کمل شائع کیا ہے۔(١٠) تيرى حد " رجمه " بيان القرآن ير محمل ب جال تک موانا تھاؤی کے ترجمہ قرآن کا تعلق ہے تو شی میان کر چکا ہوں ہے

تغیرے پہلے تکسامیا ہے لین اس کے آغاز و افتام کے بذے میں کوئی رہمائی شیل منی ے اور ترجمہ و تغیر کے اسلوب بی میں میں فرق ے ترجمہ عام فع و آسان زبان بی ب جبد تغیر می عرفی فاری الفاظ کے ماتھ بھرت اصطلامات کا استعال کیا عمیا ہے۔

ترجمه کی خصوصیات رجد کا السور الل کا کا ے اور ماشہ علی توضی ترجد می دا کا ہے جس ہے

آیت کا علموم تقریا واضح مو جاتا ہے۔ تو حجی عددت دیک ش رکتے موع ترجد کو لليل كرنے كے ليے اس ير لائن محفى وى ہے۔

بول مولانا تماوی اس ترجد کی دومری خصوصت بے بے کہ بے آسان اور عام قم ب

اور تحت النظی کی میں رہاہت رکمی گئی ہے۔ toobaa-elibrary.blogspot.com

ترجد میں خالص معدرات استعال حمل کے گے اس لیے کہ معدد بر طاقہ کے جدا بدا بر اور کا استعال حمل کے جدا بدا بر اور

ترجد على تركيب كى رهايت نياده كى كى سب _(١٢) ترجد على مروجد اردو نبان كا لكلا ركما كيا سب

ھ۔ ترجہ میں سروجہ اردو زبان کا لاکا رکھا کیا ہے۔ ترجمہ پر الل علم کی آراء

سعد بین افتران کی حقیدات کا ایک اہم سب اس کا ترجہ ہے۔ فٹن الحد مولانا محود الحن لکتے ہیں: " مدے کے احلب عمد مولوی حاص کی اور مولانا افرف کل نے جو

تریر کیا ہے احرکے دونوں تریموں کو تھیل سے دیکھا ہے جد خوابیوں سے چاک معاف اور عمد چی "(۱۳)" میڈ سلیان عدول تکھتے چی : " اس ترید عمد بنیان کا معاصد کے ساتھ بیان کا

ئیہ طبیان عدل تھتے ہیں: " اس ترید عمی ابنان کی مناصب کے ساتھ بیان کا صحت کی اعتباد اٹناک کی گئی ہے تم سے بھر کی افزار عمی عدیدے تھے تھا ہی ہے۔ وہ اس ترید عمل کیا ہے مائیں کہ برگ گئی ہے کہ کم کھی یا ترجماں کا حدم اعتباد کی دجہ سے چھ مشوک قرآئی گئیدے عمل میں چھت والوں کا صعلم بھر تے ہیں کا ترجہ اس طرح کم کمک سے کر چھ کری چھ ل کے وہ کلی ہی گئی دکتے ہیں۔

موادہ عمدانظیر ترق کلنے ہیں: "ترجہ باکلارہ اور عام نم ہوئے کے ساتھ فیان کا سخاست اور دیان کا صحت عمد می ای وہ ہوئے ترام سے سبقت سائے کیا ہے، ترجہ گا افلاط سے پاک ہے اور فیان کھی ہے"۔.(۱۳) ڈاکٹر صالح الیے فیا انگا ڈی مثلال عمد کھی ہیں: " موادہ ترجہ عمد فواد تولوں ک

بنت طرازیں کو پند فیم کرتے ہے۔ ان کے ترجہ کا کمال ان کا انتقاد اور اُجازے۔ toobaa-elibrary.blogspot.com تریر اس طرح کرنے ہیں کہ مام ہم کان یہ دو آگائی الله کی آنجیب ذوبہ اللہ باشد د جد اس کے مقد دارال فافل فابل اصطرف کے ہے تھا کا مصدان ہے کرنے کیا ہے اس کے کہ کو سک تھی اسال مثل اس مدہ اسد نے ہیں ہم ہم فوائی بات ہے مدے دود دار سطیع ہم تھے ہیں ۔ کے سرح میں مطابق بات کا تھی تھی ہے۔ اس کے کہ اس ہے میں متوان دی تھی تی ۔ کے میں میں مقابلہ کا تھی ہے۔ اس کے کہ اس

چ تحی صف " تخیر" بیان افز آن پر مشتل ہے۔ اور ای سلمہ بی سب سے پہلے تغییر کا قداف بیٹن کر رہا ہوں تاکہ تغییر کے جا سلم معیداں کے مار مثالہ کی میں مشار تھا انگر ایم میں کماری کا مطلب

بلا پلو گاہوں کے سامنے آ جا کی۔ برے بٹی نفر انگی ایم سید کراہی کا سلید۔ ''بیان افتران'' ہے۔ ان تغییر کے جملہ اجزاء کا تعادف۔۔

ال کی کر مواہ خاذی کے "Trans.-Train نکی کھٹا کروٹا کیا اور 1703ء می کمل کیا ہے تحقیج نے چلاس کو تکاکر کے 11 میس نے مکل اند 1704ء میں متاح ہوئے کے الک کے اور الماء الحاق کے شعد موجہ فاد 1704ء انوان کے انداز میں المام کا المام کی المام کی

یرہ مائے کی السفر ترجد کے ہد وجھی ترجد واکیا ہے اس کی کلیفت ہے ہے کہ گئی مجدت دیکٹ بھی وی ہے اور ترجد کو موجہ لابان کرنے کے لیے اس پر ان تکن کی گئی وی چیڈ وومرا مائے فقا ''سنگ کو کر محلا کریسان کی گئی ہے۔ تیم امائے کے محل کا واقع مشتر عالی کے گئے چید بیٹا مشامات مشہر تیم امائے کے محمد کا مواقع مشتم شاتھ کے گئے چید بیٹا مشامات مشہر

5

رَآئِہِ کا ہے کن اگر چہ آیات ایک ای مطرق کی ایک ساتھ آئی ہی و ان کا مطلق toobaa-elibrary.blogspot.com



بار ہوال مائیہ " رہا" کے حوال سے قائم ہے میٹن ایک سورہ کا وسری سورہ کا ایک آیے کا دسری آیے سے رہا کسی صفا بیان کر دیا ہے کسی باقامہ حوال دے کر بیان کیا ہے۔ (27) بار ہوال مائیہ " سائل السلوک من کام مکل الموک" کے حوال سے جوئی میں

کہ " درٹی انگل کر تیر سال لوک" کے موبق ہے اور ڈیر کے ساتھ شکک کیا گیا ہے۔ یہ زمالہ ۱۹۲۰ء میں کھیا تقد ۱۹۹۱ء عمل ان کا ڈیر toobaa-elibrary.blogspot.com كر ك ١٩٣٥ء ٢٥١ه على بيان الخرآن ك وافي ير شكك كر ويد (٢٥٠) إس عن

خسوف کے مسائل کا قرآف ہے انہتا کیا گیا ہے۔ او پھر پوال ماشے پر جلد کے آخر عمد شکلہ کیا گیا ہے اس کا چام ہے" وہو، المثانی می وچھ انگلت والمسائل آس عمل قرآنی وجہد پر پر جلد کے متحلة قرائد سیسعہ کی قرآئی می کار کری چی، اس کسس مولی عمد ہے کھر اس کا زعمہ کی ہو کیا ہے اس کی، اگر کر برائد کی جو کہا کی اس

کی تخیر کے ماتھ کمتی کیا گیا ہے۔ چوہ ہواں مائیہ میش رمائل مذید کی ہل بھر کے آلٹا بھی کمتی کر دیا گیا ہے شکا " رمال رفع ابادہ فی لئی المرماء «۲۰۵۵) اس بھی ایک مائل کے موال آئیان سے کیا

فائد پی ۴ کا چراب دیا گیا ہے۔ چدرمونل ہے کہ پر بلو کے ساتھ دو فدان شنگ چیں۔ کی "مشاہان تھے" کی دوری " مشاہان متمومہ ترآبہ" کی ہمی عمل ایسٹا بزارے پیرد موجک مواقات

> ہے۔ ارمصنف کی اخی تغییر کے بارے میں رائے

مرادہ قابلای کے ایک دفد خود افخ اقتبر کے باے می قربا کہ میان افزات میں سب المان طبائن بین سے تحریر میں نے کال شرق مدد کے ماقد تھی ہے اس کی قدر قون لوگوں کو بھر کی جنوب نے کم اور کم میں حج تامیز کا مطالعہ کیا ہد۔(۵)

تحبر کے معن مثلات کھنے سے تمل میں آوہ کو مکنز مثل باواد میڈیا با اور افتہ قابل نے دہا کرہ براپ کیمی جاکر قرن مدیر ہوا اور بی مثلات کے متحلق کار کان مرتم مدیر ہوا ہواں کیا مات الحدار کروا اور کھو جاکر اس سے کام تحریکی کل جائے 3 اس مور عز مذر (24) میں ایک مور مؤتم کیر (24)

مولانا نے تغیر لکھتے ہوئے بکی اصولول اور خصوصیات کو مدفقر رکھا ہے۔ وہ ب

۳۔ معنف کے اصول تغیر و تغیری خصوصیات

پیٹا اصول اگر تھیر کی دوایت کی بیلا پر ک ہے آوکوشل کی گئے ہے کہ وہ دوایت گئے او کیان اگر قرآن سے تھیر واضح تھی قراس کی مزید وضاحت یا بیائیے بھی بیش کی جائے وائل مدین کی محت بر ذیادہ توجہ شمیل وی۔

وہ در اسول شہلت کو هش تحیرے پیلے شہر کو واقع کے دد کر واپسے عرف ان شہلت کو وکر کر کے جانب واپ جن کی بیاد عظی یا کئی وطل پے جی۔ تیر اسول آئیاتی خامیہ سے حفل تحییر علی ہے کے مجالیوں اس کے کہ اس

مونوع پر اول معنف ان کا حالتہ فیمل انا)۔ س ۔ چاتھا اصول جو مشابطن متعدد بکہ آنے ہیں ان پر کی بکہ مفسلاً لکھ کر بیٹے مثلات پ

1911۔ وے وہا کیا ہے۔ پاٹھاں اصول مشرین کے مختف اقوال کی صورت میں دوایے اور ڈوٹل عورییت کے جو زیادہ قریب فقر کیا مرف اے مثل کر ویا جال دوائوں بداء بداد حجی جال دوائوں مثل

> کر دیں۔ ۲۔ پیٹا امول تھیر عی منطق شاکا کا ای لاظ رکھا کیا ہے۔

حیا اصول حمیر عی سائ تاج کا کا فاد داخا کیا ہے۔
 ماؤل اصول جال کی کیا ہے کن و کن میارت کی ہے وہل مرف م کھ دیا ہے۔
 چیل متن عی اگیر کر کے لیا نے یا مرف علوم اخذ کیا ہے وہل کا کے بام کے

ماتھ تلا" من " گا وا ہے۔ آخواں اصول عمل ترجد کے مفادہ جمن معمون کو بہت خردری دیکھا کہ اس پر ترجد کی وشاحت موقف ہے یا کمل شیر پیرا ہوتا ہے تو "ٹی" گھرکر وائح کر وا ہے۔

ک دشانت موقف ہے یا گوئی شہر پیدا ہوتا ہے تو "تی" گھ کر واقع کر واج ہے۔ واق اصل اطاقت، اللت عالمیت اور فعائل کے درجہ تغیر کو طویل جس کیا متھود مرف عل افزائل، کھاکگا۔ کھ کر کی واٹع کیا ہے۔ کمیڈیوال اصول انتقائی خاب پی عرف خاب مٹی کو لیا کیا ہے ، دومرے خاب کو خودوت کے تحت حاشیہ بھی کھ وائے ہے۔ بازیوال اصول علی مهاحت قرات، طاح، بافافت وغیرہ کی اباق عرف رکی ہے تاکہ

ا۔ اور مار کا طرف متعت ہو کر معوثی نہ ہیں۔ اور ماں طرف متعت ہو کر معوثی نہ ہیں۔ اور جے بوال اصول تھیر عمل جال استین کھیا ہے مراہ موالا کھ پھٹرپ جیل جال

تیروال اصل تخیر میں جال احتوال کھا ہے مراد مواقا کی پھرب جی جال مرھدی کھا ہے مراد مواقا اداد افتہ ممایز کی چید جال میک کمیں کھا میاں دائی پورائٹ چید

اور پر دوال اصول روا پر سرت کا بالاتوام و کیا ہے اور آغاز سرد یمی سود کا ظامر وے دو کیا ہے۔ دا۔ پردیوال اصول سائل کھیے کارے راق سائل پر اٹی کا محیق کی ہے جس پر فرم

ا۔ پیرہیاں اصول سائل جی تکامیے سائل ہے اتی میں گئی تکسیل فات ہم کی ہے ہم کا ہم کا ککام اللہ موقف ہے۔ اس سواموں اصول بین کیت کی تحقیر میں مدے عرفوٹا ہے۔ ان جگہ کی کا قبل نمیل لیا ۔۔۔(۵ع)

ہ۔ ہ۔ تغیر پر الل علم کی آراء

J.

_51

طار نیز سیان دول گفت چی: مواط شان تحریم دولوں کے اور افول مثل مائیں کا افزام کیا ہے چی اور کائی مائی کہ وقتی کی گئے ہے۔ جہارت اور عمک کو کل کیا گیا ہے۔ موافد اور اور کا خوال کی دوج کیے گئے چی تام کپ خاہر کر مائے دکہ کو تام ک سے کی گؤل کو اول کے حتیج کائی کی ہے ہے تجم تجم جرای مدی کے در کا میں کئی گئے ہے اس لیے تی حدی کی انسان کا عاصر ہے اور تحقید وحر افیصان میں کمیائی کی مائی ہے۔ اس کے تی تعدی کی تعدید کا عاصر ہے اور تحقید موادا اور شاہ مخیری نے فریلا: عمل سمجنا تنا ہے تھیر عوام الناس کے لیے تھی گل ہے لین تھیر دیکھنے سے معلوم ہوا کہ اس سے علاء تھی استعادہ کر تکتے ہیں۔(۸۰۰

موانا اورلی کاتد اوی نے فرالیا: جومشاش کی صفات کے مطاعہ سے ماصل نیں ہوتے۔ حزت تھاؤی افیس چھ ساووں بھی حل کر دیتے ہیں۔ (۸۱)

مثنی کا دفتی ساب کلید چین: اس کی قدر و قیت قو مرف وی طام بات کلت چین جنول نے کیر قرآن کے بورے وقرے کو مجانا ہو اور شکل متلات پر مخل مشرک کا کئیری فائل مشکل ہوں۔ وہ دیکییں کے کد بوے بدے افخالات کو وہ جات انتوں عی مل کر وائم کیا ہے۔ (۸۸)

سون مل کر و کا چید. ای هم کی گراد کا مواده اعظام انتخاع التی خانوی، میدالیدی عدی(۱۹۸۳ ، مواده میدالمهد دینا آبادی مواده افزیس مواده نمد ملک کانتدادی اور چاخی فزر زاید الحسین _ 2 که _ (۱۸۳)

۵_ بیان القرآن کے سلسلہ بعض امورکی نشائدی و تجاویز

یاں انتراک کے سلنے مثل امیر کی تخات ہی و تجاہز کی طرف تھیہ واقا چاہداں گا: فرحت مشاخل وہ چی بھی کی ویہ سے متاقد کرسلے نمی وقت ہوئی ہے فور دہ گئ فدت کم طراح چی۔ اس عمل صفر اور سفر کے اوبید شخات ہی کی گئی ہے جدک اکثر مشاف کے فقا جی مثل فیر سے کس حق میں سم سعراہ مثانی ہے، مثل کے ہے ، مشر سم اعتداب کا فلائی کے شا

برهم) و مودتول ادر آبات کا غیر بوری تخیر میں مائٹ ہے۔

ہری گئیرینی ہر مل پر دی ہے بارہ ہوائی ہی اور ہر مائیں الگ طواق کے تحت کاما کیا ہے جمل ہاتاہہ ہوائی ٹیم میش ہیں بدر قدیم فرز کے نتایات ("مو"،" "م"، """) "میشل کے کئے چید ہو کہ ہم کے بعض چید چیلے اس قائل کو ویس میں ممولو کر ویٹ ہے ہم ہوائی میں ہوائی کرنے میں وقت ہوتے ہے۔ _1

ھیرے کہ آماز میں توقعی ترحد مخترے جے جے ھیر آسے یوٹی ہے، توقعی ترحد وسعت امتیاد کرنا چا جات ہے جس سے تحیر میں بکسانیے ہائی قیمی دائل۔ (۱۸۵) ای طرح موادہ تعاوی نے بھی تحیری ضمومیات کا اعماد فریلا ہے ان کا تحیر ک

آماز تل الوام كم ب ، البد موده كار سالوام ب (۸۸۸) مواد الله ي ك للد على مولى عادى كا احتمل بعث الالا آپ نے تحميرى مواف على عرف نے نبائل احتمال كى جى شا قوم فراين يع الجلى تحى اس كا ذكر كرتے بعد عوال تا تاتا كى جى سال

معت خوافت ۱۵ م کے آیا۔ بداندیشی قبطیان باسبطیان و تحزن ایشان ازوتسلیه موسی علیه السلام ایشان را

وور ا مُؤان طاه کے: تسلیط بلیات بر قبطیان باز اعلاك ایشاں

بعد بلد چلد کے تقریباً تام مواجعت مواق و قاری علی جید (AA) کرچ کے دور عمی بے ادود غیر مستقمل ہو فکل ہے۔ ای طرف مراود و کسی می کا افتاد کا کھو و کو مد عاد اوساد در و کسی کا

ای طرح مادونا کے جمہ میں گا انتقار کو فود رکتے ہوئے اور الانتان و انتخاب کی کو جنگ نفر رکتے ہوئے جوانی اور القیار کیا ہے وہ جہانے کو فقور رکتے کے لیے ہائ واٹن انقاظ کا استمال کیا ہے چرک فیام عمل سنتھل عمی اور این کی تجہ سے بالاڑ جی اس کے تجہ عمد تحجر کا وائن محدد ہد کیا۔ (**)

لذا مناس براکا کر بیان افتراق کا تحقیق بازد کیچ بید تا اے لو (دیت کیا باے، تیم بلددار، واقی، میر، آلیت می مسلمل قبر الساج باکید، حول اوری موادی در استاهات کو دور این میانی با با یا ، واز چر آزی کا طرح تجری مناصر کا وازد می را چ بد ساز می کید حوال ساز شام کا با دارد تلای بر تازید کار می می سر برای کا تا دیل فی ، طاق

٢_ بيان القرآن كے خلاصے ای "ظامہ بیان القرآن" کے ام ے موادا الد مینی الد آبادی نے کیا ہے، اس عمل 5 بيان القرآن ك تام مضاين مخترا على كروي ين، يه عال طي او يكا ب- (١١) دورا خلامہ " تعمیل و جمنیص تغیر مان القرآن" کے ام سے مولانا وصی اللہ خان _r

اعظم ارض (الد آبدی) نے کیا ہے، یہ مالک انظای پرلی کانور سے شائع موا تيرا ظامه " على الترآن الكيم مع ترجمه و تغير بيان الترآن" ك عم عد موالا غر احد على ي كيا ب ورب واره الرآن كرايى ع ثالع عوا ب اس كى هي

مولانا کے صاجزادہ نے کی ہے اس عی تغیری فائد من و من شال کر دیے گ چ تنا ظامہ " القرآن الكيم مع كمل تغير بيان القرآن " ك ام س تان كينى س ١٩٥٢ء ع ثائع يو را ب اس كى الخيس كنده كا ام المعلوم بداس على يو سے مولى ير مختل تح وه فكل دي ك يير (١٩٥) يون ال منظ كا مح عل يه ب ك

ممل مان التركن كوم دجه اردوش تبديل كر ديا جائ تو اس كى افاديت دو چه يو -526 ان كزوريول كر باوجود اس ترجمه و تغير كو بهت مقوليت عاصل جولى.

یا نیج یں عد بیان القرآن کی معبولیت اور قرآنی لٹریچر یر اس کا اثر۔ یر مشتل ہے۔ مولانا تعانوی کی کتابی متعدد زبانول ش ترجمه بوئی جیرب ان شی مند حی، اردو، كراتي، يتو، عكد، الحريزي(٩٥) ، مرفي، اكري(٩١)، ميتو(١٠٠)، بور يرى زبائي شال جي

لين ترجمه قرآن كوسب سے زيادہ علوليت طاصل يونى اس كا متعدد زبالوں عمل ترجمه محى toobaa-elibrary.blogspot.com

: 15 Je

ل ایک ترین کم کان باب شم ۱۹۹۱ می درالاشامت نظیر سے شائع بدر (۱۹۸) تر دومرا ترین می تحریر نظر شمن " خیر افرنی بیان افراق " کے ہم سے بول (۱۹۹) " تیمرا ترین دی نیان شما بوائ

تیرا ترجہ بری نبان میں ہوا ہے۔ چوفیا ترجہ و تکمیر اگریزی زبان میں مولانا میدالمابید دریا آبادی نے تکھا ہے اس میں جوا کے سرحہ علی درجہ درجہ تحدید مکمل برائم کار دردہ)

اول آپ کے ترجمہ کا النہ حضرت قانوی ہے تمل مدد لا گئے ہے۔ (۱۰۰۰) انجال ترجہ میں تلب علی زان میں جائیں اور کیا ہے اور ترجی میں دھنے وہ ما

-5"

_4

_^

هد پانچال زیر و گئیر طبح نبان ش قام خال نے کیا ہے اور زیر شی حفرت تعالیٰ کے زیر مددل ہے۔ (۱۰)

ا بھا ترجہ کرائی میں ہوا ہے جو کہ موادہ علی الدی مددی نے فلخ الند لور حضرت فلوی کے ترجہ کی دوے تیار کیا ہے کم موادہ موبار جم صادق کے ام

شائی اور این در بادران میں ۱۳۰۰ میں پر ۱۳۰۶) مراقق تریر سماقا افرانلید دورا کیدی نے اور میں ۵۵ فید حورت قافل کے تریم کی اور سائی ایس ۱۳۰۰ آخران تریم راوا اسلم افدری سخی نے ذور بین فائی افد اور حرت قافل کے تریم کو ما کر موافق کے اور میں کیا ہے اور افل حرق الزام نے ان کارف

ے ان میں کی اختافہ طمع کیا ہے۔ ان ترجد میں حرام کے مرف دیاں تبدیل کر کے اے مردید اردد میں کیا ہے۔ یہ دد بلدوں میں کیتہ دوی کرائی ے شائع ہوا بے۔

ہ۔ لواں ترجہ بھول موانا سلم الدین مشمی مربع لیمون کا مجوائی جما ہوا ہے۔ مد وسواں ترجہ مجید الدین الر زیری کھنوں نے دو جلدوں بھی منظوم اردو ترجہ کیا ہے اور اس بنمی منفرت تھائی کے ترجہ سے دو ال ہے۔ یہ ترجہ کر ایک سے شائع ہو چکا

اور ان بنی حفرت تعاوی کے ترجہ ہے دو لی ہے۔ یہ ترجہ کراپائی سے شائع ہو ہے۔ (۱۰۰۵) یہ ترجہ قرآئی ای کیفیت عمل حصود ظاہیر کے چمپ چکا ہے خشاہ :

> تیر دی میں کے ماقہ مدہ او می کراتی ہے (۱۳۰۱) toobaa-elibrary.blogspot.com

الليم الن كير ك ما تو ١٩٩٢م شي والديد ع (١٠٤)

r

r

_^

عبوليت كا واضح مظر ب

تغیر عل الترآن کے ساتھ ۱۹۲۰ء على دايد ع (۱۰۸)

معارف التركن على على على على على ساته " توضي ترجد" اردو على شائع بوا يد (١٠٩)

مداف الزان على عد فنع ك ماته "وهي زيد" اكرين عن عن على شائع مدريا

مان الترآن کی تغیرے ہی متعد صرات نے مدد لی ہے جن میں سے مولانا عجد احد كا درس قرآن (١١١) اردو على اور مولانا عش الدين يدودي كا مجراتي على اس ك علاوه

ری اور مال نامیر کی تعنیف عل می اس سے مدد لی گئی ہے۔ ہو کہ بیان التر آن کی

اس مخفر اور جائع جائزہ كے بعد " بيان القرآن " بر جت سے آب ك سائے آليا ہے۔ انى القاظ ير على اينا يہ موضوع كمل كرتا مول.

حواشی و حواله حات

عى نے يہ تحيس عدد ويدوى باعورد عى يدفير واكثر احد اقبل صاحب (احلي داراعلوم ديد) كي زير كواني كما قالور جل تصيلات اي حيس على محلوة جيد يو ي حيس بنوز

ہے تعیات لم كورہ فيس كا سے انذ كردہ الله 00

الرف الوائع _ خلير موز الحق كإدب (واده عليفات الرفيد ملك (اكتر ١٩٩٨ه) ع ار ص ١٩٠٠ أود نزهة الخواطر و يهجه المسامع والنواطر. أوالحن فل الحسنى الندى (اور عد اسح العال كراتي ١٩٤٦م) ٥١/٨ _ اور يتريخ داوالموم ديده يتر مجيب رشوى (أواره اجتماع والعلوم ويد يولي اللياطي الله عدام ١٩٤٨هم) ١١٠ الرف الوائع ا/ ولد ووفظال يد الميان عدي اللي فريات املام كراي ١٩٨٢م) ص ١٥٣٠ ور منايير علام واكل في ش الرحن (فري بيانك كمن اردد بدار لايور) ١١١/١

لکتر طاہ دیسے۔ تم آگیر ناز حادی (دادان استامیات اور کی ادیور) س سس ، اور پادوشکال مستحق اور بیام افزائد کے جارفے سمید احمد(صبارة آلیاتی جاسد افزائد الاور کی ووم ۱۹۹۲ء) می ہے۔

۱۹۹۳) می هد افرف الوائل الهسمان اور مین بوت مسلمان میدارشد از هر (نکتید رشید با دور) م ۳۰۳ ور خشاه داداملوم نور این کی قرآنی خداشت شمان میشادی وظاوی (پیملی برخی و نیمند) میاد،

اور این کر آنگ خشات مر۱۱۱ که مستنب نے بری بیان کردہ بعرفی گھی ہے۔ بعدر بدیانی میں انداز بر (حضر آنست کرانی) می ۱۱۱۳ اور طابع خات اراجہ بی روز مسلمان میں ۱۳۰۳ بیشتر الین اراجہ برائر الدیرانی المان الدین میں ۱۳۳۷ بیشتر الدین الاجھ

ایژف الواق ۱۷۵/۳ فیز م ۳۳۳ فیز ۱۳۸/۳ تا ۱۳۳۴ تین پیاے سمبلیان می ۴۰۳ پیزوفکال می ۱۳۵۳ فیزیدم انژف کے جائج معنفہ سید ابو صاحب نے ابی کاب بین ۹۵ نظفاء و جازی کے پیم بھرکراے فود ان کے تصیفی انوال تھے بچی۔

عم الاست من الوقال والاست والمعافد المي الآن الأراض الاست على العن المستقد في المستقد المن المناس المن المناس المن المناس المنا

زید from 1866 to 1988- p.57 to 90

غير مطيور from 1866 to 1988- p.57 to 90 عمل بيان الترآن. الرف على تعانوي (ايج ايم سعيد نجني كرايي) . r/1 .

ملور نموند دیجینے عمل بیان انتر آن (انگا ایم سعید) ۳/۱ پر دو جگه حوافی میں حوالہ موجود ہے۔ حوادا انترف علی تعانوی کی تشمیر بیان انتر آن کا مختلق جائزہ (مقالہ فی انگا ذی علی کڑھ

بدندر شی) ر داکل ریماند شیاد صدیقی (افل گزند داند به نظر اتال ۱۹۹۱) می ۲۲۳ با صاحب الحق حفزت قدادی نمر می ۱۳۱۲ مزید دیکھتے تیل پیارے مسلمان می ۳۳۳

بامد اس حرب خان عرب معاون بر ۱۳۳۷ می داد حملان ۱۳۳۳ می استان می ۱۳۳۳ می استان می ۱۳۳۳ می استان می ۱۳۳۳ می افزا این اسه مورد رکتے بیاد اس اس ۱۳۱۱ اور این دے سلمان می ۱۳۳۳ اس ایم که موجه واقوامی نام کا کیا ہے محر محرب استان میں ایک شائل به رکتے اظہارے اسراف کا میں ۱۳۳۳ اس ایم کم موجه قانوکی وادور افزاد ۱۳۲۱ می ۱۳

عادی (مورد امرید ۱۱۰ م) . فرست تابغات محیم الاست من ۵۹۱ التفاق الانسلامیه فی المبد فیرواکن تصوی (سفیدر دعل ۱۹۵۸م) من مدار این هم کاکام قرآن کریم کے هوق کے یم سے می بودا

ے۔ الحق می ۱۱۲ 17۔ فرست الفات تکیم الامت می ۵۹۹

_9

JI

IF

10

۱۱ مرس تابعات - اوات من ۱۱۰۰ عد تحير مل الرائد حيب ادر كران (داره قانون ديد الله س ع) عد كه

مقدر حزت هاؤی

۸۷ شی نے اس مائیے کا قرام کی اور میکہ فیمی دیکھا ہے، مواق جیہ الرحن اعظی عربے باباند واراضوم روید کی وائی وائزی میں اس کا تذکرہ موجود تھا وہیں سے حوالہ باباند انتاام وہد حجر جوائی ۱۸۹۱ تھی کیا گیا ہے۔

19. خطا موادا می میداند چهروی (الدیت عالم) نے ایل کتب البیان لڑائم الارکن (سلیدر اردد بری فهره تل دوس سی لین مکلت هی درم ۱۳۳۱ه) - س ۲۵ تا ۱۵ در ۵۳

یں ہوے مسلمان میں ۱۳۳۳ اور بابنار المین حورت قاباتی نیز میں ۱۳۱ اور ۱۳۰۰ مثل الند محدد المن نے می اس ترجد پر تنتید کی ہے ۔ دیکھے مقدمہ تشمیر مثلی (مسلمید مثلی کابدی و میلیدر مجل اللک المد علیات الدیسیسند التربیات میودی مورب) میازد ترام قرآنی تھر مالم کا کی من ۳۰ (کیلم ساوف افزائل دید ۱۹۹۸) مامند الممن متربت خابی فیرس ۱۳۱۱ در ۱۳۰۰ - تش پذرے مسئمیان مین ۳۳۳ ایمیان آزائم افزائل می ۱۳۵۳ در کیک آن تزیر بر شرب سر تزیر موانا میراهی تحقی کا د

فزائم افترائق می ۱۹۲۳ م کے اس ترجد پر شہر ہے ہے ترجد موادا عبدالقور تصوی کا ند ہو ، ان کا کی ایک زجد تما ہم مختوط کی ختل میں رہا یکر مائٹ ہوگیا۔ فرست پیایفات تشیم الامت می ۱۳۲۲ اور باہیشر الحمن می ۱۳۱۲ تیں ہاے مسلمان میں ۱۳۳۳

فرست بیلیات یم الات می ۱۳۳۴ در بایدار این می ۱۳۳۳ می بود. شدر محل بیان الزائن (میلید بر قریمت خاند آرام باغ کرایی ۱۳۵۳) یا را می اب موالد ادر می تشویری اوب این بدخی در بیانی چاند و اکار قد تیم جنول (عقاله فی افخ ادی

30

**

ro

**

**

مانید آلینگ ژمت محتی انآبال کرایی ۱۹۹۳) می ۲۹۵. این دیکیت طند بدان افرآن نمبلیو _ دیگا ایم مسید بن ۱ می رو ۱۳۵/ ۱۲ افزف الوادگ

ر المام ا المنظمة والمال المام المام

27. WORLD BIBLIO GRAGHY OF TRANSLATIONS OF THE MEANINGS OF THE HOLY QURAN 1515 TO 1980 BY RE-SERCH CENTAR FOR ISLAMIC HISTORY

ISTAMBUL FIRST ED. 1980) P. 546

ال على موف ترحد کا اگر کے واگو اور خاص ساز قرآن کرکہ کے کا دور انتماز الابلیت (متورد آتی بان امام آئی کی ال ۱۳۰۸ء) عمل ادہ کا کا میں انتماز کا فیاق سے کھا ہے کئی دمنا دستر کے دب نے تیمر خاتی کا کی از کر کیا ہے حالاک ز کائی موال ہے در فواع کل ہے کہا المثل بھی ہے دک کا کو کہ افتادہ الک ہے۔

البيان الزائم الترآن من ٦٣ البيان الزائم الترآن من ٦٣

احو البیان لزایم افتر آن ص ۱۳ رس نیز یمی ترجد تناوی کا تشیر یمی مشایین فواب فتنی - البیان لزایم افترآن ص ۱۳ رس نیز یمی ترجد تناوی کا تشیر یمی مشایین فواب فتنی

ساکل توجات فرخ و الل ہے ہے ہوتا جہد بیگ نے ترجیب واقعاد ایابین توام المؤکل میں ہا۔ اس فوج ہرجہ خان کا کھا تھا بھائک اس پہ مائیز سموان رائز کو نتی کے تھے کہ ہوتی اور فوج رہے مناصر کر میں گئے۔ اس فوج میں تاریخ ہوتی ہیں۔ کی کہتے ترب کا بچا کی افزائش کا طالب من شائل میں کہ تھا تھا ہوتی کھی کھی تاریخ ہوا ہے۔ کسی دوسال

.

- اس تخریم کا زیر رفتی بادد خوبی سازی افغاند بی اجاز از آئی بید سک به سے اقدی باشی والی سے شینگی بواند دیکی گرفتی کریا سک اورد زائم می ۵۰ اور WORLD BIBLIOGRAPHY.P.543
- WORLD BIBLIOGRAPHYP. B.43 17 می مید آقی فیر منب ایراز نم بیان کام کا می مال بیان سائل کے انتخابات قد شید بیما بی بیمان شدی اباد میلی احدودی بدر ریکے بی دور سامل میں سمائل میں سمائل فرست چینات نئے ابورٹ آق تنگی کے کہ دور ڈائل میں بھار المبار الرفید وادافلخ
- وید قبر (عمد) می عدد. او به خال خانله می تحیر ناقد که دو عل بهد اداد انتخاق ۱۹۷۱ او بدیند الحق می ۱۲۳ می عی امر کل ترد ب که امام کی طرح دیگر ادبیان کی بیش اند.
- ے الا مواد عد الدی ک اس اگر قرآن پر دے کہ قرآن کے اس العلا مرف کا ک
- کے غیر النب بیں اور اساد میں مودول کے مغمون کی طرف دویری خیم کرتے۔ دیکھنے بابت الحق میں ۱۳۱ کداو التابی ۱۳۵۲ م
 - ۰ ۳۰ انہیان لڑاج الترکان می ۱۳ ۳۳ موف یک خیل بلند تریز کی تبریل کر دیا۔ ۲۰۰۰ - متدر بحل بیان الترکان ملیور میر او کئی ملادی ا ، می /ب
- ٣٨٠ كل يان الراق ال الم الم سيدة لي الحدة ١١٠ م ١١١ واكر مال ١١ اليدني الح
- ای مثال قرآن تکم کے اور آزام میں متحیل کی بیرخ ۱۹۰۵ء بیان کی ہے۔ بم کہ تلا ب میں 2 پر ای طرح سمب دحشد بتر ابو (جیت انقلاع طیمبر آئنسٹ کرائی ۱۳۸۷ھ) یمی ۲ ساتھ سالاء کئی ہے ، رکی تلا ہے۔
- ساع ۱ امل مان ما المعلق المان من قرقل خدات من ۱۱ م ۱۲ مال مات تكل ب جوك الله ب ويكن المراق المان الما
 - الرف الوائح ٣٨/٣ لور تعل بيان التركان الله ايم مديد ١٩٠١ل
 - ام الله المال ١٠٠٠
 - יר וואנט לוק ולל לט ים ידר
 - ۲۲. البيان لزائم الزآن م ۱۳ ۲۳. مند مان الزآن الح انج الم ايم سيد
 - RAPHY. PS43 A OI & CO TO LA CAS OF TO
 - ייר. / לוט ליין באונני לוף באוני לוף לייני ליין ומיני לוף אוני לוף אול לייטי לייני לייני
 - וריב ואט לוג ול ולי עידו

		WUKLD BIBLIO GRAPHT, P.620
		اینا ص/۲۲ در قال کیم کے ادر زائم ص ۲۷۸
		ادده ش تغیری ادب ص ۲۹۱
	174 J (عدی قرآن تریف - عدی تریف ایر (کلته دیدید کرایی
		WORLD BIBLIO GRAPHY. P.544
		عدر بيان الترآن راي ايم سيدج ۱، ص/د
	تغيری اوب ص	مقدم بيان القرآن الح ايم سعيد ج /اس /ب اور ادود عي
اب اور ارده	1 m 15 1	کی ہم افرف الطاق تعاد ہون ہے۔ مقدر بیان التر آن
		تغیری اوپ ص ۲۹۹
ت مولانا الم	ير" (از عيم ال	تغير كا واكل تها " الغرآن الكيم مع تعل بيان الغرآن وتر
. مای ال	ى ۔ وق ص	عل صاحب عن كين ليط عن الال ١٩٥٥م) بجد تغير :
		وفيره فلل وإ ب_
F181,	مى شائع كيا ہے ا	واكر مالى ك ماين عمل الدين عن كن ي ١٩٤٨
40	د خامت شکار ن	شائع كرده بيان الترآن احل نو ك جي مالان ب محر م
		مقدر عمل بيان التركل ("ملير الح ايم معيد)
		مقدر بیان المرآن (ملیور بین کینی کرایی)
		عدر تثير عالي
۽ طيان	نيد رفال	باحنار الحن حوت هادی نبر ص ۱۱۹ مزید دیکھتے
		(مجل فريات اسلام كرايي ١٩٨٢م) من ٢٥٢
		قراق عيم ك الدو زاج ع ٢٩٠
		بابنار الحن معزت هاؤی نبر ص ۲۳۳
J 1882	A J . TAA J	قرآل عيم ك ادو زاج من ١٨٣ مريد تبر ويك
		اور جائزه زاج قرقل ص ۵٠

toobaa-elibrary.blogspot.com

۵۵۔ ۵۲۔ ۵۷۔

-0.0

_10

_11

-14

r-F

- طاه مقابر العلوم كى تصنيفي و تالى خداشد الد شام ساديدرى (كتب خاد اشاعت العلوم .11 الله على ساد يور طيح الل ١١٩/٢ (١١٩٨٠ كا سان الركن (الحائم سيد) ١/١ 4 من الرا ر حداف جيرلوي كي الله و حرف علمات ر احتراشات يو المول في الى كل _41 البان الراج الرآن ك ص ١٦٠ عديد في ال ك جوات عيد TO TO 1 4 55.15 48 مثل ريك ١١٩/١١ عدد يدي من القليت في نقل الآيت ك عم عد ١١١١ه عي _4 منتق کار کلی ہے۔ -40
 - مقدمه حال المع آن (مليور بين كين كراي) 166/1 (at (1 to) at) (1 1 1) all

عدر مان الترآن (الح ايم سير) ع /اس إب

-14

-40

_^*

-44

_^^^

_^4

- بایندالی (حزت قانی نیر) می ایما .. -44 عدمهان الترآن ..
- تغير بيان الترآن كا محقق و تغيدي مطاحه ص ١٩١ لور بابيامه الحن ص ١٢٠ -49 عرق داالطور داید ۲۰۱/۲ اور ای دے مطاق می ۲۳۲ .
- عليامد الرشيد (وادانطوم ويد قبر) ص ١١٥ _A قرآن کے کے اردد زام می ۲۸۸ ور طرح الترآن بیش موادا کی دیان
 - _^1 (سلیمه دادانطی کارگی کرای) ص ۵۰۵
 - رّان عم ك الدوراج من ٢٨٨ الد واله راج ر آل من ٥٠ Ar 194_196 0 - 1 35 En _^^ عان التركن (الكاريم سيد) ا/ 2 - 40
- 1/11/20/25/25 مثلة ديج امنا ٩ / ٢٠ اور ١٦٨ واكر صالح ي كى اين هيس بى اس طرف اثاره كيا ي

 - منا ریجے ۲/۱ پر قرآن 5 قران 4 قراب
 - ro/+ 25, \$
 - toobaa-elibrary.blogspot.com

م خلصہ سیاروں کی علل علی اور ایک جلد عل ۵۵۲ ص ر می اس اوارہ سے مطل شائع

وآل عدے زاج جولی بد کی نباوں عی ۔ علم معد قریش (عدر بد بھ الدی كرائ

ہو دیا ہے ملی ول عل سے عرامہ حلف کا ام قائم عال دا كا ظامہ کے باور "ع عمل" کا لفا کھا ہے جس سے عمل المير كا دھوك ہوتا ہے ۔ ديكے

مائن زاج قرقل من ١٣٦١ لور روزنامه بل كراي ٨ حمر ١٩٨٨ -

مقدمه حان التركن (بين كيني كراتي ١٩٥٣ه) riceriele (141.32

لرست تالفات عيم الامت ص ١١٣

...

.40 النا. س ١٢٠ _40

_90

-95

90

_41

.44 IFT . # (4199-

-44

. 44

_..

1+1

4.0

Jer

I+F

_1+0

J-1

194,191,197,116,341 فرسد تالفارد عيم الاميد م 990

فرست والفات عيم الامت ص ١١٠ ال ترجد كو مولانا فور عمد قامني حيدالليد حيدالجليل لور عود الحق نے زیر کر کے شائع کیا ہے۔ جالہ العارف بحلہ علی (عامد ٨ جولائی اگست ١٩٨٨ وادره فافت اسلام العور مثال فكر) للف الرحل قاروقي ص ١٩ عيم الامت نتوش و تاثلت من ٢٣٩ قرآن مد ك زاج جولى يدكى نافرن عى مى mr ITALITA OF TO ACT OF 10 0 15 60 De کت ردی کرای ش نے مولانا سے بالشافہ یہ معلیات ماصل کی جی۔ حد تغییل کے لے 4 ھ کے World Bibliography.p547 کے 4 ھ کے 54 اور قرآن عليم ك اودو تراج ص ١٦١ ساده والجسيد قرآن نبر) ٣٤٥/٢ ر تی جد می ملع سید قرآن عل کہی ے شائع ہوئی ہے اس ی تغیر کا زجمہ موانا ملد الرحن كاعرملوى في كيا ب ر بائی جدول علی محتبہ فیض التر آن دیدھ سے ۱۹۹۲ء تا ۱۹۹۳ء على شائع مول اس على ترييه لن كثير مولانا انظر شاه تحميري كا قبله

ے دہ طیدان بی ۱۹۲۰ بی اوارہ خاول کئے۔ بتد ادامی رابعہ عن شائع ہوگ ہے اس پی بیگل مواہ جیں امر کیرانیکا کا تور مثال خاہد ہی ان کا زیر خال کا ہم حرف خاولی کا زیر مثال کیا کیا ہے رکیے حدد سمجر بازار بے سئی کھر کانچ مارس کا کانچ مقابل نمی سامت المؤلک کے ایم سے دامانشم کارگی کرائی۔ سے ۱۹۲۰ء مثل ہوگ ہے اس می زیر کی اخو دنجی زیر حزف خابی کا ہے اور حجر

عتی تفخ صاحب ک ب سادف کا اگرین زید حدد حرحی ک مدے موانا کی حول کا زیر گرال ۱۹۹۸ء سے شاف کا امراب کا مکل بلد بھی کر کرایا ہے شائع اور گئے ہے۔



...

: حفرت مليم الامت مجدد ملت مولانا الثرك في قناؤناً كم ملى ادر مملى

جيران کارنا ہے رهي ۽ مؤلف : کو اقبال قررني

ر رست المساح المراجع المراجع

: اداره جاليفات الثرفيد، جامع مهر قداف والى، بارون آباد، هلع بياول مر

ى : 1976 ر 1944 : بالرحي 197 اور 22

ے : پائزئین دادا دویہ او دین گئی مرد گار : واکر شیر انتزا مواد افرف کی قابلی (Jierr-with) بائی قریب کے بلد بار بالم وی اور شا طراحت

مونا والرئاس تا والمائل (Internation) والارتباط كيا بدلا بالمائل حال المواجعة على المواجعة المواجعة المواجعة ا عندان كيا والدول بالإسلام كما الحل طائل الله كيا المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة في الدول تكان بإماماً في في في المراجعة معامل المساعدة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة ا في المواجعة المواجعة

ماہ خاتون نے کی وقت کا تھا تھا کہ بھر کہ جا خانہ اے پہلے اس درر کھی ماہ ماہ کہ اور ایس کا میں اس اس کے اس کا درسے کے ایک میں اس کی کا ماہ ماہ کہ چی کی کا ایک اس ایر اس بھر کے اس کا میں اس کی کا بھر کے اس کی جو ان کی کا بھر کے اس بار سے کا میں کیا گئی کہ اس کا تھا کہ اس کی میں کہ اس کا میں کہ اس کا میں کہ اس کی میں کہ اس کی اس کی اس کی اس بھر سے اس کا اس کا اس کی اس کا تھا کہ اس کا اس کا میں کہ کہ در اس کا بھر کے کہ اس کا میں کہ کے اس کا میں کہ اس کا میں کہ اس کا کہ کہ در اس کا کہ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کی کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کی در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کے دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کے کہ در اس کے کہ در اس کے دیکھ کے کہ در اس کے دیکھ کے کہ در اس کے دیکھ کے

الله عيف الحيار المارة المجتلف العالى، كان القائل العالى المفائل المام أيد

وقت الثنام کو کائی کیا، جب و اپنید کائی طریقت عالی امداد الله مهار کمنی (م ۱۸۹۹ء) کے مثور سد پر خاقاته امدادیت تالید کیمون (شنیل مثل ترکر-آنز پریش) بمیل بولد کند، اور بگر بر خاقاته کم و ایش ۱۹۵ رز: یک آن که کاملائی و اول اصلاقی امر تشویدی شداید کامراز بی روید

روی فاترق کے سرمان و فردمان یک آن کی ادیر استعمالات کے بیاب میں ایس کو بھی ہو ہے گئی۔ معرور جب بیم آن کے محقیق مندوں کے اس کی انسان کی اس کی اس کا میں اس اس کا میں اس اس کا میں اس میں اس کا میں اس معمالات میں کا بیمان کی میں کہ میں کہ اس میں کا میں اس کا میں اس کی معمالات میں میں میں کا میں کی ہے کہ اس میں کہ میں کہ اس کی می میر خال میں کا میں کی میں کی سے ساتا و افران کی افران کی دیگی اس کی و دیلی ساتی

بدون آباد کے جناب اللہ اقبال قریش، موانا الفاؤی اور اُن کے مقطین کے مربانے اُلور پر وکٹا اُنظر رکھتے ہیں اور گزادہ کی برسوں سے موانا الفاؤی کی فلسیات کے فروغ کے لیے کوئال ہیں۔

انہوں نے موانا تھاؤی کے قرمورات و ملتوکات اور مواملا و شلبات، اور آن کے موائح الاروں کی فالغاب سے مافوز بات كالل مرت كى الله، أن كى تازو تران كاول "حضرت تليم الاست، مدو ملت مدان الثرف على صاحب قداوي كم على اور محل موروان كارة ع" تارب وال كفر عد

سلے جہا میں موانا تھاؤی کے محصر سالی طالب ورینا کے جن، اور محص معاصر ان نے آن کے بارے میں جن جا ژاہ کا اتھار کیا ہے، اٹیل اپنے ذوق کے مطابق ذلی سرتیوں کے قبیعے لئل کیا ے۔ بعد ازاں موانا قانوی کی منظم زندگی میں افاع مند، طوق العاد کی ادالی کے اجتمام، معاملات کی مطاق، اصلاح معاشرت کی گئن، ليز أن عے طريق اصلاح وفيره بر التكو كى سے۔ يہ مارى التلك فيد موانة قالوي كا تورون الدائد كالإمهاب ومواملا بالدائد كالمعاليين كالالساس عد الدام الك رواحد و الكان كا إنا إلى الله عالم كا كما الله عناساتي القال قريل في والم كران كي لوصل كى سے كر موانا تمانوى "منزى الى واؤو" كى الى جديث ادر الله بعث لهذه الأمة على أمر کا ماتا سنا مار بجدد لها دینها (ے لک اللہ توفی اس امن کے لے م صوی کے رہے راک انے فقی کو بدا کرے کا جو اس کے لیے دی کو نا کر دے گا) کے قت "مود کال" تھ، اس ملط

یں انہوں نے موانا تھالوی کے مختلات "الاقاشات اليمر" ہے يہ روات کھی تھی کی ہے: الک صاحب نے غود تکیم الامت ہے دریافت کیا کہ کیا محدد کا محدد ہوتا کمی دلیل قبلی ے معلم بوتا ہے۔ فربالا کو قول، وال قلم ے، لین طابات اور آ وار ہے۔ ایک اور مولوی صاحب کے جمعہ کر کے یہ موال کر دیا کہ کما حقریدہ محدد واقت اور 5 فریلا کر اقال و الدكو الى عد كر ال عداد الى . جم اورون كو الى د كرنا حاعد الني ك ورد میں محائل ے، باقی تعلی باتین تو کی عدد کا فیل ہوا جس سے بتنا اور جس ورد کا أفتل بريائ: ذلك قضا الله يؤتيه من بشأه والله ذو الفضا العطيم (س 24).

ان رواحد کے بعد الک ورک کے خاب اور حوال الفاق کی جانب سے وال آگا تھے وروز کی گئی ہے اور نتی یہ افذ کیا گیا ہے: "حضرت ملیم الامت کے بعد اب حضرت امام مدی ی آئی ك اور آب آخرى مهد الن" (من ٨٠).

حالے کی اقبلہ قریم نے موان قانوی کے محدولہ کارجموں کو علی اور محل وہ حصوں میں تقلیم کیا عد على كارنامون عن أن كرآخر حاسد كي للمنتل معروفيات إدر إن كرانيد بيندوه ميشومات ر رافئی واف ہے، جن ر ووستقل کاون کی تالف و ترب جانے ہے۔ ان کا کاون میں ہے ایک

ے مطابقہ استوان کی خواہد میں اسامہ اس کے اور استعمال کا الدور کا استعمال کا الدور کا الدور کا الدور کا الدور ک '' الدور استوانی کا الدور کا نام میں معلق کی جیزان ' (مراہد)۔

کی تجاہد کے قدمان افزاق کی ان صداع کارگزارک یا ہے وہ ایس نے طرفتہ معاولہ میں ایس کے جانوان میں ایس کیا ہے وہ دی کا کی کل معاولہ کا ایس میں ان میں ان میں ان میں ان میں ان میں ان میں میں میں میں ان میں ان

گہا قصر پاکستان سے پہلے حترت تکم الات موانا قبادی نے قبل کیا، موات مرکزی آرائی میں افغا پاکستان استخبال تجون کیا۔ اس کے لگیا۔ ارتحاقی مال بعد شام حرف بادر احتران اول مرموس نے 14 ویور مواد کر اپنے طبحہ اختیاء ان آباد میں فرایا "شکی مرف بادر احتران اور استام کی قائل و رچود کے لیے ایک شخم استانی موات کا حقال کرتا موں '' (از معنامی)

والدر باسته سنجي الاسته المستوال والكون العن يحد (المستوات المستوال المستوالي الدينة المجارة المستوالي المستوا والمستوالي من المراقع عن المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستو والموافق المستوالية المستوالي

موان (اقانوی) سے محرا ویا ہے، لوگوں کو معلوم فیمی ازنے ازائے میں کیا افظا آنا ہے" (تقام الد میدہ آبادی: "رافقات بابدی"، کرائی: (۱۹۸۱)، می ۵۳).

کی متا ہوتی کا مطابق کے مداحل کی تھی ہوئی گئی ہوئی کہ کی ہدا معدد بی میں میں میں امارہ تک کے گئی ہوئی گئی ہوئی ہوئی کے اور ان میں کا میں اس میں کہ میں افراد کے استحق کے اس کا میں کہ کہ میں کہ میں کہ میں کہ میں کہ کہ کہ میں کہ میں کہ میں کہ میں کہ کہ میں کہ کہ کہ میں

مها 1905 کی سائر جائے ہیں۔ او جوک کرنے کہ یہ ای کی صوفر جواب طرح ہوں۔
میکن اسرونی کی سوار بھار کا آنیا کی جائے ہوئی جو چیزی میرم میں اور العرب اور العرب الله میں الدور الوجود
کی اسرونی کی جواب ایل 195 کی الاس کے اللہ کیا ہے کہ ان کہ ان کہ ان کہ ان کہ اللہ کی اللہ کہ ان کہ ان

اں تھی تک ساتا میں اندی میں اندیکی میں اندیکی میں اندیکی ادارے ماموں کے اور اندیکی ادارے ماموں کے اور اندیکی ا پرانے میں مجال کی آزاد دری کی گل جی رہ موانا تھاؤی کے زواج میان میں گل اور امام انداز جیر اور ان کے خاکر انداز کی سات عمل الل تھی پائٹسی عادم کی تحوالی اور ان کے معاق اثر کے

قیری مولانا تھاتوی کے لمؤکات بھی کیا گیا ہے: الله، همد الدرائيد التي باهم احدد شاكره عن، كم تي بهت عليد بافي عن وعن الدر المان اللمريت جو علتے جن موز سے آگا زيادہ جو پار آھن و ڪيتے کہ موک جي بي سے يا عافرد کی اوے ماتے ورد افی ی کتے ور دورے کی فیل غے، گر یہ طرد ر می فرما کر افتا الم كو ماثق محت مين، زاهان عظف عي عدي محت فرلما كريش النام عميه كا الكاستكار في حتا النام كا جواره كوا أكر ووصوفي مجل الا عر جال كدان الليم إن كا يزا اوب كرت جي، إلى والطه الن قيم كي ور عد إن كا اب کرتا جوارید بر سب لک شفر اور فرند سب کی طاقعد و این فجی (۱۳۸۸).

الآب ك آ فر مين موادة فعاؤى في افي العن الشفاات و تابقات كو جس طرح ويكما ي، - UN Y UT

علا القال قریش کی این عالم کی ورق گروانی کرتے ہوئے اولی احمای ر وروا ہے کہ الموں نے اللہ اوقات میں چھ افواڑے کے تحت موان قباری کے مانونات و مواملا اور ان کی سوائح جمروں یا معاصری کی تحروں سے اقتابات کے جا کے اور حب طرورت اُٹیل کا بھوں کی مورت میں مرتب کرتے ہوئے ان کی فرض و مارت تھی، اور الیں الگ عام بھی دے۔ مثال کے خور برسل مع بر رتور لقر سے کزرتی سے: "آن کل رسال الثرف ادارات فی حقوق العاد اور زحیب ---- عوم اقل قريق عليه محل صائع السلمين الماء مقرس مريد ملا وكما أو وقا ے: "ان مختر مضمان میں جھ واقعات کی روشی میں واقع کیا گیا ہے کہ غود صاب افاوات آواب مواثرے رکی قدر فل جوا ہے"۔ مواج قوادی کی حق جواج کے جوالے سے جو مگر کھا گا ہے۔ اس ك موان "اشف المعاكب في القرائف" ابراس ك ابتدائه عدة بالك واضح عدر الك يمفلت مرت كرنا متصود سد

لاکورو احمای کے ساتھ یہ بات کی ساتھ آئی ہے کہ یہ ایک علیت مند کی کوش ہے جو ت عرف صاحب مواقع کی بر بات کوئی و فن مو فعد مح مجت برد این کی تاثیر کرتا ہے، لک آراد ک صحت کی عمان الله نیس کرتا (میدا کر تعیر ماکنان کے حوالے سے ہم لے نگان دی کی ہے)۔

یک با کرنے کا تا اُڑ ہی موجد ہے، ہیل ایک ہی موامن پر مطابات اللہ موانات کے اُست تھری

ن و الموافق سائع محتاج سنون عثم اصده جدات من ان الموافق ما من الموافق الموافق الموافق المحتاج من الموافق المحتم من الموافق المحتاج الموافق الموافق الم سائع على الموافق الموافقة الموافقة

"الدوه چاہندے افراہ بردوں آباد" کی دون کائل ناہد رہنے ہگی ہے۔ کم کائل کائب جائد ہے۔ اور دورکی کا بند کالا بھا ۔ کا ہے۔ آب ہے کہ انقلادہ آئر ایادہ افزاید سے درصد کر کی جائے '' اورکی کی کوشٹ خاصی کر مد جائے۔ چاہ ہے۔ کہ کہ افزاعوں کے باقیدہ آئر چاہا بیٹ کا، اور دورک کائل کے سے اور اور میں ملکی ہوں گی۔ دورک کائل کے سے اور وائد میں ملکی ہوں گی۔

2

. : هنرت محليم الامت مهرد ملت مولانا الثرف على قنانوتي كے على اور محلي محد مان كار ا

رب ومؤلف : محمد اقبال قريقي

اب : حفرت تيم الاست، تهدد طنت موادنا الثرف على فناؤق كي تقليم عدمات ومناف : رانا محد الشاف

: اداره تاليقات الثرفيه جامع مهد قفات داليه بارون آباد، طلع بيادل محر

: ماهمان ر ۱۳۰۹ م الرحيب مهم اور عالا

على : پارتىپ قاد كەرىخىڭ يات : پاترتىپ قاد دەپ ادر دىنى ئىمىل ئىرە ئاد : دائر ئىر اقترا

مواد افران می فوان (Inser-un) بھی آئیں کے بائد اپنے مام بائد اس اور گل طریقت عند امن سال مواقع میں نے منافق میں کیا ہے کہ اس ان کے بلید میں اگل اس میں استحدہ کا تحدید میں اس اس کا کردہ سے منافقہ کا قدارتی میں مواقع کے بھی امریک استحدہ کی اس کی تحدید کی اس کی تحرید کی اس کی تحدید کی اس کی تحدید کی ا اپنی بدرش میں میں مواقع کے بھی انکہ ویوں میں اساست کہ اس میں کی اس میں کار کر میں مواقع کا میں میں اس کا اس کا روائع میں میں اس کے مواقع کی اس کے اس کا میں کا میں کہ میں مواقع کی اس کا میں کہ میں مواقع کی اس کہ میں کا می

ماہ خاتون نے کی وقت کا تھا تھا کہ بھر کہ جا خانہ اے پہلے اس درر کھی ماہ ماہ کہ اور ایس کا میں اس اس کے اس کا درسے کے ایک میں اس کی کا ماہ ماہ کہ چی کی کا ایک اس ایر اس بھر کے اس کا میں اس کی کا بھر کے اس کی جو ان کی کا بھر کے اس بار سے کا میں کیا گئی کہ اس کا تھا کہ اس کی میں کہ اس کا میں کہ اس کا میں کہ اس کی میں کہ اس کی اس کی اس کی اس بھر سے اس کا اس کا اس کی اس کا تھا کہ اس کا اس کا میں کہ کہ در اس کا بھر کے کہ اس کا میں کہ کے اس کا میں کہ اس کا میں کہ اس کا کہ کہ در اس کا کہ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کی کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کی در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کا دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کے دیکھ کے کہ در اس کے کہ در اس کے کہ در اس کے کہ در اس کے دیکھ کے کہ در اس کے دیکھ کے کہ در اس کے دیکھ کے

الله على الحمار المراجعين المال، في القال الوي ولدائي-الوم أيد

وقت الانام کو کافئی کمیا، جب و است فئل طریقت عالی امداد الله مبارد کمن (م ۱۸۹۹ء) کے متحد سے پر خاتی امداد بیت ایس (طبق متحد ترکستان بریشل) میں جد کے، اور مکر بے خاتانہ کم و ایش 19 در ایسے آنہ کا مسالم و اور ان اعمالی امر تحدولی ضابات کا حرار کی رہے۔

رجاق فیرفی کے موسلا و فردمان میں ان کی زندگی در معرفات کے بیاس میں بہت کی۔ معرف بیسے بیم ان کے محقیف حدمان کے ان کی خدم مرائم کران کی گئی ہی ان ان ان کی مصاف کے بی کی جو رہائے میں کا ان بیم کی ان فرد کی موسائی میں کا موالی اسرائی موان موانیاتی مدت کی ''میان کی آروزی'' اور موان میں انداز کی انتظام اور اسائی کی ''نگریم اور میں مرائل کا مورید مسائل عران میں بھی سے موادہ افران کی فلائو کی ذرک اندیکی و دیلے سائی برخل وائی کا دور

بدون آباد کے جناب اللہ اقبال قریش، موانا قداوی اور اُن کے مؤطین کے مربانے توری پر دی ۔ نظر رکھتے ہیں اور کرونو کی برموں سے موانا قداوی کی فلیسات کے قرور کے کے کوئال ہیں۔

انہوں نے موانا تھاؤی کے قرمورات و ملتوکات اور مواملا و شلبات، او آن کے موائح الاروں کی فالغاب سے مافوز بات كالل مرت كى الله، أن كى تازو تران كاول "حضرت تليم الاست، مدو ملت مدان الثرف على صاحب قداوي كم على اور محل موروان كارة ع" تارب وال كفر عد

سلے جہا میں موانا تھاؤی کے محصر سالی طالب ورینا کے جن، اور محص معاصر ان نے آن کے بارے میں جن جا ژاہ کا اتھار کیا ہے، اٹیل اپنے ذوق کے مطابق ذلی سرتیوں کے قبیعے لئل کیا ے۔ بعد ازاں موانا قانوی کی منظم زندگی میں افاع مند، طوق العاد کی ادالی کے اجتمام، معاملات کی مطاق، اصلاح معاشرت کی گئن، ليز أن عے طريق اصلاح وفيره بر التكو كى عدر بد مارى التلك فيد موانة قالوي كا تورون الدار كالإمهاب ومواجة بالدار كاحتالين كالالساس عد الدام الك رواحد و الكان كا إنا إلى الله عالم كا كما المد عناس في القال قريمًا لم والم كرا في ك لوصل كى سے كر موانا تمانوى "منزى الى واؤو" كى الى جديث ادر الله بعث لهذه الأمة على أمر کا ماتا سنا مار بجدد لها دینها (ے لک اللہ توفی اس امن کے لے م صوی کے رہے براک انے فقی کو بدا کرے کا جو اس کے لیے دی کو نا کر دے گا) کے قت "مود کال" تھ، اس ملط

یں انہوں نے موانا تھالوی کے مختلات "الاقاشات اليمر" ہے يہ روات کھی تھی کی ہے: الک صاحب نے غود تکیم الامت ہے دریافت کیا کہ کیا محدد کا محدد ہوتا کمی دلیل قبلی ے معلم بوتا ہے۔ فربالا کو قول، وال قلم ے، لین طابات اور آ وار ہے۔ ایک اور مولوی صاحب کے جمعہ کر کے یہ موال کر دیا کہ کما حقریدہ محدد واقت اور 5 فریلا کر اقال و الدكو الى عد كر ال عداد الى . جم اورون كو الى د كرنا حاعد الني ك ورد میں محائل ے، باقی تعلی باتین تو کی عدد کا فیل ہوا جس سے بتنا اور جس ورد کا أفتل بريائ: ذلك قضا الله يؤتيه من بشأه والله ذو الفضا العطيم (س 24).

ان رواحد کے بعد الک ورک کے خاب اور حوال الفاق کی جانب سے وال آگا تھے وروز کی گئی ہے اور نتی یہ افذ کیا گیا ہے: "حضرت ملیم الامت کے بعد اب حضرت امام مدی ی آئی ك اور آب آخرى مهد الن" (من ٨٠).

حالے کی اقبلہ قریم نے موان قانوی کے محدولہ کارجموں کو علی اور محل وہ حصوں میں تقلیم کیا عد على كارنامون عن أن كرآخر حاسد كي للمنتل معروفيات إدر إن كرانيد بيندوه ميشومات ر رافئی واف ہے، جن پر ووستقل کالوں کی تالف و ترجب جانے تھے۔ ان کا کالوں میں ہے ایک

ر المساع المراد الموسطين من مريد العاد القوم على المجتمع الموسطين الموسطين الموسطين على الموسط من المحتمد الم ** العاد المساعة على المراكب على المساعة المساعة المساعة على المساعة على المساعة على المساعة المساعة المساعة ع ولم من كي مينا " (مريده) ...

گہا تھور پاکستان ہے پہلے حترب تکم الاست مواہ تدافی نے قبل کیا، سات ہوا۔ رس کے کہ اس میں تھ پاکستان متحول کھی کہا، اس کے انجیاء ادعائی مال بعد شام مشرق الکو انتہال موم نے 41 کرمر مجاور کو اپنے مختبر خشر، اند آباد میں فراید ''شک معرف بدعوان اور امام کی قال و وجود کے لیا ایک مشمم استعالی مواد کا حالیہ کا مدار '' (رچھائی)۔

والدر باسته سنجي الاسته المستوال والكون العن يحد (المستوات المستوال المستوالي الدينة المجارة المستوالي المستوا والمستوالي من المراقع عن المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستوالي المستو والموافق المستوالية المستوالي

موان (افائوی) سے گرا و با ہے۔ اوگوں کو مطلح تھی لائٹ قزائے میں کیا لفٹ آ تا ہے" (خام اللہ عید آبادی "رفاعت بابدی" کرا بی " (۱۹۸۸) میں ۱۹۸۳)۔ کما موان توافیجا کے حاصلہ میں مرسلے کا تقییر رفس بھی کرکیا ماہدہ 1980ء میں باسم آباد

اں تھی تک ساتا میں اندی میں اندیکی میں اندیکی میں اندیکی ادارے ماموں کے اور اندیکی ادارے ماموں کے اور اندیکی ا پرانے میں مجال کی آزاد دری کی گل جی رہ موانا تھاؤی کے زواج میان میں گل اور امام انداز جیر اور ان کے خاکر انداز کی سات عمل الل تھی پائٹسی عادم کی تحوالی اور ان کے معاق اثر کے

-(mt/) "15 & di = 121

in .

- UN Y UT

كاب ك آثر عن موادة الداوى في ابني العن المنيات و تابقات كو جن طرق ويكما ب

بین بد افزار ذکری که این وجید که دور آمریق کرسته است این میان میز این با بسته این میان به بعد این برای میز این کرسته این میزاد این که طول به معاده این این که میزاد این که طول به میزاد این این که میزاد این این که این این میزاد این که این که

۔ فاکدہ اصل کے ماتھ ہے بات کل ماشتہ آئی ہے کہ نے ایک مطبعہ عدی کافائی ہے جہ از عرف حاصب ہوائی کی بر بائے کہ مواص و کھونگی کامی ہے، اور اس کی تاثیر کار ہے بکہ آرادہ کی صحت کی چمان ٹائن کئی کرتا (جیدا کہ لئیر، پاکستان کے حاسا سے پم کے نگان دی کی ہے)۔

ے کی چھان کان کیل کرنا (جیدا کر تھیں پاکستان کے حوالے سے ہم نے لگان دی کی ہے)۔ کانے کی مخالف کے ان بانی رقب کے ساتھ کلک اداکات کی کھر جو نے مطابقہ کا محفود

یک با کرنے کا تا اُڑ ہی موجد ہے، ہیل ایک ہی موامن پر مطابات اللہ موانات کے اُست تھری

"اداره چاہندے افروسہدارہ آباد" کی دون کائل گذر برت بر گجی ہیں۔ کمل کمپ جملہ ہے۔ اور دورکی کی طاقعال بھارا کی ہے۔ آئیں۔ کی افقاء اگر ڈیارہ اطبیط ہے درسے کر کی جائیں '' قدری کی کوئٹ خاص کا مرح ہوئی ہے۔ اس کی کہ کا تعدد افزائش کی برقید کار بچھا جائے کا، دور دورک کائل کے ہے تو اور بھی طاقع میں کی۔ دورک کائل کے ہے تو اور بھی طاقع میں کی۔